

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مدیریت خانواده جلد (۲)

شاخه : کاردانش

زمینه : خدمات

گروه تحصیلی : هنر

زیر گروه : کارهای هنری در خانه

رشته مهارتی : مدیریت و برنامه ریزی خانواده

شماره رشته مهارتی : ۳۰۵-۱۰۱-۱۰-۳

کد رایانه ای رشته مهارتی : ۶۱۷۰

نام استاندارد مهارت مبنا : مدیریت و برنامه ریزی امور خانواده

کد استاندارد متولی : ۷-۲۰/۱۲/۱/۳

شماره درس - نظری : ۵۰۸ عملی : ۵۰۹

عنوان و نام پدیدآور	مدیریت خانواده [کتابهای درسی] شاخه کاردانش زمینه خدمات گروه تحصیلی هنر... مؤلفان: زهرا افشاری، فریبا زمانی، شهین ایروانی، ربابه نوری و مریم ابن تراب؛ برنامه ریزی محتوا و نظارت بر تألیف: دفتر تألیف کتابهای درسی فنی و حرفه ای و کاردانش.
مشخصات نشر	تهران: شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	ج. ۲.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۲۰۳-۵
وضعیت فهرست نویسی	فیفا
یادداشت	کتاب حاضر استاندارد مهارت مبنا: مدیریت و برنامه ریزی امور خانواده
یادداشت	کد استاندارد متولی: ۷-۲۰/۱۲/۱/۳، شماره درس نظری: ۵۰۸ و شماره درس عملی: ۵۰۹ است. مؤلفان جلد دوم: شهین ایروانی، ربابه نوری و مریم ابن تراب می باشند.
موضوع	۱- اقتصاد خانواده، ۲- خانه داری - مدیریت
شناسه افزوده	الف - افشاری، زهرا، ۱۳۶۱. ب - زمانی، فریبا. ج - ایروانی، شهین، ۱۳۴۱. د - ابن تراب، مریم، ۱۳۵۰. ه - نوری، ربابه. و - سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی. ز - دفتر تألیف کتابهای درسی فنی و حرفه ای و کاردانش. ح - اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی.
رده بندی کنگره	TX ۱۴۵/م۴ ۱۳۸۹
رده بندی دیویی	۳۷۳/ک۰۵۰۸
شماره کتاب شناسی ملی	۲۲۶۹۰۴۲

همکاران محترم و دانش آموزان عزیز :

پیشنهادهای و نظرات خود را درباره محتوای این کتاب به نشانی
تهران - صندوق پستی شماره ۴۸۷۴/۱۵ دفتر تألیف کتابهای درسی
فنی و حرفه‌ای و کاردانش، ارسال فرمایند.

پیام نگار (ایمیل) tvoccd@roshd.ir
وبگاه (وبسایت) www.tvoccd.medu.ir

محتوای این کتاب در دومین جلسه مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۲۰ کمیسیون تخصصی رشته مدیریت و
برنامه‌ریزی خانواده شاخه کاردانش دفتر تألیف کتابهای درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش با عضویت: بتول
عطاران، محبوبه خلفی، مژده سعیدی‌نژاد، محمدرضا صادق پورسعید، نبی‌الله مقیمی و سید رحمان هاشمی
تأیید شده است.

وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف: دفتر تألیف کتابهای درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش
نام کتاب: مدیریت خانواده (۲) - ۶۱۳/۷

بخش اول: پودمان مهارتی توانایی: برقراری روابط سالم انسانی و اخلاقی در خانواده و جامعه
بخش دوم: پودمان مهارتی توانایی: تعلیم و تربیت کودک
بخش سوم: پودمان مهارتی توانایی: آشنایی با حقوق خانواده
مؤلفان: زهرا افشاری، فریبا زمانی، شهین ایروانی، ربابه نوری و مریم ابن تراب
ویراستار فنی: امیر هوشنگ مهریار، بهناز مرجانی و آیت‌الله محمد موسوی بجنوردی
ویراستار ادبی: حسین داوودی

نظارت بر چاپ و توزیع: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
وبسایت: www.chap.sch.ir

صفحه‌آرا: توفیق علایی

طراح جلد: سیده فیروزه هاشمی

ناشر: شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران: تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروبخش)
تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران «سهامی خاص»
نوبت و سال چاپ: چاپ سوم ۱۳۹۴

حق چاپ محفوظ است.



شما عزیزان کوشش کنید که از این وابستگی بیرون آید و احتیاجات کشور خودتان را برآورده
سازید، از نیروی انسانی ایمانی خودتان غافل نباشید و از اتکای به اجانب پرهیزید.
امام خمینی (ره)

فهرست مطالب بخش اول

۳-۱-۲ حریم	مقدمه
۴-۱-۲ جنسیت	راهنمای استفاده از پودمان
۵-۱-۲ مرز	هدف کلی
۶-۱-۲ تفسیر از جهان	بخش اول - روابط خانوادگی (ص ۵)
۲-۲ به کارگیری مهارت‌های اساسی برای بهبود زندگی خانوادگی	● واحد کار اول: اصول برقراری ارتباط (ص ۶)
۱-۲-۲ خودآگاهی و خودشناسی	هدف‌های رفتاری
۲-۲-۲ شناخت احساس‌ها	پیش‌آزمون واحد کار اول
۳-۲-۲ مهارت همدلی	مقدمه
۴-۲-۲ مهارت حل اختلاف	۱-۱ اهمیت ارتباط
۲-۳ شناخت دستورات اخلاقی اسلام برای تأمین سلامت روابط خانوادگی	۱-۱-۱ اهمیت ارتباط در تعالیم اسلامی
۱-۳-۲ محبت و صمیمیت	۱-۱-۲ اهمیت ارتباط در پژوهش‌های علمی
۲-۳-۲ احترام گذاشتن به یک دیگر	۱-۲ اجزای اصلی ارتباط
۳-۳-۲ گذشت و خطاپوشی	۱-۲-۱ ارسال‌کننده‌ی پیام یا پیام‌دهنده
۴-۳-۲ همکاری و تقسیم کار	۱-۲-۲ محتوای پیام
۴-۲ آشنایی با مسئولیت‌های افراد در خانواده	۱-۲-۳ دریافت‌کننده‌ی پیام یا پیام‌گیرنده
۱-۴-۲ مسئولیت مردان در خانواده	۱-۳ موانع ارتباطی
۱-۴-۱-۱ مسئولیت اقتصادی	۱-۳-۱ موانع مرتبط با ارسال پیام
۲-۴-۱-۲ مسئولیت ارشادی	۱-۳-۱-۱ انتظارات و توقع‌های بی‌جا
۲-۴-۲ مسئولیت زنان در خانواده	۱-۳-۱-۲ پشت‌گوش انداختن و اجتناب از بیان
۱-۴-۲-۱ مسئولیت پرورش فرزند	۱-۳-۱-۳ تخلیه‌ی احساسات و عواطف منفی به جای بیان سالم آن‌ها
۲-۴-۲-۲ مسئولیت مدیریت منزل	۱-۳-۱-۴ بازداری احساسات و عواطف
۳-۴-۲ مسئولیت فرزندان در خانواده	۱-۳-۲ موانع مرتبط با محتوای پیام
۱-۴-۳-۱ احسان و اطاعت از والدین	۱-۳-۲-۱ عوامل کلامی
۲-۴-۳-۲ انجام مسئولیت‌ها و فعالیت‌های شخصی	۱-۳-۲-۲ عوامل فراکلامی
۳-۴-۳-۲ همکاری در فعالیت‌های منزل	۱-۳-۲-۳ عوامل غیرکلامی
چکیده	۱-۳-۳ موانع مرتبط با دریافت پیام
آزمون پایانی نظری واحد کار دوم	۱-۳-۳-۱ فکر خوانی
آزمون پایانی عملی واحد کار دوم	۱-۳-۳-۲ برجسب زدن
● واحد کار سوم: ازدواج و ملاک‌های انتخاب همسر (ص ۳۳)	۱-۳-۳-۳ بی‌توجهی به بخشی از سخنان گوینده
هدف‌های رفتاری	۱-۳-۳-۴ در فکر و خیال فرورفتن
پیش‌آزمون واحد کار سوم	۱-۳-۳-۵ قضاوت کردن
۱-۳ ازدواج؛ یک تغییر	۱-۴ مهارت گوش دادن
۲-۳ باورهای غلط در مورد ازدواج	۱-۵ نکات مهم در ارتباطات انسانی
۳-۳ ملاک‌های گزینش همسر	چکیده
۱-۳-۲ سن	آزمون پایانی نظری واحد کار اول
۲-۳-۲ تشابه از نظر وضعیت تحصیلی، اجتماعی، مذهبی و فرهنگی	آزمون پایانی عملی واحد کار اول
۳-۳-۳ استقلال زوجین از خانواده پدری	● واحد کار دوم: عوامل مؤثر در انسجام خانواده (ص ۱۸)
۴-۳-۳ اولویت ندادن به ویژگی‌های ظاهری	پیش‌آزمون واحد کار دوم
۵-۳-۳ استقلال مالی	مقدمه
۶-۳-۳ برخورداری از مهارت تصمیم‌گیری	۱-۲ شناخت ابعاد روابط نزدیک خانوادگی
چکیده	۱-۱-۲ دلبستگی
آزمون پایانی نظری واحد کار سوم	۱-۲-۲ سلسله مراتب قدرت

فهرست مطالب بخش دوم

بخش دوم - تعلیم و تربیت کودک (ص ۶۴)

مقدمه

● واحد کار اول: تعلیم و تربیت در خانواده (ص ۶۵)

هدف های رفتاری

پیش آزمون واحد کار اول

مقدمه

۱-۱ مفهوم تعلیم و تربیت

۱-۲ اهمیت تعلیم و تربیت در خانواده

۱-۳ نقش خانواده در تعلیم و تربیت فرزندان

چکیده

آزمون پایانی نظری واحد کار اول

آزمون پایانی عملی واحد کار اول

● واحد کار دوم: پرورش حواس و زبان آموزی در کودکان (ص ۷۲)

هدف های رفتاری

پیش آزمون واحد کار دوم

مقدمه

۱-۲ اهمیت حواس پنج گانه در انسان

۲-۲ پرورش حواس در کودکان

۲-۲-۱ اهداف و اصول پرورش حواس کودکان

۲-۲-۲ روش های پرورش حواس کودکان

۲-۳ اهمیت زبان آموزی

۲-۳-۱ زبان آموزی و تکلم کودکان

۲-۳-۲ نقش پدر و مادر در زبان آموزی کودک

۲-۳-۳ توصیه های تربیتی

۲-۳-۴ موانع زبان آموزی

چکیده

آزمون پایانی نظری واحد کار دوم

آزمون پایانی عملی واحد کار دوم

● واحد کار سوم: یادگیری، خلاقیت و امور تحصیلی کودکان (ص ۸۷)

هدف های رفتاری

پیش آزمون واحد کار سوم

مقدمه

۱-۳ یادگیری کودکان

۱-۱-۳ تفاوت یادگیری کودکان و بزرگسالان

۱-۲-۳ انواع یادگیری کودکان

۱-۳-۳ عوامل مؤثر در یادگیری

۲-۳ خلاقیت در کودکان

۲-۱-۳ نشانه های خلاقیت کودک

۲-۲-۳ تشخیص خلاقیت کودکان

۲-۳-۳ پرورش خلاقیت کودکان

۲-۲-۴ عواملی که خلاقیت را از بین می برند

۳-۳ نحوه ی هدایت تحصیلی و اشتغال فرزندان

۳-۱-۳ حساسیت والدین به موضوع تحصیل و اشتغال فرزندان

۳-۲-۳ موضع گیری والدین درباره ی تحصیل و اشتغال فرزندان

آزمون پایانی عملی واحد کار سوم

● واحد کار چهارم: ارتباط با همسر و فرزند (ص ۹۲)

هدف های رفتاری

پیش آزمون واحد کار چهارم

۱-۴ رفتار با همسر و فرزند در قرآن کریم

۲-۴ عوامل مؤثر در برقراری ارتباط درست با همسر

۱-۲-۴ کیفیت ارتباط زوجین

۲-۲-۴ شناخت تفاوت های میان زن و مرد

۱-۲-۲-۴ تفاوت های جسمی

۲-۲-۲-۴ تفاوت های روانی

۳-۲-۴ داشتن اوقات مشترک

۴-۲-۴ احترام به حریم های شخصی

۵-۲-۴ مشارکت در انجام مسئولیت های خانوادگی

۶-۲-۴ انعطاف در ایفای نقش های خانوادگی

۷-۲-۴ ایجاد تعادل در نقش های خانوادگی

۳-۴ عوامل مؤثر در برقراری ارتباط درست با فرزند

چکیده

آزمون پایانی نظری واحد کار چهارم

آزمون پایانی عملی واحد کار چهارم

● واحد کار پنجم: مشکلات و آسیب های ارتباط در خانواده (ص ۹۶)

هدف های رفتاری

پیش آزمون واحد کار پنجم

مقدمه

۱-۵ مفهوم مشکلات ارتباطی در خانواده

۲-۵ مشکلات ارتباطی ناشی از بیماری های جسمی یا روانی

۳-۵ مشکلات ارتباطی والد-فرزند

۴-۵ مشکلات ارتباطی بین والدین

۵-۵ مشکلات ارتباطی بین خواهران و برادران

چکیده

آزمون پایانی نظری واحد کار پنجم

آزمون پایانی عملی واحد کار پنجم

فهرست مطالب بخش دوم (تعلیم و تربیت)

فهرست مطالب بخش سوم

۳-۳-۳ جایگاه تحصیل و اشتغال در زندگی

۳-۳-۳-۱ جایگاه تحصیل در زندگی

۳-۳-۳-۲ جایگاه اشتغال در زندگی

۳-۳-۴ توصیه های تربیتی به والدین

۳-۳-۴-۱ توصیه های تربیتی به والدین درباره ی تحصیل فرزندان

۳-۳-۴-۲ توصیه های تربیتی به والدین درباره ی اشتغال فرزندان

چکیده

آزمون پایانی نظری واحد کار سوم

آزمون پایانی عملی واحد کار سوم

● واحد کار چهارم: اصول و روش های تعلیم و تربیت در خانواده (ص ۱۱۰)

هدف های رفتاری

پیش آزمون واحد کار چهارم

مقدمه

۴-۱ اشاره ای به ویژگی های کودکان

۴-۲ رفتار اخلاقی کودک

۴-۳ اصول و روش های تربیت فرزندان در خانواده

۴-۳-۱ اصول اولیه در اقدام های تربیتی والدین

۴-۳-۲ روش های عمومی تربیت کودکان

۴-۳-۲-۱ پاسخ به نیازهای کودکان

۴-۳-۲-۲ استفاده از زبان مهر و نوازش

۴-۳-۲-۳ پذیرش کامل کودک

۴-۳-۲-۴ تفسیر مثبت از رفتار کودک

۴-۳-۲-۵ گفت و گو با کودک

۴-۳-۲-۶ اجتناب از رفتارهای منفی

۴-۳-۲-۷ جدیت در کلام و عمل

۴-۳-۲-۸ انتظار معقول، مجازات معقول، پاداش معقول

۴-۴ روش های اصلاح رفتار کودکان

۴-۵ عدالت جنسیتی

چکیده

آزمون پایانی نظری واحد کار چهارم

آزمون پایانی عملی واحد کار چهارم

● واحد کار پنجم: بازی کودکان (ص ۱۴۲)

هدف های رفتاری

پیش آزمون واحد کار پنجم

مقدمه

۵-۱ کودک و بازی

۵-۲ اهمیت بازی برای کودک

۵-۳ انواع بازی

۵-۳-۱ انواع بازی در مراحل رشد کودک

۵-۳-۲ انواع بازی بر اساس استفاده از وسیله ی بازی

۵-۳-۳ ویژگی های اسباب بازی مناسب

۵-۳-۴ اسباب بازی هایی که می توان در خانه تهیه کرد

۵-۴ توصیه های تربیتی برای والدین

چکیده

آزمون پایانی نظری واحد کار پنجم

آزمون پایانی عملی واحد کار پنجم

● واحد کار ششم: نقشه، ابزاری تربیتی (ص ۱۵۳)

هدف های رفتاری

پیش آزمون واحد کار ششم

مقدمه

۶-۱ دلایل نیاز کودکان به قصه

۶-۲ آثار تربیتی قصه و داستان

۶-۳ معیارهای انتخاب کتاب مناسب

۶-۳-۱ مشخصات کتاب

۶-۳-۲ تناسب کتاب با مراحل رشد کودکان و نوجوانان

۶-۳-۲-۱ کتاب های مناسب برای گروه سنی الف

۶-۳-۲-۲ کتاب های مناسب برای گروه سنی ب

۶-۳-۲-۳ کتاب های مناسب برای گروه سنی ج

۶-۳-۲-۴ کتاب های مناسب برای گروه سنی د

۶-۳-۲-۵ کتاب های مناسب برای گروه سنی هـ

۶-۴ قصه گوئی و قصه خوانی برای کودکان

چکیده

آزمون پایانی نظری واحد کار ششم

آزمون پایانی عملی واحد کار ششم

● واحد کار هفتم: گذران اوقات فراغت کودکان در خانواده (ص ۱۶۳)

هدف های رفتاری

پیش آزمون واحد کار هفتم

مقدمه

۷-۱ اوقات فراغت و تأثیر آن بر کودکان

۷-۲ والدین و اوقات فراغت کودکان

۷-۳ اصول برنامه ریزی اوقات فراغت

۷-۴ محورهای پیشنهادی برای برنامه ی گذران اوقات فراغت کودکان در خانواده

چکیده

آزمون پایانی نظری واحد کار هفتم

آزمون پایانی عملی واحد کار هفتم

● واحد کار هشتم: نقش نهادهای آموزشی کشور در تعلیم و تربیت کودکان (ص ۱۷۱)

هدف های رفتاری

پیش آزمون واحد کار هشتم

مقدمه

۸-۱ نیاز انسان به آموزش و پرورش

۸-۲ تاریخ آموزش و پرورش

۸-۳ نهادهای آموزشی در ایران

۸-۴ انواع آموزش و پرورش

۸-۴-۱ نهادهای آموزش غیر رسمی

۸-۴-۲ نهادهای آموزشی رسمی

۸-۵ ضرورت وجود مدرسه و نظام آموزش رسمی

۸-۶ ضرورت همکاری خانه و مدرسه

۸-۷ مراحل روابط خانه و مدرسه

۸-۸ نقش والدین در کنترل برنامه ی تحصیلی فرزندان

۸-۹ موانع ارتباط معلم با والدین و مشارکت آن ها در مدرسه

۸-۱۰ آموزش والدین

چکیده

آزمون پایانی نظری واحد کار هشتم

آزمون پایانی عملی واحد کار هشتم

فهرست مطالب بخش سوم

بخش سوم - آشنایی با حقوق خانواده (ص ۱۸۹)

مقدمه

● واحد کار اول - مفهوم حقوق و آشنایی با حقوق مدنی (ص ۱۹۱)

هدف های رفتاری

پیش آزمون واحد کار اول

مقدمه

۱ مفاهیم اساسی در حقوق

۱-۱ تعریف حق

۲-۱ ارکان حق

۳-۱ موارد حق

۴-۱ آثار حق

۵-۱ رابطه ی حق و تکلیف

۲- تعریف حقوق

۱-۲ اوصاف قواعد حقوقی

۲-۲ هدف حقوق

۳- رابطه ی حقوق با سایر قواعد اجتماعی

۱-۳ رابطه ی حقوق با اخلاق

۲-۳ رابطه ی حقوق با مذهب

۳-۳ رابطه ی حقوق با آداب و رسوم اجتماعی

۴- رشته های گوناگون حقوق

۱-۴ حقوق ملی و بین المللی

۵- تعریف حقوق مدنی

۱-۵ روابط افراد یک اجتماع

۲-۵ مباحث حقوق مدنی

۱-۲-۵ مبحث اموال

۲-۲-۵ مبحث اشخاص

۳-۲-۵ دلایل اثبات دعوی

چکیده

آزمون پایانی نظری واحد کار اول

آزمون پایانی عملی واحد کار اول

● واحد کار دوم - حقوق خانواده (ص ۲۰۳)

هدف های رفتاری

پیش آزمون واحد کار دوم

مقدمه

۲- مقدمات ازدواج

۱-۲ خواستگاری

۲-۱-۲ نامزدی

۲-۲ شروط ازدواج

۱-۲-۲ شروط مثبت

۲-۲-۲ شروط منفی

۳-۲ اقسام ازدواج

۱-۳-۲ ازدواج دائم

۲-۳-۲ ازدواج منقطع

۴-۲ حقوق و تکالیف متقابل زن و شوهر

۱-۴-۲ حقوق غیر مالی

۲-۴-۲ حقوق مالی

۱-۲-۴-۲ مهر

۲-۲-۴-۲ نفقه

۳-۴-۲ حقوق اختیاری

۵-۲ جدایی

۱-۵-۲ حق فسخ نکاح

۲-۵-۲ طلاق

۱-۲-۵-۲ حق طلاق

۲-۲-۵-۲ اقسام طلاق

۶-۲ حقوق کودک

۱-۶-۲ حقوق غیر مالی کودک

۱-۱-۶-۲ گرفتن شناسنامه

۲-۱-۶-۲ حضانت

۲-۶-۲ حقوق مالی کودک

۳-۶-۲ ولایت

چکیده

آزمون پایانی نظری واحد کار دوم

آزمون پایانی عملی واحد کار دوم

● واحد کار سوم - قوانین ارث (ص ۲۱۶)

هدف های رفتاری

پیش آزمون واحد کار سوم

مقدمه

۳- مال مورد ارث

۱-۳ وصیت

۲-۳ موجبات ارث

۱-۳-۲ خویشاوندان نسبی

۲-۳-۲ خویشاوندان سببی

۳-۳ سهم ارث

۱-۳-۳ سهم ارث طبقه ی اول

۲-۳-۳ سهم ارث همسران

آزمون پایانی نظری واحد کار سوم

آزمون پایانی عملی واحد کار سوم

● پیوست ها (ص ۲۲۴)

پاسخنامه های پیش آزمون ها

پاسخنامه های آزمون های پایانی نظری

منابع و مآخذ بخش اول

برای مطالعه ی بیش تر بخش اول

منابع و مآخذ بخش دوم

برای مطالعه ی بیش تر بخش دوم

منابع و مآخذ بخش سوم

راهنمای استفاده از پودمان

از آنجا که دخترانِ امروز، مادران فردای جامعه خواهند بود، به دست آوردن مهارت‌های لازم در زمینه‌ی مدیریت و برنامه‌ریزی خانواده برای داشتن خانواده‌ی سالم و توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی کشور نقش به سزایی دارد. از اینرو، رشته‌ی مهارتی “مدیریت و برنامه‌ریزی خانواده” در شاخه‌ی کار دانش با افزایش توانمندی دختران در خصوص برنامه‌ریزی امور خانواده، خوداشتغالی و تأسیس کارگاه‌های خانگی، افزایش خوداتکایی و اعتماد به نفس و ارتقای سطح سلامت خانواده، از اهمیت خاصی برخوردار است.

“مدیریت و برنامه‌ریزی امور خانواده”، “مهارت‌های سالم زیستن” و “هنر در خانه” سه استاندارد مهارتی این رشته هستند که براساس مجموعه‌ای به هم پیوسته از پودمان‌های مهارتی تهیه و تنظیم شده‌اند.

مجموعه‌ی پودمان‌های استاندارد “مدیریت و برنامه‌ریزی امور خانواده”، هنرجو را قادر می‌کند براساس نیازهای خانواده و با توجه به درآمد و شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برنامه‌ریزی امور خانواده‌ی خود را برعهده گیرد، توازن در دخل و خرج را رعایت کند، از عهده‌ی تعلیم و تربیت فرزند برآید، از حقوق خود و خانواده بهره‌مند شود و روابط سالم انسانی و اخلاقی را برقرار سازد.

مجموعه‌ی پودمان‌های استاندارد “مهارت‌های سالم زیستن” هنرجو را قادر می‌کند، مهارت‌های لازم را برای تأمین سلامت خانواده در زمینه‌های مختلف بهداشتی مانند بهداشت فردی، بهداشت محیط، بهداشت مواد غذایی، بهداشت روانی، نظام عرضه‌ی خدمات بهداشتی و درمانی، بهداشت مادر و کودک، بهداشت بلوغ، بهداشت سالمندان، کمک‌های اولیه، حوادث خانگی، شناسایی برخی بیماری‌ها، مراقبت از بیماران و آموزش بهداشت در محیط خانه و خانواده به کار بندد.

مجموعه‌ی پودمان‌های استاندارد “هنر در خانه”، هنرجو را قادر می‌کند مهارت‌های آشپزی، شیرینی‌پزی، پذیرایی از میهمان، خیاطی، گلدوزی، بافتنی، گلسازی، آراستگی شخصی، چیدمان وسایل منزل، کاربرد و نگهداری لوازم خانگی و پرورش گل و گیاه را در منزل به کار بندد.

توصیه می‌شود برای استفاده از پودمان‌های مهارتی به منظور اجرای مطلوب آموزش‌ها به نکته‌های زیر توجه کنید:

با مطالعه‌ی هدف کلی، فهرست وسایل و تجهیزات موردنیاز، جدول زمان‌بندی و مهارت‌های پیش نیاز برنامه‌ی آموزشی خود را تنظیم کنید.

- پیش آزمون‌های ابتدای هر واحد کار را بررسی کنید. این کار اطلاعات و مهارت‌های ورودی را ارزیابی و برای شروع برنامه‌ی آموزشی انگیزه و تمرکز بیشتری ایجاد می‌کند.

- به انتظارهای آموزشی هر واحد کار با مطالعه‌ی دقیق هدف‌های رفتاری توجه کنید.

- محتوای آموزشی هر واحد کار براساس روش‌های فعال یاددهی - یادگیری تدوین شده و شامل پرسش‌های انگیزشی، فعالیت‌های عملی، مباحث نظری، جدول‌ها، نمودارها و تصاویر مرتبط با موضوع است که با توجه به هدف‌های رفتاری تدوین شده‌است.

- به منظور افزایش بازدهی آموزشی توصیه می‌شود، کارهای عملی فردی و گروهی را در کنار مطالعه‌ی مطالب نظری انجام دهید. این فعالیت‌های عملی شامل بازدید، تحقیق، تمرین عملی و ... است.

- در هر واحد کار مطالبی تحت عنوان "بیشتر بدانید" گنجانده شده که مطالعه‌ی آن صرفاً برای کسب اطلاع بیشتر توصیه می‌شود و جزء برنامه‌ی آموزشی نیست.

- در هر واحد کار، نکته‌هایی با اهمیت بیشتر با عنوان "توجه"، "نکته" و "آیا می‌دانید" طراحی شده که نشان‌دهنده‌ی تأکید بر اهمیت مطلب است.

- در پایان هر واحد کار، چکیده‌ی واحد کار، آزمون‌های پایانی نظری و عملی برای ارزشیابی بخش‌های نظری و عملی مطرح شده‌است.

- پاسخنامه‌ی پیش آزمون و آزمون پایانی نظری هر واحد کار در بخش پیوست‌ها آمده است. توصیه می‌شود به منظور ارزیابی میزان یادگیری محتوای هر واحد کار ابتدا به پرسش‌ها پاسخ دهید، بعد به پاسخ نامه مراجعه کنید. چنانچه پاسخ‌دهی شما به آزمون پایانی رضایت بخش نبود، پیش از آغاز واحد کار بعدی مجدداً آن را مطالعه کنید.

- در بخش پیوست‌ها پس از معرفی منابع مؤلف یا مؤلفان، بخش دیگری نیز با عنوان "برای مطالعه‌ی بیشتر" آمده است. در این بخش کتاب‌ها، نرم افزارها و پایگاه‌های اینترنتی که به یادگیری بیشتر هنجو کمک می‌کند، معرفی شده است. چنانچه این منابع برای هر واحد کار متفاوت باشد، در پایان آن واحد ذکر می‌شود. امیدواریم که هنجویان عزیز در به دست آوردن مهارت‌های لازم علاقمندانه بکوشند تا مادرانی آگاه، خانواده‌ای سالم و صاحب فرزندانی تندرست شوند.

خانواده، کوچک‌ترین واحد اجتماعی مرکب از پدر، مادر و فرزندان نابالغ است و نقشی مهم در بهداشت و سلامت جامعه بر عهده دارد. تشکیل خانواده با ازدواج آغاز می‌شود که یکی از مهم‌ترین تصمیم‌گیری‌های زندگی هر فرد است. ازدواج، همانند هر تصمیم‌گیری دیگری، نیاز به تعقل و تفکر دارد. توجه به نکات خاص به ویژه همانندی در خصوصیات اخلاقی، مذهبی، اجتماعی، استقلال زوجین از خانواده‌ی قبلی و اولویت ندادن به ویژگی‌های ظاهری از اصول مهمی است که در همسرگزینی باید به آن توجه داشت.

برخورداری از بعضی توانایی‌ها و مهارت‌های ارتباطی، نه تنها هنگام ازدواج بلکه پس از ازدواج به انسان‌ها کمک می‌کند تا از زندگی خانوادگی بهتری بهره‌مند شوند و لذت ببرند؛ از جمله، برقراری ارتباط صحیح با سایر اعضای خانواده، اختصاص دادن اوقات مناسب برای خانواده، همکاری و تشریک مساعی در وظایف و مسئولیت‌های خانوادگی، پذیرفتن تفاوت‌های فردی در زندگی خانوادگی و توانایی حل و برطرف کردن اختلاف‌ها. در این میان، توانایی برقراری ارتباط صحیح انسانی با همسر و فرزند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همچنین، توانایی بیان احساسات مثبت، توانایی همدلی و درک و فهم دیگری، شناخت احساسات در خود و دیگری و نحوه‌ی مقابله‌ی صحیح با احساسات نیز بسیار مهم‌اند. اشکالات و ضعف‌هایی که در برقراری ارتباط ایجاد می‌شود معمولاً به روابط خانوادگی شدیداً صدمه وارد می‌کند. روابط خانوادگی دارای ابعاد خاصی است، مانند دلبستگی، وفاداری، حریم، کنش متقابل و ... عواملی که به تقویت این ابعاد کمک کنند، نقش مهمی در بهبود و تقویت روابط خانوادگی خواهند داشت که در پودمان روابط خانوادگی به تعدادی از آن‌ها اشاره شده است. به علاوه در این پودمان، ارتباطات خانوادگی، در قالب وظایف، نقش‌ها و مسئولیت‌های مختلف خانوادگی بررسی شده است. همچنین، مهارت‌ها و توانایی‌هایی که به بهبود ارتباطات خانوادگی کمک می‌کنند و مشکلات ارتباطی شایع در میان خانواده‌ها معرفی گردیده و از توصیه‌های اسلامی انسانی نیز در جهت تحکیم روابط خانوادگی استفاده شده است.

بخش اول

روابط سالم خانوادگی

هدف کلی:

توانایی برقراری روابط سالم انسانی و اخلاقی در
خانواده و جامعه

جدول زمان بندی

آموزش نظری	آموزش عملی	جمع
۲۰ ساعت	۴ ساعت	۲۴ ساعت

واحد کار اول

اصول برقراری ارتباط





هدف‌های رفتاری



انتظار می‌رود هنرجو پس از گذراندن این واحد کار بتواند به هدف‌های زیر دست یابد:

- ۱- اهمیت ارتباط را در زندگی توضیح دهد.
- ۲- توصیه‌های اسلامی را در اهمیت برقراری ارتباط شرح دهد.
- ۳- حمایت اجتماعی را تعریف کند.
- ۴- موانع ارسال صحیح پیام را فهرست کند.
- ۵- موانع مرتبط با محتوای پیام را شرح دهد.
- ۶- موانع دریافت صحیح پیام را فهرست کند.
- ۷- مهارت گوش دادن را در زندگی به کار بندد.

پیش آزمون واحد کار اول



- ۱- کدام گزینه ناشی از ارتباطات اشتباه است:

الف) افزایش سلامت روان	ب) افزایش سلامت جسمی
ج) افزایش احساسات منفی	د) افزایش توانایی حل مشکلات
- ۲- راهنمایی در خصوص نحوه‌ی دریافت وام‌های کم‌بهره جزء کدام یک از حمایت‌های اجتماعی است؟

الف) وسیله‌ای	ب) اطلاعاتی	ج) احترامی	د) امنیتی
---------------	-------------	------------	-----------
- ۳- انتظار و توقع بی‌جا جزء کدام یک از موارد زیر است؟

الف) ارسال	ب) محتوا	ج) دریافت	د) موانع ارتباطی
------------	----------	-----------	------------------
- ۴- کدام گزینه مربوط به محتوای پیام نیست؟

الف) فکر خوانی	ب) عوامل فرا کلامی	ج) کلی‌گویی	د) تَن صدا
----------------	--------------------	-------------	------------
- ۵- کدام گزینه از اصول مهارت گوش دادن است؟

الف) برچسب زدن	ب) بی‌توجهی به بخشی از سخنان گوینده
ج) قضاوت کردن	د) نگریستن



مقدمه

یکی از مواهب و نعمات زندگی، توانایی برقراری ارتباط انسان با انسان‌های دیگر است. ارتباط گرم و صمیمی با دیگران باعث می‌شود احساس ایمنی، امنیت، اعتماد و آسایش در بین آنان به وجود آید.

۱-۱ اهمیت ارتباط

۱-۱-۱ اهمیت ارتباط در تعالیم اسلامی

اسلام، که تضمین کننده‌ی سعادت انسان است درباره‌ی اهمیت ارتباط و برقراری ارتباط در زندگی توصیه‌هایی بسیار دارد، از جمله می‌توان به صله‌ی رحم، شور و مشورت، نمازهای جماعت و جمعه، عفو و بخشایش، انفاق و کمک به یکدیگر اشاره کرد. قرآن کریم، تحکیم روابط انسانی را به مسلمانان توصیه کرده است و در آیات متعدد نحوه‌ی برخورد اجتماعی با یک دیگر را آموزش می‌دهد، از جمله نیکی کردن به یک دیگر (سوره‌ی نحل، آیه‌های ۹۰ و ۹۷، سوره‌ی رحمان، آیه‌ی ۶۰)، با یک دیگر به نرمی برخورد کردن (سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۵۹)، پذیرش دیگران در میان خود (سوره‌ی مجادله، آیه‌ی ۱۱)، دوری از کارهای دشمنی برانگیز (سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۲) و آیه‌های متعدد دیگر.



فعالیت عملی ۱

دو آیه و دو روایت در باره‌ی اهمیت ارتباط اجتماعی از نظر اسلام و قرآن کریم بنویسید.

۲-۱ اهمیت ارتباط در پژوهش‌های علمی

علم نشان داده است افرادی که روابط اجتماعی بیش‌تری با دیگران دارند هم از سلامت روانی و هم از سلامت جسمی بهتری برخوردارند و حتی در صورت بیماری نیز سریع‌تر از افراد تنها، منزوی یا افرادی که از ارتباطات خود ناراضی‌اند، بهبود می‌یابند. درواقع، پیوندها، روابط و معاشرت‌های اجتماعی همانند سپری در برابر ناملایمات زندگی از انسان دفاع می‌کنند.

توجه

تأثیر ارتباط سالم بر زندگی عبارت‌اند از:

- افزایش سلامت روان؛
- افزایش سلامت جسمی؛
- افزایش توانایی مقابله با مشکلات؛
- افزایش توانایی حل مشکلات زندگی؛
- کاهش احساسات منفی در زندگی؛
- احساس امنیت و ایمنی؛
- احساس اعتماد به دیگران؛
- موفقیت بیش‌تر انسان در زندگی.



حمایت اجتماعی

منظور از حمایت اجتماعی میزان آرامش، احترام، امنیت، آسایش و کمکی است که انسان می‌تواند از مردم یا گروه‌های مختلف دریافت کند. حمایت اجتماعی انواع مختلف دارد:

● **حمایت احترامی** - میزان احترامی است که فرد از دیگران می‌گیرد، مانند دانش‌آموزی که معلمش، به دلیل رعایت قوانین کلاس و مدرسه به او احترام می‌گذارد. همین احترام باعث می‌شود انگیزه‌ی پیشرفت درسی در این دانش‌آموز تقویت شود.

● **حمایت اطلاعاتی** - اطلاعاتی است که فردی به دیگری می‌دهد، مانند فردی که خانم بیوه‌ای را، که از نظر مالی و گذران زندگی مشکلات بسیار دارد، راهنمایی می‌کند که به کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) مراجعه کند.



کمیته امداد امام خمینی

ممکن است پیرسید چگونه ارتباط با انسان‌های دیگر چنین نقش مهمی در زندگی انسان دارد؟ برای روشن شدن مطلب به یکی از پژوهش‌های مهمی که در جهان انجام شده است دقت کنید:

محققان در مطالعه‌ای در خصوص افسردگی زنان کارگر، متوجه شدند به رغم این که زنان کارگر وضعیت مالی ضعیفی دارند؛ با این حال بعضی از آنان دچار افسردگی نشده‌اند. به همین دلیل، پژوهشگران به بررسی‌های بیش‌تری پرداختند.

آنان دریافتند زنان کارگری که از سلامت روان بیش‌تری برخوردار بودند، به رغم وجود مشکلات زیاد در زندگی خود؛ ارتباطاتی داشتند که از آن راضی و به آن دلگرم بودند و احساس می‌کردند وجودشان برای فردی دیگر مهم است و کسی در زندگی آنان وجود دارد که برای شان احترام و ارزش قابل است. همین موضوع مانع از افسردگی آنان شده بود^۱.

محققان عاملی را که مانع بروز افسردگی و سایر بیماری‌های روانی می‌شود، حمایت اجتماعی^۲ نامیده‌اند.

۱- البته عوامل دیگری نیز در افسردگی دخالت دارند (وراثت و...) که در این تحقیق کنترل نشده‌اند.

2 - social support



برگیرنده‌ی آن دارد. چنین پیام‌هایی بر دیگران تأثیر بسیار منفی می‌گذارند.

۱-۲-۳ دریافت کننده‌ی پیام یا پیام گیرنده چنانچه پیام به درستی شنیده نشود، ارتباط با مشکلات زیادی مواجه می‌شود. به همین دلیل گوش دادن از اهمیت بسیاری برخوردار است.

۱-۳ موانع ارتباطی

گاهی اوقات بنا به دلایلی، ارتباط به درستی برقرار نمی‌شود. به عواملی که به ایجاد ارتباط سالم صدمه می‌زنند، «موانع ارتباطی» گفته می‌شود. در این جا، به تعدادی از موانع ارتباطی اشاره می‌شود:

۱-۳-۱ موانع مرتبط با ارسال پیام - مهم ترین موانعی که برای بیان درست نظرات، عقاید و احساسات وجود دارند عبارت‌اند از:

۱-۳-۱-۱ انتظارات و توقعات بی‌جا- گاهی اوقات افراد نظر و عقیده‌ی خود را بیان نمی‌کنند چون از طرف مقابل انتظارات و توقعات بی‌جا دارند، مانند این که «خودش باید بداند»، «بعد از این همه سال زندگی با من باید متوجه شده باشد که من چنین خواسته‌ای دارم».

فعالیت عملی ۳



نمونه‌ای از انتظارات و توقعات بیش از حد و بی‌جایی را که در اطرافیان خود دیده‌اید بنویسید و مشخص کنید که نتیجه‌ی چنین انتظاری چه بود؟

• حمایت وسیله‌ای - کمک، ابزار و پولی است

که در اختیار دیگران گذاشته می‌شود، مانند زمانی که فردی از نظر مالی مشکل پیدا می‌کند و دیگران به او وام قرض الحسنه می‌دهند.

فعالیت عملی ۲



برای هر یک از حمایت‌های اجتماعی وسیله‌ای، اطلاعاتی و احترامی نمونه‌ای از آن چه در اطرافیان خود می‌بینید، بنویسید.

یکی از مهمترین راه‌های بهبود یا افزایش حمایت اجتماعی، افزایش یا بهبود ارتباط با انسان‌های دیگر است. به همین دلیل بهتر است با اجزای ارتباط بیش تر آشنا شوید.

۱-۲ اجزای اصلی ارتباط

ارتباط دارای سه جزء اساسی است :

۱-۲-۱ ارسال کننده‌ی پیام یا پیام دهنده- یکی از مهم ترین عوامل شکل دهنده‌ی پیام آن است که بتوانید خواسته‌ها، نظرها و عقاید خود را به درستی بیان کنید (مهارت بیانی).

۱-۲-۲ محتوای پیام- در پیام نباید از کلمات زشت و نامناسب استفاده‌ای شود. همچنین، پیام نباید مبهم، دو پهلوی و پیچیده باشد. علاوه براین، لحن و حالت گفتار نیز اثر تعیین کننده‌ای در اثر پیام



۳-۱-۳ تخلیه‌ی احساسات و عواطف منفی

به جای بیان سالم آن‌ها - گاهی اوقات، فرد به جای بیان آن چه او را ناراحت کرده است به ابراز و تخلیه‌ی احساسات منفی خود می‌پردازد و طرف مقابل را قربانی خشم و ناراحتی خود می‌کند. بسیار مهم است که بین تخلیه‌ی احساسات و بیان سالم آن‌ها تفاوت گذاشته شود.

برای مثال هنگامی که از کسی عصبانی هستید، اگر به او پرخاش و حمله کنید احساسات و عواطف منفی خود را تخلیه کرده‌اید. اما اگر ابتدا سعی کنید عصبانیت خود را با استفاده از روش‌هایی که در واحدهای بعد گفته خواهد شد، آرام کنید و پس از آن، در خصوص آن چه که شما را آزرده کرده است با طرف مقابل صحبت کنید، به بیان سالم احساسات منفی خود پرداخته‌اید.

صحبت کردن بدون پرخاش، بیان کردن سالم احساس است.

در حالی که حمله، پرخاش و توهین به طرف مقابل، نوعی تخلیه‌ی احساسات و عواطف منفی است، که نه تنها ارتباط را بهبود نمی‌بخشد بلکه به شدت به آن صدمه می‌زند.

۲-۱-۳ پشت گوش انداختن و اجتناب از بیان فرد مرتباً بیان خواسته‌ها، عقاید و نظرات خود را عقب می‌اندازد و آن‌ها را به دفعات بعد موکول می‌کند. به مثال زیر توجه کنید:

سعید و مریم به تازگی ازدواج کرده بودند. سعید از این که مریم، گاهی اوقات بدون اطلاع او، میهمان دعوت می‌کرد ناراحت بود، ولی از واکنش مریم نگران بود.

بنابراین، دائماً به خود می‌گفت: «نیازی به طرح موضوع نیست».

برای قضیه‌ای به این کوچکی نمی‌ارزد که اوقات یکدیگر را تلخ کنیم». به همین دلیل این مشکل همچنان ادامه یافت تا جایی که مریم بیش تر برنامه‌های مربوط به رفت و آمدها را بدون اطلاع سعید تنظیم و اجرا می‌کرد. یک بار سعید آن قدر عصبانی شد که دعوای سختی بین آن دو در گرفت.

مریم به سعید گفت: «اگر این موضوع برایت این قدر اهمیت داشت چرا هیچ وقت در این باره با من حرف نزدی؟»

فعالیت عملی ۴



یک مثال از پشت گوش انداختن و اجتناب از بیان نظرها و خواسته‌هایی را که در اطراف خود دیده‌اید بنویسید و مشخص کنید که نتیجه‌ی چنین اجتنابی چه بود؟



فعالیت عملی ۵

نمونه‌ای از تخلیه‌ی احساسات منفی به جای بیان سالم احساسات را، که در اطرافیان خود دیده‌اید بنویسید. سپس، مشخص کنید نتیجه‌ی آن چه بود؟

فعالیت عملی ۶

نمونه‌ای از بازداری احساسات، که در اطرافیان خود دیده‌اید بنویسید و مشخص کنید که نتیجه‌ی آن چه بود؟

۱-۳-۲ موانع مرتبط با محتوای پیام

نه تنها بیان درست که خواسته‌ها، نظرها و عقاید افراد خانواده مهم است، این که پیام با چه کلماتی (عوامل کلامی)، با چه لحن و تُن صدایی (عوامل فراکلامی) و هم چنین با چه ژست و حالتی (عوامل غیر کلامی) بیان می‌شود، نیز اهمیت دارد از این رو، موانع مربوط به محتوا به سه دسته‌ی زیر تقسیم می‌شوند:

۱-۳-۲-۱ عوامل کلامی - بیش‌تر قسمت

پیام‌ها به صورت کلامی بیان می‌شود. بنابراین، بسیار

۱-۳-۱-۴ بازداری احساسات و عواطف-

بعضی از انسان‌ها، به غلط آموخته‌اند که بیان احساسات، حتی احساسات مثبت و خوشایند نیز، کاری نادرست است. به مثال زیر توجه کنید:

آقای احسانی اعتقاد داشت که هیچ‌گاه نباید به فرزندت نشان بدهی که او را دوست می‌داری. بچه‌ها را باید با قلبت دوست بداری ولی هیچ‌گاه بر زبان نیاوری. چون آن‌ها لوس و بی‌ادب بار می‌آیند. او هیچ‌گاه محبت خود را به کودکانش نشان نداد. این درحالی بود که فرزندان او شدیداً تشنه‌ی محبت پدرشان بودند و تصور می‌کردند که پدرشان به آن‌ها اصلاً اهمیتی نمی‌دهد.



برای تو کاری کنم. تو هیچ وقت درست نمی‌شوی». در این مثال، یک رفتار اشتباه حمید (نداشتن برنامه ریزی صحیح درسی) سبب شد که مادر ابتدا به کل وجود او حمله کرد (توبی لیاقت و بی‌عرضه‌ای). سپس، آن را به زندگی آینده‌ی او نیز گسترش داد (تو هیچ وقت درست نمی‌شوی). چنین برخوردی یکی از عوامل زمینه‌ساز افسردگی است.

● **پُرگویی** - گاهی اوقات، افراد تصور می‌کنند برای آن که پیامی را منتقل کنند باید زیاد صحبت کنند. والدینی که زیاد صحبت می‌کنند باعث دوری فرزندان‌شان از خود می‌شوند.

لاف از سخن چو دُرّ توان زد
آن خشت بود که پُرّ توان زد

سعدی

فعالیت عملی ۷



دو مثال از مشکلات شایع در محتوای پیام اطرافیان خود را بنویسید.

۲-۲-۳ عوامل فراکلامی - این عوامل به

حالت و لحن حرف زدن مربوط می‌شوند:

● **لحن** - لحن حرف زدن شما در پیامی که ارسال می‌کنید بسیار اثرگذار است. اگر جمله‌ی «خیلی خوب عمل کردی» را با لحن مناسب بیان کنید حتماً تأثیری مناسب بر شنونده دارد. اگر همین جمله را با

مهم است که از کلمات درست و مناسب استفاده شود، و گرنه مشکلات زیادی به وجود می‌آید.

● استفاده از کلمات زشت و نامناسب -

طعنه، کنایه، متلک، تمسخر، توهین، ناسزاگویی، نه تنها ارتباطی ایجاد نمی‌کند یا آن را بهبود نمی‌بخشد بلکه به شدت به رابطه صدمه می‌زند.

● استفاده از کلمات مبهم - کلماتی مانند چیز،

این، آن و مواردی از این قبیل بسیار مبهم‌اند. بهتر است در انتقال پیام از کلماتی که دقیقاً به موضوع مورد نظر اشاره می‌کنند استفاده شود. گاهی اوقات والدین برای این که کودک را از انجام کار اشتباهی بازدارند می‌گویند: «نکن!». در این جا مشخص نیست چه کاری نکند.

● کلی‌گویی - گاهی اوقات افراد به جای بیان

شفاف و روشن مطالب، کلی‌گویی می‌کنند. مثلاً به جای آن که بگویند من از فلان رفتار خوشم نمی‌آید می‌گویند: «من برخورد‌های تو را نمی‌پسندم».

● حمله به فرد به جای حمله به رفتار او -

گاهی اوقات، افراد به جای انتقاد از رفتار نادرست فرد، به شخص او حمله می‌کنند و شخصیت او را زیر سؤال می‌برند. به مثال زیر توجه کنید:

مادر حمید از معدل اعلام شده‌ی فرزندش ناراحت بود. به خصوص آن که به نظر مادر، حمید به صورت جدی درس نخوانده بود. به همین دلیل به او گفت: «تو آن قدر بی‌لیاقت و بی‌عرضه‌ای که دلم نمی‌خواهد



۳-۲-۳ عوامل غیر کلامی - حالت بدن

انسان، خود زبان خاصی است که بسیاری از خصوصیات پیام را منتقل می‌کند. به حالت بدن و ژست صورت، زبان بدن گفته می‌شود. حالت صورت مادری که به فرزندش اظهار علاقه می‌کند، حالت صورت فردی که نگران است و حالت صورت فردی که بسیار شاد است، بدون آن که صحبت کنند، بیانگر پیام‌های غیر کلامی آنان است. **۳-۳-۱ موانع مرتبط با دریافت پیام** - بسیار مهم است که پیام به درستی دریافت شود. بنابراین، لازم است پیام گیرنده به صحبت‌های دیگران خوب گوش دهد.



بیش‌تر بدانید

دقت داشته باشید شنیدن و گوش دادن با هم تفاوت دارند. گوش دادن، امری فعال و مستلزم توجه و دقت فراوان است.

لحن مسخره‌آمیز بیان کنید، طرف مقابلتان ممکن است به شما پرخاش کند و عصبانی شود.

● **تُن صدا** - بلندی و کوتاهی صدا تأثیر مهمی بر دیگران دارد. اگر بهترین و زیباترین جملات را با صدای بلند و با حالت دادزدن بیان کنید، شنونده پیام شما را متوجه نمی‌شود. زیرا آن چه در درجه‌ی اول او را تحت تأثیر قرار می‌دهد بلندی بیش از حد صدای شماست. همین مطلب درباره‌ی صدای بیش از حد کوتاه نیز صدق می‌کند.

● **تناسب مطلب با حالات عاطفی** - منظور آن است که صحبت شما با احساس مناسبی بیان شود. مثلاً اگر مادری به فرزندش می‌گوید: «دوست دارم»؛ این جمله باید با حالتی عاطفی و با احساسی مناسب بیان شود. چنان چه همین جمله با حالت خشک و غیر عاطفی بیان شود کودک تصور خواهد کرد که مادر احساس واقعی خود را بیان نمی‌کند.

فعالیت عملی ۸



با دوست خود این تمرین را انجام دهید. ابتدا، شما جمله‌ای زیبا و مثبت را با لحن نامناسب، تُن صدای غیر معمول، حالت خشک و بی‌احساس بیان کنید. سپس دوست شما همین تمرین را انجام دهد. سپس، احساسی را که به دنبال چنین برخوردهایی ایجاد می‌شود با یک دیگر در میان بگذارید و آن را بنویسید.



۱-۳-۳-۳ بی‌توجهی به بخشی از سخنان

طرف مقابل - ممکن است، شنونده قسمتی از سخنان طرف مقابل را بشنود و به قسمت‌های دیگر آن بی‌توجهی کند.

همین موضوع باعث می‌شود گوینده احساس کند شنونده به حرف‌هایش اهمیتی نمی‌دهد.

۱-۳-۳-۴ در فکر و خیال فرو رفتن - گاهی

اوقات شنونده به جای آن که به حرف‌های طرف مقابل گوش کند در عالم فکر و خیال خود فرو می‌رود.



۱-۳-۳-۵ قضاوت کردن - در این برخورد، به

جای آن که به حرف‌های طرف مقابل گوش کنیم، در باره‌ی او قضاوت می‌کنیم و مثلاً می‌گوئیم: «این مطلب درست بود»، «غلط بود»، «اشتباه کردی»، «خطا کردی»، «آیا حق با اوست یا طرف مقابل؟» و مواردی از این قبیل.

در حالی که برای شنیدن لازم نیست دقتِ بسیار داشته باشید یا فعالیتِ زیادی از خود نشان دهید. هنگامی که شما سرکلاس هستید و کاری انجام می‌دهید رفت و آمد موتور سیکلت یا سروصدای کودکان را می‌شنوید، ولی به صحبت‌های دبیر خود گوش می‌دهید.

برخی عوامل که مانع گوش دادن می‌شوند عبارت‌اند از:

۱-۳-۳-۱ فکر خوانی - زمانی که فردی مشغول

صحبت است ممکن است شما به جای گوش دادن به صحبت‌های او سعی کنید به اشتباه فکر او را بخوانید. مثلاً خانم س، هنگامی که شوهرش از مشکلات کاری و کم بودن درآمد خود صحبت می‌کند، به جای گوش دادن به صحبت‌های او با خود می‌گوید: «من که می‌دانم همه‌ی این حرف‌ها بهانه‌ای است برای این که مرا قانع کند این ماه وسیله‌ای تازه برای خانه نخریم».

۱-۳-۳-۲ برچسب زدن - گاهی اوقات افراد

به دیگران برچسب‌هایی خاص می‌زنند (پیش‌داوری) و همین موضوع مانع از گوش دادن به حرف‌های آنان می‌شود.

مثلاً آقایی ممکن است به حرف همسرش گوش نکند چون معتقد است که «او حسّاس است». زدن چنین برچسبی (حسّاس بودن)، مانع از جدی گرفتن صحبت‌های طرف مقابل می‌شود.



یک به یک عمل کنید:

۱. دست به کاری بزنید، مثلاً چیزی را از کیف خود در آورید، نقاشی کنید و ...
 ۲. به او نگاه نکنید.
 ۳. بدون هیچ حرکتی به صحبت‌های او گوش کنید (برای ۵ دقیقه).
- بعد جای خود را با دوستان عوض کنید و حالا همین کار را او با شما انجام دهد.
- پس از پایان تمرین، هر کدام دریافت خود را از موارد بالا با یک دیگر در میان بگذارید و راجع به آنها، بحث کنید و خلاصه‌ای از آن‌ها را بنویسید.

۱-۵ نکات مهم در ارتباطات انسانی:

ارتباط دو طرف دارد. ارتباط، حداقل بین دو نفر انسان ایجاد می‌شود: من و دیگری. بنابراین، در ارتباط اجتماعی باید به نظر، احساس و... هر دو توجه داشت. اختلاف در ارتباطات انسانی طبیعی است. همان‌طور که انسان‌ها از نظر جسمی و ظاهری با یک دیگر تفاوت دارند، از نظر سلیقه، عقیده، علایق، انتظارات، خواسته‌ها، باورها، تجربه‌های زندگی، زندگی خانوادگی و... نیز با یک‌دیگر تفاوت دارند. روش‌هایی مختلف برای کاهش اختلاف وجود دارد. به یاد داشته باشید وجود اختلاف و تفاوت در زندگی طبیعی است و غیر طبیعی آن است که انسان‌ها راه حل اختلاف‌های خود را ندانند.



فعالیت عملی ۹

نمونه‌ای از موانع گوش دادن را که برای شما یا کس دیگری پیش آمده است بنویسید و مشخص کنید نتیجه‌ی آن چه بوده است؟

۱-۴ مهارت گوش دادن- برای آن که بتوانید

به درستی به حرف‌های دیگران گوش کنید بهتر است اصول زیر را به کار گیرید:

- هنگام گوش دادن، کاری انجام ندهید- زمانی که کسی با شما صحبت می‌کند کار خود را برای مدتی کنار بگذارید.

- به طرف مقابل نگاه کنید.

- گوینده را به ادامه‌ی صحبت‌هایش تشویق کنید- برای این کار بهتر است از روش‌های زیر استفاده کنید:

(الف) گاهی سؤال کنید یا حرفی بزنید. گاهی درباره‌ی موضوع صحبت طرف مقابل، از او سؤال کنید.

(ب) با حالات غیر کلامی نشان دهید که به صحبت‌های او گوش می‌کنید.



فعالیت عملی ۱۰

این فعالیت را با دوست خود انجام دهید. دوست شما شروع به صحبت می‌کند و شما به صورت زیر



کردن. مهارت‌های گوش دادن نیز باعث تسهیل در دریافت پیام می‌شوند. دوطرفه بودن ارتباط، وجود اختلاف در ارتباطات انسانی و جستجوی راه حل‌های مختلف برای کاهش اختلاف نیز از نکته‌های مهمی هستند که در ارتباطات انسانی باید به آن توجه داشت.

آزمون پایانی نظری واحد کار اول

- ۱- تأثیر ارتباط سالم بر زندگی انسان را شرح دهید.
- ۲- حمایت اجتماعی را تعریف کنید.
- ۳- اجزای اساسی ارتباط را نام ببرید.
- ۴- اصول مهارت گوش دادن را تشریح کنید.
- ۵- نکات اساسی در ارتباطات انسانی را شرح دهید.

آزمون پایانی عملی واحد کار اول

به ارتباط مردم اطراف خود، به تفکیک کودکان و نوجوانان، بزرگسالان، والدین و فرزندان، دقت کنید. سپس در جدول زیر مشخص کنید هریک از گروه‌های بالا، بیش‌تر در کدام یک از اجزای سه‌گانه‌ی ارتباط مشکل دارند. چنان‌چه ارتباط سالم و قوی مشاهده کردید مشخص کنید که در کدام یک از موارد سه‌گانه قوی هستند. تعدادی از اشکالات یا نقاط قوت ارتباطی آنان را نیز، به تفکیک گروه‌های بالا، یادداشت کنید.

در واحد کار دوم به طور مفصل به روش‌های مختلفی که موجب کاهش اختلاف می‌شوند پرداخته شده است.

چکیده

ارتباط اجتماعی نقش مهمی در زندگی و سلامت انسان‌ها دارد و حمایت را افزایش می‌دهد. اجتماعی می‌شود منظور از حمایت اجتماعی، میزان آرامش، احترام، امنیت، آسایش و کمکی است انسان از دیگران دریافت می‌کند. ارتباط را می‌توان به اجزای اساسی زیر تقسیم کرد: ارسال‌کننده‌ی پیام، محتوای پیام و دریافت‌کننده‌ی پیام.

الف) عواملی که ارسال پیام را مختل می‌کنند عبارت‌اند از: انتظار و توقع بی‌جا، اجتناب از بیان، تخلیه‌ی احساسات و منتقل نکردن احساسات.

- ب) موانع مرتبط با محتوای پیام عبارت‌اند از:
- ۱- عوامل کلامی (استفاده از کلمات نامناسب، کلمات مبهم، کلی‌گویی، حمله به فرد و پرگویی)
 - ۲- عوامل فراکلامی (استفاده‌ی نادرست از لحن، تن صدا و حالات احساسی و عاطفی)
 - ۳- عوامل غیر کلامی (به کارگیری غیر صحیح ژست و حالت‌های بدن).

ج) موانع مرتبط با دریافت پیام عبارت‌اند از فکرخوانی، برچسب زدن، بی‌توجهی به بخشی از سخنان گوینده، در فکر و خیال فرو رفتن و قضاوت



گروه‌ها	ارسال پیام	محتوای پیام	دریافت پیام
الف - نقاط قوت : کودکان و نوجوانان بزرگسالان با یکدیگر والدین و فرزندان			
ب - نقاط ضعف : کودکان و نوجوانان بزرگسالان با یکدیگر والدین و فرزندان			

واحد کار دوم

عوامل مؤثر در انسجام خانواده





هدف‌های رفتاری



انتظار می‌رود هنرجو پس از گذراندن این واحد کار بتواند به هدف‌های زیر دست یابد:

- ۱- ابعاد روابط نزدیک انسانی را نام ببرد.
- ۲- توزیع قدرت در خانواده را شرح دهد.
- ۳- حریم‌های شخصی را در ازدواج تعریف و از هم تفکیک کند.
- ۴- مفهوم مرز در روابط نزدیک انسانی را شرح دهد.
- ۵- نقش تفسیرهای زوجین از جهان را در خصوص افراد خانواده توضیح دهد.
- ۶- فهرستی از شیوه‌های مختلف بیان خشم را تهیه کند.
- ۷- اصول مقابله با خشم را در زندگی به کار بندد.
- ۸- اجزای مختلف عشق را شرح دهد.
- ۹- مهارت حل اختلاف را در زندگی به کار بندد.

پیش آزمون واحد کار دوم

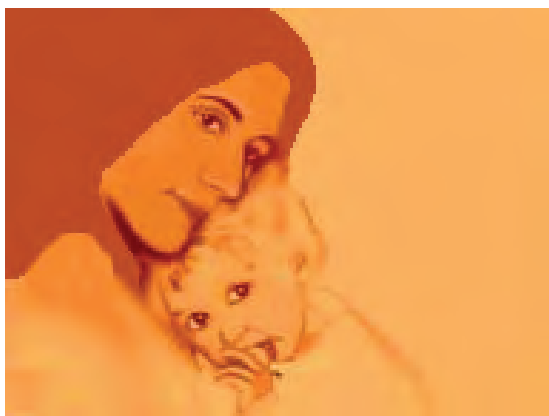


- ۱- کدام گزینه از خصوصیات روابط نزدیک است؟
الف) دل بستگی ب) تسلط بر دیگری ج) شور و اشتیاق د) وابستگی
- ۲- کدام گزینه در عشق بین زن و مرد مطرح است؟
الف) کنترل کردن ب) مرز ج) وابستگی د) شور و اشتیاق
- ۳- در همدلی، کدام یک از مهارت‌های زیر به کار گرفته می‌شود؟
الف) بیان کردن ب) گوش کردن ج) کنترل خشم د) حل اختلاف
- ۴- مهارت حل اختلاف، به دنبال کدام یک از راه حل‌های زیر است؟
الف) برنده - برنده ب) برنده - بازنده ج) بازنده - برنده د) بازنده - بازنده
- ۵- مصالحه کردن جزء کدام یک از راه حل‌های زیر است؟
الف) برنده - برنده ب) برنده - بازنده ج) بازنده - برنده د) بازنده - بازنده



مقدمه

عاطفی بین فرد و خانواده است و احساس امنیت را بین آن‌ها ایجاد می‌کند. دلبستگی، بر سایر روابط نزدیک انسان تأثیر می‌گذارد. افرادی که در دوران آغازین زندگی خود دلبستگی سالمی داشته‌اند در ارتباطات نزدیک زندگی خود نیز بهتر عمل می‌کنند. دلبستگی سالم، زمینه و بستر مناسبی ایجاد می‌کند تا احساسات مهمی مانند عشق، علاقه و صمیمت به نزدیکان ایجاد شود.



۲-۱-۲ سلسله مراتب قدرت- در خانواده

نیز همانند هر واحد اجتماعی دیگر، سلسله مراتبی از قدرت وجود دارد. قدرت اول خانواده پدر و مادر هستند.

مهم آن است که والدین در فضای خانواده، با یک دیگر جنگ قدرت نداشته باشند و در اداره‌ی خانواده با یک دیگر اتفاق نظر بیش‌تری داشته باشند. هر گونه اختلاف بین والدین، به شدت وضعیت سلسله مراتب را در خانواده در هم می‌ریزد، که خود، موجب مشکلات بیش‌تری در زندگی خانوادگی می‌شود.

ارتباط در زندگی خانوادگی بیش از هر جای دیگر اهمیت دارد. در این میان، ارتباط زن و شوهر، به ویژه از اهمیت خاصی برخوردار است. زیرا رابطه‌ی زن و شوهر منحصراً یک ارتباط غیرخونی است که در خانواده وجود دارد. به عبارت دیگر، زن و شوهر تصمیم گرفته‌اند که با یک دیگر زندگی کنند. در حالی که در سایر روابط خانوادگی، نوعی رابطه‌ی خونی بین اعضای خانواده وجود دارد. به همین دلیل، شناخت و آگاهی از ویژگی‌های روابط نزدیک خانوادگی، به خصوص ارتباط زن و شوهر، بسیار کمک می‌کند تا کیفیت زندگی خانوادگی ارتقا یابد. بنابراین، ضرورت دارد اعضای خانواده مهارت‌هایی نیز برای بهبود این نوع روابط داشته باشند. در این واحد، ابتدا ابعاد روابط نزدیک را بررسی می‌کنیم سپس، به مهارت‌های اساسی زندگی خانوادگی می‌پردازیم.

۲-۱-۱ شناخت ابعاد روابط نزدیک خانوادگی

اساساً در هر ارتباط نزدیک، ابعاد و موضوعات زیر مطرح می‌شوند: دلبستگی^۱، سلسله مراتب قدرت، حریم^۲، جنسیت^۳، مرز و تفسیر از جهان. ضعف و اشکال در هر یک از این موارد می‌تواند روابط خانواده را به شدت مختل کند.

۲-۱-۱-۱ دلبستگی- نوعی ارتباط عمیق

۱- attachment- محبت، علاقه، دلبستگی

۲- territory [حریم]= قلمرو سرزمین، ناحیه، منطقه، حوزه

۳- gender- جنس



دیگر (مانند اشتغال زنان در بیرون از خانه) هستند ضروری است با نظر و عقیده‌ی یک دیگر آشنا شوند و به هنگام بروز اختلافی مهم، از مهارتِ حلّ اختلاف^۱ استفاده کنند. استفاده از مهارت تصمیم‌گیریِ منطقی^۲ نیز بسیار مفید است.

۱-۲-۵ مرز- هر رابطه‌ی نزدیک، دارای مرز تعیین شده‌ای است. منظور از مرز، که باید زوجین رعایت کنند، میزانِ قابلِ قبولِ درگیر شدن دو همسر با محیط بیرون مانند کار، تحصیل و ... است. زمانی که یکی از زوجین بیش از حد به کار، فعالیت، تحصیل، یا تفریح با دوستان می‌پردازد، ارتباط خصوصی او با همسرش دچار مشکل می‌شود. پس، افراد باید مرزهای یک دیگر را رعایت کنند.

فعالیت عملی ۳ - نمونه‌ای از مشکلاتی را که در رعایت مرزها (در روابط اطرافیان خود) پدید می‌آید گزارش کنید.

۱-۲-۶ تفسیر از جهان- هر انسانی دارای ارزش‌ها، اهداف، اعتقادات و تفسیر خاصی از جهان است. تفاوت در دیدگاه افراد خانواده گاه به اختلافات جدی منجر می‌شود.

بنابراین ضروری است که به آن‌ها رسیدگی شود. تفسیر از جهان، شامل تفسیر رفتارهای خود و

فعالیت عملی ۱ - مشکلی را که در سلسله مراتب قدرت در خانواده‌ی اطرافیان خود می‌بینید گزارش کنید.

۱-۲-۳ حریم - منظور از حریم شخصی، بخش‌هایی از وجود، متعلقات و آن قسمت از محیط زندگی است که کاملاً به فرد اختصاص دارد، مانند اتاق کار، اموال، مسئولیت‌های شخصی، استقلال، آزادی ابراز نظر و عقیده و ... مهم آن است که به چنین حریم‌های شخصی در خانواده احترام گذاشته شود. بعضی از مشکلات زوجین از جایی شروع می‌شود که یکی به حریم دیگری وارد شود و در آن دخالت کند. مثلاً زنی که انتظار دارد شوهرش همیشه بر اساس میل او پیراهن‌های با طرح چهارخانه بپوشد، به حریم شوهر احترام نگذاشته است.

فعالیت عملی ۲ - مثالی از مشکلات ناشی از رعایت نکردن حریم شخصی ارائه دهید.

۱-۲-۴ جنسیت - جامعه و فرهنگ، انتظارات متفاوتی از زنان و مردان دارد. معمولاً به طور سنتی انتظار می‌رود زنان به امور پرورش فرزندان و مردان به امرار معاش و تأمین و سرپرستی خانواده بپردازند. چنانچه زوجین مایل به نقش آفرینی در زمینه‌های

۱ - در این واحد کار با آن آشنا می‌شوید.

۲ - در واحد کار بعد با آن آشنا می‌شوید.



این شناخت، به خصوص برای ازدواج ضروری است تا زوج‌ها بر اساس آن، جهت ازدواج و تشکیل زندگی مشترک اقدام نمایند.

برای مثال، فردی که اهداف و ارزش‌های خاص خود را در زندگی می‌شناسد، همسری برای خود برمی‌گزیند که با اهداف و ارزش‌های او همسویی دارد.

مسلم است که ازدواج چنین فردی موفق‌تر و بادوام‌تر از کسی خواهد بود که بدون چنین شناختی از خود، همسری انتخاب می‌کند که با او تضادهای ارزشی فراوانی داشته باشد.

همسر نیز می‌شود که می‌تواند در روابط نزدیک و صمیمانه اختلافات جدی ایجاد کند. نمونه‌ای از این اختلافات در تفسیر رفتارهای خود و دیگری آن است که افراد رفتارهای خود را اتفاقی و موردی ارزیابی کنند اما رفتار دیگری را خصوصیت او تلقی نمایند و همین باعث سوء تفاهم می‌شود. مثلاً اگر فردی دروغی گفته باشد آن را دروغ مصلحت‌آمیز تفسیر می‌کند (خود را دروغ‌گو نمی‌داند و عقیده دارد به طور اتفاقی و موردی دروغی گفته است). اما اگر از فرد دیگری دروغ بشنود، آن فرد را دروغ‌گو ارزیابی می‌کند (دروغ‌گویی را خصوصیت آن فرد به حساب می‌آورد).

۲-۲ به کارگیری مهارت‌های اساسی برای

بهبود زندگی خانوادگی

زندگی خانوادگی به لحاظ پیچیدگی‌ها و ظرافت‌های خود نیاز به مهارت‌های متعددی دارد. به عبارت دیگر، انسان‌ها باید با مسائل و مشکلات خانوادگی آشنا و از مهارت‌های لازم برای کاهش آن-ها را برخوردار باشند. هم‌چنین، آن‌ها را تمرین و تکرار کنند تا بر آن‌ها مسلط شوند. در این جا به تعدادی از چنین مهارت اشاره می‌شود:

۱-۲-۲ خودآگاهی و خودشناسی

شناخت اهداف، ارزش‌ها، مسئولیت‌ها، وظایف، نقش‌های خانوادگی، انتظارات و علایق خود، مشکلات ارتباطی را کاهش می‌دهد.

فعالیت عملی ۴ - با مشاهده‌ی خانواده‌های



اطراف خود، تأثیر اختلاف در اهداف و ارزش‌ها را بر زندگی خانوادگی چند نفر از اطرافیان خود مشاهده کنید و گزارشی از آن‌ها را تهیه کنید.

۲-۲-۲ شناخت احساسات

یکی از موارد مهم خودآگاهی، آگاهی و شناخت فرد از احساسات خود است. شناخت احساس، یکی از مهارت‌های مهم زندگی خانوادگی است. زیرا در بسیاری از مواقع احساس فرد بر نحوه‌ی بیان او اثر می‌گذارد، در نتیجه در لحن کلام و انتخاب کلمات او تغییر ایجاد می‌شود و نهایتاً ارتباط با تأثیر منفی همراه خواهد بود.



مقابله با خشم - برای مقابله با خشم، می‌توانید از

روش‌های زیر استفاده کنید:

- توقف کنید و کاری انجام ندهید.
- خود را آرام کنید و نفس عمیق بکشید.
- (پیاپی روی، انجام دادن کاری که تنش را بگیرد، صحبت کردن با یک دوست، نیایش و... می‌تواند باعث آرامش شود).



الف) خشم: یکی از مهمترین احساسات مخرب خشم است. خشم به شدت رابطه را تخریب می‌کند و به همسر و فرزندان صدمه می‌زند. از سوی دیگر، خشم اگر به درستی مهار و اداره نشود به خشونت می‌انجامد. مانند خشونت نسبت به همسر یا به فرزندان که هردو صدمات جبران ناپذیری بر خانواده وارد می‌کنند.



- حواس خود را به موضوعات دیگر مشغول کنید.
- به جای فکر کردن به ناراحتی بهتر است حواس خود را به موضوعات مختلفی که ربطی به موضوع عصبانیت ندارند، معطوف کنید.
- افکار خود را تغییر دهید.
- با افکار منفی خود مبارزه کنید. هنگام عصبانیت معمولاً افکار منفی به سراغ فرد می‌آیند، مانند این که



خشم به صورت‌های گوناگونی بیان می‌شود: طعنه، کنایه، متلک، زخم‌زبان، حسادت، غیبت، رنجش و آزرده‌گی، سرزنش خود یا دیگران، قهر کردن، خالی کردن ناراحتی سر دیگران، تمسخر، تحقیر، بی‌ارزش کردن، حمله به دیگران و کتک کاری و تخریب اموال و اشیاء.



عشق انواع و اقسامی دارد. از جمله عشق مادر به فرزند، عشق به فردی از جنس مخالف، عشق برادرانه نسبت به انسان‌های دیگر و عشق به خداوند. در عشقی که در ازدواج بین دو جنس مطرح می‌شود صمیمیت^۱، تعهد^۲ و شور و اشتیاق^۳ در کنار هم وجود دارند. با این حال، در بسیاری از مواقع، آن چه عشق نامیده می‌شود، بیش‌تر شور و اشتیاق بسیار است نه احساس تعهد و صمیمیت دو طرفه. توصیه می‌شود زوجین برای برخورداری از ویژگی‌های مختلف عشق به آن توجه ویژه داشته باشند.

۲-۲-۳ مهارت همدلی

منظور از همدلی، درک احساسات طرف مقابل است.

یعنی از زاویه‌ی دید طرف مقابل به موضوع نگاه شود. همدلی، علاوه بر آن که ارتباط بین انسان‌ها را تحکیم و تقویت می‌کند، آن را بهبود نیز می‌بخشد. زمانی که کسی می‌گوید: «احساس مرا درک نمی‌کنی»، «متوجه نمی‌شوی چه احساسی دارم»، «منظور مرا نمی‌فهمی»؛ همان موقعی است که او نیاز به همدلی دارد و طرف مقابل نتوانسته است احساس او را درک کند. شنیدن چنین عبارت‌هایی در خانواده‌ها کم نیست (بین زوجین، والدین و فرزندان و میان فرزندان).

«هر کاری خواست کرد و تو هیچ کاری از دستت بر نمی‌آید»، «از تو سوءاستفاده کردند» و

● جمله‌های مثبت را با خود تکرار کنید، مانند «عصبانی شدن کمکی به من نمی‌کند»، «این موضوع ارزش عصبانی شدن ندارد»، «داد نکش، حرف بزن» و

● در خصوص آن چه از آن عصبانی شده‌اید با فرد مقابل حرف بزنید.

فعالیت عملی ۵- از مهارت مقابله با خشم استفاده و گزارشی از نتیجه‌ی آن تهیه کنید.



(ب) عشق: عشق افراد خانواده به یک‌دیگر اساس زندگی خانوادگی است. با وجود این که کلمه‌ی عشق زیاد استفاده می‌شود با این حال، در بسیاری از اوقات مردم با معنای واقعی این کلمه آشنا نیستند. مهمترین اجزای عشق عبارت‌اند از احترام، مسئولیت، اعتماد، درک و فهم.



۱- intimacy
۲- commitment
۳- passion=desire



۳. خود را جای فرد مقابل قرار دهید. سعی کنید از چشم او به موضوع نگاه کنید.

۴. احساس فرد مقابل را به خود او منعکس کنید. به صورت‌های گوناگونی می‌توانید این کار را انجام دهید:

- احساسی را که (در مرحله‌ی ۲ و ۳) از گوینده دریافت کرده‌اید به او بیان کنید:
- طرف مقابل می‌گوید: «احساس می‌کنم بعد از این همه کار هیچ رمقی برایم نمانده است».
- برخورد همدلانه: «خیلی خسته شده‌ای!»
- طرف مقابل می‌گوید: «رفتارشان خیلی به من برخورد».

- برخورد همدلانه: «رنجیدی!»
- خلاصه‌ای از آن چه را که گوینده بیان کرده است به صورت زیر بیان کنید:
- برخورد همدلانه: «اگر درست متوجه شده باشم بعد از رفع این مشکلات احساس خستگی می‌کنی».
- برخورد همدلانه: «اگر درست فهمیده باشم از این که از تو تشکر نشده است عصبانی هستی».
- دقیقاً عبارت طرف مقابل را به خود او برگردانید:

- طرف مقابل می‌گوید: «من از او رنجیدم».
- شما می‌گویید: «تو از او رنجیدی».
- ۵. با احساس و عاطفه‌ی طرف مقابل همراه و هماهنگ شوید.



فعالیت عملی ۶ - موردی از ناتوانی



در همدلی را که در اطراف خود مشاهده کرده‌اید گزارش کنید.

- همان‌طور که قبلاً گفته شد، یکی از اجزای مهم عشق، قدرت درک و فهم طرف مقابل یا همان همدلی است. برای افزایش توان همدلی اصول زیر را در ارتباطات خود به کار برید و به تمرین آن پردازید:
۱. به صحبت‌های فرد مقابل خوب گوش دهید.
 ۲. به احساسات و هیجانات فرد مقابل توجه کنید.
 - هنگامی که گوینده صحبت می‌کند دقت کنید که آن را با چه احساس و هیجانی بیان می‌کند.



۵. هنگام بیان اختلاف یا رنجش، از جملاتی استفاده کنید که با «من» شروع می‌شود. جملاتی که با «تو» شروع می‌شود حالت حمله به طرف مقابل دارد و حالت طرف مقابل را «تدافعی» می‌کند.
۶. بدون پرخاش، کنایه، طعنه، تحقیر، تمسخر و تندی صحبت کنید.
۷. از به کارگیری کلمات زشت یا دارای بار منفی خودداری کنید.
۸. هر بار راجع به یک موضوع صحبت کنید. صحبت راجع به موضوعات متعدد، مانع حل اختلاف می‌شود.
۹. در طرف مقابل، احساسات منفی ایجاد نکنید. سرزنش نکنید، ... حرف خود را بزنید.
۱۰. نظر و دیدگاه‌تان را نسبت به اختلاف و ناراحتی بیان کنید.
۱۱. اجازه دهید طرف مقابل هم نظر و دیدگاه خود را بیان کند.
۱۲. به حرف‌های او خوب گوش کنید.
۱۳. صحبت‌های طرف مقابل را ارزیابی کنید. اگر خطا کرده‌اید معذرت بخواهید. معذرت خواهی برای خطا کردن توانایی است نه نشانه‌ی ضعف.
۱۴. اگر خطا نکرده‌اید و اختلاف وجود دارد، سعی کنید آن را حل کنید. راهی برای پایان دادن یا کاهش اختلاف خود بیابید. راه‌های مختلفی برای حل اختلاف وجود دارد.



فعالیت عملی ۷ - با یکی از دوستان خود این تمرین را انجام دهید. طرف مقابل، یکی از مشکلات، ناراحتی‌ها یا احساسات خود را برای شما می‌گوید. سعی کنید با او همدلی کنید. بعد از اتمام موقعیت، از او پرسید تا چه حد دریافته است که شما او را درک می‌کنید. مشکلات، ضعف‌ها و موانع همدلی را یادداشت کنید. بعد نقش شما جابه‌جا می‌شود و دوست شما سعی می‌کند با شما همدلی کند. دوباره‌ی احساس خود با او صحبت کنید و مشکلات و موانع را یادداشت کنید.

۲-۲-۴ مهارت حل اختلاف - مهارت حل

اختلاف، علاوه بر رفع اختلافات، برای رفع رنجش‌ها، آزرده‌گی‌ها و بیان گله‌ها نیز بسیار مناسب است. اصول مهارت حل اختلاف به شرح زیر است:

۱. هر جا با اختلافی روبه‌رو شدید، سریعاً از حل اختلاف استفاده کنید. اجتناب، فرار، کتمان یا فراموش کردن اختلافی که شما را رنج می‌دهد، به تشدید مشکلات می‌انجامد.
۲. چنان‌چه عصبانی هستید یا احساس سنگینی شما را رنج می‌دهد ابتدا خود را آرام سازید.
۳. با هم فکری با طرف مقابل، زمان مناسبی را برای حل اختلاف در نظر بگیرید.
۴. رنجش، اختلاف یا گله‌ی خود را بیان کنید.



سختی بر پا کرد. نتیجه‌ی چنین برنامه ریزی یک طرفه، تعطیلاتی بود که به هیچ کس خوش نگذشت. هم‌چنین، راه‌حلی که هر دو طرف با آن مخالف باشند (بازنده-بازنده) نیز، راه حل مناسبی نیست.

محمود و مینا همیشه بر سر مشاهده‌ی برنامه‌های تلویزیون اختلاف داشتند: محمود مایل بود بازی فوتبال را ببیند، در حالی که خواهرش هیچ علاقه‌ای به آن نداشت. به همین دلیل، عصرها فضای خانواده بسیار متشنج می‌شد. به طوری که والدین، که خسته از کار روزانه باز می‌گشتند، وارد عمل می‌شدند و معمولاً مادر تلویزیون را با خشم خاموش می‌کرد. نتیجه‌ی چنین جرّ و بحثی آن بود که هر دو، دل‌خور از دیگری، به گوشه‌ای می‌رفتند و خود را سرگرم کاری دیگر می‌کردند.

روش‌هایی مختلف برای دست یافتن به راه حل‌های برنده - برنده وجود دارد:

الف) نوبت گذاشتن

ب) قرعه کشی کردن

ج) مصالحه کردن؛ در این روش، نه راه‌حل نفر اول، نه راه‌حل نفر دوم، بلکه راه‌حل دیگری انتخاب می‌شود. مثلاً نفر اول برای گردش می‌خواهد به پارک برود، نفر دوم می‌خواهد به سینما برود و هر دو بر نظر خود اصرار دارند. در این روش، راه‌حل سومی را انتخاب می‌کنند که هر دو با آن توافق دارند و آن رفتن به موزه است.



فعالیت عملی ۸- روش معمول مردم را در حل اختلاف بنویسید و با آنچه در بالا آمده است مقایسه کنید.

۱۵. راه‌حلی را برگزینید که هر دو نفر موافق باشند. به چنین راه‌حلی، برنده - برنده گفته می‌شود. به مثال زیر دقت کنید:

مهناز و جعفر از دو شهرستان مختلف بودند و در تهران با هم زندگی می‌کردند. این زوج دو بار در سال به مسافرت می‌رفتند و همیشه در این که به کدام شهر بروند با یکدیگر اختلاف شدید داشتند، تا این که آنان سرانجام تصمیم گرفتند یک سال تابستان به شهر مهناز و عید به شهر جعفر بروند و سال بعد تابستان به شهر جعفر و عید به شهر مهناز بروند.

راه‌حلی‌هایی که فقط یکی از طرفین با آن‌ها موافق و طرف دیگر مخالف باشند (راه‌حل برنده - بازنده) به تشدید مشکلات می‌انجامند، به مثال زیر دقت کنید:

خانم امیدی سال‌ها در تهران زندگی می‌کرد و به شدت مشتاق رفتن به زادگاه خود و دیدار اقوام خود بود. دختر او، که چهارده ساله بود، چندان از دیدار اقوام لذت نمی‌برد و ترجیح می‌داد تعطیلات تابستانی خود را با دوستانش بگذرانند. با این حال، مادر او را به زور به این سفر برد. دختر، بعد از مدت کوتاهی، حوصله‌اش سررفت و با میزبان خانم امیدی بنای بد اخلاقی را گذاشت. خانم امیدی، هم با دخترش دعوی



خانوادگی دستورالعمل مهمی در آیات و احادیث داریم برای این که کانون خانواده گرم و سالم باقی ماند.

قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید:

«همانا ورشکسته‌ترین افراد کسانی هستند که خود و خانواده‌ی خود را (بر اثر کوتاهی در تعلیم و تربیت)^۱ در روز قیامت به زیان انداختند. هان! این همان خسران و زیان آشکار است». سوره زمر، آیه ی ۱۵

از نظر اسلام، رعایت نکات زیر می‌تواند به استحکام خانواده بسیار کمک کند:

۱-۳-۲ محبت و صمیمیت - محبت به همسر و فرزندان یکی از مهم‌ترین وظایف خانواده است. محبت و رسیدگی به همسر از جمله اوصاف و اخلاق پیامبران است. در این زمینه حضرت رسول اکرم می‌فرماید: «سخن مرد به همسرش که می‌گوید دوست دارم، در قلب او جا می‌گیرد و هیچ‌گاه خارج نمی‌شود».

امام صادق (ع) نیز می‌فرماید:

«هر کس محبتش به همسر بیش‌تر باشد ایمانش به خدا بیش‌تر است».

۲-۳-۲ احترام گذاشتن به یک‌دیگر - اساس

استحکام خانواده در اسلام بر پایه‌ی احترام و محبت متقابل افراد خانواده به خصوص زن و شوهر به یک‌دیگر است. خداوند در قرآن کریم آفریدن همسر را یکی از آیات خود دانسته و بر ضرورت خوش رفتاری

(د) گذشت کردن و گرفتن امتیاز از طرف مقابل.

(ه) انجام هر دو راه‌حل.

(و) کمک گرفتن از داوری بی‌طرف.

فعالیت عملی ۹- نمونه‌ای از حل اختلاف



برنده - برنده گزارش کنید.

توجه:

به یاد داشته باشید، در مهارت حل اختلاف، صادقانه عمل کنید. هر گونه بی‌صدافتی نه تنها به کاهش اختلاف نمی‌انجامد، بلکه مشکلی بر مشکلات قبلی اضافه می‌کند. به مثال زیر دقت کنید:

شادی می‌گفت: «من برای حل اختلاف با شوهرم از مادر شوهرم کمک می‌گیرم. چون او همیشه طرفدار من است. بنابراین همیشه حرف من پیش می‌رود».

فعالیت ۱۰ - در زندگانی خود از مهارت



حل اختلاف استفاده کنید و نتیجه‌ی آن را گزارش کنید.

۲-۳ شناخت دستورات اخلاقی اسلام برای

تأمین سلامت روابط خانوادگی

مسئولیت خانواده در اسلام بسیار سنگین و حساس است. در اسلام به همسر داری و تربیت فرزندان بسیار تأکید و توجه شده است و برای تأمین سلامت روابط

۱ - مظاهری، ح (۱۳۶۴) خانواده در اسلام (قم: انتشارات شفق)



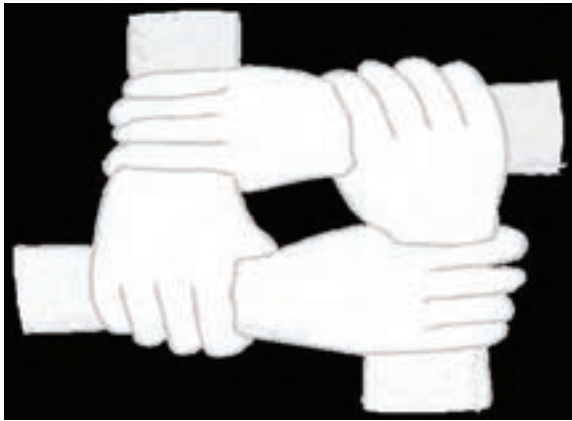
مهربان است «سوره ی نور، آیه ی ۲۲».

هم‌چنین امام صادق (ع) می‌فرماید:

«عفو کردن در حال قدرت از سنت‌های رسولان

خدا و انسان‌های پرهیزکار است.»

۴-۳-۲ همکاری و تقسیم کار



خدمت به خانواده در اسلام بسیار سفارش شده است. به منظور تأمین روابط سالم خانوادگی، تقسیم عادلانه‌ی کار و وظایف در خانواده نیز مهم و ضروری است.

حضرت صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید:

«علی و فاطمه از رسول اکرم (ص) درخواست کردند که کارهای خانه را میان آنان تقسیم کند. حضرت فرمودند: درون خانه با زهرا و بیرون با علی».

از حضرت رسول اکرم نیز نقل شده است

که فرمودند:

«یاعلی، کسی که در کار منزل به همسرش کمک کند، ثواب حج عمره دارد».

و احترام با همسر تأکید شده است، که از جمله می‌توان به آیه‌های زیر اشاره کرد:

و از نشانه‌های قدرت اوست که برایتان از جنس خودتان همسرانی آفرید تا با ایشان آرامش یابید و میان شما دوستی و مهربانی نهاد. «سوره ی روم، آیه ی ۲۱»
یا به وجهی نیکو نگاهشان دارید یا به وجهی نیکو از آن‌ها جدا شوید «سوره ی طلاق، آیه ی ۲».

به ویژه در خصوص ضرورت احترام و نیکویی کردن به والدین تأکید زیادی شده است. از جمله:
جز او هیچ‌کس را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. چنان که یک یا هر دو پیر شدند کلمه‌ای را که رنجیده خاطر شوند نگوئید و کم‌ترین آزار به آن- هائرسانید و با کلام نیکو با آن‌ها سخن گوئید «سوره ی اسراء، آیه ی ۲۳».

به هر انسانی سفارش کردیم که در حق پدر و مادر نیکی کند «سوره ی احقاف، آیه ی ۱۵».

۳-۳-۲ گذشت و خطاپوشی - یکی از صفات

مهم مرد و زن در کانون خانواده آن است که نسبت به یک‌دیگر گذشت داشته باشند. این خصلت نیکو در سیره‌ی امامان معصوم جلوه‌ی تام دارد. آنان بسیار باگذشت و خطاپوش بودند.

در این زمینه قرآن کریم می‌فرماید:

«اهل ایمان باید گذشت داشته باشند و گناه دیگران را نادیده بگیرند. مگر دوست ندارید که خدا هم از گناهان شما درگذرد؟ البته خدا بسیار آمرزنده و



۱-۲-۴-۲ مسئولیت پرورش فرزند- از آن‌جا

که نقش مادر در رشد و پرورش کودکان بسیار مهم و سرنوشت ساز است، مسئولیت مراقبت، شیر دادن و رسیدگی جسمی و روانی آنان در درجه‌ی اول به عهده‌ی زن خانواده گذاشته شده است.

۲-۲-۴-۲ مسئولیت مدیریت منزل- یکی از

مهم‌ترین وظایف زن خانواده، مدیریت و رسیدگی به امور منزل از جمله نظافت، آراستگی، پخت و پز و مسائلی از این قبیل است.

در خصوص مسئولیت‌ها و وظایف زن و مرد در خانواده ضروری است به نکته‌های زیر توجه شود:

● تقسیم مسئولیت‌ها و نقش‌های مختلف به معنی برتری یکی بر دیگری نیست.

● مسئولیت‌ها و وظایف زن و مرد در خانواده مطلق نیست. به این معنی که فقط مردان مسئول تصمیم‌گیری‌ها و تأمین خط مشی‌های خانواده نیستند، بلکه در بسیاری از مواقع این مسئولیت به صورت مشترک اعمال می‌شود.

بسیاری از مسئولیت‌های افراد خانواده به صورت مشترک اعمال می‌شود. به طوری که بسیاری از مردان در رسیدگی و مراقبت از فرزندان و بسیاری از زنان در تأمین مخارج اقتصادی خانواده مشارکت دارند.

● نکته‌ی بسیار مهم آن است که زن و شوهر در انجام مسئولیت‌ها و وظایف، با یک‌دیگر تفاهم و توافق داشته باشند. چنان‌چه در این زمینه اختلافی با یک

فعالیت عملی ۱۱- به گروه‌های پنج نفری تقسیم شوید. هر گروه گزارشی درباره‌ی سیره‌ی پیامبر اکرم یا امامان معصوم در همسرداری و فرزندداری تهیه کند و به کلاس ارائه دهد.



۴-۲ آشنایی با مسئولیت‌های افراد در

خانواده

به طور سنتی در قالب خانواده، نقش‌ها و مسئولیت‌های خاصی برای زنان و مردان مشخص شده است که در این جا به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱-۴-۲ مسئولیت مردان در خانواده- مردان،

مسئول و سرپرست خانواده محسوب می‌شوند و تصمیم‌گیری‌های مهم خانوادگی بر عهده‌ی آن‌هاست. در مجموع، مردان عمدتاً نقش‌های مدیریتی، هدایتی و انضباطی خانواده را بر عهده دارند.

۱-۱-۴-۲ مسئولیت اقتصادی- به طور سنتی

مردان مسئول تأمین معاش خانواده‌اند.

۲-۱-۴-۲ مسئولیت ارشادی- معمولاً

پدران مسئول تربیت و تأدیب فرزندان در نظر گرفته می‌شوند.

۲-۴-۲ مسئولیت زنان در خانواده- نقش

عهده‌ی زنان در خانواده رسیدگی به مسائل عاطفی و پرورشی است.



دیگر دارند از مهارت حل اختلاف استفاده کنند.

اختلاف، نارضایتی و نزاع زن و شوهر در زمینه‌ی مسئولیت‌های یک دیگر، یکی از مهم‌ترین عواملی است که کانون خانواده را به شدت تضعیف می‌کند.

۲-۴-۳ مسئولیت فرزندان در خانواده-

فرزندان نیز در کانون خانواده وظایف و مسئولیت‌هایی بر عهده دارند.

برخلاف نظر عده‌ای از مردم، آنان تنها گیرنده‌ی خدمات و امکانات خانواده نیستند؛ بلکه موظف‌اند که مسئولیت‌هایی را بر عهده گیرند.

۱-۲-۴-۳ احسان و اطاعت از والدین- یکی

از مهم‌ترین وظایف فرزندان آن است که در رفتار و گفتار خود احترام والدین را رعایت کنند. بی‌احترامی به والدین و بی‌وجهی به شأن و حرمت آنان از موارد مهمی است که رشد فرزند و سایر خانواده را با مشکل بزرگی روبه رو می‌کند.

علاوه بر این، هر خانواده دارای اصول، قوانین و مقررات خاصی است که ضروری است فرزندان، آن-هارا رعایت کنند.

۲-۲-۴-۳ انجام مسئولیت‌ها و فعالیت‌های

شخصی- فرزندان به موازات رشد و افزایش توانایی‌ها، مسئولیت‌های بیش‌تری نیز می‌یابند. مثلاً کودکی دو ساله قادر نیست در بیرون از منزل از خود مراقبت کند و مسئولیت مراقبت از وی بر عهده‌ی خانواده

گذاشته می‌شود.

ولی زمانی که شانزده ساله می‌شود توانایی مراقبت از خود را در محیط بیرون کسب کرده و در این زمینه در قبال خود مسئول است. به همین دلیل ضروری است به موازات رشد، مسئولیت‌ها و وظایف خود را بشناسد و آن‌ها را به اجرا درآورد.

۳-۲-۴-۳ همکاری در فعالیت‌های منزل- نه

تنها فرزندان در قبال خود مسئولیت‌ها و وظایفی بر عهده دارند، بلکه در مقابل خانواده نیز مسئول‌اند و باید در انجام فعالیت‌هایی مانند نظافت، خرید، پخت و پز و سایر امور خانوادگی مشارکت داشته باشند.

چکیده

برای ایجاد خانواده‌ای سالم نه تنها ضروری است ابعاد روابط نزدیک شناخته شود، بلکه تسلط بر مهارت‌های متعدد نیز ضروری است.

ابعاد روابط نزدیک عبارت‌اند از دلبستگی، سلسله مراتب قدرت، حریم، جنسیت، مرز و تفسیر زوجین از جهان.

مهارت‌های اساسی برای زندگی خانوادگی عبارت‌اند از خودآگاهی و خودشناسی، شناخت احساساتی مانند خشم و عشق، مهارت همدلی و مهارت حل اختلاف.

شناخت دستورات اخلاقی اسلام نیز در تأمین روابط سالم خانوادگی اهمیت بسیار دارد، از جمله



آزمون پایانی عملی واحد کار دوم



مقاله‌ای کوتاه در زمینه‌ی ابعاد روابط نزدیک تهیه کنید. مقاله را به چند نفر از افراد متأهل اطراف خود بدهید و نظر آنان را در باره‌ی مقاله جویا شوید. در پایان، گزارشی در خصوص نظر خواهی از آنان تهیه کنید.

محبت و صمیمیت، احترام گذاشتن به یکدیگر، گذشت و خطاپوشی، همکاری و تقسیم کار. به علاوه ضروری است اعضای خانواده با مسئولیت‌ها و نقش‌های خود آشنا باشند. مردان معمولاً نقش‌های مدیریتی، هدایتی و انضباطی خانواده و زن‌ها نقش‌های عاطفی و پرورشی خانواده را بر عهده دارند. از جمله وظایف فرزندان در خانواده نیز احسان و اطاعت از والدین، انجام مسئولیت‌های شخصی و همکاری در فعالیت‌های منزل است.

آزمون پایانی نظری واحد کار دوم



۱. دلبستگی را تعریف کنید.
۲. حریم شخصی در ارتباط نزدیک را تعریف کنید.
۳. تأثیر تفسیرهای متفاوت زوجین از جهان را بر ارتباط آنان شرح دهید.
۴. شکل‌های مختلف خشم را در روابط انسانی نام ببرید.
۵. اجزای مختلف عشق را نام ببرید.
۶. روش‌های مختلف دستیابی به راه حل‌های برنده-برنده را نام ببرید.
۷. چهار دستور اخلاقی اسلام برای تأمین روابط سالم خانوادگی را نام ببرید.

واحد کار سوم

ازدواج و ملاک‌های انتخاب همسر





هدف‌های رفتاری



انتظار می‌رود هنرجو پس از گذراندن این واحد کار بتواند به هدف‌های زیر دست یابد:

۱. فهرستی از باورهای غلط را در باره‌ی ازدواج تنظیم کند.

۲. ملاک‌های گزینش همسر را نام ببرد.

۳. اهمیت تشابه زوجین را از نظر تحصیلی، اجتماعی، مذهبی و... شرح دهد.

۴. اهمیت استقلال زوجین را از خانواده‌ی پدری توضیح دهد.

۵. مراحل تصمیم‌گیری عقلانی را شرح دهد.

پیش آزمون واحد کار سوم



۱- کدام یک از موارد زیر در باره‌ی ازدواج صحیح است؟

الف) ازدواج راهی برای کاهش فشار بر جسم و روان انسانی است؟

ب) راهی برای پیدا کردن نیمه‌ی دیگر وجود هر انسانی است.

ج) راهی برای دست‌یابی به خوش‌بختی است.

د) راهی برای پایان دادن به مشکلات است.

۲- کدام یک از موارد زیر از ملاک‌های ازدواج است؟

الف) تشابه اجتماعی، اقتصادی و مذهبی

ب) فاصله‌ی سنی حدود نه سال

ج) پول و ثروت

د) عشق و علاقه به هم

۳- کدام گزینه صحیح است؟

الف) تصمیمی باید گرفت که به هیچ‌وجه جنبه‌ی منفی نداشته باشد.

ب) نتیجه‌ی تصمیم باید صد در صد مثبت باشد.

ج) تصمیمی باید گرفت که پیامد منفی کمتر و پیامد مثبت بیش‌تر داشته باشد.

د) تصمیم‌گیری آسان است.



۴- مریم برسر دو راهی ادامه‌ی تحصیل یا ازدواج قرار گرفته است. او در کدام مرحله از فرآیند تصمیم‌گیری

است؟

الف) روبه رو شدن با موقعیت تصمیم‌گیری

ب) تعیین گزینه‌های ممکن

ج) ارزیابی پیامدها

د) متعهد شدن به انجام یک تصمیم

مقدمه

همسر اهمیت بسیار دارد.

در این بخش به ازدواج و ملاک‌های انتخاب همسر

می‌پردازیم. (شکل ۱-۳)



۱-۳ ازدواج؛ یک تغییر

ازدواج باعث تغییر در وضعیت معمول زندگی

زوجین می‌شود. هنگامی که پسر و دختری ازدواج

می‌کنند، نقش‌های جدیدی به آن‌ها داده می‌شود:

نقش‌های «همسر»، «مدیر خانه»، «عروس» و... به زن؛

و نقش‌های «شوهر»، «سرپرست خانواده»، «نان‌آور

خانواده»، «داماد» و... به مرد داده می‌شود. به همین

دلیل، ازدواج یک عامل فشار روانی^۱ است.

ازدواج، یکی از رویدادهای شیرین زندگی هر

انسانی است. پس از پشت سر گذاشتن دوران نوجوانی،

هنگامی که انسان‌ها به هویت واقعی خود پی بردند،

براساس ملاک‌ها و ارزش‌هایی که در زندگی خود

مهم می‌دانند، دست به انتخاب همسر می‌زنند تا بقیه‌ی

عمر خود را با همراهی فردی مناسب ادامه دهند.

انتخاب همسر، یکی از مهم‌ترین تصمیم‌گیری‌های

زندگی هر فردی است. زیرا، همسر کسی است که

عضویت او در خانواده، نه براساس رابطه‌ی خونی؛

بلکه براساس انتخاب و تصمیم‌گیری است. به همین

دلیل، تصمیم‌گیری برای ازدواج و ملاک‌های انتخاب

همسر از اهمیت بسیار برخوردار است.

قرآن کریم، ازدواج را مایه‌ی آرامش انسان

(سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۸۹) و همسر را نعمت

خداوند می‌داند (سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۷۲). به همین

دلیل تصمیم‌گیری برای ازدواج و ملاک‌های انتخاب



فعالیت عملی ۱ - به پنج گروه تقسیم شوید. هر گروه با یک عروس و داماد که دست کم دو ماه و حداکثر، پنج ماه از ازدواج آنان گذشته است در خصوص فشارها و استرس‌های زندگی مشترک آنان مصاحبه و گزارشی از آن‌ها تهیه کنید.

۳-۲ باورهای غلط درباره‌ی ازدواج

وجود برداشت‌ها و نگرش‌های غلط درباره‌ی ازدواج، فشار و استرس ازدواج را سنگین‌تر می‌کند. باورهای غلط درباره‌ی ازدواج می‌تواند ضربه‌ای شدیدی به زندگی مشترک وارد کند. در این جا تعدادی از آن‌ها بررسی شده‌اند:

۱- ازدواج ابزاری است برای رفاه، آسایش، فرار از خانه‌ی پدری، درمان بیماری‌ها و ...

ازدواج مرحله‌ای مهم از رشد در زندگی انسان است نه ابزاری برای رفاه، آسایش و ... برای ازدواج، ضروری است افراد به رشد روانی رسیده باشند، به طوری که بتوانند علاوه بر قبول مسئولیت‌های زندگی شخصی، مسئولیت‌های زندگی مشترک را قبول کنند و از عهده‌ی آن‌ها برآیند.

۲- باید با کسی ازدواج کرد که از هر نظر کامل باشد.

این باور اشتباه است زیرا هیچ انسانی کامل نیست.

منظور از فشار روانی، نیاز به دوباره سازگار شدن با وضعیت جدید زندگانی است.

از آن‌جا که به دنبال ازدواج، تغییرات زیادی در زندگی زوجین ایجاد می‌شود، آنان به فرصت نیاز دارند تا بتوانند با اوضاع جدید زندگانی خود سازگار شوند. سازگاری با این اوضاع جدید زندگانی به زمان و تلاش مناسب نیاز دارد.

● مریم یک سال است که ازدواج کرده است. ولی می‌گوید که اصلاً احساس خوبی ندارد. شوهر او دانشجو و شاغل است.

به همین دلیل، وضعیت مالی خوبی ندارند و او بسیاری از امکانات خانه‌ی پدری را از دست داده است. علاوه بر این، شوهرش بیش‌تر مواقع روز در منزل نیست و زمانی هم که می‌آید به مطالعه‌ی درس‌های خود می‌پردازد.

● سعید دو سال است ازدواج کرده است. او قبل از ازدواج، با درآمدی که داشت به تفریحات و مسافرت‌های دل‌چسبی می‌پرداخت. ولی پس از ازدواج، به علت پرداخت اجاره بهای منزل و هزینه‌های زندگی مشترک، نمی‌تواند چنان برنامه‌های تفریحی داشته باشد.

او مجبور است بیش‌تر از گذشته کار کند. سعید احساس می‌کند قسمتی از زندگی خود را از دست داده است.



۳- زن و شوهر باید کاملاً شبیه هم باشند.

این باور نیز درست نیست. انسان‌ها با یک‌دیگر متفاوت‌اند و هیچ یک از آن‌ها کاملاً شبیه دیگری نیست حتی دو قلوهای همسان. مهارت همدلی به انسان‌ها کمک می‌کند تا بتوانند جدا از اختلاف‌ها و تفاوت‌هایی که با یک‌دیگر دارند در کنار یک‌دیگر با رضایت زندگی کنند.

۴- حالا ازدواج می‌کنم و بعد رفتار همسرم را تغییر می‌دهم.

نکته‌ی بسیار اساسی که در ازدواج باید به آن توجه کرد این است که هیچ انسانی نمی‌تواند دیگری را تغییر دهد. انسان‌ها زمانی تغییر می‌کنند که خودشان بخواهند. به همین دلیل هنگام ازدواج باید فرد را همان طور که هست، بپذیرید و قبول کنید. اگر نمی‌توانید چنین فردی را با همین خصوصیتی که دارد بپذیرید، بهتر است او را به عنوان همسر انتخاب نکنید.

۵- زندگی زن باید از قبل کامل شده باشد. زنان نیز همانند مردان در قبال زندگی مشترک خود مسئول‌اند. زن و مرد دوشادوش یک‌دیگر زندگی مشترک خود را می‌سازند نه آن که زن باید وارد زندگی آماده شود.

۶- زن و شوهر باید همه‌ی گذشته خود را به یک‌دیگر بگویند.

زن و شوهر لزومی ندارد در باره‌ی موضوعاتی که تمام شده‌اند، به زمان حال ارتباط ندارند و به طرف

مقابل نیز مربوط نمی‌شوند، چیزی به هم بگویند. ولی گفتن مطالبی که مربوط به زمان حال است و ارتباط مستقیم با فرد مقابل دارد بسیار اساسی است. مخفی کاری درباره‌ی مشکلی که در زمان حال وجود دارد مانند ابتلای یکی از زوجین به بیماری‌های جسمی و روانی، به شروع زندگی مشترک لطمه می‌زند.

۷- زن و شوهر باید همه‌ی وقت‌شان را با یک‌دیگر بگذرانند.

همان‌طور که قبلاً مطرح شد، زن و شوهر علاوه بر زندگی مشترک، دارای زندگی شخصی نیز هستند. آنان فعالیت‌های شخصی، دوستان و برنامه‌های دیگری نیز جدا از زندگی مشترک دارند که باید به آن‌ها نیز پردازند. بنابراین، امکان پذیر نیست که همیشه در کنار یک‌دیگر باشند.

۸- مرد مسئول خوش بخت کردن زن است.

زن و مرد هر دو مسئول خوش بخت کردن یک‌دیگر هستند. زن نیز همانند مرد چنین مسئولیتی را برعهده دارد.

۹- نباید احساسات را به طرف مقابل نشان بدهی و گرنه سوءاستفاده می‌کند.

بیان احساسات مثبت مانند عشق و علاقه، نه تنها مشکلی ایجاد نمی‌کند بلکه یکی از ضروریات زندگی مشترک است. در واقع، بیان نکردن این احساسات است که مشکل‌زاست.



آنان پیش آورد.

همین موضوع در سایر زمینه‌ها نیز صدق می‌کند. چنانچه فردی که معاشرتی است با شخصی ازدواج کند که منزوی و گوشه‌گیر است و به ارتباط اجتماعی علاقه‌ای ندارد، با مشکلات بسیار در زندگی مشترک خود روبه‌رو خواهد شد.



فعالیت عملی ۲- با سه دختر جوان درباره‌ی ازدواج صحبت و باورهای آنان را درباره‌ی ازدواج بررسی کنید. باورهای آنان تا چه اندازه صحیح است؟

۳-۳ ملاک‌های گزینش همسر

۱-۳-۳- سن اگر چه اختلاف سنی، تابع اوضاع اجتماعی و فرهنگی هر جامعه است اما مهم آن است که زوجین هر دو در مرحله‌ی مشابهی از رشد (عاطفی، روانی و...) قرار داشته باشند. چنانچه اختلاف سنی، در حدّی باشد که یکی از زوجین در یک مرحله از رشد و دیگری در مرحله‌ی دیگری از رشد باشد، مشکلات بسیاری در زندگی مشترک به وجود می‌آید.

۲-۳-۳- تشابه از نظر وضعیت تحصیلی،

اجتماعی، مذهبی و فرهنگی- توصیه بر آن است که زوجین از نظر وضعیت تحصیلی، اجتماعی، مذهبی و فرهنگی شباهت‌های نسبی با یکدیگر داشته باشند. اختلاف‌ها و تفاوت‌های شدید زوجین، یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز مشکلات بعدی است. به همین دلیل، توصیه می‌شود فردی که مذهبی است و به اصول اخلاقی پای‌بند است با فردی ازدواج کند که در این زمینه با او شباهت بیش‌تری دارد. ازدواج چنین فردی با شخصی که توجهی به مسائل مذهبی و اخلاقی ندارد، می‌تواند مشکلات بسیاری را در ازدواج



فعالیت عملی ۳- به گروه‌های پنج نفری تقسیم شوید. هر گروه یکی از ازدواج‌هایی را که زوجین با یکدیگر تفاوت‌های زیادی دارند بررسی کند و پیامد آن را نیز توضیح دهد.

۳-۳-۳ استقلال زوجین از خانواده‌ی پدری-

یکی از نکات بسیار مهم و اساسی ازدواج، استقلال زوجین از خانواده‌ی پدری است.

هنگام ازدواج، زوجین برای خود خانواده‌ای تشکیل می‌دهند که جدا از خانواده‌ی قبلی آنهاست. این خانواده‌ی جدید باید مستقل و دارای مرز مشخصی باشد.

گاهی اوقات، مرز این خانواده‌ی جدید بسیار ضعیف و نامشخص است و گاهی مرزی ندارد که به دخالت دیگران می‌انجامد.

مسعود پسر دوم خانواده بود. از آنجا که شغلی مناسب با درآمد کافی برای پرداخت مخارج زندگی و



به یاد داشته باشید ملاک‌های بالا نسبی‌اند و مهم است جوانان برای داشتن ازدواج بهتر و موفقتر، علاوه بر آشنایی با آن‌ها، با مهارت‌های مختلف زندگی مانند مهارت تصمیم‌گیری نیز آشنا شوند.

فعالیت عملی ۴- با دو نفر از والدین و دو نفر از جوانان درخصوص ملاک‌های مهم ازدواج مصاحبه و سپس، مهم‌ترین ملاک‌های آنان را مشخص کنید.

۳-۳-۶ برخورداری از مهارت تصمیم‌گیری

یکی از مهم‌ترین مهارت‌هایی که لازم است هر فرد در زندگی بیاموزد، مهارت تصمیم‌گیری است. زیربنای این مهارت استدلال، منطق و تعقل است. ازدواج نیز تصمیم‌گیری مهمی است. از این رو ضرورت دارد با ویژگی‌های تصمیم‌گیری عقلانی بیش‌تر آشنا شوید.

مراحل تصمیم‌گیری عقلانی یا منطقی

عبارت‌اند از:

۱. روبه‌رو شدن با موقعیت تصمیم‌گیری-

یعنی آگاهی فرد از این که ضرورت دارد در باره‌ی موضوعی تصمیم بگیرد. این آگاهی در برخی موقعیت‌ها مانند زمانی که فرد احساس می‌کند بر سر دوراهی قرار گرفته است یا مشکل مزمنی به طور مداوم در زندگی او حضور دارد یا به بن‌بست رسیده است اهمیت بیش‌تری می‌یابد. به مثال زیر توجه کنید.

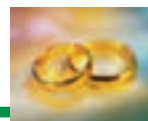
اجاره‌خانه را نداشت، پس از ازدواج زندگی مشترک خود را در خانه‌ی پدرش آغاز کرد. برادر بزرگ‌تر او نیز با خانواده‌ی خود در همین خانه زندگی می‌کرد. از آن‌جایی که تمام افراد خانواده در یک منزل زندگی می‌کردند، مسعود و همسرش مجبور بودند در تمام میهمانی‌ها و برنامه‌های خانوادگی شرکت کنند و این مانع آن می‌شد که آن‌ها بتوانند برنامه‌هایی جداگانه داشته باشند. از سوی دیگر، خانواده‌ی مسعود انتظاراتی از همسر او داشتند که گاهی اوقات غیر منطقی می‌شد. این موضوع به تدریج مشکلاتی در ارتباط بین همسر و خانواده‌ی مسعود ایجاد کرد که به قهر همسر او انجامید.

۳-۳-۴ اولویت‌ندادن به ویژگی‌های

ظاهری- برخی از افراد به زیبایی و جذابیت همسر آینده‌ی خود بیش از حد اهمیت می‌دهند. در مجموع، زیبایی و جذابیت جسمی ارزش پایداری در ازدواج ندارد. زیرا زیبایی ظاهری، به دلایل مختلف از بین می‌رود. بهتر است اساس ازدواج بر موضوعات پایداری مانند خصوصیات شخصیتی و ویژگی‌های اخلاقی (پرهیزگاری، صداقت، راستی و ...) استوار باشد.

۳-۳-۵ استقلال مالی-

مهم است زوجین بتوانند مخارج زندگی خود را تأمین کنند و از این نظر، وابستگی نداشته باشند. در غیر این صورت در ازای تأمین مالی زندگانی، استقلال خود را از دست می‌دهند.



- اگر سعی کند ادامه‌ی تحصیل دهد،
- پیامدهای مثبت آن عبارت‌اند از :
-
- پیامدهای منفی آن عبارت‌اند از:
-

۴. متعهد کردن خود به گرفتن یک تصمیم -

در این مرحله، فرد سعی می‌کند با انتخاب یکی از گزینه‌های ممکن خود را به انجام آن پای بند و متعهد سازد. مثلاً در مثال زهرا، او تصمیم می‌گیرد که گزینه‌ی دوم (ادامه تحصیل) را برگزیند، چون پیامدهای مثبت بیش‌تری دارد. او خود را به این تصمیم متعهد می‌کند. به همین دلیل به گزینه‌ی دیگر فکر نمی‌کند که اگر من ازدواج کنم شاید چنین شود، شاید چنان شود.

یکی از مشکلات مهم تصمیم‌گیری آن است که افراد، پس از انتخاب یکی از گزینه‌ها دائماً به گزینه‌های دیگر فکر می‌کنند که اگر این تصمیم را نمی‌گرفتم آن وقت موفق بودم و

۵. برنامه‌ریزی برای اجرای تصمیم - در این

مرحله، فرد گام‌های اجرایی را برای انجام تصمیم خود تعیین می‌کند. در مثال زهرا، او گام‌های اجرای

تصمیم خود برای ادامه‌ی تحصیل تعیین می‌کند :

- با استادان خود مشورت کند؛
- اطلاعات بیش‌تری از ادامه تحصیل جمع‌آوری کند
- و

زهرا، دانشجویست. او به ادامه‌ی تحصیل علاقه دارد. با این حال، اخیراً خواستگاری دارد که از شرایط مناسبی برخوردار است. زهرا، در باره‌ی ادامه‌ی تحصیل یا ازدواج در حال تصمیم‌گیری است.

۲. تعیین گزینه‌های ممکن و جمع‌آوری اطلاعات

در باره‌ی آن‌ها - در این مرحله فرد باید بررسی کند که چه گزینه‌هایی برای تصمیم‌گیری وجود دارد و سپس درباره‌ی آن‌ها اطلاعات لازم را جمع‌آوری کند.

در مثال زهرا، او بررسی می‌کند که بر سر این دو راهی چه گزینه‌هایی برای او وجود دارد:

الف) به خواستگاری که برای او آمده است فکر کند و سعی کند با او بیش‌تر آشنا شود و جریان خواستگاری را به پیش برد؛

ب) به ادامه‌ی تحصیل فکر کند.

۳. ارزیابی پیامدهای پیش‌بینی شده‌ی هریک

از گزینه‌ها - در این مرحله، فرد پیامدهای هریک از گزینه‌های ممکن را بررسی و نتیجه‌ی هریک را مشخص می‌کند.

در مثال زهرا، او پیامدهای هریک از مراحل بالا را

بررسی می‌کند :

- اگر سعی کند که جریان خواستگاری را به پیش برد،
- پیامدهای مثبت آن عبارت‌اند از:
-
- پیامدهای منفی آن عبارت‌اند از:
-



چکیده

ازدواج یکی از رویدادهای مهم زندگی هر انسانی است. در عین حال، باورهای غلط متعددی درباره ازدواج وجود دارد که شناخت آنها به سازگاری بیش‌تر زوجین با وضعیت جدید پس از ازدواج بسیار کمک می‌کند. ملاک‌های متعددی نیز برای گزینش همسر وجود دارد: سن، تشابه از نظر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، تحصیلی، مذهبی، استقلال زوجین از خانواده‌ی پدری، ویژگی ظاهری و وضعیت مالی. از آنجا که تصمیم‌گیری برای ازدواج، بسیار مهم و اساسی است، ضرورت دارد زوجین با اصول تصمیم‌گیری عقلانی و منطقی آشنا شوند و در انتخاب شریک زندگی خود از آن استفاده کنند.

آزمون پایانی نظری واحد کار سوم



- ۱- سه باور غلط در باره‌ی ازدواج را بیان کنید.
- ۲- ملاک‌های گزینش همسر را نام ببرید.
- ۳- مهارت تصمیم‌گیری عقلانی و منطقی را شرح دهید.

آزمون پایانی عملی واحد کار سوم



مقاله‌ای کوتاه درباره‌ی ازدواج تهیه کنید.

۶. اجرای تصمیم - در این مرحله، فرد تصمیم

می‌گیرد برنامه‌هایی را، که در مرحله‌ی قبل تعیین کرده بود، به اجرا درآورد. در مثال زهرا، او گام‌های خود را یکی یکی برمی‌دارد.

۷. ارزیابی پیامدهای واقعی تصمیم - در این

مرحله، فرد مشخص می‌کند تصمیم گرفته شده تا چه اندازه مؤثر و مفید بوده است. پس از اجرای گام‌ها، او پیامدهای واقعی تصمیم خود را بررسی می‌کند: حالا که جریان ادامه‌ی تحصیل را به جلو بردم چه نتایجی برای من داشت؟



فعالیت عملی ۵- یکی از تصمیم‌گیری‌های

قبل خود را با اصول تصمیم‌گیری عقلانی مطابقت دهید و مشخص کنید تا چه اندازه از چنین اصولی استفاده کرده‌اید. مشخص کنید تصمیم‌گیری شما تا چه حد منطقی و اصولی بوده است. اگر اشکالی در مراحل بالا داشتید، مشخص کنید در کدام مرحله بوده است؟

در هر تصمیم‌گیری، فرد چیزی را از دست می‌دهد

و در مقابل چیز دیگری را به دست می‌آورد. هر تصمیم‌گیری دارای پیامدهای مثبت و منفی است. مهم آن است که تصمیمی گرفته شود که پیامدهای مثبت بیش‌تر و پیامدهای منفی کم‌تری داشته باشد.

واحد کار چهارم

ارتباط با همسر و فرزند





هدف‌های رفتاری



انتظار می‌رود هنرجو پس از گذراندن این واحد کار بتواند به هدف‌های زیر دست یابد:

۱. فهرستی از تفاوت‌های بین زن و مرد تهیه و تنظیم کند.
۲. شاخص‌های ازدواج موفق را نام ببرد.
۳. اهمیت داشتن اوقات مشترک را در بهبود ارتباط زوجین شرح دهد.
۴. انواع روش‌های بیان محبت و علاقه به همسر را نام ببرد.
۵. توقعات و انتظارات همسران را فهرست کند.
۶. تأثیر بیان روشن انتظارات زوجین از هم را در کیفیت ازدواج توضیح دهد.
۷. احترام به حریم‌های شخصی را در بهبود ازدواج شرح دهد.
۸. اهمیت تعادل را در نقش‌های خانوادگی توضیح دهد.
۹. نکته‌های مهم را در برقراری ارتباط صحیح با فرزند شرح دهد.

پیش آزمون واحد کار چهارم



۱. کدام گزینه از شاخص‌های ازدواج موفق است؟
الف) نبود اختلاف ب) سازش ج) کنترل کردن د) شناخت قوی از خود
۲. کدام گزینه صحیح است؟
الف) زنان احساسات خود را کمتر نشان می‌دهند.
ب) زنان به مسائل کلی‌تر نگاه می‌کنند.
ج) زنان به جذابیت جسمی بیش‌تر اهمیت می‌دهند.
د) زنان روابط را پیچیده‌تر از مردان می‌بینند.
۳. کدام یک از انتظارات زوجین از یک‌دیگر منطقی است؟
الف) باید احساس‌مان را به یک‌دیگر بگوییم. ب) باید خوشبختم کند.
ج) نباید در این زندگی سختی بکشم. د) باید برای من ارزش و احترام قایل شود.



۴. مردی که به سبب شغل مهمش وقت کمی برای خانواده می‌گذارد، در کدام گزینه مشکل دارد؟
- الف) احترام به حریم شخصی
 ب) تعادل در نقش‌ها
 ج) مشارکت در انجام مسئولیت‌ها
 د) انعطاف در ایفای نقش‌های خانوادگی
۵. زن و مردی که هر دو کارمندند و زن با خستگی به کارخانه می‌پردازد و از کمک نکردن شوهرش ناراضی است، در کدام یک از موارد زیر مشکل دارند؟
- الف) احترام به حریم شخصی
 ب) نابرابری در انجام کارهای خانه
 ج) تعادل در نقش‌ها
 د) انعطاف در ایفای نقش‌های خانوادگی
۶. نقش کدام گزینه در رشد عزت نفس کودکان مهم است؟
- الف) پذیرش بی‌قید و شرط
 ب) آزاد گذاشتن فرزندان
 ج) انضباط شدید
 د) بیان نکردن محبت و علاقه

مقدمه

می‌توان گفت تقریباً همه‌ی انسان‌ها ازدواج می‌کنند.

ارتباط با همسر، قسمت مهمی از زندگی یک بزرگسال است که تأثیر روانی شدیدی بر زندگانی او دارد. چنان‌چه ارتباط با همسر راضی‌کننده و موفقیت‌آمیز باشد، فرد از سلامت روانی بیش‌تری برخوردار می‌شود.

در صورتی که زندگی زناشویی با مشکلات و نارضایتی‌ها همراه باشد بر زندگی زوجین شدیداً تأثیر می‌گذارد و ناکامی، یأس و نهایتاً افسردگی نیز به دنبال خواهد داشت. ارتباط مناسب بین والدین و فرزندان نیز باعث می‌شود سطح سلامت در خانواده

بالا رود. به علاوه، فرزندان چنین خانواده‌هایی در آینده موفقیت‌های بیش‌تری کسب می‌کنند.

۱-۴ رفتار با همسر و فرزند در قرآن کریم

قرآن کریم زن و شوهر را پوشش یکدیگر می‌داند (سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۸۷). هم‌چنین در خصوص رفتار با همسر سفارش کرده است که با زنان خود خوش رفتاری کنید (سوره‌ی طلاق، آیه‌ی ۲؛ سوره‌ی بقره آیه‌های ۲۲۹ و ۲۳۱). رسول اکرم حضرت محمد (ص) نیز فرموده‌اند: «دوست داشتن زن جزء اخلاق پیامبران است».

از حضرت سجاد (ع) هم نقل شده است: «گفتار خوش مال را زیاد و رزق را فراوان می‌کند و موجب محبوبیت در خانواده و ورود به بهشت می‌شود».



قطعی است. ولی واقعیت چیز دیگری است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند شور و اشتیاق به تنهایی نمی‌تواند برای دوام زندگی خانوادگی، نقش داشته باشد. اصولاً زندگی مشترکی که بر درک و فهم، تقسیم عادلانه‌ی مسئولیت‌های خانوادگی و فرصت‌های تصمیم‌گیری برابر پایه‌گذاری شده از زندگی مشترکی که فقط بر اساس علاقه و اشتیاق شکل گرفته، با دوام‌تر است.



در قرآن کریم، رسیدگی به فرزندان نیز توصیه شده است، از جمله وظایف والدین، دعوت به ایمان الهی، نماز، توجه به پاداش و تنبیه الهی، آموزش اخلاق و رفتار پسندیده و نیکو، انجام عمل صالح، امر به معروف و نهی از منکر، صبر در حل مشکلات و خودداری از ابراز غرور به مردم (سوره‌ی لقمان، آیه‌های ۱۷ و ۱۸) است.

توجه

شاخص‌های ازدواج موفق

- شناخت قوی از خود
- انتظار واقع بینانه از ماهیت ازدواج
- کسب مهارت‌های اجتماعی بیش‌تر
- توانایی حل اختلاف‌ها و مشکلات زندگی
- توانایی درک و فهم طرف مقابل
- توانایی ابراز احساس‌های مثبت به همسر
- اشتراک نسبی در موضوعات ارزشی، اخلاقی، دین، مذهب، ایمان و اعتقادات و ...
- تعادل در نقش‌های مختلف زندگی (فردی که سعی می‌کند نقش‌های مختلف خود را در زندگی به طور هماهنگ ایفا کند در زندگی مشترک موفق‌تر از فردی است که مثلاً فقط در نقش کارمندی یا تحصیلی یا اجتماعی خود غرق می‌شود).



فعالیت عملی ۱ - دو حدیث در خصوص

اهمیت خوش رفتاری با افراد خانواده بنویسید.

۲-۴ عوامل مؤثر در برقراری ارتباط درست

با همسر

این عوامل عبارت‌اند از:

۱-۲-۴ کیفیت ارتباط زوجین

با آن که بسیاری از مردم ممکن است تصور کنند دوام زندگی‌هایی که با شور و اشتیاق آغاز شده باشند،



۴-۲-۲ شناخت تفاوت‌های میان زن و مرد

یکی از نکته‌های مهم در مبحث ارتباط زوجین آن است که آنان باید، علاوه بر شناخت خود، از تفاوت‌هایی که میان زن و مرد است آگاه باشند. اگر چه زنان و مردان در موارد بسیار به یک‌دیگر شباهت دارند ولی تفاوت‌های ظریفی نیز میان آنان وجود دارد که عبارت‌اند از:

۴-۲-۲-۱ تفاوت‌های جسمی

بدن زنان و مردان با یک‌دیگر تفاوت دارد. حتی تحقیقات اخیر نشان داده است زنان و مردان در بافت مغزی نیز تفاوت‌های مختصری با یک‌دیگر دارند. بعضی از هورمون‌ها مانند تستوسترون فقط در مردان و هورمون‌هایی مانند استروژن و پروژسترون فقط در زنان ترشح می‌شود. با توجه به این که هورمون‌ها بر رفتار انسان تأثیر اساسی و مهمی دارند، طبیعی است که رفتار زنان و مردان تفاوت‌هایی نیز با یک‌دیگر داشته باشد.

۴-۲-۲-۲ تفاوت‌های روانی

زنان و مردان از نظر خصوصیات روان شناختی نیز در بعضی از موارد، با یک‌دیگر تفاوت دارند. در این جا به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود:

● زنان و مردان در برقراری ارتباط با یک‌دیگر تفاوت دارند. برقراری ارتباط اجتماعی برای زنان نسبت به مردان اهمیت بیشتری دارد. زنان هنگامی که با مشکلی رو به رو می‌شوند، در وهله‌ی نخست به

دنبال همدل، سپس به دنبال راه‌حل آن هستند. آنان مایل‌اند در درجه‌ی اول، همسرشان به صحبت‌های آنان «گوش دهد»، با آنان همدلی کند و آنان را «درک کند» و سپس به حل مشکل خود اقدام می‌کنند. مردان نیز نیاز به همدلی دارند اما کمتر از زنان به این موضوع اهمیت می‌هند.

● زنان و مردان از نظر ابراز هیجان‌ها با یک‌دیگر تفاوت دارند. زنان هیجانات و احساسات خود را به خوبی نشان می‌دهند ولی مردان آن‌ها را بروز نمی‌دهند. آنان هنگام ناراحتی بیش‌تر به درون خود فرو می‌روند.

● جذابیت جسمی و آراستگی زنان برای مردان از اهمیت بسیار برخوردار است. مردان بیش‌تر از زنان تحت تأثیر جذابیت و آراستگی قرار می‌گیرند.

● مردان کلی‌تر از زنان به مسائل نگاه می‌کنند. مردان کل‌گراتر و زنان جزء‌نگرترند. این موضوع در زمینه‌های اجتماعی بیش‌تر خود را نشان می‌دهد. مثلاً هنگامی که زن و شوهری به یک میهمانی می‌روند، زن به بسیاری از موارد ریز و ظریف در زمینه‌های متعدد به ویژه رفتارها و برخوردها توجه دارد. در حالی که مرد توجهی به موارد ریز و جزء ندارد و به «کل» میهمانی توجه دارد که از آن لذت برده است.

محسن و همسرش به منزل یکی از آشنایان دعوت شده بودند. پس از پایان میهمانی، محسن از این که مدت زمانی را با دوستان و آشنایان گذرانده



فعالیت عملی ۲ - دیدگاه تعدادی از افراد

مجرد و متاهل را در خصوص تفاوت‌های زن و مرد، با استفاده از پرسش‌نامه‌ی زیر ارزیابی و پاسخ‌های آنان را مقایسه کنید. خلاصه‌ای از تفاوت‌های بین زنان و مردان، مجردان و متاهلان و... را ارائه کنید

۱. زنان و مردان در برقراری ارتباط با یک‌دیگر

اختلاف دارند. ☐ موافقم ☐ مخالفم

۲. صحبت‌های زنان بیش‌تر از مردم و انسان‌ها

است. ☐ موافقم ☐ مخالفم

۳. زنان و مردان از نظر ابراز هیجانات با یک‌دیگر

تفاوت دارند. ☐ موافقم ☐ مخالفم

۴. جذابیت جسمی و آراستگی زنان برای مردان

اهمیت بسیار دارد. ☐ موافقم ☐ مخالفم

۵. مردان کلی‌تر از زنان به مسائل نگاه می‌کنند.

☐ موافقم ☐ مخالفم

۶. زنان روابط را پیچیده‌تر از مردان می‌بینند.

☐ موافقم ☐ مخالفم

۷. مردان به پیشرفت در شغل و کسب و کار اهمیت

می‌دهند و زنان به موفقیت در اداره امور خانواده.

☐ موافقم ☐ مخالفم

۸. مردان به استقلال اهمیت می‌دهند و زنان به

حمایت شدن. ☐ موافقم ☐ مخالفم

بود، لذت برده بود. ولی همسر او از کم‌توجهی میزبان ناراحت شده بود. به نظر او، میزبان از سایر میهمانان پذیرایی بیش‌تری کرده بود.

● زنان روابط را پیچیده‌تر از مردان می‌بینند. با توجه به این که زنان بیش‌تر به مسائل اجتماعی و ظریف توجه دارند طبیعی است که ارتباطات را نیز پیچیده‌تر از مردان ادراک کنند.

سیمین پس از بازگشت از میهمانی به همسرش گفت: «خانواده‌ی ب به میهمانی نیامدند. نگران آن هستم که شاید مشکلی برای آن‌ها پیش آمده باشد و خانم ب دوباره دچار ناراحتی قلبی شده باشد». شوهر سیمین با تعجب به او نگاه کرد و گفت: «فکر نمی‌کنم. شاید، برنامه‌ی دیگری داشتند که نیامدند».

● مردان به موفقیت و پیشرفت در شغل و کسب و کار اهمیت می‌دهند و زنان به موفقیت در اداره‌ی امور خانواده. حتی زنان کارمند و تحصیل کرده که در فعالیت‌های اجتماعی حضور فعالی دارند، به خانواده و مسایل مرتبط با آن، بیش‌تر از موفقیت در شغل و پیشرفت اهمیت می‌دهند.

● مردان به استقلال اهمیت می‌دهند و زنان به حمایت شدن. مردان بیش‌تر مایل‌اند در خصوص تصمیم‌گیری‌های شخصی خود مستقل عمل کنند. در حالی که زنان بیش‌تر حمایت همسران خود را می‌خواهند و از آن‌ها توقع محبت، توجه و راهنمایی دارند.



۶. شناخت و آگاهی از تفاوت‌های بین زن و مرد آنان را در درک بهتر یک‌دیگر بسیار کمک می‌کند. این شناخت کمک می‌کند تا آنان تفاوت‌هایی را که بین خود مشاهده می‌کنند به عواملی مانند غیر منطقی بودن، بی توجه بودن، بی احساس بودن و... نسبت ندهند.

۳-۲-۴ داشتن اوقات مشترک - یکی از اجزای

زندگی موفق زناشویی آن است که زوجین اوقات مشترکی را با یک‌دیگر داشته باشند تا بتوانند در زمینه‌های مختلف با یک‌دیگر گفت و گو کنند. چنین اوقات مشترکی معمولاً صرف فعالیت‌های زیر می‌شود:

۱. بیان محبت، علاقه و توجه - همه‌ی انسان‌ها

نیاز دارند که دوست بدارند و کسی دوست شان بدارد. این نیاز و ابراز محبت در ازدواج به اوج می‌رسد. به صورت‌های مختلف می‌توان چنین ابراز محبتی را به همسر نشان داد:

• کلامی - بیان جملات و کلماتی حاکی از محبت

و علاقه، مانند دوست دارم، به تو افتخار می‌کنم، تشکر از محبت‌ها و زحمات، قدردانی از کارهای معمول، تعریف کردن از توانایی‌ها، کارها و... .

• نوشتاری - نوشتن نامه‌ای پر محبت به همسر،

نوشتن چند بیت شعر، گذاشتن نامه‌ای برای همسر، فرستادن پیامی کوتاه با تلفن همراه، فرستادن تصویری زیبا از طریق پست الکترونیک^۱ و... .

تفاوت‌های روانی و جسمی بین زن و مرد، یک واقعیت است. با این حال، بعضی اوقات به اشتباه تصور می‌شود که چنین تفاوت‌هایی نشان دهنده‌ی برتری و ضعف بین دو جنس است یا این تفاوت‌ها مطلق اند و مانع درک و فهم دو جنس از یک‌دیگر می‌شوند. واقعیت آن است که وجود چنین تفاوت‌هایی باعث می‌شود، زن و شوهر مکمل هم باشند و بهتر بتوانند به ضروریات و اساس زندگی خانوادگی و پرورش فرزندان رسیدگی و توجه کنند. از این رو در خصوص تفاوت‌های بالا، به یاد داشته باشید:

۱. تفاوت‌های زن و مرد به معنی برتری یا کهتری یکی بر دیگری نیست.

۲. تفاوت‌های بین زنان و مردان نسبی اند و جنبه‌ی مطلق ندارند.

۳. این تفاوت‌ها بر اثر عوامل زیستی، آموزش، فرهنگ و ... ایجاد شده است.

۴. وجود تفاوت‌ها، توجیه کننده‌ی کاستی‌های ارتباطی نیست. پدری که غرق در کارهایش است و به فرزندانش رسیدگی نمی‌کند نمی‌تواند این قصور خود را بر اساس تفاوت‌های زن و مرد توجیه کند.

۵. تفاوت‌های زن و مرد به آن معنا نیست که نمی‌توان چنین اختلاف‌هایی را کاهش داد. آگاهی از تفاوت‌ها، استفاده از مهارت حل اختلاف، همدلی و... قادر است چنین تفاوت‌هایی را به کم‌ترین حد خود

برساند.



۳. بیان روشن و واضح انتظار و توقع از یک دیگر - مهم است زوجین انتظار خود را از شریک زندگی خود بدانند و بدانند این انتظارات تا چه حد به جاست. بهتر است انتظارات منطقی خود را صادقانه به همسر خود بیان کنند. چهار سال از ازدواج لیدا می گذشت و از شوهرش به شدت ناراضی و عصبانی بود. او می گفت: «حداقل باید مرا به یکی از آرزوهایم می رساند». این درحالی بود که شوهرش آرزوی او را نمی دانست چه رسد به این که او را به آرزویش برساند.

کارهایی که برای من معنی
محبت دارد

[illegible]



۱. باید شادم کند

۲. نباید غیر از من، به چیزی علاقه داشته باشد

۳. بدون این که بگویم، باید بفهمد چه می خواهم

یا چه احساسی دارم

۴. باید تمام محبت‌ها و فداکاری‌هایم را جبران

کند

۵. باید تمام اضطراب‌ها، نگرانی‌ها، درد و رنج‌ها

را از من دور کند

۶. باید برای من ارزش و احترام قایل شود

۷. باید از همه‌ی کارهایم ممنون و متشکر باشد

۸. نباید از من انتقاد کند، نباید از دست من

عصبانی شود یا نشان دهد کارم را قبول ندارد

۹. باید آن قدر به من مهر و محبت نشان دهد که

از چیزی احساس ناراحتی نکنم

۱۰. باید با تمام وجودش دوستم داشته باشد، حتی

اگر من خودم را دوست نداشته باشم

۱۱. باید خوشبختم کند

۱۲. باید سر و سامانم بدهد.

فعالیت عملی ۴- از سه زن و شوهر به



طور جداگانه بخواهید که برگه ی زیر را تکمیل کنید. پس از تکمیل، از هر یک از زوجین بخواهید که برگه های هم دیگر را بخوانند و آنهارا مطابقت دهند. خلاصه ای از نظر آنان را بنویسید. بررسی کنید توقع و انتظار زوجین تا چه اندازه با یک دیگر همخوانی دارد.

توقعات همسر از من

توقعات من از همسر

[illegible]

فعالیت عملی ۵- فهرست انتظارهای



بالا رابه دو زن و دو مرد بدهید و از آنان بخواهید

مشخص کنند کدام انتظار به جا و کدام ناهبه جاست؟

خلاصه‌ای از دیدگاه آنان تهیه کنید.



- ۴- تا چه اندازه، تصمیم‌گیری‌های شما به طور مشترک انجام می‌شود؟
کم □ متوسط □ زیاد □
- ۵- تا چه اندازه به همسر خود ابراز محبت، علاقه و توجه می‌کنید؟
کم □ متوسط □ زیاد □
- ۶- تا چه اندازه رنجش‌ها و گله‌های خود را با همسران در میان می‌گذارید؟
کم □ متوسط □ زیاد □
- ۷- تا چه اندازه انتظار و توقعاتی را که از همسران دارید به او می‌گویید؟
کم □ متوسط □ زیاد □

کم=۱ متوسط=۲ زیاد=۳ نمره‌های ۲۱-۱۴ ارتباط خوب، نمره‌های ۸-۱۳ متوسط و نمره‌ی زیر ۷ ارتباط ضعیف است.

۴-۲-۴ احترام به حریم‌های شخصی - هر یک از زوجین برای خود شخصاً حریمی دارند که ممکن است مایل نباشند دیگری به آن وارد شود. مانند دست زدن به کیف، نامه‌های قدیمی، شنیدن مکالمه‌ی خود با یکی از نزدیکان و مواردی از این قبیل. علاوه بر این مهم است که هر یک از زوجین اوقاتی را برای برنامه‌های شخصی و خصوصی و زمانی را هم برای برنامه‌های مشترک و خانوادگی خود اختصاص دهند.

۴. برنامه‌های مشترک - لازم است زوجین قسمتی از ساعات را به برنامه‌های مشترک خود اختصاص دهند: تفریح، سرگرمی، گردش، پیاده‌روی، باهم کاری را انجام دادن، مانند تهیه‌ی غذایی جدید، تکمیل نوعی جورچین^۱، گفت و گواز روزی که گذشت، مرور خاطره‌های قبلی، پیشرفت‌ها و ...

۵. برنامه ریزی و تصمیم‌گیری مشترک - تصمیم‌گیری در خصوص برنامه‌های آینده، هدف‌های مشترک، آرزوها و ... یکی از موضوعاتی است که بهتر است در اوقات مشترک زوجین مطرح شود.



فعالیت عملی ۶ - پرسشنامه‌ی زیر را به پنج فرد متأهل بدهید و کیفیت ارتباط آنان را ارزیابی کنید.

بدون حضور فرزندان:

- ۱- به طور متوسط در هفته چه قدر با همسر خود اوقات مشترک دارید؟
کم □ متوسط □ زیاد □
- ۲- به طور متوسط در هفته چه قدر با همسر خود فعالیت‌های مشترکی انجام می‌دهید؟
کم □ متوسط □ زیاد □
- ۳- تا چه اندازه برنامه‌ریزی‌های شما به طور مشترک انجام می‌شود؟
کم □ متوسط □ زیاد □



در انجام کارهای معمول کاسته بود. زمانی که عباس، مشارکت بیش‌تری در انجام کارهای منزل نشان داد و در آشپزی، نظافت و نیز مراقبت از نوزاد به ناهید کمک کرد، بسیاری از مشکلات ناهید در اداره‌ی کارهای منزل کاسته شد.

۴-۲-۷ ایجاد تعادل در نقش‌های خانوادگی -

از آنجا که زوجین هر یک نقش‌های متعددی را ایفا می‌کنند، ضروری است بین نقش‌های مختلف زندگی تعادل برقرار کنند؛ به طوری که یکی از نقش‌ها قربانی نقش‌های دیگر نشود. مثلاً اگر پدری، مدیر داخلی یک اداره است، نقش «مدیر داخلی» بودن او آن قدر سنگین نشود که نتواند اوقاتی را به فرزندان خود اختصاص دهد.

۴-۳ عوامل مؤثر در برقراری ارتباط مناسب

با فرزندان

والدین برای برقراری ارتباط مناسب با فرزندان خود به نکته‌های زیر توجه کنند:

گذراندن بخشی از اوقات خود با فرزندان -

به والدین توصیه می‌شود اوقاتی را به بازی، کتاب خواندن، صحبت کردن، کنار هم نشستن، انجام برنامه‌های مشترک با هم (مانند تعمیر لوازم خانه، مرتب کردن منزل، کمک در کارهای خانه و باغبانی)، بحث در باره‌ی موضوعی خاص و ... با فرزندان خود بپردازند.

۴-۲-۵ مشارکت در انجام مسئولیت‌های

خانوادگی - مهم است که زن و شوهر در انجام مسئولیت‌های خانوادگی مشارکت داشته باشند. به طوری که هر یک از آنان، در انجام مسئولیت‌های خانوادگی، سهم برابری داشته باشند. زن یا شوهری که احساس کند وظایف خانوادگی منصفانه تقسیم نشده است، دچار خشم می‌شود و همین می‌تواند ارتباطات آنان را مخدوش کند.

۴-۲-۶ انعطاف در ایفای نقش‌های خانوادگی -

به طور سنتی مردان نقش شاغل (نان آور) و سرپرست خانواده و زنان نقش کدبانو، مادر و همسر را بر عهده دارند. با ورود زنان به حوزه‌ی اشتغال، نقش‌های زنان متعدد شده و بر مشکلات آنان افزوده است. چنین وضعیتی بعضی از خانواده‌ها را دچار بحران کرده است. مثلاً زن و شوهری که هر دو شاغل‌اند وقتی به خانه برمی‌گردند، مرد احساس می‌کند که باید استراحت کند ولی زن بلافاصله باید کارهای خانه را انجام دهد، به فرزندان رسیدگی کند و ... همکاری زوجین نقش مهمی در حل این مشکل دارد.

از وقتی که فرزند عباس و ناهید به دنیا آمد و نگه‌داری و مراقبت از نوزاد نیز مطرح شد، برنامه‌ی زندگی عباس و ناهید تا حدّ زیادی تغییر کرد. ناهید احساس می‌کرد همانند گذشته نمی‌تواند به کارهای خانه بپردازد. نگه‌داری و مراقبت از نوزاد، به خصوص بیداری‌های مرتّب شبانه‌ی نوزاد، به شدت از توان ناهید



مثال زیر توجه کنید:

غلط: اگر این کار را بکنی، دوستت دارم.
درست: دوستت دارم، اگر این کار را بکنی، خوشحالم می‌کنی.

● **تربیت صحیح** - اساس تربیت فرزندان بر دو اصل محبت و انضباط قرار دارد. به همین دلیل ضروری است مقررات و قوانین و انتظارات روشن و مشخصی نیز برای فرزندان تعیین شود. فرزندان به راهنمایی و مراقبت درست، کنترل رفتارهای نامناسب و آموزش رفتارهای مناسب و سالم نیاز دارند.



تناسب داشتن نوع ارتباط با سنّ فرزندان -

نحوه‌ی برقراری ارتباط با کودک پنج ساله برای نوجوان سیزده ساله مناسب نیست. اما به طور کلی، والدین باید با فرزندان خود از طریق تماس بدنی (مانند در آغوش گرفتن، نوازش و بوسیدن)، قصه‌گویی و بازی ارتباط داشته باشند. ارتباط منظم و قوی با فرزندان باعث می‌شود که در آنان احساس امنیت و نزدیکی به وجود آید.

ابراز محبت به فرزندان - والدین باید فرزندان

خود را بی قید و شرط دوست داشته باشند. منظور آن است که دوست داشتن فرزندان نباید مشروط به رفتار یا موضوع خاص یا داشتن یا نداشتن خصوصیتی در فرزند باشد. دوست داشتن بی قید و شرط زمینه را برای رشد عزت نفس قوی در فرزندان فراهم می‌کند.

فعالیت عملی ۷ - با سه نفر از والدین اطرافیان خود (هم پدر و هم مادر) در خصوص موارد زیر مصاحبه کنید:

۱. به طور متوسط چند ساعت از وقت خود را با فرزندان خود می‌گذرانید؟
۲. در زمانی که به فرزندان اختصاص داده‌اید چه فعالیت‌هایی می‌کنید؟
۳. آیا محبت خود را به فرزندان تان ابراز می‌کنید؟
۴. چگونه محبت خود را به فرزندان تان ابراز می‌کنید؟
۵. اگر فرزندان شما خطا کنند چگونه با آنان برخورد می‌کنید؟
۶. در خانواده‌ی شما چه قواعد یا قوانینی برای



ضروری است والدین برای فرزندان خود حضور روانی و فیزیکی داشته باشند. ارتباط با فرزندان ممکن است صورت‌های مختلفی پیدا کند، مانند گفت و گو، تماس بدنی، قصه و بازی.

به علاوه، ضروری است والدین به دو اصل محبت و تربیت نیز توجه داشته باشند. یعنی در کنار محبت به فرزندان از مسئولیت‌های خود در تربیت صحیح و انضباط آنان نیز غافل نشوند.

رفتار فرزندان وجود دارد؟

سپس گزارش کوتاهی از مصاحبه‌ی خود تهیه کنید.

چکیده

قرآن کریم، بر ضرورت خوش رفتاری با همسر و فرزند تأکید کرده است.

کیفیت ارتباط بیش تر تابع توانایی‌های آنان است تا عشق. آگاهی از تفاوت‌های زنان و مردان به درک بهتر و بهبود ارتباط زوجین می‌انجامد.

تفاوت‌های متعددی بین زنان و مردان وجود دارد، از جمله تفاوت‌های جسمی و روانی. ضروری است زوجین اوقاتی را برای بودن کنار هم در نظر بگیرند که طی این زمان به بیان محبت و علاقه، بیان سالم احساسات منفی، بیان توقع و انتظارات، انجام دادن برنامه‌های مشترک، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری مشترک بپردازند.

احترام به حریم شخصی یک دیگر، مشارکت در انجام مسئولیت‌های خانوادگی، انعطاف در ایفای نقش‌های خانوادگی و ایجاد تعادل در این نقش‌ها به بهبود بیش تر ارتباط زوجین می‌انجامد.

یکی از اساسی‌ترین نقش‌های خانوادگی نیز رسیدگی والدین به فرزندان است. فرزندان نیاز به ارتباط با والدین خود دارند.



آزمون پایانی عملی واحد کار چهارم



- با سه زن و سه مرد متاهل مصاحبه کنید:
- ۱- چه نقش‌های اجتماعی و خانوادگی ایفا می‌کنند؟
 - ۲- کدام یک از نقش‌ها از اولویت بیش‌تری برخوردار است؟
 - ۳- کدام یک از نقش‌ها بیش‌تر بر آن‌ها فشار وارد می‌کند؟
 - ۴- آیا از انجام دادن آن‌ها احساس منفی دارند؟ با توجه به تفاوت‌های احتمالی بین زنان و مردان، نظر آنان را خلاصه و جمع‌بندی کنید. نظر خود را نیز درباره‌ی نقش‌های آنان بنویسید.

آزمون پایانی نظری واحد کار چهارم



۱. سه تفاوت میان زنان و مردان را نام ببرید.
۲. ضرورت وجود اوقات مشترک زوجین چیست؟
۳. راه‌های مختلف بیان احساس‌های مثبت بین زوجین را نام ببرید.
۴. احترام زوجین را به حریم‌های یک‌دیگر تعریف کنید.
۵. منظور از ایجاد تعادل در نقش‌های خانوادگی چیست؟
۶. عوامل مؤثر بر برقراری ارتباط مناسب والدین با کودک را بنویسید.

واحد کار پنجم

مشکلات و آسیب‌های ارتباط در خانواده





هدف‌های رفتاری



انتظار می‌رود هنرجو پس از گذراندن این واحد کار بتواند به هدف‌های زیر دست یابد:

۱. مشکلات ارتباطی خانواده را فهرست کند.
۲. نقش بیماری‌های جسمی و روانی را در ارتباطات خانواده‌ها شرح دهد.
۳. مشکلات ارتباطی والد-فرزند را توضیح دهد.
۴. مشکلات ارتباطی والدین را توضیح دهد.
۵. مشکلات ارتباطی خواهران و برادران را شرح دهد.

پیش آزمون واحد کار پنجم



۱. بیان احساسات منفی در کدام یک از مشکلات ارتباطی زیر بیش تر است؟
(الف) مشکلات ارتباطی والد-فرزند
(ب) مشکلات ارتباطی فرزندان
(ج) مشکلات ارتباطی ناشی از بیماری
(د) مراحل رشد فرزندان
۲. رسیدگی نکردن به نیازهای پزشکی و مراقبت نکردن از فرزندان به کدام یک از انواع کودک آزاری مربوط است؟
(الف) آزار جسمی (ب) غفلت (ج) آزار روانی (د) کودک آزاری محسوب نمی‌شود.
۳. انتظارات غیرواقعی از یک‌دیگر، مربوط به کدام یک از مشکلات ارتباطی است؟
(الف) تأثیر بیماری (ب) والدین با فرزندان (ج) همسران (د) فرزندان
۴. استفاده از کلمات نامناسب، تحقیر و توهین از کدام یک از انواع همسرآزاری است؟
(الف) جسمی (ب) روانی (ج) کنترل کردن (د) آزار محسوب نمی‌شود.
۵. برای مشکلات خانوادگی کدام یک از درمان‌های زیر مناسب تر است؟
(الف) گفتاردرمانی (ب) دارو درمانی (ج) خانواده درمانی (د) نیازی به درمان نیست.



مقدمه

خانواده همانند هر واحد پویای اجتماعی با مشکلات و آسیب‌هایی همراه است. برخی از مشکلات و آسیب‌های خانواده ناشی از ماهیت ارتباطات و روابط درون خانواده است. به عبارت دیگر، در چنین مواقعی نوع ارتباط بیمار است. در این واحد، به تعدادی از آسیب‌های ارتباطی خانواده پرداخته می‌شود.

۵-۱ مفهوم مشکلات ارتباطی در خانواده

آنچه در یک یا چند نفر از افراد خانواده مشکل ایجاد کند یا خانواده را دچار مشکل جدی سازد مشکل ارتباطی نامیده می‌شود. معمولاً مشکلات ارتباطی را به چند دسته‌ی زیر تقسیم می‌کنند:

۵-۲ مشکلات ارتباطی ناشی از بیماری‌های

جسمی یا روانی

بیماری هر یک از اعضای خانواده می‌تواند به مشکلات ارتباطی مهمی در خانواده منجر شود. هنگامی که یکی از افراد خانواده، به ویژه والدین، به یک بیماری جسمی یا روانی مبتلا باشند به علت ناتوانی‌ها و مشکلات ناشی از بیماری به انجام نقش‌ها و وظایف خود قادر نخواهند بود.

از این رو والد مجبور می‌شود علاوه بر انجام وظایف خود، نقش‌های دیگری را نیز ایفا کند. در نتیجه زیر فشاری شدید قرار می‌گیرد. چنین فشاری باعث می‌شود والد سالم نیز نتواند به درستی با اعضای

خانواده‌ی خود ارتباط برقرار کند.

از سوی دیگر، بیمار نیز ممکن است شدیداً با احساسات منفی اعضای خانواده روبه‌رو شود، مانند احساس زیادی بودن، طرد شدن و... گاهی اوقات، ممکن است افراد خانواده که زیر فشار قرار دارند احساسات منفی خود را به بیمار منتقل کنند یا نشان دهند و با این طرز رفتار بیماری و مشکلات بیمار را تشدید نمایند.



فعالیت عملی ۱ - گزارشی از یک مشکل ارتباطی ناشی از بیماری‌های جسمی یا روانی و پیامدهای آن، که در اطرافیان خود می‌بینید، تهیه کنید.

۵-۳ مشکلات ارتباطی والد - فرزند

این مشکلات معمولاً عبارت‌اند از محافظت بیش از حد از کودک، بی‌توجهی و غفلت، تربیت و انضباط ضعیف فرزندان و بدرفتاری یا آزار کودکان و نوجوانان.

مشکلات زناشویی و ارتباطات مختل والدین نیز به مشکلات فراوانی در فرزندان آنان منجر می‌شود که معمولاً یا آن‌ها را بیرون می‌ریزند (مانند پرخاشگری، بدرفتاری با دیگران و سرقت) یا به درون خود می‌ریزند (مانند افسردگی، اضطراب و افت تحصیلی).



یا مادر با همدستی فرزند یا فرزندان با والد دیگر یا بقیه‌ی افراد خانواده در می‌افتد و ضدِ هم لشکر کشی می‌کنند.

مشکلات ارتباطی دیگری که در خانواده ممکن است ایجاد شوند عبارت‌اند از:

● **طلاق** - طلاق یکی از مهم‌ترین فشارهای روانی است که افراد خانواده تحمل می‌کنند. فشار روانی ناشی از طلاق ارتباط آنان را به شدت تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. اگر چه با طلاق رابطه‌ی بین دو والد جدا می‌شود ولی رابطه‌ی والد-فرزندی همچنان ادامه می‌یابد.

بسیاری از فرزندان، هنگامی که والدین آنان از یک‌دیگر جدا می‌شوند، برای زندگی با یکی از والدین دچار مشکل می‌شوند. در چنین شرایطی، موضوع وفاداری یا خیانت مطرح می‌شود. زندگی با یک والد و جدا شدن از والد دیگر، برای عده‌ای به منزله‌ی خیانت به یکی و وفاداری به دیگری است. این مشکل زمانی تشدید می‌شود که والدین نیز چنین احساسی را تقویت کنند. به این ترتیب که بعضی از والدین، ارتباط خوب بین فرزند با پدر یا مادر جدا شده را نوعی خیانت تلقی می‌کنند.

● **ازدواج مجدد** - مشکلاتی که درباره‌ی طلاق مطرح شد، زمانی به اوج می‌رسد که پدر یا مادری که از هم جدا شده‌اند، یکی یا هر دوی آنان تصمیم به ازدواج مجدد می‌گیرند. پذیرش فردی جدید به عنوان



فعالیت عملی ۲- به خانواده‌های اطراف



خود دقت کنید. آیا مواردی از بی‌توجهی یا غفلت، محافظت بیش از حد، بدرفتاری یا آزار کودکان و نوجوانان، تربیت و انضباط ضعیف در آنان مشاهده می‌کنید؟ اگر چنین است، از یک یا دو مورد گزارش کوتاهی تهیه کنید.

هم‌چنین، مراحل رشد فرزندان نیز ممکن است کشمکش‌هایی را در ارتباط آنان با والدین ایجاد کند. در این میان، دشوارترین دوره، دوره‌ی نوجوانی فرزندان است. نوجوانان از یک سو برای استقلال خود می‌جنگند، از سوی دیگر حمایت و کنترل والدین خود را خواستارند.

برخی از والدین نیز که با یک‌دیگر مشکل دارند برای جلب همدردی و حمایت، به سوی فرزندان خود می‌روند و یارگیری می‌کنند. به عبارت دیگر، پدر



آزار روانی - تحقیر، توهین، مقایسه کردن،

سرزنش، طرد کردن و مواردی از این قبیل؛

● غفلت و بی‌توجهی - رسیدگی نکردن به نیازهای

فرزندان از نظر آموزش، تغذیه، پوشاک، درمان و



فعالیت عملی ۳- با مراجعه به روزنامه‌ها،

مجلات، یا فیلم‌ها، داستان‌ها، هم‌چنین مشاهده‌ی رفتار اطرافیان خود، از هر یک از انواع کودک آزاری نمونه‌ای تهیه کنید.

۴-۵- مشکلات ارتباطی بین والدین

این قبیل مشکلات ارتباطی به صورت توهین، تحقیر و انتظارات غیر واقعی از همسر بروز می‌کند گاهی اوقات والدینی که در ارتباط با یک‌دیگر مشکل دارند، سعی می‌کنند ارتباط خود را به حداقل ممکن برسانند. به همین دلیل قهر و جدایی عاطفی بین والدین ایجاد می‌شود. آنان سعی می‌کنند با هم ارتباطی نداشته باشند ولی از هم جدا نیز نمی‌شوند.

در چنین شرایطی، والدین برای ایجاد ارتباط سعی می‌کنند از فرزندان استفاده کنند و آنان را واسطه‌ی میان خود قرار دهند. چنین ارتباط خانوادگی به شدت به فرزندان صدمه می‌زند. این والدین معمولاً در تصمیم‌گیری و حل مشکل بسیار ضعیف‌اند و سعی می‌کنند برای مسائل خود آسان‌ترین راه را انتخاب کنند.

همسر پدر یا مادر، مشکلات زیادی را ایجاد می‌کند، از جمله بدرفتاری، طرد و مخالفت کردن فرزند با فرد جدید. چنین برخوردهایی خود برای مادر یا پدری که به ازدواج مجدد تمایل دارند نیز، مشکلات ارتباطی ایجاد می‌کند.

از سوی دیگر، برخورد مناسب و پذیرش این فرد جدید و برقراری رابطه‌ی مناسب فرزند با نامادری یا ناپدری، نیز نوعی خیانت تلقی می‌شود. چنین کشمکش‌هایی، نه تنها مشکلات زیادی در برقراری ارتباط مناسب بلکه مشکلات زیادی در سلامت روانی و جسمی اعضای خانواده ایجاد می‌کند.

● خشونت با فرزند - بدرفتاری، کودک آزاری

یا سوءرفتار با کودکان و نوجوانان، صدمه‌ی عمده‌ای به کودک و نوجوان زیر هجده سال است. بدرفتاری یا آزار کودکان به صورت‌های مختلف بروز می‌کند:

آزار جسمی - کتک زدن، داغ کردن، پرت

کردن، نیشگون گرفتن و مواردی از این قبیل؛





محبت والدین با یک‌دیگر رقابت‌های شدیدی دارند. گاهی نیز بین آنان همکاری شدیدی برای ایستادگی در مقابل والدین دیده می‌شود. گاهی اوقات نیز یکی از فرزندان به علت بیماری مورد توجه بیش از حد سایر اعضای خانواده قرار می‌گیرد یا طرد می‌شود.

در بعضی از خانواده‌ها، فرآیند خاصی وجود دارد که یکی از فرزندان خانواده به شدت اهمیت می‌یابد به گونه‌ای که «عزیز» خانواده می‌شود و به نظرات او اهمیت بسیار داده می‌شود، در حالی که فرزندی دیگر از همان خانواده بی‌ارزش و «ذلیل» خانواده می‌شود، به مثال زیر توجه کنید:

منیر، دختر بزرگ خانواده است و به همین دلیل، همیشه به شدت مورد توجه خانواده بوده است. هنگامی که هوا سرد یا گرم بود، مادر او را به مدرسه می‌رساند تا ناراحت نشود. هنگامی که تکالیف درسی او سخت بود، مادر به جای او تکالیفش را انجام می‌داد. او همیشه وابسته به مادر و توجهات او بوده است. اکنون نیز که از دبیرستان دانش‌آموخته (فارغ التحصیل) شده است، خانواده سعی می‌کند بهترین امکانات خود را در اختیارش بگذارد تا او ناراحت نشود. این در حالی است که به خواهر دیگر منیر که از او کوچک‌تر است، هیچ وقت چنین توجهاتی نشده است.

چنین الگوهای ارتباط خانوادگی نشان‌دهنده‌ی وجود مشکلی بسیار جدی در خانواده است که ضرورت درمان را پیش می‌کشد.



فعالیت عملی ۴- با مشاهده‌ی رفتار اطرافیان خود، گزارشی از مشکلات ارتباطی والدین تهیه کنید و شایع‌ترین مشکلات ارتباطی آنان را مشخص کنید.

یکی از مشکلات ارتباطی بین زوجین آن است که یکی از آن‌ها به طور مکرر از دیگری می‌خواهد که وفاداری خود را ثابت کند. چنین بددلی و شک به همسر ارتباط بین آنان را روز به روز بدتر می‌کند و زمینه‌ی مناسبی برای طلاق و جدایی ایجاد می‌کند.

● **خشونت با همسر** - خشونت با همسر یا همسرآزاری^۱ به صورت‌های مختلفی است:

کلامی - مانند به کار بردن کلمات نامناسب، تحقیر، توهین، سرزنش و مواردی از این قبیل.
آزار جسمی - مانند سیلی زدن، لگد زدن و کتک زدن.

کنترل کردن - مانند جدا کردن یک فرد از روابط خانوادگی و دوستانه، پاییدن حرکات و رفتارها، یا محدود کردن او از دسترسی به اطلاعات یا حمایت و کمک.

۵-۵ مشکلات ارتباطی بین خواهران و

برادران

گاهی فرزندان خانواده برای به دست آوردن



بلکه به جامعه نیز خسارت‌های جبران ناپذیری وارد می‌کنند. چنانچه در خانواده یکی از این گونه مشکلات پدیدار شد باید به فکر درمان بود. با توجه به تأثیر بسیار مشکلات ارتباطی بر خانواده بهتر است از همان آغاز به مشاوره و روان درمانی پرداخت.

آزمون پایانی نظری واحد کار پنجم



۱. مشکلات ارتباطی در خانواده را تشریح کنید.
۲. انواع مشکلات ارتباطی را نام ببرید.
۳. کودک آزاری را شرح دهید.
۴. انواع خشونت با همسر را نام ببرید.
۵. مشکلات ارتباطی خواهران و برادران را شرح دهید.

آزمون پایانی عملی واحد کار پنجم



مقاله‌ای کوتاه در خصوص مشکلات ارتباطی تهیه کنید.

۵-۶ درمان- با توجه به تأثیر شدید مشکلات ارتباطی بر خانواده، ضروری است از همان آغاز به درمان پرداخت. مشاوره و روان درمانی برای رفع این مشکلات بسیار مناسب است. روان درمانی خانواده، روان درمانی بین فردی و آموزش مهارت‌های ارتباطی که به ارتباطات مختل افراد می‌پردازند، از مهم‌ترین راه‌های درمان مشکلات ارتباطی به شمار می‌آیند.

فعالیت عملی ۵- با تعدادی از والدین



کودکان دبستانی و هم‌چنین دانش‌آموزان مقطع راهنمایی و دبیرستان به طور جداگانه درباره‌ی مشکلات ارتباطی شایع میان خواهران و برادران مصاحبه کنید. سپس نظر آنان را جمع‌بندی کنید. آن گاه سه گروه دبستان، راهنمایی و دبیرستان را با یکدیگر مقایسه و شباهت‌ها و تفاوت‌های آنان را مشخص کنید.

چکیده

مشکلات و آسیب‌های ارتباطی متعددی در درون خانواده‌ها وجود دارد: مشکلات ارتباطی ناشی از بیماری‌های جسمی یا روانی، مشکلات ارتباطی والد-فرزند، مشکلات ارتباطی والدین و مشکلات ارتباطی خواهران و برادران. در این میان، پدیده‌های خشونت با همسر (همسر آزاری)، خشونت با فرزندان (کودک آزاری)، نه تنها به زندگی خانوادگی

هدف کلی:

توانایی تعلیم و تربیت فرزند و جایگاه آن در خانواده

جدول زمان بندی

آموزش نظری	آموزش عملی	جمع
۲۴ ساعت	۲۴ ساعت	۴۸ ساعت

بخش دوم

تعلیم و تربیت کودک

خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی است؛ زیرا بهترین و کامل‌ترین کانون سازندگی و پرورش اعضای جامعه است. تعلیم و تربیت صحیح فرزندان یکی از مهم‌ترین رسالت‌های خانواده است. چنان‌چه والدین به وظایف خود در این زمینه آگاه نباشند یا آن را بسیار ساده تلقی کنند این رسالت را نمی‌توانند به درستی به انجام رسانند. بنابراین ضروری است به ابعاد گوناگون تعلیم و تربیت توجه داشته باشند تا زمینه‌ی رشد و شکوفایی توانایی‌ها و استعدادهای کودکان‌شان فراهم شود.

معمولاً زوج‌های جوان قبل از آن که پدر و مادر شوند از آموزشی خاص بهره‌مند نمی‌شوند و تنها سرمایه‌ی آن‌ها تجربه‌های والدین‌شان است. اگرچه این تجربه‌ها با ارزش‌اند، ولی کافی نیستند. و تربیت کودک نسل حاضر دقت و توجهی را طلب می‌کند که برای فرزندان دیروز ضرورت نداشت.

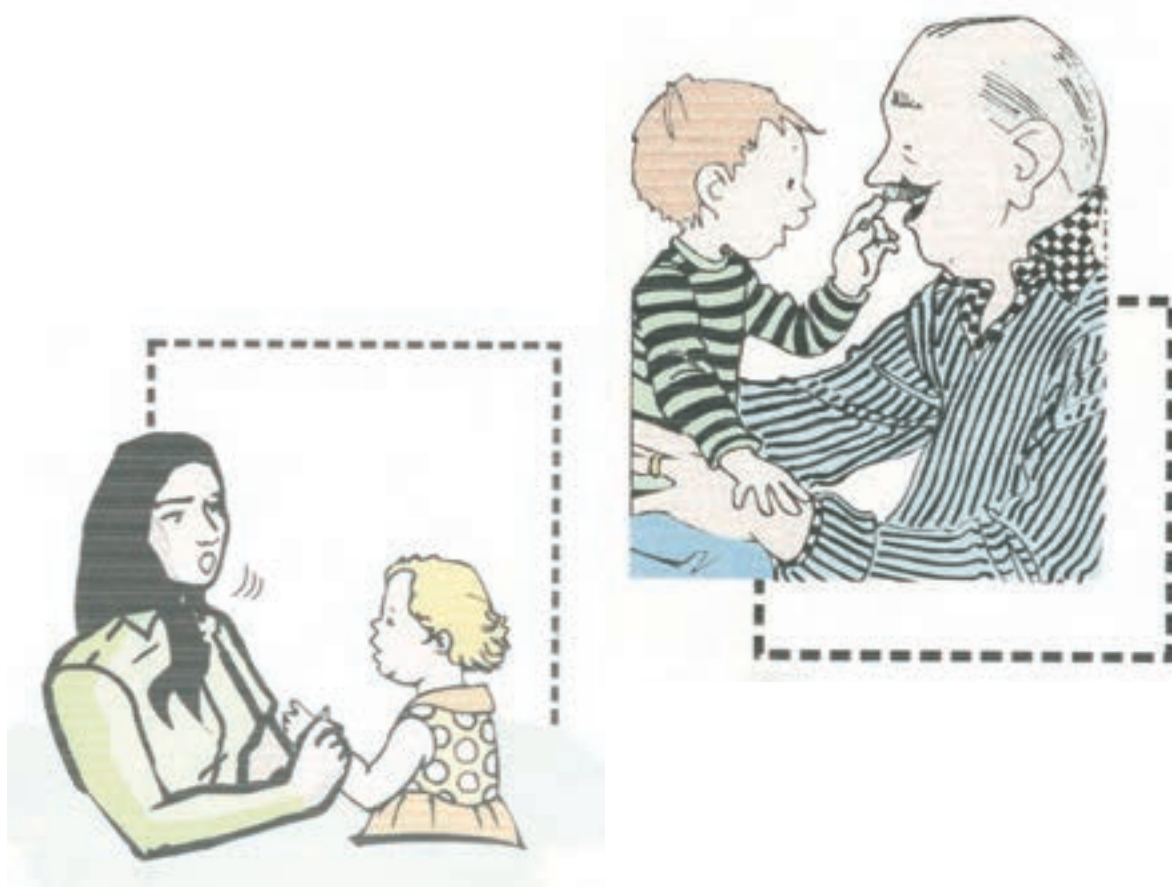
این مجموعه به آن امید فراهم آمده است که اطلاعات لازم را درباره‌ی تعلیم و تربیت کودک برای هنرجویان عزیز فراهم آورد. شما در این پودمان با مسائلی مهم مانند اهمیت و نقش خانواده در تربیت کودک، پرورش حواس، زبانی‌آموزی و تکلم، یادگیری و پرورش خلاقیت در فرزندان، نحوه‌ی رفتار والدین با کودک، توجه به بازی، قصه و قصه‌خوانی، پرکردن اوقات فراغت کودک و ارتباط و همکاری خانواده با مدرسه آشنا خواهید شد.

لازم به ذکر است که کارشناسان محترم، سرکار خانم وحیده کیان مرز در تهیه محتوای واحد کار پنجم - بازی کودکان و آقای مهدی ایرک در تهیه محتوای واحد کار دوم - پرورش حواس و زبان‌آموزی، با اینجانب همکاری داشته‌اند که بدین وسیله از ایشان تشکر می‌شود.

امید است مطالب این مجموعه را با توجه به این که نقش مهم تربیت در زندگی دارد با علاقه، اشتیاق و کنجکاوی یادگیرید و آن را به اطرافیان خود و به ویژه به زوج‌های جوانی که تازه وظیفه‌ی شیرین تربیت فرزندشان را بر عهده گرفته‌اند، انتقال دهید.

واحد کار اول

تعلیم و تربیت در خانواده



هدف‌های رفتاری

- انتظار می‌رود هنرجو پس از گذراندن این واحد کار بتواند به هدف‌های زیر دست یابد:
- ۱- تعلیم و تربیت را تعریف کند.
 - ۲- تفاوت‌های میان انسان، حیوان و گیاه را از نظر تربیت‌پذیری توضیح دهد.
 - ۳- اهمیت تعلیم و تربیت فرزندان را در خانواده بیان کند.
 - ۴- نقش خانواده را در تعلیم و تربیت فرزندان با نقش مدرسه، بستگان و دوستان مقایسه کند.
 - ۵- نتایج تعلیم و تربیت فرزندان را در خانواده شرح دهد.

پیش‌آزمون واحد کار اول

- ۱- تعلیم و تربیت عبارت است از:
 - الف) باادب کردن انسان
 - ب) شکوفا کردن استعدادهای انسان
 - ج) آگاهی دادن به انسان
 - د) انتقال میراث فرهنگی به انسان
- ۲- کدام گزینه در تربیت و سازندگی کودک مؤثرتر است؟
 - الف) خانواده
 - ب) مدرسه
 - ج) دوستان
 - د) اقوام
- ۳- درستی و نادرستی عبارت‌های زیر را با (ص) و (غ) مشخص کنید:
 - الف) خانواده همیشه در تربیت کودکان موفق است. ()
 - ب) بعضی خانواده‌ها عمداً کودکان را بد بار می‌آورند. ()
 - ج) حیوانات تربیت‌پذیر نیستند. ()
 - د) مدرسه می‌تواند به نیازهای اساسی کودکان پاسخ گوید. ()

مقدمه

تمدن‌هایی بزرگ در طول قرن‌ها زندگی ایجاد کند و
آثاری بسیار ارزشمند و عظیم بر جای گذارد، مدیون
تعلیم و تربیت است. اما تعلیم و تربیت چیست و چگونه
انجام می‌گیرد؟

تعلیم و تربیت یکی از قدیمی‌ترین نیاز زندگی
بشر است. اگر بشر امروز بر خلاف اجدادش برهنه
نیست و در غارها زندگی نمی‌کند و موفق شده است

۱-۱ مفهوم تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت (آموزش و پرورش) مفاهیمی بسیار آشنا هستند که هر روز با آن‌ها سر و کار داریم. شما تا چه حد با مفهوم آموزش و پرورش آشنا هستید؟ به نظر شما انسان، حیوان و گیاه از نظر تعلیم و تربیت چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟

دو واژه‌ی تعلیم و تربیت به هم وابسته و لازم و ملزوم یکدیگرند، اما با یکدیگر تفاوت دارند. آموزش یا تعلیم یعنی انتقال اطلاعات و مهارت‌ها. اما تربیت معنای گسترده‌تری دارد. میزان آموخته‌ها و مهارت‌های هر فرد را می‌توان با آزمون‌های نظری و عملی سنجید، اما میزان تربیت فرد را از طرز رفتار او می‌توان تشخیص داد.

در معنای تربیت افزایش وجود دارد و درواقع تربیت باعث تغییر مثبت در فرد می‌شود. به همین دلیل اصطلاح «بی تربیت» برای افرادی که مشکل رفتاری دارند، به کار می‌رود.

دانستن، مقدمه‌ی عمل کردن است و تربیت صحیح از تعلیم آغاز می‌شود. آموزش یا تعلیم مؤثر می‌تواند به پرورش یا تربیت و تغییر رفتار منجر شود.



توجه

تعلیم و تربیت یعنی «ایجاد فرصت برای شکوفایی استعدادهای آدمی».

تعلیم و تربیت برای همه‌ی موجودات امکان‌پذیر نیست زیرا به استعداد و قابلیت نیاز دارد. میزان این استعداد در موجودات مختلف یکسان نیست. آیا می‌توانید سنگ را تربیت کنید؟ یا به خرگوش و گربه خواندن بیاموزید؟ چرا؟ روشن است که تعلیم و تربیت‌پذیری حیوانات، گیاهان و انسان با یکدیگر تفاوت دارد. پرورش حیوان چیزی بیش از آموزش انجام برخی حرکت‌های تکراری نیست که خودش هم نمی‌داند معنای آن‌ها چیست و چرا آن‌ها را انجام می‌دهد! از این رو به حیوانات آموزش دیده، «دست آموز» می‌گویند.



هم تربیت. تعلیم و تربیت انسان مرزی نمی‌شناسد و تا پایان عمر ادامه می‌یابد.

انسان به دلیل داشتن استعداد ذاتی، قادر است خواندن و نوشتن بیاموزد و با مطالعه و تحصیل تفکر خود را گسترش دهد. به علاوه او می‌تواند اراده‌اش را بر اساس آموخته‌ها تقویت کند، جهان اطراف خود را تغییر دهد و ...

به طور کلی ارزش هر انسان را از میزان تأثیر تعلیم و تربیت بر رفتار و شخصیت او می‌سنجند. جامعه از انسان با تربیت انتظار دارد، پای‌بند اخلاق، همدرد و همکار دیگران، هدفمند، با اعتقاد، راستگو و ... باشد.



۲-۱ اهمیت تعلیم و تربیت در خانواده

تعلیم و تربیت مهم‌ترین وظیفه‌ی خانواده است. خانواده در فرایند رفع نیازهای اعضای خود، آن‌ها را نیز تربیت می‌کند. تربیت در خانواده فقط مربوط به فرزندان نیست، بلکه پیش از آن بر زن و

فعالیت عملی ۱



نمونه‌هایی از کارهای حیوانات دست‌آموز را بیان کنید.

گیاه با مراقبت باغبانی دل‌سوز امکان رشد بهتری پیدا می‌کند. این امکان در درون گیاه موجود است، اما چنان چه اوضاع مساعد نباشد، بروز نمی‌کند. باغبان مربی گیاهان است، اما آیا می‌تواند گیاه را به حرکت ارادی تشویق کند و یا به او مانند حیوان، حرکت‌های نمایشی بیاموزد؟ گیاهان به نسبت حیوانات قابلیت‌های محدودتری دارند و پرورش آن‌ها تنها به مساعد کردن اوضاع برای رشد شاخ و برگ آن‌ها و طولانی کردن عمرشان محدود می‌شود.



اما انسان با حیوان و گیاه تفاوت دارد زیرا او دارای قدرت تفکر است. از این رو هم استعداد تعلیم دارد و

خانواده از وظایف تربیت، بر سرنوشت چند نسل تأثیر می‌گذارد و زمانی که فرزندان چنین خانواده‌ای، خود تشکیل خانواده می‌دهند، همان مشکلات را نادانسته به محیط خانواده و فرزندان انتقال می‌دهند و فرزندان ایشان نیز به همین ترتیب، رفتار می‌کنند.



مشکل فقط زمانی حل می‌شود که دست کم یکی از اعضای خانواده به اشکال پی ببرد و هوشیارانه تلاش می‌کند آن اشکال در خانواده‌ای که تشکیل می‌دهد، تکرار نشود.

فعالیت عملی ۲

به گروه‌های پنج نفری تقسیم شوید. سپس با راهنمایی هنرآموز در مورد پرسش‌های زیر در گروه بحث کنید:

۱) وقتی عبارت «انسان تربیت شده» را می‌شنوید، بلافاصله چه خصوصیتی برای شما تداعی می‌شود؟ این خصوصیات را در یک طرف صفحه‌ی کاغذ فهرست کنید.

مرد (همسران) نیز تأثیر می‌گذارد و باعث تحول و پختگی رفتار و عمل آن‌ها می‌شود. تربیت همسران در خانواده با تربیت فرزندان تفاوت دارد. تربیت همسران در خانواده اقدامی آگاهانه نیست. یعنی کسی ازدواج نمی‌کند تا تربیت شود، بلکه باور هر زن و مردی آن است که در خانواده‌ی خود تربیت شده است، اما فرزندان در خانواده به دنیا می‌آیند و تعلیم و تربیت را از همین خانه آغاز می‌کنند، به همین دلیل تأثیر تربیتی خانه بر فرزندان بسیار بیش‌تر و حساس‌تر از زن و مرد (همسران) است.

توجه

فرایند تربیت فرزندان، فرایندی آگاهانه است و با خواست و آگاهی والدین صورت می‌گیرد، زیرا داشتن فرزندان سالم و شایسته، آرزوی هر خانواده است.

به این ترتیب، غفلت یا ناآگاهی خانواده به فرزندان، خانواده و جامعه آسیب‌های جدی می‌رساند. طبعاً در کنار چنین انسانی که دچار بحران‌های روحی - روانی شده خانواده‌ای دیده می‌شود که از روابط درست خانوادگی و آرامش و خوشبختی بی‌بهره است و جامعه‌ای که گرفتار افراد ناسازگار، بزهکار و ... شده است.

گاه بی‌توجهی و کوتاهی خانواده یا آگاه نبودن

عوامل بر خانواده تأکید می‌شود؟

فعالیت عملی ۳



- پاسخ به پرسش‌های زیر را به طور تقریبی حدس بزنید و محاسبه کنید:
- (۱) کودک معمولاً چه ساعاتی پیش از آن که به مدرسه برود در کنار خانواده است؟
 - (۲) کودک معمولاً چه ساعاتی پس از ورود به مدرسه، در مدرسه و در خانه سپری می‌کند (به تفکیک).
 - (۳) مدت زمان تماس کودک با آشنایان و بستگان، در مقایسه با حضور او در خانواده، چه قدر است؟
 - (۴) مدت زمان تماس کودک با دوستان، در مقایسه با حضور او در خانواده، چه قدر است؟
- نتیجه‌گیری کنید که بر اساس محاسبات شما هر کودک بیشترین زمان را در کنار چه کسانی سپری می‌کند و مدت تماس کودک با خانواده‌اش چند برابر تماس او با دیگران است.

فعالیت عملی ۴



- فعالیت قبل را با پاسخ به پرسش‌های زیر تکمیل کنید:
- (۱) اعتماد و وابستگی کودکان به چه کسانی بیش‌تر است؟ به ترتیب اولویت موارد زیر را شماره بزنید:

- (۲) وقتی عبارت «انسان تربیت نشده» را می‌شنوید، بلافاصله چه خصوصیتی به ذهن شما می‌رسد؟ آن‌ها را نیز در مقابل فهرست قبلی بنویسید.
 - (۳) به فهرست‌ها نگاه کنید. سعی کنید آن‌ها را براساس عوامل مؤثر بر تربیت دسته‌بندی کنید. پیشنهاد می‌شود آن‌ها را در سه دسته‌ی سهم خود، سهم خانواده و سهم جامعه جای دهید. ببینید چند مورد در هر دسته جای می‌گیرد؟ آیا می‌توانید این عوامل را به ترتیب اولویت شماره بزنید؟
 - (۴) چند نمونه از افراد مفید و مؤثر را می‌شناسید که خانواده در وضعیت آن‌ها دخالتی نداشته است؟
 - (۵) چند نمونه از افراد خلافکار و مضر به حال جامعه را می‌شناسید که خانواده در وضعیت آن‌ها نقشی نداشته است؟
- آیا نتیجه‌ی بحث کلاس شاهدهی بر جایگاه و اهمیت نقش خانواده در تعلیم و تربیت اعضای آن است؟

۳-۱ نقش خانواده در تعلیم و تربیت فرزندان

خانواده نقش مهمی در تعلیم و تربیت فرزندان دارد اما تنها نهادی نیست که در این کار دخالت دارد. هر کس که در خانواده‌ای به دنیا می‌آید با بستگان، همسایه‌ها، آشنایان، دوستان، مردم کوچه و خیابان و بعدها مدرسه و محیط کار و ... نیز تماس و ارتباط دارد. آیا هرگز فکر کرده‌اید که چرا در میان تمام این

می‌شوند نشان دهنده‌ی آن است که این مراکز هرگز نمی‌توانند جایگزین مناسبی برای خانواده شوند.

● خانواده محیطی امن برای کودک فراهم می‌کند.

● خانواده از بدو تولد تا زمان مرگ، پیوندی عمیق با اعضای خود دارد که برخلاف دیگر روابط، حتی اگر فرد بخواهد، گسسته نمی‌شود.

● خانواده با محبت بی‌دریغ خود نسبت به هر یک از اعضای خود و در وضعیت‌های گوناگون منبع اعتماد آن‌ها می‌شود. به همین دلیل اعضای همواره باور و اعتماد خانواده را می‌پذیرند.

به این ترتیب، همانطور که نتیجه‌ی محاسبات شما نیز نشان داد، هر کس بیش‌ترین زمان خود را در خانه و در کنار اعضای خانواده می‌گذراند.

به علاوه، نوع و عمق ارتباط خانواده با کودکان بسیار متفاوت و ریشه‌دارتر از دیگر عواملی است که در آموزش و پرورش کودک سهم‌اند.

از این رو تأثیر خانواده بر کودک نسبت به عوامل دیگر از جمله مدرسه بسیار عمیق‌تر است.

همین وضع باعث می‌شود که نقش خانواده در تعلیم و تربیت کودکان بسیار برجسته شود و خانواده همواره محور اصلی توجه دانشمندان تعلیم و تربیت قرار گیرد.

پدر

مادر

خواهر

برادر

معلم

دوست

اعضای فامیل

همسایه‌ها

فروشنده‌ی محل

۲) کودک با کدام یک از گروه‌های زیر طولانی‌ترین مدت تماس و ارتباط را دارد؟

اعضای خانواده

معلمان

دوستان همکلاسان

اعضای فامیل

از پاسخ‌های داده شده چه نکته‌هایی را می‌توانید نتیجه‌گیری کنید؟

خانواده نهادی است که بیش‌ترین نقش را در تربیت و سازندگی فرزندان دارد. از این رو جایگاه مهمی در زندگی فرد و جامعه دارد. دلایل اصلی این نقش ویژه، عبارت‌اند از:

● خانواده به تمام نیازهای کودک از ابتدا پاسخ می‌دهد و هیچ مرجع دیگری، حتی اگر تلاش کند، نمی‌تواند مانند خانواده به این نیازها پاسخ گوید. مشکلات کودکانی که در مراکز شبانه‌روزی تربیت

چکیده

- تعلیم و تربیت جریانی است که از آغاز تا پایان زندگی انسان ادامه دارد و طی آن توانایی‌ها و استعدادهای انسان شکوفا می‌شود.
- کودک، خود نمی‌تواند مربی خودش باشد و دیگران باید او را آموزش دهند و پرورش نمایند. مهم‌ترین این نهادها خانواده است و هیچ نهاد دیگری قادر نیست با آن برابری کند. پشت سر هر انسان رشد یافته‌ای خانواده‌ای توانا قرار دارد و به همین ترتیب هر انسان بزهکار یا کسی که توان اداره‌ی خود و نیز ارتباط مناسب و سازنده با دیگران را ندارد، محصول خانواده‌ای ناکارآمد است.

آزمون پایانی نظری واحد کار اول

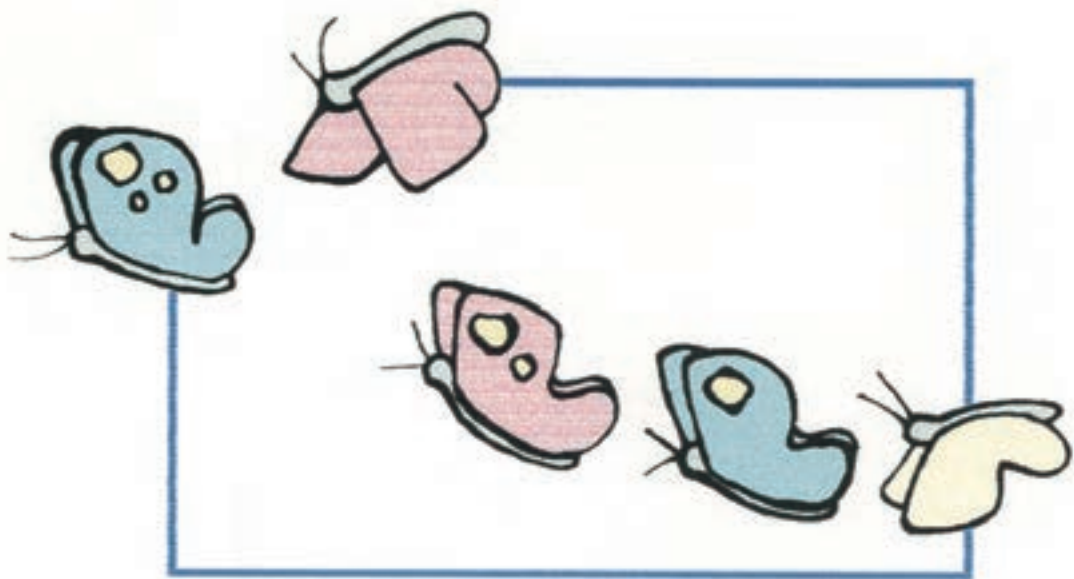
- تعلیم و تربیت را تعریف کنید.
- رابطه‌ی تعلیم و تربیت چیست؟
- چه نهادهایی در تعلیم و تربیت انسان دخالت دارند؟
- آن‌ها را بر اساس میزان اهمیت نام ببرید.
- چرا خانواده‌ی هر فرد در زندگی او بیش‌ترین اهمیت را دارد؟

آزمون پایانی عملی واحد کار اول

- به فهرست‌های زیر توجه کنید و حدس بزنید کدام گزینه‌ها باید به یکدیگر وصل شوند:
- ۱- پدر خانه را ترک کرده است.
 - الف) کودک حسّاس و پرخاشگر است.
 - ۲- در خانه نظم چندانی وجود ندارد.
 - ب) کودک محزون و مضطرب است.
 - ۳- هنگامی که پدر و مادر عصبانی می‌شوند، کلمات زشتی به زبان می‌آورند.
 - ج) کودک هنگام اختلاف نظر با دوستان از کلمات نامناسبی استفاده می‌کند.
 - ۴- پدر و مادر اختلاف نظرهایشان را دور از چشم بچه‌ها با آرامش مطرح می‌کنند.
 - د) کودک در مدرسه به دلیل بی‌نظمی سرزنش می‌شود.
 - ۵- پدر و مادر در خانه با هم دعوا می‌کنند.
 - ه) کودک آرام و شاد است.
- ۱- الف
 - ۲- ب
 - ۳- ج
 - ۴- د
 - ۵- ه

واحد کار دوم

پرورش حواس و زبان آموزی در کودکان



هدف‌های رفتاری

انتظار می‌رود هرنجو پس از گذراندن این واحد کار بتواند به هدف‌های زیر دست یابد:

- ۱- دلایل نیاز انسان را به حواس پنج‌گانه شرح دهد.
- ۲- دلایل اهمیت پرورش حواس را در کودکان توضیح دهد.
- ۳- عوامل مؤثر بر پرورش حواس کودکان را برشمارد.
- ۴- روش سنجش و تقویت حواس را در کودکان، در قالب بازی، اجرا کند.
- ۵- اهمیت زبان و قدرت تکلم را برای انسان توضیح دهد.
- ۶- نقش والدین به ویژه مادر را در زبان‌آموزی کودکان برشمارد.
- ۷- عواملی را که در زبان‌آموزی کودکان مؤثرند نام ببرد و توضیح دهد.
- ۸- پنج توصیه‌ی تربیتی را برای رشد زبان‌آموزی در کودک شرح دهد.
- ۹- روش‌های تشخیص کم‌شنوایی کودک را توضیح دهد.
- ۱۰- روش مواجهه با کودکی را که لکنت زبان دارد، شرح دهد.

پیش‌آزمون واحد کار دوم

- ۱- حواس پنج‌گانه کدام‌اند؟
- ۲- افراد معمولی بیش‌تر از کدام حواس استفاده می‌کنند؟
- ۳- اگر کسی نتواند از حواس پنج‌گانه‌ی خود استفاده کند، با چه مشکلی مواجه خواهد بود؟
- الف) نمی‌تواند با دنیای خارج و مردم ارتباط برقرار کند. ب) نمی‌تواند خطرات را احساس کند.
- ج) نمی‌تواند جهان خارج را بشناسد. د) همه‌ی گزینه‌ها صحیح است.
- ۴- زبان و تکلم در انسان اهمیت دارد زیرا باعث می‌شود که او ...
- الف) بتواند با دیگران حرف بزند. ب) بتواند نیازهایش را بازگو کند.
- ج) بتواند فکر کند. د) از حیوانات متفاوت باشد.
- ۵- اگر کودک مدام تنها باشد:
- الف) می‌تواند حرف زدن را بیاموزد چون زبان‌آموزی یک استعداد است که بروز می‌کند.

ب) می‌تواند حرف زدن را بیاموزد چون هرچه بزرگ‌تر شود، محیط اطرافش را بهتر می‌شناسد.

ج) نمی‌تواند حرف زدن را بیاموزد چون نمی‌تواند فکر کند.

د) نمی‌تواند حرف زدن را بیاموزد چون حرف زدن را باید از انسان‌هایی که در اطراف او هستند بیاموزد.

مقدمه

و زبان‌آموزی را باید از مهمترین نیازهای آموزشی کودکان دانست.



بچه‌ی انسان با بچه‌ی حیوان تفاوت بسیار دارد. بچه‌ی حیوانات نیاز چندانی به آموزش ندارد. آن‌ها اصلاً نیازی به اطلاعات ندارند و مهارتی‌هایی را که نیاز دارند تا حدود زیادی به شکل غریزه در آن-هابه ودیعه گذاشته شده است و پدر و مادر مهارت‌های مورد نیاز آن‌ها را به صورت عملی و در دامن طبیعت به او می‌آموزند.

اما بچه‌ی انسان دارای استعداد ذاتی دانستن و یادگیری است که حاصل آن رشد قوه‌ی تشخیص و درک او و ایجاد رابطه‌ای هوشیارانه و مؤثر با محیط و طبیعت است. کودک یادگیری را به طور فطری از لحظه‌ی تولد آغاز می‌کند و برای شناخت جهان اطراف و ایجاد ارتباط با محیط، آن را با پشتکار ادامه می‌دهد. پس اولین وظیفه‌ی خانواده فراهم کردن زمینه‌ی رشد و یادگیری کودک است.

در واقع آموزش از ابتدای کودکی در خانواده آغاز می‌شود و بعدها مدرسه در تکمیل آن می‌کوشد. بی‌شک پرورش حواس پنج‌گانه (بینایی، شنوایی، لامسه، بویایی و چشایی) و استفاده از قدرت تکلم

۲-۱ اهمیت حواس پنج‌گانه در انسان

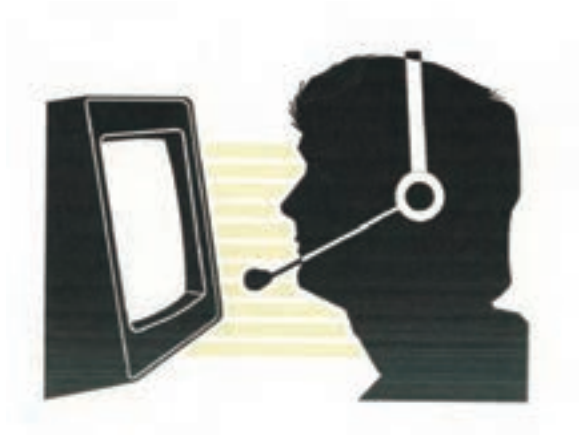
اطلاعاتی که درباره‌ی جهان خارج داریم از طریق حواس به ما می‌رسد. همه‌ی شما این حواس را به خوبی می‌شناسید: بینایی، شنوایی، چشایی، بویایی و لامسه.

نظر به اینکه ما به وجود این حواس و استفاده از آن‌ها عادت کرده‌ایم، معمولاً اهمیت آن‌ها را فراموش می‌کنیم. به نظر شما حواس چرا و چه قدر اهمیت دارند؟

واقعیت آن است که حواس شما، از آن چه شما تصور می‌کنید، بسیار مهم‌ترند. می‌توانید بگویید چرا؟

توجه

حواس پنج‌گانه در انسان اولین و مهم‌ترین وسیله‌ی شناخت و دانش است. اگر حواس انسان از کار بیفتد، ارتباط او با جهان خارج قطع می‌شود.



شما چگونه با جهان خارج ارتباط برقرار می‌کنید؟

هر کس جهان خارج از خود را می‌بیند (به کمک حس بینایی)، صداهایی را می‌شنود (به کمک حس شنوایی)، اشیاء را لمس می‌کند (به کمک حس لامسه)، خوراکی‌ها را مزه‌زه می‌کند (به کمک حس چشایی) و یا بوهای بی‌شماری را می‌رسد (به کمک حس بویایی).



فعالیت عملی ۱

اگر از بعضی از حواس محروم شوید چه اتفاقی می‌افتد؟.....

شاید شما یا بعضی از هم‌کلاسی‌های تان در استفاده‌ی کامل یا نسبی از قدرت حواس پنج‌گانه با مشکل روبه‌رو باشید یا ممکن است افرادی را در میان خانواده و آشنایان تان بشناسید که دچار چنین مشکلاتی باشند.

شما معمولاً افراد نابینا، کم‌بینا، ناشنوا یا کم‌شنوا را به دلیل استفاده از عینک، عصا یا سمعک می‌شناسید.

به نوبت، چشم چند نفر از هم‌کلاسی‌ها را با چشم بند یا دستمال ببندید تا نتوانند جایی را ببینند و از ایشان بخواهید تا در کلاس حرکت نمایند و وسایلی را به خواست شما جا به جا کنند. چه اتفاقی می‌افتد؟

به همین ترتیب بعضی از هنرجویان هنگام گفت‌وگو در کلاس گوش خود را بگیرند. در این صورت، از آن‌ها بپرسید چه روی می‌دهد؟ مشکلات افرادی را که از نعمت بینایی یا شنوایی محروم‌اند، بیان کنید.



۲-۲ پرورش حواس در کودکان

توجه و پرداختن به رشد حواس پنج‌گانه در کنار سایر جنبه‌های تربیتی باید از دوره‌ی کودکی آغاز شود، به خصوص که برخی از کودکان ممکن است از زمان تولد در اندام‌های حسی خود نقص داشته باشند. چنانچه مشکل آن‌ها به موقع شناسایی و درمان نشود، بخشی از توانایی شناخت خود را از دست خواهند داد. بنابراین، توجه به حواس پنج‌گانه در کودکان از دو جنبه دارای اهمیت است:

۱- شناسایی و کنترل مشکلات و نقص‌های احتمالی

کودک و انجام خدمات درمانی.

۲- رشد و تقویت قدرت حواس کودک برای آن

که او ابزارهای کامل‌تری برای شناخت جهان اطراف خود در اختیار داشته باشد.

حال اگر کسی به هر دلیلی قدرت بینایی، شنوایی یا سایر حواس خود را از دست بدهد یا اشکالی در آن-ها ایجاد شود، در حقیقت تمام و یا بخشی از ابزارهای شناخت دنیای خارج را از دست داده است.

بیش‌تر بدانید



حواس پنج‌گانه نه تنها ما را از خطرهایی که با آن‌ها مواجه می‌شویم آگاه می‌کنند، بلکه اطلاعات لازم را برای تفسیر حوادث و رویدادها در اختیار ما می‌گذارند.

هم‌چنین از راه حواس است که لذت و درد را احساس می‌کنیم و رنگ‌ها را تشخیص می‌دهیم.

به همین دلیل انسان به حواس خود بسیار نیازمند است و باید به این ابزارهای شناخت توجه کند، در پی رشد آن‌ها باشد و از آن‌ها مراقبت کند تا از حوادث آسیب نبینند.

آیا می‌توانید تصور کنید از دست دادن قوه‌ی بینایی یا حس شنوایی تا چه حد به ارتباط شما با جهان و گردآوری اطلاعات تان از محیط صدمه خواهد زد؟

بیش‌تر بدانید



تحقیقات نشان می‌دهد که ۷۰ درصد اطلاعات انسان از طریق مشاهده و حس بینایی به دست می‌آید.

بعضی‌ها شامه‌ی بسیار تیزی دارند و انواع بو را بسیار خوب از هم تمیز می‌دهند. برخی بسیار تیزبین هستند، بعضی‌ها گوش‌های تیزی دارند و کسانی نیز با لمس اشیا متوجه نکته‌های زیادی می‌شوند که دیگران آن-ها را در نمی‌یابند. پس در خصوص رشد حواس باید به تفاوت‌های فردی توجه کرد.

۲-۲-۲ روش‌های پرورش حواس کودکان

مهم‌ترین اقدام برای به کارگیری درست حواس پنج‌گانه‌ی کودک ایجاد فرصت کافی و محیط مناسب برای اوست.

لمس کردن وسایل متفاوت، قرار دادن کودکان در معرض صداهای متفاوت و تشخیص آن‌ها، مشاهده‌ی صحنه‌های مختلف و دقت در اجزای آن‌ها، تشخیص تفاوت تصاویر و اشیای مختلف، تشخیص رنگ‌ها، تشخیص جنس مواد گوناگون، چشیدن و شناخت طعم‌های مختلف و تشخیص بوهای مختلف در پرورش حواس پنج‌گانه بسیار مؤثرند.



۲-۲-۱ اهداف و اصول پرورش حواس

کودکان

رشد و پرورش حواس کودکان فعالیت‌ی آموزشی و تربیتی است. هدف پرورش حواس در کودکان تقویت حواس پنج‌گانه و آگاه کردن آنان از ارزش، اهمیت و روش مراقبت از آنهاست.

برای پرورش یکی از حواس، تا جایی که امکان دارد از حواس دیگر نباید استفاده کرد، چون یافته‌های حواس مختلف به یکدیگر کمک می‌کنند.

مثلاً هنگام کار با حس لامسه یا بویایی، چشم‌ها را ببندید زیرا حس بینایی به حس لامسه و بویایی کمک می‌کند تا ماده‌ی خوراکی را تشخیص دهید.

موضوع مهم دیگر آموزش نحوه‌ی مراقبت و حفظ اندام‌های مربوط به حواس است، مانند پاکیزه نگه‌داشتن چشم، بینی، مسواک زدن دندان‌ها، احتیاط در بو کردن مواد مشکوک و ناشناخته، نجشیدن طعم مواد غیر خوراکی و حتی خوراکی ناشناخته، دست نزدن به مواد شیمیایی و داغ و ...

توجه

در فعالیت عملی ۱، کم بود یا نبود یکی از حواس را تجربه کردید، اما نکته‌ی مهم دیگر آن است که حواس هر انسان می‌تواند بسیار قوی شود. البته توانایی افراد در این زمینه با یکدیگر تفاوت دارد. بعضی‌ها مزه‌ها را بسیار خوب تشخیص می‌دهند؛



فعالیت عملی ۳

بازی و سنجش حس بویایی کودکان

با چند کودک از نزدیکان خود که در سنین مختلف دوره‌ی پیش‌دستانی هستند دقت حس بویایی را تمرین کنید. مواد خوراکی مختلف را با بوهای متنوع، مانند پیاز، سیر، سیب، ادویه، عطر، گل و سرکه فراهم کنید. مواد باید برای کودکان آشنا باشد. به نوبت، چشمان آن‌ها را ببندید و از آن‌ها بخواهید بوی هر ماده را مشخص کنند. این تشخیص باید شامل دو جنبه باشد:

۱- آن چه بو کشیده‌اند چیست؟

۲- آیا می‌توانند بگویند چه نوع بویی دارد و کدام یک خوشایند و کدام یک ناخوشایندند و چرا؟
به تفاوت‌های کودکان در میزان، سرعت تشخیص و انواع پاسخ‌های شان دقت و نتایج را بررسی و یادداشت کنید.

فراموش نکنید کودکان کوچک‌تر از آن هستند که بتوانند پاسخ‌های روشنی به شما بدهند و شما خود باید ضمن همراهی با آن‌ها و با زبان کودکانه از طریق مشاهده‌ی دقیق، توانایی آن‌ها را بسنجید و پاسخ سؤال‌ها را بیابید.

نتایج بررسی‌ها را در کلاس بازگو کنید. چه روش‌های دیگری را برای سنجش و تمرین حس بویایی کودکان پیشنهاد می‌کنید.

نمونه‌ی فعالیت‌های پرورش حواس پنجگانه



فعالیت عملی ۲

بازی و سنجش حس شنوایی کودکان

با سه کودک از نزدیکان‌تان که در سنین مختلف دوره‌ی پیش‌دستانی هستند، دقت حس شنوایی را تمرین کنید.

● در مرحله‌ی اول به نوبت، چشم‌های آن‌ها را ببندید و وسایل مختلف را به صدا درآورید و از آن‌ها بپرسید هر یک چه صداهایی می‌شنوند. شما می‌توانید از به صدا در آوردن اشیای مختلف، مانند کلید، زنگ، ظروف و ... استفاده کنید. زیر و بم بودن، دوری و نزدیکی و کوتاه و بلند بودن صدا را نیز می‌توانید به همین روش تمرین کنید. آیا تفاوتی میان کودکان سنین مختلف مشاهده می‌کنید؟ چه تفاوت‌هایی؟

● در این مرحله با کودکان در حالت نشسته حلقه‌ای تشکیل دهید و در قالب بازی مطالبی را به‌طور درگوشی به یکدیگر منتقل کنید. قدرت تشخیص صدای کلمات در کودکانی که بررسی می‌کنید چه قدر است؟ آیا تفاوتی را میان آن‌ها احساس می‌کنید؟
نتایج بررسی‌ها را در کلاس بازگو کنید. چه روش‌های دیگری را برای سنجش و تمرین حس شنوایی کودکان پیشنهاد می‌کنید؟

فعالیت عملی ۵

بازی و سنجش حس لامسه

در این فعالیت شما باید میزان حساسیت و دقت کودکان را در شناخت اشیاء و مشخصات از طریق لمس کردن بررسی کنید. این کار کاملاً در قالب بازی صورت می‌گیرد. باید چشم کودکان را به نوبت یا هر یک را در اوقات جداگانه ببندید و دست و صورت آن‌ها را به سطح اشیاء مختلف تماس دهید. سپس از کودکان بپرسید چیزی که به آن دست کشیدید یا آن را لمس کردید چیست؟

- آیا زبر است یا نرم، چه قدر؟
 - آیا سرد است یا گرم، چه قدر؟
 - آیا خشک است یا تر؟
 - چه روش‌های دیگری برای سنجش حس لامسه پیشنهاد می‌کنید؟
- نتایج بررسی و تفاوت‌ها را یادداشت کنید و در کلاس ارائه دهید.



فعالیت عملی ۴

بازی و سنجش حس چشایی کودکان

با چند کودک از نزدیکان خود که در سنین مختلف دوره‌ی پیش دبستانی هستند، دقت حس چشایی را تمرین کنید. مواد خوراکی مختلف را با طعم‌های متنوع، مانند سیب، سرکه و گلاب فراهم کنید. مواد باید برای کودکان آشنا باشد.

برای انجام این کار، علاوه بر بستن چشم‌ها، لازم است از هر کودک بخواهید تا هنگام مزه کردن مواد، بینی خود را هم محکم بگیرد تا حس بویایی به کمک حس چشایی نیاید و فقط از حس چشایی استفاده شود. سپس دستش را از روی بینی بردارد و مجدداً مزه را بیازماید.

همانند فعالیت‌های قبلی نتیجه‌ی بررسی‌ها را یادداشت کنید و به کلاس بیاورید. چه روش‌های دیگری را برای سنجش و تمرین حس چشایی کودکان پیشنهاد می‌کنید.

همان طور که در فعالیت‌ها و نیز تجربه‌های شخصی آشکار است، حس بینایی در کسب اطلاعات اهمیت بسیار دارد. این حس، علاوه بر آن که مهم‌ترین ابزار کسب اطلاعات از جهان خارج است، به کمک سایر حواس نیز می‌آید. به همین دلیل افراد نابینا در استفاده از سایر حواس توانا ترند. بنابراین، در جریان بررسی و آموزش باید به حواس دیگر هم به اندازه‌ی حواس بینایی توجه کنید.

توجه

در پرورش حواس، صرفاً بالا بردن میزان حساسیت حواس کافی نیست، بلکه در کنار آن باید به آموزش مفاهیم و ارائه‌ی اطلاعات به کودک نیز اهمیت داد. یعنی چه بسا کودک درست احساس می‌کند و مثلاً بوها را تشخیص می‌دهد اما نمی‌داند آن‌ها را چه بنامد. بنابراین، پدر و مادر باید تلاش کنند برای کودک خود فرصت‌های لازم را فراهم کنند تا خزانه‌ی لغات^۱ او گسترش یابد و هم‌چنین اطلاعات مورد نیاز خود را از جهان خارج کسب کند.

۲-۳ اهمیت زبان‌آموزی

زبان ابزار بیان افکار و احساسات ماست. ما به کمک زبان با دیگران ارتباط برقرار می‌کنیم، نیازها،

۱- تعداد کلمه‌هایی است که هر کس می‌داند و از آن استفاده می‌کند و در زبان‌شناسی به آن ذخیره‌ی واژگانی می‌گویند.



فعالیت عملی ۶

بازی و سنجش حس بینایی

برای سنجش و تمرین حس بینایی در کودکان، مهم‌ترین موضوع، رنگ‌ها هستند. برای این کار امکانات متنوعی وجود دارد. مجله‌ها و کتاب قصه‌های رنگی کودکان، اسباب بازی‌ها، رنگ آمیزی فرش‌ها و اثاثیه‌ی خانه و اتاق‌ها، رنگ میوه‌ها و مواد خوراکی و... به راحتی در دسترس و قابل استفاده‌اند.

در این فعالیت تشخیص درست رنگ و نام آن، درجه‌ی رنگ (پررنگی و کم رنگی)، تفاوت رنگ‌ها، پیدا کردن و طبقه‌بندی اشیای هم رنگ و ... توسط کودکان بررسی می‌شود.

فراموش نکنید ممکن است برخی کودکان به دلیل اختلال وراثتی در تشخیص بعضی از رنگ‌ها ناتوان باشند.

در این صورت کودک باید به پزشک ارجاع داده شود. نتایج این بررسی را همانند فعالیت‌های قبلی یادداشت کنید و به کلاس بیاورید.





فعالیت عملی ۲

بررسی در مهد کودک

- به گروه‌های پنج نفری تقسیم شوید و هر گروه به یک مهد کودک مراجعه کنید.
- هر یک از اعضای گروه در یکی از کلاس‌ها (باتوجه به تقسیم‌بندی سنی مهد کودک) حاضر شوند.
- آن چه باید بررسی شود، عبارت است از:
 - ۱- میزان تکلم کودکان (چه قدر بچه‌ها برای بیان نیازهای‌شان صحبت می‌کنند).
 - ۲- میزان درست صحبت کردن آنان (می‌توانند منظورشان را برای مربی روشن کنند).
 - ۳- میزان خطای آنان در تلفظ (چه کلماتی را به چه شکلی تلفظ می‌کنند. از مربی کلاس در این زمینه کمک بگیرید).
 - ۴- تعیین تفاوت‌های فردی کودکان در کلاس.
- یافته‌های بالا را براساس گروه سنی بررسی شده در گزارشی تنظیم کنید.
- با اعضای گروه گزارشی نهایی شامل وضعیت تکلم در کودکان مهد کودک تنظیم و نتایج گزارش خود را در کلاس ارائه کنید.

تلاش کودک برای ارتباط با محیط از بدو تولد آغاز می‌شود، اما هنگام تولد نمی‌تواند از طریق هیچ

نظرها، علاقه‌ها، خوشحالی و ناراحتی خود را بازگو می‌کنیم. بدون زبان آیا می‌توان متنی را خواند یا کلمه‌ای را نوشت؟

اما مهم‌تر از همه آن که بدون زبان نمی‌توانیم فکر کنیم. لحظه‌ای مکث کنید و به موضوعی بیندیشید. شما چه می‌کنید؟ غیر از آن است که در درون‌تان با خود درباره‌ی موضوعی گفت و گو می‌کنید؟ بنابراین زبان و تکلم، مقدمه‌ی تفکر است.

اگر انسان امکان تکلم نداشت، نمی‌توانست فکر کند. این به آن معنا نیست که فرد دچار اختلال گفتاری یا شنوایی از قدرت تفکر هم محروم است. چنین فردی زبان را می‌فهمد و می‌تواند افکار خود را بر روی کاغذ بیاورد یا با زبان اشاره صحبت کند. به نظر شما انسان بدون قدرت اندیشیدن چگونه رفتار می‌کرد؟ رفتار او با حیوانات چه تفاوتی داشت؟

پس زبان همه‌ی جنبه‌های ارتباطی را شامل می‌شود و اهمیت آن فقط به گفتار مربوط نمی‌شود.

۱-۳-۲ زبان آموزی و تکلم کودکان

همه‌ی والدین بی‌صبرانه منتظرند تا کودکان‌شان زبان باز کنند و به حرف زدن پردازند. نحوه‌ی تکلم کودکان بسیار شیرین و گیراست. آیا شما می‌دانید در چه سنی شروع به تکلم کرده‌اید؟

سالگی ده کلمه (از جمله اسم افراد) را می‌توانند ادا کنند.

برخی از کودکان اولین کلمه را در هشت ماهگی و برخی در دو سالگی ادا می‌کنند.

اما اکثر آن‌ها قبل از یک سالگی اولین کلمه را بر زبان می‌آورند.

طفل، از هشت تا سیزده ماهگی، کلام و گفتار دیگران را درک می‌کند ولی نمی‌تواند پاسخ دهد.

دستگاه ارتباطی (مانند زبان یا اشاره کردن) با دیگران ارتباط برقرار کند، از این رو در موقعیت‌های طبیعی مانند درد، گرسنگی و ... رفتارهایی مانند حرکت دادن دست و پا و گریه از خود نشان می‌دهد اما با تلاش‌های خود و تحت تأثیر عوامل محیطی، به ویژه رفتار مادر، خیلی زود ارتباط با جهان خارج را آغاز می‌کند.



۲-۳-۲ نقش پدر و مادر در زبان‌آموزی

کودک

وقتی پدر و مادر و اطرافیان با کودک حرف می‌زنند، در آغاز کودک معنی گفته‌های آن‌ها را نمی‌فهمد.

اما به تدریج زبان آن‌ها را با اشیاء، وقایع و تجربه‌های خود از جهان خارج درک می‌کند و به این ترتیب کلمه‌ها برای او معنی پیدا می‌کنند.

مادر اولین معلم زبان طفل است. کودک با مادر تمرین گفت و گو می‌کند. مهربانی مادر در ظهور اصوات اولیه‌ی کودک مؤثر است. کودکان پرورشگاهی چون از محبت مادری محروم‌اند و کمتر اصوات محبت‌آمیز و محرک دریافت می‌کنند، دیرتر زبان باز می‌کنند.

دوقلوها و سه‌قلوها دیرتر زبان باز می‌کنند زیرا

بیشتر بدانید



اولین مرحله‌ی ارتباط بین نوزاد و مادر از طریق علایم است. به همین دلیل مادر پس از مدتی از نوع گریه‌ی نوزاد متوجه مشکل او می‌شود.

در مراحل بعد، شما سر و صدا و جیغ‌های شادمانه و بعد «قان و قون» کردن‌های کودکان را می‌شنوید. کودک به تدریج از بازی با صداها لذت می‌برد و آهنگ و بلندی صدا را تغییر می‌دهد.

کودکان معمولاً در نه ماهگی صداها را تقلید می‌کنند و کلماتی مانند «دادا» را تکرار می‌کنند. در ده ماهگی معمولاً کلمه‌هایی مانند ماما و بابا را ادا می‌کنند.

در یک سالگی چهار کلمه و در حدود یک و نیم

۳-۳-۲ توصیه‌های تربیتی

اگر کودکی تا هجده ماهگی (۱/۵ سالگی) زبان باز نکرد و در بیست و چهار ماهگی (۲ سالگی) هنوز قادر نبود کلمه‌ای را ادا کند باید چاره‌ای اندیشید و به متخصص مراجعه کرد.

بهترین روش برای پیشرفت زبانی کودک، ایجاد محیط مناسب است؛ محیطی ساده، آرام و خالی از چند زبانی یعنی محیطی که در آن فقط با یک زبان گفت و گو شود. برای رشد گویایی کودک به نکته‌های زیر توجه کنید:

- از جملات ساده، کوتاه و رسا استفاده کنید.
- اشتباهات کودک را تصحیح و واژگان را برایش درست تلفظ کنید.
- او را وادار نکنید تا کلمات و جملاتی را که هنوز قادر به بیان آن نیست، تکرار کند.
- خزانه‌ی لغات کودک را با فرستادن او به مهد کودک و کودکان و یا شرکت دادن او در جمع بچه‌ها، با قصه‌گویی، به کمک رادیو، تلویزیون و گفت و گو با بزرگسالان و سایر فعالیت‌هایی که کودک را وادار به حرف زدن و پاسخ دادن می‌کند یا این که گوش و چشم او را با کلمه‌های بیش‌تری آشنا کند، افزایش دهید.

مادر فرصت کافی برای پرداختن به تک‌تک آن‌ها را ندارد و بیش‌تر به رفع نیازهای آن‌ها می‌پردازد.

یک حرف و دو حرف بر زبانم الفاظ نهاد و گفتن آموخت

توجه

چنان چه مادر، طفل را تشویق کند که نیازهایش را با گفتن بیان کند، رشد تکلم طفل بیش‌تر می‌شود. اکثر مادران از این موضوع غفلت می‌کنند زیرا برای آن‌ها رفع نیازهایی که طفل با ارتباط غیر کلامی ابراز می‌کند، مهم‌تر است. اگر مادران در نحوه‌ی تکلم خود اشکالاتی داشته باشند یا به دلیل کم‌سواد و نداشتن مطالعه، از لغات کمتری در بیان استفاده کنند، به خودی خود کودک نیز در استفاده از تکلم و میزان لغات، دچار کمبود و نقص خواهد شد و این یکی از دلایلی است که اهمیت مطالعه و گسترش دایره‌ی اطلاعات مادران را نشان می‌دهد.





۴-۳-۲ موانع زبان‌آموزی

نباید فراموش کرد که بعضی از کودکان سلامت کامل ندارند. مهم‌ترین موانع زبان‌آموزی عبارت‌اند از:

۱- **کم‌شنوایی:** کم‌شنوایی در رشد زبان، مانع بزرگی است، زیرا شنیدن، یکی از مهم‌ترین راه‌های گردآوری اطلاعات از جهان خارج است، از طرف دیگر ما با شنیدن صدای خودمان آن را کنترل می‌کنیم.

توجه

هرگاه نشانه‌های زیر را در کودک مشاهده کردید، باید احتمال وجود مشکل شنوایی کودک را جدی بگیرید:

بیشتر بدانید



مهارت تکلم به معنی مهارت گوش دادن نیست. کودکان حرف زدن را قبل از گوش کردن می‌آموزند.

کودکان سه تا شش ساله، به دلیل این که فقط به خودشان توجه دارند، در جمع بدون توجه به حضور دیگران حرف می‌زنند و در واقع به حرف‌های دیگران گوش نمی‌دهند.

مهارت گوش کردن را در کودکان می‌توان با استفاده از روش‌هایی مانند قصه‌گویی، تصویرخوانی و... پرورش داد.

والدینی که محبت کافی به کودکان ابراز می‌کنند در رشد زبانی کودک بیش‌تر از والدینی که محبت کافی ابراز نمی‌کنند مؤثرند.

والدین باید در حین کار کردن با کودک، غذا دادن به او و... با کودک خود حرف بزنند و عمل خود و اتفاقات را با زبانی ساده مانند «شیر اینجاست»، «بلند شو برویم» و... برای او توضیح دهند.

اگر استفاده از زبان برای کودک با لذت و نوعی پاداش همراه باشد، بیش‌تر از زبان استفاده می‌کند.

به همین دلیل اطرفیان باید به کودک کمک کنند تا بداند که با صحبت کردن بهتر می‌تواند به خواسته‌هایش برسد.

شناخت و ارتباط کودک با جهان است. اگر چه خودِ کودکان برای شناخت و ارتباط با محیط تلاش می‌کنند، خانواده برای این که تلاش آن‌ها به نتیجه برسد باید محیطی امن، آرام و بدون دغدغه برای آن‌ها فراهم کند.

والدین باید مراحل رشد حواس و تکلم در کودک را پی‌گیری کنند تا چنانچه دچار مشکل یا نقصی بود به موقع برای رفع آن اقدام کنند و آموزش‌های لازم را برای مراقبت از اندام‌های حسی و نیز گسترش قدرت تکلم کودک بدهند.

توجه نکردن به صداهای محیط اطراف، تأخیر در رشد گفتار و زبان، جیغ زدن بیش از حد، بلند کردن صدای وسایل صوتی، استفاده از اشاره به جای زبان.

۲- لکنت: لکنت یکی از اشکالات گفتاری است. افراد مبتلا به لکنت به طور غیر عادی صدا یا حرفی را در یک کلمه تکرار یا در آن گیر می‌کنند. گاهی اوقات ترس شدید یا اضطراب زیاد، که به دلایل مختلفی می‌تواند ایجاد شود، باعث بروز لکنت زبان در کودک می‌شود.

والدین و اطرافیانِ کودک که لکنت دارد با واکنش نامناسب مانند سرزنش، راهنمایی دادن، ابراز نگرانی و... باعث می‌شوند تا مشکل کودک شدیدتر شود. آرامش و توجه غیرمستقیم به نحوه‌ی گفتار کودک کمک بزرگی به رفع این مشکل خواهد کرد.

چکیده

برای این که کودکان بتوانند جهان و محیط‌شان را بشناسند، باید از امکانات و توانایی‌های خود استفاده کنند.

آن‌ها باید بتوانند حرف بزنند و منظور خود را بیان کنند و محیط خود را به کمک حواس پنج‌گانه جست‌وجو کنند.

حواس پنج‌گانه و قدرت تکلم مهم‌ترین ابزارهای

آزمون پایانی عملی واحد کار دوم



کودکی سه چهار ساله را از اطرافیان یا همسایه‌ها در نظر بگیرید. سعی کنید دو موضوع زیر را درباره‌ی کودک که انتخاب کرده‌اید، بررسی و گزارش تهیه کنید:

- میزان دقت حواس کودک چه قدر است؟
 - تعداد کلماتی که می‌داند و آن‌ها را به کار می‌برد (خزانه‌ی لغات) چند تاست؟
- با توجه به شناختی که از خانواده‌ی آن کودک دارید، آن‌ها چه نقشی در رشد توانایی‌های او داشته‌اند؟ آیا یافته‌های شما نیز اهمیت خانواده را در زبان‌آموزی تأیید می‌کند؟

آزمون پایانی نظری واحد کار دوم



هدف از پرورش حواس در کودکان چیست؟
آیا بالا بردن دقت و حساسیت حواس به تنهایی برای پرورش حواس کودکان کافی است؟ چرا؟
سه مورد از دلایل اهمیت زبان و تکلم در انسان را بیان کنید؟

اولین معلم زبان کودک کیست؟
اگر کودکی تا ... زبان باز نکرد و در ... هنوز قادر به ادای کلمه‌ای نبود باید چاره‌ای اندیشید و به متخصص مراجعه کرد.

واحد کار سوم

یادگیری، خلاقیت و آموزش کودکان



هدف‌های رفتاری

انتظار می‌رود هنرجو پس از گذراندن این واحد کار بتواند به هدف‌های زیر دست یابد:

- ۱- یادگیری را تعریف کند.
- ۲- تفاوت یادگیری کودکان و بزرگسالان را توضیح دهد.
- ۳- انواع یادگیری کودک را بیان کند.
- ۴- خلاقیت را تعریف کند.
- ۵- ویژگی‌های کودکِ خلاق را نام ببرد.
- ۶- روش‌های پرورشِ خلاقیت را در کودکان به کار بندد.
- ۷- اهمیت تحصیل و کار را در زندگی انسان توضیح دهد.

پیش آزمون واحد کار سوم

- ۱- تلاش برای یادگیری از چه زمانی آغاز می‌شود؟
 - الف) از مرحله‌ی جنینی
 - ب) از هنگامی که کودک شروع به حرف زدن می‌کند.
 - ج) از آغاز تولد
 - د) از زمانی که کودک به مدرسه می‌رود.
- ۲- کودک خلاق یعنی:
 - الف) کودک بازی گوش
 - ب) کودک باهوش
 - ج) کودک درس خوان
 - د) کودک نوگرا
- ۳- مهم‌ترین تأثیر تحصیل عبارت است از:
 - الف) یافتن نگاه عمیق‌تر به مسائل
 - ب) یافتن شأن و جایگاه اجتماعی
 - ج) یافتن شغل مناسب با درآمد خوب
 - د) یافتن جایگاه در زندگی
- ۴- به نظر شما امروزه برخورد والدین با موضوع تحصیل و اشتغال فرزندان‌شان تا چه حد منطقی است؟
 - الف) خیلی زیاد
 - ب) زیاد
 - ج) کم
 - د) خیلی کم

مقدمه

دریافت‌های انسان را از محیط، «یادگیری» می‌گویند. یادگیری با استفاده از سرمایه‌های طبیعی انسان، که آن‌ها را قوای شناختی می‌نامند، به دست می‌آید.

این قوای شناختی عبارت‌اند از حواس پنج‌گانه، زبان، اندیشه و خلاقیت انسان.

آموزش مهم‌ترین فرصت را برای رشد این قوا فراهم می‌آورد.

کودک در خانه و سپس مدرسه، با دقت، هوشیاری و راهنمایی اطرافیان، مراحل یادگیری و پرورش توانایی‌ها را می‌گذراند و در نهایت موفق به انتخاب شغل مناسب می‌شود.

۱-۳- یادگیری کودکان

آیا می‌دانید یادگیری از چه زمانی آغاز می‌شود و کودک از چه زمانی برای درک محیط و شناخت آن تلاش می‌کند؟

جنینی که در بطن مادر دوره‌ی رشد خود را می‌گذراند، از وضعیت مادر تأثیر می‌پذیرد.

نوع و میزان غذای مادر، بیماری‌های مادر، شرایط جسمی و روانی او و نیز احساس و میزان توجه مادر به جنینی که آن را می‌پروراند، بر چگونگی رشد و تکامل جنین تأثیر می‌گذارند. با این حال، این‌ها را یادگیری نمی‌نامند.

تلاش برای یادگیری کودک از زمانی که به دنیا

می‌آید، آغاز می‌شود.

کودک نیازهایی دارد که باید رفع شود و تلاش کودک برای اعلام این نیازها باعث می‌شود تا او خیلی زود به یادگیری بپردازد، (مانند یادگیری علایم، اشاره‌ها و رفتارهایی برای ایجاد ارتباط و اعلام نیازها و خواسته‌ها به جهان بیرون).

به تدریج با بالا رفتن سن کودک، تلاش و تمایل او برای برقراری ارتباط و انتقال پیام‌های خود افزایش می‌یابد.

یادگیری، کودک را با جهان اطراف خود آشناتر می‌کند، در نتیجه ابتکار عمل بیشتری به دست می‌آورد. مهارت‌های زبانی، به کارگیری حواس و توانایی‌های ذهنی به کودک کمک می‌کند تا یادگیری خود را توسعه دهد.

۱-۱-۳- تفاوت یادگیری کودکان و

بزرگسالان

فعالیت عملی ۱

در گروه‌های سه نفری، روش‌های یادگیری خود را با روش‌های کودکانی که به مهد کودک می‌روند، مقایسه کنید. چه تفاوت‌هایی دارند؟ چرا؟ دلایل را روی تخته‌ی کلاس بنویسید و آن‌ها را به بحث بگذارید.

انجام نشود ممکن است بی نتیجه بماند یا کودک را به موضوع بی علاقه سازد.



۱-۳ انواع یادگیری کودکان

تا پیش از ورود به دبستان، بیش تر آن چه را که کودک می آموزد، از سه راه است:

(الف) تقلید از دیگران؛

(ب) ایجاد عادت (شرطی شدن)؛

(ج) همانند سازی با والدین.

(الف) تقلید: تکرار رفتار و گفتار کسانی است که

کودک می بیند و مدل، الگو یا سرمشق، فردی است که از او تقلید می شود.

کسی که کودک از او تقلید می کند، معمولاً مورد علاقه، محبت و شناخت اوست. نوزادان حتی در یک ماهگی با مشاهده ی بعضی از رفتارها مانند «خارج کردن زبان از دهان» سعی می کنند تقلید کنند. آن هادر شش ماه اول زندگی نیز برخی از صداها (مانند

یادگیری کودکان با یادگیری بزرگسالان تفاوت هایی دارد که مهم ترین آن ها تفاوت در میزان امکاناتی است که هر یک دارند.

یادگیری بزرگسالان به دلیل بهره مندی از قدرت تفکر و اندیشه بیش تر متکی به قوای عقلی و فکری است، اما یادگیری کودکان به دلیل آن که در مراحل اولیه ی تکامل ذهنی و به اصطلاح شناختی قرار دارند، متکی به مشاهده و تجربه هایی است که از طریق حواس به دست می آید.

به همین دلیل بهترین روش یادگیری کودکان استفاده از راه های بسیار ساده به کمک نمونه هایی از مسائل و تجربه های روزمره ی خود آن هاست، زیرا آن ها گفتار منطقی و استدلالی را درک نمی کنند.

بیش تر بدانید

فراموش نکنید یادگیری و آموزش با یکدیگر تفاوت دارند. آموزش به یادگیری کودکان کمک می کند.

اما بسیاری از آنچه را که کودکان یاد می گیرند از طریق آموزش نیست بلکه حضور در محیط، مشاهده و حتی تجربه و عمل کردن باعث یادگیری آن هاست.

آموزش با هدفی معین از طرف شخصی دیگر انجام می شود و کودک مخاطب آن است. حاصل آموزش می تواند یادگیری باشد، اما اگر آموزش به خوبی

رفتار شرطی شده‌اند.

بیش تر بدانید

آنچه در جریان شرطی شدن یا عادت اتفاق می‌افتد آن است که هم زمانیِ دوپدیده آن‌ها را به هم مربوط می‌کند، به نحوی که تکرار یکی باعث تکرار دیگری می‌شود.

گاهی انجام رفتاری باعث رسیدن به امتیاز یا پاداشی می‌شود.

این نیز باعث شرطی شدن آن رفتار می‌شود، مانند کودک‌کی که با شنیدن صدای زنگ، صورتش را به سمت چپ بر می‌گرداند تا بتواند شیر بخورد.

در جریان عادت، رفتاری به منظور سازش با اوضاع یا رفع نیاز تکرار می‌شود.

در یادگیری از طریق عادت، آگاهی و شناخت چندان دخالتی ندارد.

به همین دلیل در دوران کودک‌کی یکی از مهم‌ترین راه‌های یادگیری و نیز تربیت ایجاد عادت است. والدین می‌توانند با استفاده از این روش، به ویژه با پاداش دادن به کودک، هنگامی که رفتار مورد نظر از او سر زد عادات مناسبی مانند نظم، مطالعه و خواب به موقع را در او ایجاد کنند. منظور از پاداش فقط پاداش مادی و مالی نیست، بلکه تأیید کلامی - زبانی و عاطفی، انواع مهم‌تری از تشویق‌اند که تأثیر بیش‌تری نیز دارند.

گریه‌ی کودک‌کان دیگر) را تقلید می‌کنند و دست و دهان خود را به تقلید از دیگران حرکت می‌دهند.

تقلید از الگو چه در دوره‌ی کودک‌کی و چه در دوران نوجوانی یا بزرگسالی معمولاً کامل نیست. علاوه بر آن اگر چه خانواده مهم‌ترین الگوی کودک‌کان است، یادگیری تقلیدی صرفاً به خانواده محدود نمی‌شود، بلکه در کوچه و خیابان نیز بدون قصد و هدفی معین هر روز انجام می‌گیرد.

ب) عادت: نوع دیگری از یادگیری، یادگیری از طریق عادت کردن است که در زبان علمی به آن «شرطی شدن» می‌گویند.

مثال ساده‌ی رفتار شرطی آن است که معمولاً با شنیدن نام آب لیمو یا لیمو، بزاق دهان ترشح می‌کند. آیا شما در برابر نام لیمو یا آب لیمو شرطی نشده اید؟ آیا رفتارهای دیگری را از این نوع سراغ دارید؟ عادت دادن کودک‌کان به خوابیدن و بیدار شدن در ساعت معین، عادت به خوابیدن در مکان خاصی یا استفاده از بالش و ملحفه‌ی خاص، نمونه‌های دیگری از رفتارهای عادت‌ی یا شرطی‌اند. شما چه رفتارهای شرطی دیگری را در کودک‌کان سراغ دارید؟ گاهی رفتار شرطی شده مشکل ساز است. کودک‌کی که به سبب تجربه‌ی تزریق واکسن یا آمپول، از دکتر یا پرستار و حتی افراد سفید پوش می‌ترسد یا به سبب ترس از حیوانی که صدای ترسناکی دارد، از سر و صدای عادی هراسان می‌شود، مثال‌هایی از مشکلات

همانند سازی تمام جنبه‌های رفتاری را از موارد بسیار کلی مانند اعتقادات و نحوه‌ی نگاه به زندگی و جهان تا موارد جزئی مانند مدل مو، فرم لباس و حرکات بدن (شکل راه رفتن و ...) در بر می‌گیرد. همانند سازی آن قدر عمیق و ناخودآگاه است که بسیاری اوقات افراد بزرگسال رفتارهایی را که در دوران کودکی یا نوجوانی از والدین شان نمی‌پسندیدند، خودشان در دوران بزرگسالی تکرار می‌نمایند و فراموش می‌کنند که خود از این رفتارها می‌رنجیدند.

این موضوع نشاندهنده‌ی آن است که تمام رفتارهای والدین اعم از خوشایند یا ناخوشایند را کودک همانند سازی می‌کند و در این باره هوشمند نیست و قدرت گزینش ندارد.

از سوی دیگر والدین نیز متوجه نیستند که حالات و رفتارهای آنها تا چه حد در ساختن خصوصیات شخصیتی کودکانشان مؤثر است و به جای عرضه‌ی نمونه‌های مطلوب رفتاری از خودشان، به آموزش و توصیه‌های کلامی و شفاهی می‌پردازند.

در حالی که همانطور که گفته شد، رشد ذهنی کودکان آن قدر نیست که رفتارشان را با شنیدن حرف و توصیه شکل بدهند. آن‌ها فقط از آن چه در عمل و رفتار والدین می‌بینند درس می‌گیرند.

با ورود کودک به دوره‌ی دبستان و آغاز آموزش

ج) همانندسازی: در این روش کودک خصوصیات رفتاری و شخصیتی فرد دیگری را جزء وجود خودش می‌کند. همانند سازی امری خود به خود است و نیازمند تعلیم یا پاداش مستقیم برای تقلید نیست.

توجه

کودک برای همانندسازی باید انگیزه داشته باشد و میان خودش و الگو شباهت‌های زیادی را دریابد. والدین به دلیل نقش مهم و جایگاه شان در زندگی کودک مهم‌ترین کسانی هستند که زمینه‌ی همانندسازی را، به دلیل وابستگی و علاقه به آن‌ها، فراهم می‌سازند.

کودک از پدر و مادر - هر دو - همانند سازی می‌کند. اما کودک با والد هم جنس خود (یعنی دختر با مادر و پسر با پدر) از آن جا که احساس شباهت بیش‌تری می‌کند، بیش‌تر همانند سازی می‌کند. این همانند سازی را در رفتار دختر بچه با عروسکش می‌توان مشاهده کرد.



آرام و بدون تشنج زندگی می‌کند کم‌تر دچار اضطراب و پریشانی می‌شود از این رو تمرکز و دقت کافی درباره‌ی مسائل دارد.

عوامل محیطی زیر به امر یادگیری کمک می‌کند:

۱- ایجاد دیدگاه مثبت نسبت به یادگیری؛ کودک به یادگیری اهمیت بدهد و کسب دانش و مهارت را مهم و باارزش بداند.

۲- ایجاد انگیزه و علاقه نسبت به یادگیری؛ کودک، علاقه‌مند به یادگیری مسائل مختلف باشد و از دانش یا مهارتی که به دست می‌آورد لذت ببرد.

«علاقه به یادگیری» با «داشتن دیدگاه مثبت نسبت به آن» تفاوت دارد. چه بسا کودکی بداند یادگیری فعالیت خوب و مفید است اما چندان علاقه‌ای به آن نداشته باشد و اگر به اختیار خودش گذاشته شود به آن نپردازد.

۳- ایجاد زمینه‌ی کاری مناسب؛ یعنی فرصت یادگیری برای کودکان فراهم شود. این فرصت‌ها فراهم آوردن امکاناتی مانند کتاب، وسایل کار، حضور در مراکزی مانند باغ وحش، موزه، کتابخانه، انواع نمایشگاه، برنامه‌های نمایشی و... است که موقعیت‌هایی را برای یادگیری آماده می‌کند.

البته فراهم آوردن امکانات به تنهایی کافی نیست. کودکان در این زمینه توجه ویژه‌ی والدین را به خود نیز نیاز دارند.

توجه به فعالیت‌های کودکان، سؤال از آنها

رسمی، او به تدریج از طریق فعالیت‌های یادگیری نظیر مطالعه، استدلال و اندیشیدن شروع به یادگیری و خودآموزی می‌کند.

اصیل‌ترین و ماندگارترین یادگیری از طریق تفکر، عمق‌نگری و اندیشیدن است.

تجربه‌های عملی نیز از راه‌های مهم یادگیری است و بسیاری از امور در جریان عمل آموخته می‌شود.

گسترش مهارت‌ها و رفتارهای اجتماعی از جمله مواردی است که از طریق تجربه‌های عملی به دست می‌آید.

فعالیت عملی ۲



- چند نمونه از یادگیری‌های عملی خود را، که از راه مشاهده و تجربه به دست آورده‌اید، نام ببرید.
- چند نمونه از یادگیری‌های خود را، که به کمک حافظه و اندیشیدن به دست آورده‌اید، نام ببرید.
- چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟ کدام یک آسان‌تر و کدام یک دشوارتر آموخته شده‌اند؟

۳-۱-۳ عوامل مؤثر در یادگیری

وراثت و محیط دو عامل مؤثر در یادگیری است. کم‌هوشی و نقص عضو مادرزادی ناشی از عوامل وراثتی است، اما اوضاع محیطی همواره مهم‌ترین عامل برای یادگیری کودک است.

کودکی که در بیش‌تر اوقات در محیط خانوادگی



خلاقیت از مهم‌ترین عوامل پیشرفت بشری است. امکان بروز خلاقیت زمانی بیش‌تر می‌شود که مهارت‌ها و انگیزه‌های خلاقیت از همان دوران کودکی پرورش یابد.

واقعیت مهم دیگری که بسیاری از روان‌شناسان بر آن تأکید کرده‌اند همراه و همگام بودن خلاقیت با سلامت جسم و روان است. به این ترتیب شاید به جرئت بتوان گفت خلاقیت کلید طلایی خوش‌بختی است.

بیش‌تر بدانید



خلاقیت باید جزئی از زندگی همه‌ی افراد باشد. خلاقیت با پرهوش بودن تفاوت دارد. ممکن است کسی هوش فراوان داشته باشد اما خلاق نباشد. متفاوت بودن رفتار یک فرد با دیگران نیز دلیل بر خلاق بودن او نیست.

درباره‌ی فعالیت‌های‌شان، گوش دادن به توضیحات و پاسخ دادن به سؤالات‌شان و تشویق آن‌ها، اهمیت زیادی دارد. اما در این باره نیز احتمال افراط و تفریط وجود دارد. ممکن است پدر و مادری بی‌حوصلگی به خرج دهند و تصور کنند با فراهم آوردن امکانات وظیفه‌ی خود را انجام داده‌اند و نسبت به اشتیاق و توضیح کودک بی‌توجه یا از آن عصبانی شوند و... این چنین رفتارهایی باعث می‌شود انگیزه‌ی کودک برای انجام فعالیت‌های یادگیری کم شود.

گاهی نیز فشار آوردن به کودک به ویژه داشتن انتظار بی‌جا و غیرمنطقی باعث سرخوردگی او می‌شود. آیا نمونه‌ها یا خاطراتی در این باره دارید؟

واقعیت آن است که نسل‌های گذشته به دلایل گوناگونی نسبت به این موضوع کم‌توجه بوده‌اند. عواملی مانند کم‌سوادی عمومی، زیاد بودن تعداد فرزندان، بی‌اطلاعی از اهمیت موضوع به دلیل نبود امکانات اطلاع‌رسانی و سرانجام کم‌بود امکانات رفاهی خانواده‌ها موجب می‌شد والدین بیش‌تر تلاش خود را بر تأمین نیازهای اولیه‌ی کودکان متمرکز کرده و به تعلیم و آموزش آن‌ها کمتر توجه کنند.

۲-۳ خلاقیت کودکان

همه‌ی شما بارها کلمه‌ی خلاقیت و نیز تحسین افراد خلاق را شنیده‌اید. جامعه‌ی بشری انسان‌های خلاق را سرمایه‌ی خود می‌داند. یکی از تلاش‌های آموزش و پرورش هر کشور پرورش خلاقیت افراد است.

● باید با کارهایی که کودک قبلاً انجام داده و تمام چیزهایی که دیده و شنیده است کاملاً متفاوت باشد. اما متفاوت بودن کافی نیست بلکه داشتن ویژگی دوم نیز مهم است.

● کار انجام شده باید صحیح و در راه رسیدن به هدفی مفید بوده و برای کودک معنی‌دار باشد، به گونه‌ای که بتواند آن را توضیح دهد و برای آن دلیل داشته باشد.

نباید فراموش کرد خلاقیت بر تمام ابعاد و جنبه‌های زندگی فرد حاکم نمی‌شود بلکه نظرها و رفتارهایی را که تازگی دارند توصیف می‌کند.

به همین دلیل هر انسان طبیعی می‌تواند در بعضی زمینه‌ها و در بعضی مواقع عملکردی خلاق داشته باشد. کارهای شخصی و امور منزل و فراتر از آن فعالیت‌های اجتماعی، علمی و فنی از این مواردند.

۱-۲-۳ نشانه‌های خلاقیت کودک

فعالیت عملی ۳

به کارهای خود، هم کلاسی‌ها و اطرافیان‌تان خوب فکر کنید.
آیا کسانی را می‌شناسید که رفتارهای خلاق داشته باشند؟ این رفتارها چه ویژگی‌هایی دارد؟



۲-۲-۳ تشخیص خلاقیت کودکان

قضاوت درباره‌ی خلاقیت کودکان و تشخیص آن کار آسانی نیست. به سادگی نمی‌توان فهمید کاری که کودک انجام داده، تصادفی نبوده است، برای او تازگی دارد و قبلاً هم آن را در جایی ندیده و تقلید نکرده است. به علاوه، چه بسا میل و اشتیاق به داشتن



اگر آن چه کودک انجام می‌دهد یا می‌گوید دو ویژگی زیر را داشته باشد می‌تواند خلاق باشد:

● سپس، درباره‌ی زندگی یکی از این افراد، گزارشی تهیه کند. آن چه لازم است خصوصیات دوران کودکی و نقش والدین در شکوفایی خلاقیت این افراد است. گزارش‌ها در کلاس جمع بندی شوند و با راهنمایی هنرآموز، فهرستی از مشخصات مشترک آن‌ها را تهیه کنید.



بررسی خصوصیات افراد خلاق نشان می‌دهد که استقلال، شور و هیجان ثابت‌ترین عناصر خلاقیت در نسل‌های مختلف است. اما این شور و هیجان نیاز به هدایت دارد. این خصوصیات از طریق باورها و تصویر ذهنی مثبت^۱ کودک از خود، توانایی‌ها و

۱- منظور از تصویر ذهنی از خود، تعریفی است که هر کس از خود دارد. چنان چه شما خود را فردی توانا، باعرضه، باهوش و... بدانید، تصویر ذهنی مثبتی از خود دارید اما اگر به طور دایم احساس می‌کنید آدم ناتوانی هستید، هرگز نمی‌توانید کاری را به خوبی انجام دهید، دیگران از شما بهترند، همیشه تقصیر با شماست و احساس گناه می‌کنید تصویر ذهنی شما از خودتان منفی است. چنین تصویری بی‌تردید غلط است و باید اصلاح شود.

فرزند خلاق باعث شود تا پدر و مادر به آسانی کودک خود را خلاق بنامند.

والدین باید بدانند حتی اگر نشانه‌های خلاقیت را در کودک خود مشاهده نکنند می‌توانند آن (خلاقیت) را در فرزندشان پرورش دهند. از این رو باید خلاقیت کودکان را در کنار خوش بینی با واقع بینی ارزیابی کرد.



توجه

مهم‌ترین قدم در تشخیص خلاقیت کودک، هوشیار بودن به موضوع است. یعنی اوقاتی که با کودک هستید در رفتار، گفتار و عمل او دقت کنید و آن را با نشانه‌های خلاقیت بسنجید.

۳-۲-۳ پرورش خلاقیت کودکان

فعالیت عملی ۴

به گروه‌های پنج نفری تقسیم شوید. هر گروه فعالیت‌های زیر را انجام دهد:

● فهرستی را از نام افراد مشهوری که ابتکار، اختراع یا کشف داشته‌اند تهیه کند.

آینده‌اش ایجاد می‌شود، به شرط آن که این باورها الهام بخش کودک در انجام کارهای خلاق باشد و اعتماد به نفس و احترام به خود را در آن‌ها تقویت کند. چنین باورهای مثبتی توسط والدین به کودک منتقل می‌شود. به همین دلیل نقش والدین در این جا نیز بسیار مهم است.

توجه

برای موفقیت در پرورش خلاقیت کودک لازم است خود والدین درباره‌ی اصول زندگی خود تصویر ذهنی روشنی داشته باشند و به ارزش‌ها، معیارها و اصولی که مایل‌اند کودک‌شان در سراسر زندگی از آن‌ها پیروی کند، اعتقاد و ایمان داشته باشند. ولی این ارزش‌ها و اصول باید واقع بینانه و براساس طبیعت، شخصیت، نیازها و علایق کودک انتخاب شوند.



نوع نگاه و قضاوت والدین درباره‌ی فرزندشان مهم‌ترین نقش را در نوع قضاوت و تصویر ذهنی کودک از خودش دارد.

بنابراین، والدین باید از خود پیرسند تصویر ذهنی آن‌ها از فرزندشان چیست.

والدینی که به کودک خود خوش‌بین‌اند، به او محبت دارند، او را تأیید می‌کنند و به او فرصت می‌دهند تا خودش را ابراز و اشتباهاتش را جبران کند، تصویری مثبت از کودک‌شان در ذهن خود دارند و همین تصویر را به کودک نیز منتقل می‌کنند.

برعکس والدینی که زود عصبانی می‌شوند، به کودک برای اشتباهاتش سرکوفت می‌زنند، به او فرصت نمی‌دهند خود را نشان دهد و او را بی‌عرضه و بی‌فایده می‌خوانند، تصویری منفی از کودک در ذهن خود ایجاد می‌کنند و همین را به کودک انتقال می‌دهند.

والدین علاوه بر داشتن تصویر ذهنی مثبت و سازنده از کودک باید اصول زیر را نیز در رفتار با او رعایت کنند:

۱- تفکر خلاق را ارزشمند بدانند تا کودک نیز آن را ارزشمند بداند و به آن گرایش پیدا کند.

۲- کودک را به مسائلی که در محیط او وجود دارد، حساس کنند و فراموش نکنند چنین کاری مستلزم آن است که خود نیز به مسائل محیط زندگی دقیق باشند.

شود بهتر است با مشاهده‌ی آن به جای تحسین و ابراز شگفتی به شرح روش و جزئیات کار خالق اثر پردازند و کودک را با چگونگی آن آشنا کنند.

۸- برای کودک فرصت و موقعیت درگیر شدن با برخی از مسائل و سؤالات را فراهم کنند تا زمینه‌ی ارائه‌ی ایده‌های نو برای کودک فراهم شود. نظر خواهی درباره‌ی برخی از مسائل و مشکلات خانه، سپردن مسئولیت‌هایی محدود به کودک، که روش انجام آن را خود پیشنهاد کرده است و خود نیز اجرا می‌کند، از جمله‌ی این مواردند.



۹- به جای آن که فقط به طرح اشکال و نقاط ضعف و نقد آن‌ها پردازند پیشنهاد جایگزین را نیز مطرح کنند.

۳- کودکان اصولاً دستکاری اشیاء و وسایل را دوست دارند، زیرا کنجکاوند. از این رو آن‌ها را از این کار منع نکنند.

۴- اگر کودک نظری را ابراز کرد او را تشویق کنند که درباره‌ی آن بررسی و تحقیق کند.

۵- اگر کودک عقایدی برخلاف نظر آن‌ها یا اوضاع معمول ابراز کرد او را توبیخ نکنند، بلکه نظر او را تحمل کنند. با این کار کودک یاد می‌گیرد، علاوه بر آن که به خود حق دهد نظر مستقل داشته باشد، تحمل عقاید تازه و نظر مخالف را نیز می‌آموزد.



۶- اصرار نکنند که کودک کارهایش را حتماً با الگویی مشخص، که به آن‌ها می‌آموزند، انجام دهد.

۷- از آنجا که احساس عجز و ضعف در مقابل شاهکار یا اثری برجسته می‌تواند مانع بروز خلاقیت



توجه

ممکن است این سؤال به ذهن برسد که آیا والدین تمام افراد خلاق و مشهور شخصیت‌هایی آگاه، هوشیار و دارنده‌ی تصویر ذهنی مثبت بوده‌اند؟ به احتمال بسیار زیاد نه، اما با همین احتمال می‌توان گفت اگر چه والدین در پرورش خلاقیت فرزندانشان آگاهانه قدم برنداشتند، اما مانع پرورش آن نیز نشدند و این استعداد را، که کم و بیش در همه وجود دارد، در کودکان‌شان از بین نبردند.

۲- پاداش دادن به کودک: بر خلاف تصور عموم، پاداش دادن به کودک، می‌تواند به تضعیف و حتی نابودی خلاقیت کودک منجر شود.

دلیل این موضوع نیز تا حدودی به عامل اول شباهت دارد. در بروز رفتار خلاق علاقه و انگیزه‌ی درونی بسیار مهم و تعیین کننده است؛ اما پاداش گرفتن باعث ایجاد انگیزه‌ای بیرونی می‌شود و وجود چنین انگیزه‌هایی رقیب و تضعیف کننده‌ی انگیزه‌های درونی است. اگر چه پاداش کمک می‌کند تا مردم سریع‌تر و بهتر کار انجام دهند، اما برای کارهایی که نیازمند بصیرت و حل مسائل پیچیده است پاداش مانع کار می‌شود.

۳- مقایسه‌ی کودک با دیگران: رقابت و به معنای دیگر ایجاد موقعیت مقایسه میان کودکان مانع بروز رفتار خلاق در آن‌ها می‌شود و همان زیان‌های دو عامل قبل را دارد.

۴- اعمال فشار، تحمیل و محدودیت: یادگیری و خلاقیت هرگز با تحمیل، محدودیت و فشار به دست

۲-۳ عواملی که خلاقیت را از بین می‌برد

به طور کلی می‌توان عوامل زیر را برای از بین بردن خلاقیت در کودکان برشمرد توصیه می‌شود والدین و اطرافیان کودک تا آنجا که امکان‌پذیر است از انجام دادن آن‌ها خودداری کنند:

۱- ارزیابی کودک و کار او: اگر کودک متوجه شود خودش یا کارهایش زیر ذره بین بزرگترهاست، رفتار خلاقانه در او کاهش می‌یابد.

توجه کنید این ارزیابی تشویق را نیز شامل می‌شود. دلیل این تأثیر آن است که ارزیابی یا تشویق کردن، احساس نیاز به تأیید را در کودک بیش‌تر می‌کند او ناخودآگاه در جریان فعالیتش سعی می‌کند که رضایت بزرگ‌ترها را به دست آورد. همین امر می‌تواند مانع انجام کار بی‌سابقه و نو شود، زیرا معلوم نیست بزرگ‌ترها آن را تأیید می‌کنند یا نه.

تحولات اجتماعی و نیاز به نیروی انسانی متخصص، تحصیل و افزایش مهارت، اهمیتی روز افزون یافته است. برخورداری از اشتغال مناسب و نیز به دست آوردن مشاغل بهتر به تحصیل بیش تر بستگی دارد. این تفاوت‌ها باعث شده است هدف آموزش نیز نسبت به گذشته تغییر کند. در گذشته کسب علم، امری مقدس و ارزش مند محسوب می‌شد و آن را معمولاً به دلیل عشق و علاقه فرا می‌گرفتند. اما امروز که تعداد داوطلبان بسیار زیاد است، تحصیل به ابزار پیشرفت و ارتقا تبدیل شده و کم تر کسی فقط به دلیل عشق و علاقه به دنبال کسب علم می‌رود.

۱-۳-۳ حساسیت والدین به موضوع تحصیل و

اشتغال فرزندان

والدین خواهان موفقیت و خوش‌بختی فرزندان خود هستند. امروزه اوضاع اجتماعی و فضای فکری جامعه به گونه‌ای است که موفقیت و خوش‌بختی را در به پایان رساندن تحصیلات و به دست آوردن مدارک دانشگاهی می‌دانند.

از دیدگاه عموم کسب چنین درجات علمی به فرد کمک می‌کند علاوه بر رسیدن به جایگاه اجتماعی مهم، به شغل پردرآمد و مهمی نیز دست یابد.

این موضوع باعث می‌شود والدین از فرزندانشان بخواهند مدارج تحصیلی را با جدیت و موفقیت دنبال کنند و برای تحصیل آن‌ها نیز سرمایه‌گذاری زمانی و مالی هنگفتی می‌کنند.

نمی‌آید. مقدمه‌ی تمام فعالیت‌های سازنده و مؤثر عواملی چون خلاقیت، عشق و علاقه به یادگیری و ارضای کنجکاوی است. فشار و تهدید نه تنها علاقه ایجاد نمی‌کند بلکه آن مقدار علاقه را نیز که وجود دارد از بین می‌برد. تحمیل‌هایی مانند انتظار بیش از حد توان کودک و تعیین حوزه‌ی فعالیت برای کودک، بدون توجه به علاقه و استعداد او، نیز بسیار مخرب است.



والدینی که کودکانشان را به شدت کنترل می‌کنند و سخت‌گیری افراطی دارند، فرصت رشد خلاقیت را از کودکان‌شان می‌گیرند.

۲-۳ نحوه‌ی هدایت تحصیلی و اشتغال

فرزندان

امروزه موضوع تحصیل و اشتغال نسبت به گذشته بسیار متفاوت است. در گذشته با آن که همه حق آموزش داشتند، اما به دلیل فقر مالی و کمبود امکانات آموزشی تحصیل برای همگان امکان‌پذیر نبود. اکثر مردم بی‌سواد و کم‌سواد بودند.

به همین دلیل میان شغل و تحصیل ارتباط چندانی وجود نداشت.

امروزه حق آموختن در مقام یکی از حقوق اولیه‌ی هر انسانی به رسمیت شناخته شده است و به دلیل

۳-۳-۲ موضع‌گیری والدین درباره‌ی تحصیل

و اشتغال فرزندان

حدود دو دهه است که والدین نگران آموزش فرزندان خود شده‌اند. از جمله علل آن به شرح زیر است:

۱- امکانات و فضای آموزشی متناسب با افزایش جمعیت دانش آموزان نیست؛

۲- تعداد داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها زیاد، در نتیجه، احتمال پذیرش در آزمون‌های ورودی کم شده است؛

۳- فرصت‌های شغلی مناسب، که معمولاً از نظر والدین شغلی دولتی و اداری است، کاهش یافته است؛

خانواده‌ها برای رفع این نگرانی‌ها و تضمین موفقیت فرزندان خود بسیار تلاش می‌کنند، از جمله تلاش برای ثبت نام فرزندان در مدارس غیردولتی یا مدارس که کیفیت آموزشی بهتری دارند، استفاده از کلاس‌های تکمیلی (تقویتی) یا بهره‌گیری از معلمان خصوصی در طول سال تحصیلی و تابستان، شرکت در کلاس‌های متعدد آمادگی کنکور و....

آیا شما این رویه را تأیید می‌کنید؟ آیا شاهد این نوع نگرانی‌ها و اقدامات در خانواده‌ی خود بوده‌اید؟ اگر شما صاحب فرزندی شوید، همین اقدامات را برای آن‌ها لازم می‌دانید؟ چرا؟



۳-۳-۳ جایگاه تحصیل و اشتغال در زندگی

امروزه آن چنان بر اهمیت تحصیل و شغل تأکید می‌شود که امری بدیهی می‌نماید و درباره‌ی چرایی

آموزش، فرصت‌های جدید یادگیری را برای انسان فراهم می‌آورد. مهد کودک، مدرسه و دانشگاه هر یک فرصت‌های جدیدی را برای فرد فراهم می‌کنند تا بیش‌تر بداند و توانایی‌های جدیدی را در خود ایجاد یا تقویت کند.

انسان، به دلیل آن که دانش ذاتاً امری مقدس و ارزشمند است، به آن روی می‌آورد و با کسب آن جایگاه اجتماعی معتبرتری می‌یابد و نگاه عمومی به او تحسین آمیز می‌شود.



روشن است که اندازه‌ی خدمت شما به دوستان، خانواده و جامعه به اندازه‌ی توانایی‌ها و مهارت‌های شماست. بنابراین، هر قدر بیش‌تر بدانید و توانا تر باشید، عضوی مفیدتر برای جامعه خواهید بود.

کسب دانش و مهارت بیش‌تر، به فرد کمک می‌کند تا بهتر زندگی کند، زیرا در زندگی شخصی با درک و شناخت بیش‌تری با مسائل برخورد می‌کند، به برنامه‌ریزی می‌پردازد و در اجرای برنامه‌ها

آن کم‌تر بحث و گفتگو می‌کنند. اما واقعاً تحصیل و داشتن شغل در زندگی انسان چه قدر اهمیت دارد؟

۱-۳-۳ جایگاه تحصیل در زندگی

شاید ساده‌ترین تعبیر برای نسبت دانش به انسان، نسبت نور به تاریکی و نسبت بینایی به نابینایی است. دانش، انسان را از محدودیت‌های درونی و جهان بسیار کوچک خودش بیرون می‌آورد و افق نگاه او را بیش‌تر می‌کند، هر قدر دانش او بیش‌تر شود احساس و دیدگاه او نیز عمیق‌تر و گسترده‌تر می‌شود.



انسان، نیازمند یادگیری و دانستن است زیرا گرایش به دانایی و یافتن حقیقت در فطرت انسان به ودیعه گذاشته شده و به همان اندازه که انسان زیبایی را دوست دارد، به دانستن نیز علاقه‌مند است. حس کنجکاوی نشانه‌ی همین گرایش در انسان است (حوزه‌های توجه و کنجکاوی افراد با هم تفاوت دارد).

توجه

امروزه به دلایلی که گفته شد، اولیای مدارس و هم‌چنین والدین به برخی از جنبه‌های تحصیل مانند گرفتن مدرک تحصیلی و یافتن شغل، بیش‌تر توجه کرده‌اند. از این رو فکر دانش‌آموزان نیز بیش‌تر بر همین جنبه‌ها متمرکز است و کمتر از لذت آموختن و سایر نتایج مثبت آن بهره‌مند می‌شوند.

۲-۳-۳-۳ جایگاه اشتغال در زندگی

● دوست دارید در آینده چه شغلی داشته باشید؟

چرا؟

«شغل» به معنی واداشتن کسی به کاری است که مایه‌ی مشغولیت باشد. «کار» یا «پیشه» فعالیت است دایم که به تولید کالا و یا خدمات منجر می‌شود و برای آن دستمزدی در نظر گرفته شده است.

بنابراین، کار سه ویژگی اصلی دارد:

۱- دایم است.

۲- به تولید کالا و خدمات می‌انجامد.

۳- دستمزدی برای آن در نظر گرفته می‌شود.

و نقش‌هایش موفق‌تر می‌شود. به علاوه برای چنین فردی فرصت‌های اجتماعی، شغلی و اقتصادی بهتری فراهم می‌شود.

توجه

بر خلاف تصور عمومی، که ناخود آگاه در تقسیم فرصت‌های آموزشی به پسران اولویت می‌دهند، تحصیل برای دختران بسیار مهم است، زیرا علاوه بر امتیازات شمرده شده در بالا، دختران مادران آینده‌اند، مادران دانا و تحصیل کرده، بی‌تردید در تربیت فرزندان‌شان هوشیارتر و موفق‌تر خواهند بود و توانمندی زنان، توانمندی تمام اعضای جامعه است.



آیا دلایل دیگری را می‌توانید به محاسن تحصیل و

کسب دانش اضافه کنید؟

آیا به نظر شما تحصیل علم معایبی هم دارد؟

آنها را بیان کنید.

در این جا منظور از شغل آینده، کاری است که هر کس تا حد امکان با علاقه به آن می پردازد و از طریق آن درآمد کسب می کند.

بیش تر بدانید

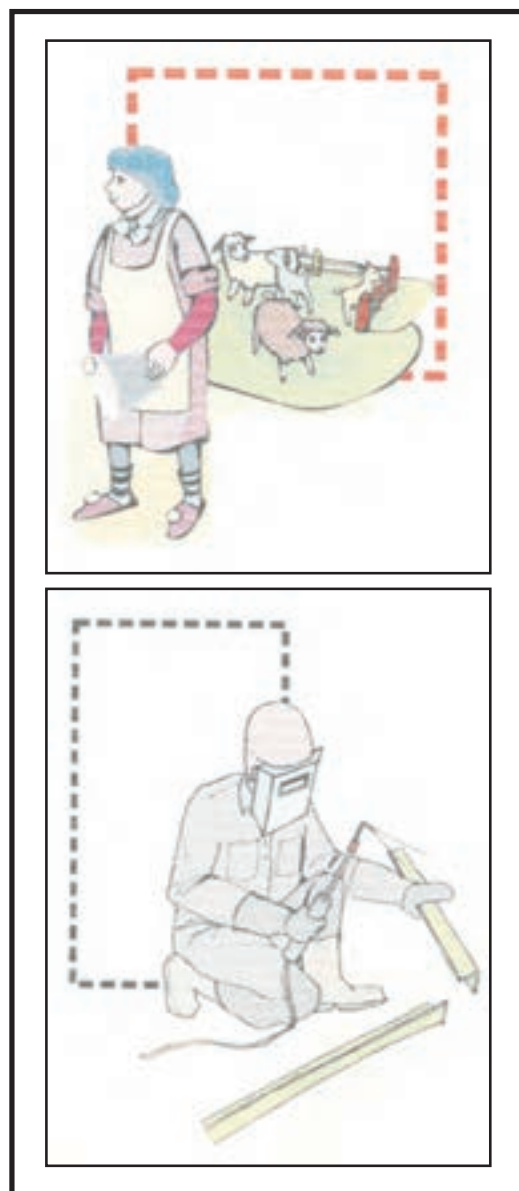


انسان به کار نیاز دارد زیرا:

- ۱- باید انرژی خود را به کار گیرد و کار بهترین وسیله‌ی به کارگیری انرژی است.
- ۲- کار باعث می شود انسان احساس کند مفید و مؤثر است. از این رو کار نیاز انسان به احساس ارزشمندی و کسب احترام و اعتبار را ارضا می کند.
- ۳- کار یکی از بهترین راه های ایجاد روابط اجتماعی است و انسان به این روابط نیاز دارد.
- ۴- از آنجا که کار در ازای دستمزد انجام می گیرد، نیازهای جسمی، روانی و مادی انسان را رفع می کند و او را به استقلال و نیز مشارکت در تصمیم گیری ها می رساند.
- ۵- کار باعث شکوفایی توانایی های انسان می شود.

۶- آسیب های اجتماعی مانند اعتیاد و انواع بزهکاری با موضوع بیکاری ارتباط دارد. بنابراین، اشتغال باعث می شود که انسان از آسیب های ناشی از بیکاری در امان بماند.

۷- جامعه برای رشد و توسعه به نیروی کار اعضایش نیازمند است. هرچه نیروهای متخصص و



شکی نیست که انسان ها از کودکی تا پایان زندگی همواره مشغول فعالیت های مختلف (مانند انجام دادن کارهای شخصی و تحصیلی، فعالیت های مربوط به خانه و خانواده و فعالیت های اجتماعی و سیاسی) هستند، اما سه شرط دایم بودن، دستمزد داشتن و تولید خدمات یا کالا در تمام آن ها جمع نمی شود.

توانمند در جامعه بیش تر باشد، رشد و توسعه‌ی جامعه بیش تر خواهد بود.

۳-۳-۴ توصیه‌های تربیتی به والدین

با توجه به اشکالات بسیاری که امروزه در دیدگاه خانواده‌ها نسبت به موضوع تحصیل و اشتغال وجود دارد، به نکته‌هایی اشاره می‌شود که رعایت آن‌ها والدین و فرزندان آن‌ها را در برخورد منطقی با موضوع کمک می‌کند و آن‌ها را در رسیدن به نتیجه‌ی دلخواه یاری می‌دهد.

۳-۳-۴-۱ توصیه‌های تربیتی به والدین

درباره‌ی تحصیل فرزندان

در تحصیل فرزندان، دو نهاد با یکدیگر مشارکت دارند: خانواده و مدرسه.

نهاد مدرسه مسئول اجرای برنامه‌ی آموزشی و درسی دانش آموزان است و خانواده در اجرای این برنامه از مدرسه حمایت می‌کند و به آن کمک می‌رساند.

والدین برای حمایت و پشتیبانی از مدرسه چند

نکته را باید رعایت و اجرا کنند:

۱) ذهن فرزندان را نسبت به جایگاه مدرسه و اولیای آن، به ویژه معلمان و برنامه‌های آموزشی، روشن کنند، فعالیت اولیا و برنامه‌های مدرسه را تأیید کنند تا فرزندان نیز با موضعی مثبت پذیرای آموزش و پرورش در مدرسه باشند و چنانچه به برخی از

برنامه‌های مدرسه انتقاد دارند آن را در جلسات انجمن اولیا و معلمان مطرح سازند.

۲) از مقررات تحصیلی و ضوابط مدرسه نیز آگاه باشند و در هر مورد فرزند خود را راهنمایی کنند.

۳) در نشست‌ها و جلسات کلاس و مدرسه شرکت فعال داشته باشند، سؤال کنند و با تجربیات و مشکلات سایر خانواده‌ها و نیز معلمان آشنا شوند.

از سوی دیگر، بیش‌ترین و مهم‌ترین بخش حضور دانش آموز نه در مدرسه که در خانه است. انجام تکالیف درسی و مرور مطالب عموماً در خانه صورت می‌گیرد.

در اغلب اوقات مهم‌ترین سؤال والدین آن است که چه کنیم تا فرزندمان تکالیف خود را به موقع و با دقت انجام دهد و در این باره نیاز به تأکید مکرر و نظارت دایم ما نداشته باشد.

برای تحقق این موضوع دو دسته توصیه درباره‌ی آنچه والدین باید انجام دهند و آن چه نباید انجام دهند، وجود دارد.

آن چه والدین باید انجام دهند

● سیاست واحدی داشته باشند و اصول عمل کردن به تکالیف را برای خود و فرزندشان تعیین کنند؛ نه آن که در هر موقعیتی تغییر نظر بدهند و تصمیم دیگری بگیرند.

● برای مطالعه و اجرای تکالیف، برنامه و ساعت مشخصی را با نظر فرزندانشان تعیین کنند، به طوری که

تابع شرایط روزانه و آنی نباشد.

● برای مطالعه و اجرای تکالیف محل مناسبی را معین کنند.

● کودک را برای انجام دادن درست تکالیف تحسین کنند و از تشویق او دریغ نورزند.

● کودک را عادت ندهند که هنگام اجرای تکالیف در کنار او باشند و دورادور و نامحسوس اعمال نظارت کنند. در پایان نیز کیفیت کار کودک را در حضور خود او بررسی و ضمن تحسین، موارد اصلاحی را نیز گوشزد کنند.

● چنانچه کودک در اجرای تکلیف مسئولیت نمی‌پذیرد، با او برخورد قاطع کنند. روش‌های مناسبی را برای او متناسب با سن و آنچه باید انجام دهد در نظر بگیرند و حتماً برنامه‌ی خود را در صورت لزوم عملی کنند زیرا حرف بدون عمل اعتباری ندارد و کودک را بی‌مسئولیت و جسورتر می‌سازد. از سوی دیگر روش انتخاب شده باید واقع‌بینانه باشد تا باعث آسیب رساندن بیش‌تر به کودک نگردد و دقیقاً برای تغییر رفتار او به کار رود.

● گاهی معلم و والدین با مشورت هم و هماهنگی برنامه‌ها می‌توانند کودک را در مسیر انجام دادن درست تکالیف راهبری کنند.

● گاهی لازم است امتیازات محدودی را برای تقویت انگیزه‌ی کودک در نظر بگیرند. در این صورت این پاداش باید پس از انجام تکلیف به کودک

اختصاص یابد و نه قبل از آن و نیز نباید عادت شود به طوری که کودک فقط برای گرفتن پاداش یا تنها پس از گرفتن آن به انجام وظیفه بپردازد.

● در کنار تکالیف درسی مطالعه یا فعالیتی غیردرسی ولی علمی برای کودک تدارک ببینند تا برنامه‌ی مطالعاتی تنها در دروس مدرسه خلاصه نشود.

● بهترین روش برای علاقه‌مند کردن کودک به مطالعه و انجام دادن تکالیف آن است که اعضای خانواده، به ویژه والدین، نیز به مطالعه بپردازند و ساعت یا ساعاتی در خانه به نام اوقات مطالعه برای تمام اعضای خانواده تعیین و عادت شود. لازم نیست والدین دارای تحصیلات عالی و مطالعات تخصصی باشند؛ مطالعه‌ی روزنامه، مجله و کتاب‌های اطلاعات عمومی نیز چنین فضایی را ایجاد می‌کند.

● تا حد امکان فضای آرام و بدون تنش برای کودک فراهم شود. محیط خانواده با توجه به شرایط تحصیلی و تکالیف فرزندان نباید شلوغ و پر رفت و آمد باشد.

● دیدار از مراکزی مانند نمایشگاه‌های کتاب یا نمایشگاه‌های هنری، موزه‌ها، باغ وحش و اصولاً مراکز فرهنگی در ایجاد فضایی مناسب در خانواده و تقویت این باور که یادگیری یک اصل و فعالیتی شیرین است، می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

والدین واقع بین باشند و ظرفیت فرزندشان را در

- به بهانه‌گیری‌های کودک دامن نزنند.
- موضوع تکلیف نوشتن را به طور دایم و هر لحظه به کودک یادآوری نکنند.
- هرگز کودک را به آنچه که انجام ناشدنی است تهدید نکنند، زیرا اعتبار حرف و حتی اعتبار خود والدین سست می‌شود.

۲-۴-۳-۳ توصیه‌های تربیتی به والدین درباره‌ی اشتغال فرزندان

اولین نکته‌ای که خانواده در برخورد با راهنمایی شغلی فرزند باید به آن توجه کند آن است که معیار شغل مناسب، داشتن درآمد سرشار و عنوانی دهان‌پرکن نیست، بلکه شغل مناسب برای هر کس کاملاً با وضعیت او ارتباط دارد.

چه بسا شغلی برای یکی بسیار مناسب و برای دیگری نامناسب و زیان‌آور باشد. بنابراین لازم است که:

۱- والدین در راهنمایی شغلی فرزندان خود واقع بین باشند و آرزوهای بی‌سرانجام مانده‌ی خود را به فرزندان تحمیل نکنند.

۲- فرزند خود را آگاه کنند که داشتن شغل و کسب درآمد هدف نهایی حیات انسان نیست؛ بلکه داشتن شغل فقط یکی از مقدمات آن است. انسان زندگی نمی‌کند تا کار کند، بلکه کار می‌کند تا زندگی کند. زندگی خوب آن است که انسان ارتباط

انجام تکلیف در نظر بگیرند و فشار خارج از توان بر او وارد نکنند.

- با توجه به علاقه‌ی کودکان برنامه مناسبی را برای اوقات فراغت آن‌ها تدارک ببینند (مانند فعالیت‌های هنری، ورزشی، بازی و...).
- برای تغذیه، خواب و استراحت کودکان برنامه مناسبی را تدارک ببینند.

- برنامه‌ی خواب کودک را تنظیم کنند. خواب کودک نباید تحت تأثیر برنامه‌های آخر شب تلویزیون یا شب نشینی‌های خانوادگی باشد.



آن چه والدین نباید انجام دهند

- برای درس کودک بیش‌تر از خود او اظهار نگرانی نکنند و مسئولیت وظایف او را بر عهده نگیرند. حاصل این رفتار بی‌اعتنا شدن کودک نسبت به وظایف خود است.

- در انجام تکالیف کودکشان شریک نشوند و به جای او وظایفش را انجام ندهند و سپر بلای کودکان نشوند.
- برای انجام تکالیف به کودک رشوه ندهند و نگذارند کودک از علاقه‌ی آن‌ها به پیشرفت تحصیلی‌اش سوءاستفاده کند.

چکیده

یادگیری، خلاقیت، تحصیل و اشتغال فرزندان از

مهم‌ترین مسائل مورد توجه هر خانواده است.

آن چه در درجه‌ی اول اهمیت قرار دارد، هوشیاری و واقع‌بینی والدین درباره‌ی ارزش واقعی هر یک از این موضوعات و نیز توانایی‌های فرزندان‌شان است؛ به گونه‌ای که از توجه افراطی به آن‌ها بپرهیزند و توانایی فرزندان‌شان را کمتر یا بیش‌تر از آن چه هست به حساب نیاورند.

در عمل نیز مهم‌ترین و مؤثرترین نقش والدین آن است که خود الگوی خوبی از نظر علاقه و تلاش برای یادگیری و رشد باشند و فضای مناسبی برای فرزند خود فراهم کنند، بدون آن که به او نگرانی و اضطراب را القا کنند یا به توبیخ و تحقیر او بپردازند تا زمینه‌ساز تجربه‌های یادگیری، شکوفایی خلاقیت و کسب دانش گردد.

والدینی که امکان همراهی با فرزند و حمایت از او را ندارند، دست کم باید این هوشیاری و دقت را داشته باشند که با انکار و تردید در توانایی‌های فرزندشان مانع تلاش‌ها و شکوفایی استعدادهای خلاق او نشوند.

رضایت بخشی با خداوند، خانواده و مردم داشته باشد و به احساس رضایت و آرامش هر چه بیش‌تر نزدیک شود. بنابراین نباید به این موضوع بیش از ارزش آن اهمیت داد و همه چیز را فدای آن کرد.

۳- فرزند را متناسب با علاقه و استعدادش راهنمایی کنند نه بر اساس جایگاه اجتماعی و چشم و هم‌چشمی و یا خواسته‌ای خود.

۴- زمینه‌های فراهم آوردن اطلاعات را درباره‌ی مشاغل برای فرزند فراهم کنند.

۵- ارزش‌های خانواده و اعتقادات دینی را به صورت منطقی در انتخاب شغل در نظر بگیرند و آن‌ها را از معیارهای انتخاب شغل به حساب آورند. امروزه مشاغل بسیاری وجود دارد ولی آیا خانواده‌ها تمام آن‌ها را تأیید می‌کنند؟

۶- اصرار نورزیدن به شغل خاص؛ گاه فرزند به سبب روحیه‌ی رقابت با دوستان یا حس جاه‌طلبی یا بلندپروازی خود، بدون توجه به توانمندی‌ها و امکانات موجود، بر انتخاب شغل خاصی اصرار می‌ورزد.

از این رو، والدین باید فرزندشان را به واقع‌بینی تشویق کنند و خود باعث ایجاد چنین توقعات یا احساساتی در او نشوند.

آزمون عملی واحد کار سوم



با توجه به توصیه‌ها برای یک کودک دوره‌ی ابتدایی، برنامه‌ی اجرای تکلیف در خانه را تنظیم کنید و آن را به خانواده‌ی او تحویل دهید.

آزمون پایانی نظری واحد کار سوم



- ۱- کدام گزینه درست است؟
 - الف) یادگیری از طریق توضیح و استدلال
 - ب) یادگیری از طریق ایجاد عادت
 - ج) یادگیری از طریق تقلید
 - د) یادگیری از طریق همانند سازی
- ۲- چگونه خلاقیت کودکان پرورش می‌یابد؟
 - الف) با تشویق آن‌ها
 - ب) با دادن باور مثبت نسبت به خودشان
 - ج) با فراهم کردن زمینه‌ی رقابت با کودکان دیگر
 - د) گزینه‌ی الف و ب درست است.
- ۳- مهم‌ترین فایده‌ی تحصیل و کسب دانش چیست؟
 - الف) به دست آوردن شغلی پر درآمد
 - ب) افزایش مهارت تفکر و برخورد درست‌تر با مسائل زندگی
 - ج) ایجاد جایگاه اجتماعی بهتر
 - د) کسب رضایت والدین

واحد کار چهارم

اصول و روش‌های تعلیم و تربیت در خانواده



هدف‌های رفتاری

انتظار می‌رود هنرجو پس از گذراندن این واحد کار بتواند به هدف‌های زیر دست یابد:

- ۱- اخلاق و رفتار اخلاقی را تعریف کند.
- ۲- تفاوت میان رفتار اخلاقی کودک و بزرگسال را توضیح دهد.
- ۳- اصول اولیه‌ی تربیت در خانواده را بیان کند.
- ۴- روش‌های عمومی تربیت را به کار بندد.
- ۵- روش‌های اصلاح رفتار را به کار بندد.
- ۶- عدالت و عدالت‌جنسیتی در خانواده را به کار بندد.

پیش‌آزمون واحد کار چهارم



- صحیح و غلط بودن جملات زیر را با (ص) و (غ) مشخص کنید:
- الف) گاهی پدر و مادری نسبت به کودک خود شناخت کافی ندارند. ()
- ب) رعایت اخلاق، کوچک و بزرگ ندارد. ()
- ج) پدر و مادر در رشد اخلاقی کودکان سهم چندانی ندارند. ()
- د) در تربیت، تشویق مؤثرتر از تنبیه است. ()
- ه) اگر پدر و مادری فرزند نااهلی داشته باشند، واقعاً بد شانسی آورده‌اند. ()
- و) در خانواده‌های ایرانی معمولاً پسرها از دخترها عزیزتر بوده‌اند. ()

مقدمه

تردیدی نیست که هر خانواده دغدغه‌ی خوش‌بختی

و موفقیت اعضای خود به ویژه فرزندان را دارد و به همین امید با همه‌ی وجود تلاش می‌کند تا با تهیه‌ی امکانات لازم، زمینه‌ی رشد و پیشرفت فرزندان خود را فراهم کند.

هم‌چنین سعی می‌کند «اصول خوب زندگی کردن»

در واحد کار اول با مفهوم تعلیم و تربیت و نقش خانواده در آن آشنا شدیم.

خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که می‌تواند نیازهای انسان را به نحو احسن برطرف سازد و او را از

آسیب‌های اجتماعی حفظ کند.

والدین با فشار و تحمیل و حتی تنبیه سخت و پرخاش، کودک را سرکوب و به برده‌ای مطیع تبدیل می‌کنند، به گونه‌ای که بچه نه توان حرف زدن دارد و نه حرکت کردن. خیلی‌ها این بچه‌های مطیع و حرف گوش کن را تحسین می‌کنند!

آیا به نظر شما این بچه‌ها تربیت شده و موفق اند و در آینده عضوی توانمند برای خانواده و جامعه‌شان خواهند بود؟

را با توجه به تعلیم و تربیت به او بیاموزد و عضوی مفید برای جامعه تربیت کند.



فعالیت عملی ۱

● به گروه‌های پنج نفری تقسیم شوید و به کودکانی که در اطراف تان زندگی می‌کنند توجه کنید. چند نمونه از کودکانی را که به نظر شما درست تربیت نشده‌اند معرفی کنید. چه اشکالاتی را بر تربیت آن‌ها وارد می‌دانید؟ آن‌ها را روی تخته‌ی کلاس فهرست کنید.



بهترین دوران برای تربیت، دوره‌ی کودکی است. کودکی دوره‌ی شکل‌گیری و ساخته شدن انسان است، زیرا کودکان فطرتی پاک دارند و آماده‌اند تا به هر شکلی درآیند.

آن‌ها خودشان، خودشان را تربیت نمی‌کنند؛ بلکه والدین و سپس اطرافیان‌اند که آن‌ها را، پرورش می‌دهند و به همین دلیل هنگامی که کودکی را دیدید لجبازی می‌کنند، کلمات زشت به زبان می‌آورند، حق هم‌بازی‌هایشان را رعایت نمی‌کنند و مدام آن‌ها را کتک می‌زنند، به آن‌ها خشم نگیرید. در عوض کسانی را مقصر بدانند که آن‌ها را تربیت کرده‌اند. به همین ترتیب، دیدن کودکانی با خصوصیات خوب نیز حاصل زحمات مربیان اوست.

البته ناگفته نماند هر کودکی را که شما یا دیگران «تربیت شده» می‌دانید، لزوماً با تربیت نیست. گاهی

۴-۱ اشاره‌ای به ویژگی‌های کودکان

تعلیم و تربیت کودکان اقدامی مهم است، اما بسیار ساده و بی‌اهمیت تلقی می‌شود و با چنین تلقی و برداشتی است که برخی از پدرها و مادرها به تعلیم و تربیت صحیح کودک توجه نمی‌کنند. برای موفقیت در تربیت کودک مانند هر کار موفق دیگری نیاز به شناخت و دقت کافی است. شناخت کودک موضوع بسیار گسترده‌ای است و رشته‌های مختلفی به آن می‌پردازند.

بحث درباره‌ی ساختمان بدن کودک در زیست‌شناسی، بیماری‌های خاص کودکان در علم پزشکی، بهداشت کودکان در رشته‌ی بهداشت و رشد روانی - اجتماعی کودکان در روان‌شناسی از جمله‌ی این موارد است.

توجه

انسان‌ها در دوره‌های مختلف سنی، ویژگی‌های متفاوتی دارند. از این رو کسی در برقراری ارتباط با آنها تأثیرگذاری بر آنان موفق است که آن ویژگی‌ها را بشناسد و آنها را در برخورد و رفتارش رعایت کند.

هر سن ویژگی‌های خاص خود را دارد، خصوصیات کودک دو یا سه ساله با کودک دبستانی با هم متفاوت است. در این جا به ویژگی‌هایی اشاره می‌شود که

خاص دوران کودکی است.

ویژگی‌های مهم کودکان که مقدمات تربیت آنان تلقی می‌شود و باید به آنها توجه کرد، عبارت‌اند از:

- کودکان، آمادگی و علاقه (تمایل) به یادگیری از طریق «عادت» دارند، زیرا استدلال را کمتر درک می‌کنند. به همین دلیل، این فکر که با توضیحات منطقی، کودک را بتوان به رفتار معینی وادار کرد، ناشی از نبود آگاهی از ویژگی‌های سنی کودکان است.

- کودکان نمی‌توانند زیاد فکر کنند. آنها به مشاهده و یادگیری از طریق حواس بیش‌تر عادت دارند. از اینرو، همه چیز را باید برای آنها در قالب مثال‌های حسی و قابل مشاهده توضیح داد.

- کودکان بسیار آسیب‌پذیرند و زود احساس ناامنی می‌کنند. این تصور که باید آنها را ترساند تا از بزرگ‌ترها حساب ببرند و گاهی باید آنها را در اتاق تاریک گذاشت تا تنبیه شوند و...، آسیب‌های جدی به آنان می‌رساند، به طوری که جبران و برطرف کردن آنها به دشواری و در دراز مدت امکان‌پذیر است.

- به کودک باید احساس امنیت داد. او باید بداند که در هر حال فرزند عزیز خانواده است و والدین او را به رغم هر رفتاری که دارد، دوست می‌دارند و می‌پذیرند. شک نیست که چنین واقعیتی را نمی‌توان شفاهاً به کودکان خردسال توضیح داد. به همین دلیل رفتار آرام، پذیرا و گرم والدین چنین احساس امنیتی را

مثال بارز این موضوع کودکی است که دائماً از پدر و مادر «نه» بشنود و با خواسته‌های او مخالفت شود.

کودکی که احساس کند پدر و مادرش به خواسته‌ی او پاسخ مثبت نمی‌دهند، دچار احساس ناکامی خواهد شد. کودک زمانی پاسخ «نه» را در مقابل خواسته‌هایش می‌پذیرد که در موارد دیگر پاسخ «مثبت» و «آری» شنیده باشد و احساس کند والدین مایل‌اند خواهش او را برآورده کنند اما به دلایل متعدد، این کار فعلاً از عهده‌ی آنها بر نمی‌آید یا به صلاح او نیست.

شاید این سؤال پیش آید که آیا کامیاب کردن دایم کودکان، آنها را به افرادی متوقع و غیرمنطقی تبدیل نمی‌کند؟

پاسخ آن است که منظور از کامیاب کردن کودک این نیست که او هر چه خواست، انجام دهد یا برای او فراهم شود، بلکه نکته‌ی مهم و ظریف آن است که «کودک احساس کامیابی کند» نه این که «همیشه کامیاب شود».

توجه

کودکانی که به احساس ناکامی دچار می‌شوند، هر قدر نیز که خواسته‌ها و تمایلاتشان برآورده شود، به احساس کامیابی نمی‌رسند. زیرا آنها احساس ناکامی دارند، بدون اینکه در واقع ناکام باشند.

می‌تواند در کودک ایجاد کند. اما دربارهی کودکان بزرگ‌تر تنها رفتار کافی نیست، بلکه آنها نیازمند هر دو (رفتار و کلام امنیت آور) هستند.

توجه

کودکان نیاز به احساس امنیت دارند. بی‌دلیل آن-هارا دچار ترس و اضطراب نکنید.

● کودکان به ویژه در خردسالی باید احساس توانمندی کنند. اگر شما در امتحانی شکست بخورید البته غمگین و ناراحت می‌شوید، اما خوب می‌دانید که دنیا به آخر نرسیده است و این شکست دلیل بر ناتوانی شما نیست و چه بسا با بررسی علت‌های شکست خود، راه موفقیت را پیدا می‌کنید.

اما کودکان نمی‌توانند بیندیشند و استدلال کنند، چنانچه آنها ناکام شوند، ناخودآگاه احساس عجز می‌کنند.

پس این تصور که بچه‌ی خردسال باید بداند شکست یعنی چه و در صورت شکست خوردن دوباره باید تلاش کند، صحیح نیست.

در واقع کودکان در خردسالی باید کامیاب باشند و تا دو سالگی نباید دچار ناکامی شوند.

پس از آن هم فضای غالب آنها باید پر از کامیابی باشد نه ناکامی، یعنی بیش‌تر از آن که ناکام شوند باید کامیاب شوند.

ویژگی بسیار مهم دیگرِ کودکان، دقت و زیرکی آنهاست. منظور از دقت کودکان، هوشیاری آنها به رفتار و حالات اطرافیان شان است. کودکان فقط از طریق مشاهده می‌آموزند.

آنها با حرف کاری ندارند، با عمل کار دارند و کاملاً در اعمال دیگران دقت می‌کنند.

پس این تصور که بچه نمی‌فهمد و انجام هر نوع رفتار غلط در حضور او اشکال ندارد، خطاست. کودکان آن چه را که می‌بینند یاد می‌گیرند.

کودکان، علاوه بر آن که رفتارها را با دقت نگاه می‌کنند، به خوبی از آن چه آموخته‌اند برای رسیدن به خواسته‌های خود نیز استفاده می‌کنند.

کودکان به خوبی می‌دانند کدام یک از والدین شان جدی‌تر است و کدام یک احساساتی‌تر، می‌دانند چه وقت و چه قدر گریه کنند یا در مقابل چه کسی گریه کنند تا به خواسته‌ی خود برسند.

آنها می‌دانند چه‌طور دل پدر و مادر را به دست آورند و آنها را وادار به تسلیم کنند یا در حضور جمع و در مقابل میهمان آنها را در مخمصه قرار دهند و از آنها امتیاز بگیرند. حال آیا می‌پذیرید کودکان دقیق و زیرک‌اند؟

۲-۴ رفتار اخلاقی کودک

آیا به یاد دارید چرا در دوره‌ی کودکی سعی می‌کردید حرف بزرگ‌ترها را گوش کنید و آن‌طور که آنها می‌گویند رفتار کنید؟

برای این که تلاش والدین برای ایجاد احساس کامیابی در کودکان خود باعث اشکال تربیتی نشود، می‌توان چاره‌اندیشی کرد. درباره‌ی خواسته‌های غیرمنطقی کودکِ خردسال، معمولاً تغییر موقعیت او و جای‌گزینی موضوعی جدید با خواسته‌اش مشکل را حل می‌کند. در واقع باید توجه او را به موضوع دیگری که برایش جالب باشد، معطوف کرد. درباره‌ی کودکان سنین بالاتر نیز در بسیاری از موارد چنین اقداماتی مؤثر است. گاهی با اظهار تأسف از این که امکانات کافی وجود ندارد یا ابراز نگرانی از پیامدهای خطرناک و ناراحت کننده‌ای که ممکن است برای کودک پیش آید، می‌توان مانع احساس ناکامی عمیق کودک شد. گاهی نیز کودکان سنین بالاتر باید ناکامی را تحمل کنند و جای نگرانی نیز ندارد.



فعالیت عملی ۲

به گروه‌های پنج نفری تقسیم شوید.

● هر گروه کودکی از اطرافیان، همسایه‌ها یا خانواده را انتخاب کند و احساس کامیابی و ناکامی را در او مشاهده، بررسی و آزمایش کند.

سعی کنید روش‌های رفع احساس ناکامی را در کودک اجرا کنید. حوصله به خرج دهید و یادداشت نتایج را فراموش نکنید.

● سپس گزارش‌ها را در کلاس جمع‌بندی کنید. کدام روش‌ها مؤثرتر بوده است؟ چرا؟

به همین دلیل با افزایش سن، درک کودک از این که چه چیزی درست و چه چیزی نادرست است، تغییر می‌کند. کودک در خانواده و سپس محیط بیرون از خانه (مانند جمع دوستان همبازی)، می‌فهمد دزدی، دروغ‌گویی و آزار دیگران کار درستی نیست. اما نمی‌داند چه رفتاری دزدی است، کدام گفته دروغ محسوب می‌شود و کدام رفتار دیگران را می‌آزارد. او به تدریج متوجه می‌شود میان قرض گرفتن، بی‌اجازه برداشتن و دزدی تفاوت است و درمی‌یابد کدام حرف دروغ می‌باشد و کدام اشتباه است.

او درک می‌کند اگر دوستش را کتک بزند (آسیب عمدی) بیشتر قابل سرزنش است تا این که ناخواسته دستش به صورت هم‌بازی اش بخورد و او گریه کند (آسیب تصادفی و غیرعمدی).

انجام دادن کارهای خوب و انجام ندادن کارهای بد توسط کودکان در سنین مختلف، دلایل متفاوتی دارد. کودکان در حدود شش سالگی والدین‌شان را مقدس، کامل و همه چیزدان می‌دانند و گفته‌های آن‌ها را کاملاً باور دارند.

بچه‌های دوره‌ی پیش دبستان فقط به خاطر ترس از تنبیه یا میل به تشویق، رفتارهای مورد علاقه‌ی بزرگ‌ترها را نشان می‌دهند ولی درک اخلاقی ندارند. یعنی چون پدر و مادر گفته‌اند، «کار بدی نمی‌کنند» یا «کار خوبی انجام می‌دهند».

کودکان هفت ساله و کوچک‌تر در آغاز برای

از تمام خانواده‌ها انتظار می‌رود به کودکان خود اصول اخلاقی و رعایت آن‌ها را بیاموزند.

اخلاق مجموعه‌ی بایدها و نبایدهایی است که باید هر کس آن‌ها را رعایت کند.

به بیان دیگر اخلاق عبارت است از آنچه باید انجام شود و آن چه نباید انجام شود.

رفتار اخلاقی مخصوص انسان است و ما از حیوانات انتظار رفتار اخلاقی نداریم. تنها از انسان انتظار می‌رود رفتار درستی با خود و هم‌نوعانش داشته باشد و مسئولیت رفتار و گفتار خود را بپذیرد.

بهترین و مهم‌ترین ارزش‌ها و رفتارهای اخلاقی‌ای را که می‌شناسید، کدام‌اند؟

کودکان از آغاز تولد اخلاقی نیستند و ارزش‌های اخلاقی را درک نمی‌کنند. رشد اخلاقی کودک مانند رشد جسمی و فکری به تدریج اتفاق می‌افتد.



● پاسخ‌ها را در کلاس با هم مقایسه کنید. چه نکات مشترکی بدست می‌آید؟

بی‌توجهی به تربیت اخلاقی کودک، او را در آینده شخصی با خواسته‌ها و انگیزه‌های غیرمنطقی بار می‌آورد.

چنین فردی به دیگران توجهی ندارد، خودخواه است و نمی‌تواند جلوی خود را بگیرد. از سوی دیگر اقدام افراطی پدر و مادر در تربیت اخلاقی کودک، احساس گناه را در او ایجاد می‌کند.

چنین کودکی همواره حتی در دوران بزرگسالی با احساس گناه و رنج زندگی خواهد کرد و در هر موضوعی خود را مقصر می‌داند و سرزنش خواهد کرد.

فرزندان والدین سخت‌گیر نیز از این که از خواسته‌ها و دستورهای پدر و مادرشان سرپیچی کنند از خود ترس بیش‌تری نشان می‌دهند.

توجه

کودک به خودی خود مراحل رشد اخلاقی را طی نمی‌کند. رشد ذهنی کودک و وجود الگوها و سرمشق‌ها به ویژه در خانواده، او را در این کار یاری می‌کند. خانواده می‌تواند فرصت رشد ذهنی کودک را فراهم کند و برای رفتار اخلاقی او الگو و سرمشق باشد.

ترس از آن که مبدا پدر و مادر و بزرگ‌ترها آن‌ها را تنبیه کنند و بعدها برای آن که از آن‌ها پاداش و جایزه بگیرند، به میل بزرگ‌ترها رفتار می‌کنند. اما به تدریج که کودک بزرگ‌تر می‌شود، یعنی درسین بالاتر و به طور مشخص در سیزده سالگی، نوجوانان به این که دیگران آن‌ها را قبول داشته باشند و نسبت به آن- هانظر مثبت داشته باشند، اهمیت می‌دهند و انگیزه‌ی آن‌ها برای رفتار خوب، حفظ این نگاه مثبت و احترام دیگران به خودشان است.

پس از این مرحله آن‌ها به قانون احترام می‌گذارند و رعایت قانون را لازم می‌شمرند، اما انگیزه‌ی آن‌ها باز هم جلب احترام و نظر مثبت دیگران نسبت به خودشان است. فراموش نکنید که گذراندن این مراحل در هر کودک‌ی طبیعی است و والدین باید با توجه به مراحل رشد کودک، انتظارات‌شان را درباره‌ی او تنظیم کنند.

فعالیت عملی ۳



● با سه کودک از خانواده و اطرافیان خود مصاحبه کنید.

● چند نمونه از رفتارهای بد مانند فضولی کردن، بدون اجازه دست به چیزی زدن، دروغ گفتن و کلمات زشت به زبان آوردن را مثال بزنید و از کودک پرسید چرا نباید این کارها را انجام داد؟
● پاسخ‌ها را یادداشت کنید.

ندانسته تربیت فرزندشان را با یکدیگر رقم می‌زنند. مادر بدون پدر و پدر بدون مادر هر قدر تلاش کنند، باز هم در فضای تربیتی کودک جایی خالی وجود خواهد داشت.



۲- پدر و مادر هنگامی در امر تربیت فرزندشان موفق می‌شوند که هر دو با هماهنگی و با روش و برخوردی اصولی در کنار هم عمل کنند، چنانچه یکی از آنها نسبت به امر تربیت بی توجه باشد و مسئولانه عمل نکند، تلاش دیگری چندان موفقیت‌آمیز نخواهد بود.

۳-۴ اصول و روش‌های تربیت فرزندان در خانواده

کم‌تر کسی است که قبل از تصمیم گرفتن برای بچه دار شدن، درباره‌ی صلاحیت خود برای پدر یا مادر شدن، فکر و تأمل کند.

این ادعا که تربیت کردن، کار دشواری است و پدر و مادر شدن، تحصیلات و تخصص خاصی می‌طلبد، درست نیست، به ویژه که صاحب فرزند شدن عمومی‌ترین و طبیعی‌ترین اتفاق در زندگی موجودات زنده، به ویژه جامعه‌ی انسانی است، اما هرگاه بزه‌کاران، افراد خودخواه و کسانی را ببینیم که به دلیل رفتارهای خشن والدین، احساس عجز و ناتوانی می‌کنند، به اهمیت، ظرافت و حساسیت تربیت و هوشیاری والدین به آن، می‌توان پی برد. در این جا برخی از اصول و روش‌های تربیت صحیح فرزندان در خانواده معرفی می‌شود.

۱-۳-۴ اصول اولیه در اقدام‌های تربیتی والدین

والدین باید در اقدامات تربیتی خود به اصول زیر توجه کنند:

۱- اولین مربی کودک مادر است و پدر هم نقش او را تکمیل می‌کند. در شرایط معمول، نقش تربیتی سایر اعضای خانواده کم‌رنگ‌تر است. در واقع کودک به پدر و مادر - هر دو - نیاز دارد و از آن جا که هر دو در زندگی کودک حضور دارند، دانسته یا



فعالیت عملی ۴

بحث کنید:

آیا خانواده‌ای راسراخ دارید که یکی از والدین در آن حضور نداشته باشد یا به تربیت کودک بی توجهی کرده باشد؟ این بی توجهی چه تأثیری بر فرزند خانواده داشته است؟



محبت متعادل



محبت افراطی

۳- پدر و مادر به فرزندان خود محبت دارند و به آن‌ها عشق می‌ورزند، اما باید هوشیار باشند، زیرا این محبت گاهی آن قدر شدید می‌شود که آن‌ها نادانسته در تربیت فرزند کج راه می‌روند. برای مثال، گاهی برای فرزند خود انصاف را کنار می‌گذارند.

ممکن است والدینی را دیده باشید که مداخله جویانه به ناحق در دعوای بین بچه‌ها وارد می‌شوند و از کودکِ خاطی خود حمایت می‌کنند.

گاهی نیز تذکر معلم را درباره‌ی فرزندشان نمی‌پذیرند و اشکال را در معلم و مدرسه جست و جو می‌کنند نه در رفتار فرزندشان. آیا شما نمونه‌ای از این نوع می‌شناسید؟

آن‌ها در پیش گرفته‌اند و آیا میان فرزندانشان به عدالت رفتار می‌کنند یا خیر.

فعالیت عملی ۵



با والدین خانواده‌ای که آن‌ها را می‌شناسید مصاحبه کنید:

- از آن‌ها درباره‌ی نحوه‌ی ارتباط و برخورد با فرزندان و روش‌های تربیتی‌شان سؤال کنید.

- آن‌چه را که والدین گفته‌اند با رفتار واقعی‌شان بر اساس شناخت قبلی از آن‌ها و نیز وضعیت تربیتی فرزندان آن‌ها مقایسه کنید. آیا آن‌ها واقعاً همان‌طور که خود فکر می‌کنند، عمل می‌کنند؟

- نتایج این بررسی را به کلاس بیاورید.

- با کمک هنرآموز مشخص کنید چند درصد از والدینی که با آن‌ها مصاحبه شده است به رفتارهای تربیتی خود آگاهی داشته‌اند.

۲-۳-۴ روش‌های عمومی تربیت کودکان

روش‌های عمومی تربیت کودک شامل شیوه‌هایی است که کودک را در مسیر رفتار صحیح پرورش می‌دهد و مانع ایجاد عادات و رفتارهای غلط در او می‌شود.

۴- والدین باید بدانند آنان مربی و سرپرست کودک‌اند، نه خدمتکار او.

گاهی والدین آن‌چنان خود را وقف فرزند و خواسته‌های نامعقول و زیاد او می‌کنند که او به تدریج به فردی وابسته تبدیل می‌شود و همه چیز و همه کس را آماده برای خدمت به خودش می‌خواهد و حتی نگاه او به والدینش نیز، نه نگاه به یک بزرگتر و مربی، بلکه نگاه به یک خدمتکار خواهد بود.

والدین باید هوشیار باشند که کودک قدر زحمات آن‌ها را بداند و برای جبران آن‌ها احساس مسئولیت کند.



۵- والدین باید نسبت به رفتارهای خود با فرزندانشان کاملاً آگاه و هوشیار باشند. آن‌ها باید با دقت ببینند چه روش‌هایی برای برقراری ارتباط با فرزندان و تربیت



بیش‌تر بدانید



در این جا منظور از روش‌های عمومی تربیت کودکان در مقابل روش‌های اصلاح رفتار کودکان است. روش‌های اصلاح رفتار همان طور که از نامش پیداست، اقدام‌ها و توصیه‌هایی برای اصلاح رفتارهای غلط و نامناسب کودک است.

فعالیت عملی ۶



به گروه‌های پنج نفری تقسیم شوید. هر گروه نکات زیر را در سه خانواده بررسی کند:

- فهرستی از نیازهای ضروری و غیرضروری کودکان آن خانواده‌ها را تهیه کند.
- خانواده‌های در حال بررسی، تا چه حد به هر نیاز پاسخ می‌دهند.
- به کدام نیازها بیش‌تر توجه داشته‌اند؟ هر گروه با توجه به نتایج به دست آمده توصیه‌های اصلاحی را برای والدین تهیه کند.

توصیه می‌شود والدین در این دو مورد

بسیار هوشیارانه عمل کنند:

(الف) هر آن چه را که کودک می‌خواهد و تافضا می‌کند نیاز او ندانند، بلکه نیازهای ضروری و غیرضروری را از هم تشخیص دهند.

(ب) هرگز برای تنبیه و تذکر به کودک یا وادار

مهمترین روش‌های عمومی تربیتی کودک

عبارت‌اند از:

۱-۲-۳-۴ پاسخ به نیازهای کودکان

تربیت بی‌تردید، با پاسخ دادن به نیازهای ضروری کودک، مانند نیاز به غذا، خواب کافی، احساس امنیت و برخورد ملایم و بازی آغاز می‌شود. به طور کلی کودکان نیاز دارند احتیاجات جسمی آنان رفع شود، سرپناه و امنیت داشته باشند، نسبت به آن‌ها محبت و احترام قائل شوند و برای بروز استعدادهایشان به آنان فرصت بدهند.

نیاز به غذاهای خوش مزه ولی بدون ارزش غذایی، که این روزها کودکان به آن‌ها علاقه‌مند شده‌اند ضروری نیست.

بازی نیاز اساسی کودک است اسباب بازی‌ها نیز در حد ضرورت، لازم است.

چنین کسی هیچ‌گاه به خوشحالی و رضایت نمی‌رسد و از آن چه دارد به ویژه نعمت‌های بزرگی مانند سلامت و خانواده‌ی خوب لذت نخواهد برد.

۲-۲-۳-۴ استفاده از زبان مهر و نوازش

در روایات اسلامی آمده است که انسان‌ها بنده‌ی محبت، اما کودکان تشنه و نیازمند محبت‌اند. تردید نکنید که در تربیت فقط زبان ملایم و نوازش کارساز و مؤثر است.

شاید با پرخاش، توهین و تهدید بتوان کودک را سرکوب و رام کرد، ولی این کار تربیت نیست. زیرا تربیت ارتقا و رشد وجود کودک است، در حالی که سرکوب و تحقیر کاهش وجود اوست و سرانجام نیز روزی همین کودک آرام و ساکت، که رفتارهای پرخاش‌گرانه و توهین‌آمیز را آموخته است، دست به طغیان خواهد زد و اگر چنین هم نشود. مسلم است که هرگز به احساس رضایت و خوش‌بختی نخواهد رسید.

نکته‌ی مهم آن است که منظور از زبان مهر و نوازش در کلام و عمل این نیست که در مقابل هر رفتار کودک حتی غلط کوتاه بیایم، بلکه مهم آن است که روش برخوردمان در رو به رو شدن با رفتار کودک، حتی اگر رفتار غلطی باشد، با آرامش و نرمی باشد نه با شدت و تندی، پس انتقاد و برخورد تنبیهی و اصلاحی باید در فضایی آرام باشد.

کردن او به انجام دادن کاری، او را از نیازهای اساسی و ضروری‌اش محروم نکنند. حبس کردن، کتک‌زدن، غذا ندادن و گرسنه نگاه داشتن او به قصد تنبیه، از جمله رفتارهایی هستند که آسیب‌های جدی به روان و شخصیت کودک وارد می‌کند.



توجه

همان‌قدر که محرومیت از نیازهای اساسی به شخصیت کودک آسیب می‌رساند، پاسخ دادن بی‌رویه به خواسته‌ها و نیازهای غیر ضروری کودک نیز باعث ایجاد اختلال در روند تربیت او می‌شود.

کم‌ترین آسیب آن است که کودک به برآورده شدن خواسته، عادت می‌کند و تحمل شنیدن پاسخ «نه» را نخواهد داشت و این یعنی «همیشه متوقع» و «همیشه ناراضی».

۳-۲-۳-۴ پذیرش کامل کودک

اولاً وجود کودک را هر طور که هست قبول داشته باشیم، ثانیاً ارزش وجود کودک را انکار نکنیم. وقتی خانواده کودک را در هر وضعیت بپذیرد، در آغوش بگیرد و تأیید و حمایت کند، به او نشان داده است که او را قبول دارد.

این رفتار دو نتیجه دارد: ایجاد احساس امنیت و ایجاد احساس اعتماد به نفس در کودک. چنان چه والدین یا اعضای خانواده در مقابل رفتارهای ناخوشایند کودک مانند بهانه‌گیری و گریه کردن، او را ضعیف بخوانند، یا به شوخی او را به حیوانی تشبیه کنند یا با لقب زشتی صدایش بزنند یا با انجام دادن کاری که خوشایند دیگران نیست، بشنود که دوستش ندارند یا او را مایه‌ی خجالت می‌دانند، در واقع خانواده، هرچند نادانسته، دائماً به او اعلام می‌کند تو را قبول نداریم و وجودت برای ما ارزش ندارد، فقط زمانی تو را تأیید می‌کنیم که کارهایی انجام دهی که ما قبول داشته باشیم.

چنین رفتارهایی دو نتیجه دارد: ایجاد احساس ناامنی و ایجاد احساس حقارت در کودک.

۴-۳-۲-۴ تفسیر مثبت از رفتار کودک

بسیار مهم است که همواره در باره‌ی رفتارهای کودک، با خوش بینی و نگاه مثبت اظهار نظر کنید و حتی اگر از کودک رفتار نادرستی سرزد، سعی نکنید نادرستی آن را اعلام و کودک را محکوم کنید،

به خصوص اگر کودک آن رفتار را انکار کرد نباید خلاف آن را ثابت کنید.

بر خلاف باور بعضی از والدین، اصرار داشتن به ارتکاب رفتاری نادرست توسط کودک، نوعی حمله به اوست و کودک را وادار می‌کند با انکار کردن کاری که انجام داده است از خودش دفاع کند. حتی گاهی این رفتار والدین باعث می‌شود کودک بر انجام کار نادرست خود پافشاری کند و بگوید «خوب کردم».

این کار فرصت اصلاح رفتار و حتی فرصت احساس شرم‌منده شدن را از کودک می‌گیرد. رفتار مناسب آن است که موضوع را کم اهمیت و در حدّ یک اشتباه جلوه دهید.

با این کار نشان خواهید داد نگاهی مثبت به خودِ کودک دارید و آن چه رخ داده، یک اتفاق بوده است و می‌تواند دیگر تکرار نشود. گاهی خطای کودک، نشانه‌ی رشد اوست و پذیرش آن اعتماد به نفس او را افزایش می‌دهد.

پس مهم‌ترین تأثیر داشتن نگاه مثبت آن است که به کودک، خوب بودن را تلقین کنید و جهت جبران رفتار نادرستش، بی‌آن که این رفتار را تأیید نمائید، به او فرصت دهید.



اگر عادت به گفت و گو (گفتن نظر خود و شنیدن نظر دیگران) ازدوران کودکی در خانواده به وجود آید و کودک در فضایی رشد کند که شاهد گفت و گوی پدر و مادر با یکدیگر و با او و سایر اعضای خانواده باشد. هر چند اوایل سخن آن‌ها را به درستی درک نمی‌کند اما به تدریج خواهد آموخت از روش گفت و گو برای توضیح رفتار خود و نیز برقراری ارتباط با دیگران استفاده کند.

اما اگر در خانواده ای افراد اهل گفت و گو، گفتن نظر خود و شنیدن نظر دیگران نباشند، به ناچار از احساسات و برخورد عملی برای ابراز خود و برقراری ارتباط با دیگران استفاده خواهند کرد که معمولاً باعث رنجش و خشم افراد نسبت به هم می‌شود.



کودکی بهترین زمان برای آموزش گفت و گو و افزایش قدرت گوش کردن و حرف زدن درباره‌ی مسائل و مشکلات است. کودکانی که از آغاز به این

۵-۲-۳-۴ گفت وگو با کودک

خانواده‌ی شما از چه روشی برای برقراری ارتباط با یکدیگر استفاده می‌کند؟ این روش چه آثاری بر روابط اعضای خانواده با یکدیگر داشته است؟ آنچه کمتر در خانواده‌های ما رایج است، گفت و گو با یکدیگر است. زمانی که افراد نتوانند احساسات و افکارشان را با یکدیگر در میان بگذارند به ناچار روش‌های غیر مستقیم مانند پرخاش، قهر، سکوت، رنجش و گریه را انتخاب می‌کنند.



گفت و گو بهترین راه برقراری ارتباط و تأثیر گذاری است، زیرا باعث می‌شود انسان، منطقی برخورد کند، دلیل رفتار خود را جست و جو کند و یاد بگیرد درباره‌ی رفتار و گفتارش توضیح دهد. چنین ارتباطی مانع لجبازی می‌شود و فرد را به پذیرفتن نظر درست دیگران عادت می‌دهد و تحمل او را در شنیدن نظر دیگران می‌افزاید.

بد کودکان از این روش‌ها در مقام روش‌های تربیتی استفاده می‌کنند.

انتخاب چنین روش‌هایی ناشی از آشنا نبودن والدین با طبیعت کودکان است. کودکان جسم و روانی بسیار لطیف دارند.

امام خمینی (ره) درباره‌ی آن‌هامی فرماید: «کودکان به ملکوت نزدیک‌ترند» و این اشاره به پاکی، شفافیت و لطافت وجودی آن‌هاست. تربیت کودک، تربیت چنین موجود معصومی است.

رفتارهای مثبت و صحیح با کودک می‌تواند وجود او را تکامل بخشد و رفتار نادرست و منفی این وجود شفاف را کدر می‌کند و باعث آسیب و تخریب وجود ارزشمند او می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از:

تحقیر، توهین و مسخره کردن

فکر می‌کنید چرا بزرگ‌ترها به خودشان اجازه می‌دهند به کودکان توهین کنند؟

برخی از والدین کوچک کردن، فحاشی و مسخره کردن کودک را با تذکر دادن به او اشتباه می‌کنند. به تعبیر قرآن هر انسانی در وجود خود کرامت نفس دارد؛ یعنی دارای احترام و ارزشی ذاتی است. حتی کودک خردسال را اگر مسخره کنند یا ادای او را در آورند و یا به او بخندند، ناراحت می‌شود و به زبان خودش این ناراحتی را ابراز می‌کند.

کسانی که در کودکی مورد تمسخر، توهین و

روش عادت کنند، در بزرگسالی نیز این روش را در پیش می‌گیرند. باید دانست ایجاد عادت گفت و گو در بزرگسالی چندان آسان نیست و حتی اگر فرد برای کسب چنین مهارتی تلاش هم کند، این توانایی به آسانی در او رشد نخواهد کرد.

ایجاد عادت گفت و گو تا حد زیادی به والدین اطمینان می‌دهد رفتارهای نادرستی مانند دروغ‌گویی، به زبان آوردن کلمات زشت، دزدی، بی ادبی و... از کودکان آن‌ها سرزنند.

توجه

نباید فراموش کرد والدینی که خود اهل گفت و گو نیستند در ایجاد چنین عادتی در کودک خود موفق نخواهند بود. بچه‌ها آینه‌ی تمام نمای والدین هستند.

۶-۲-۳-۴ اجتناب از رفتارهای منفی

برخی از والدین رفتارهای منفی را رفتارهای اصلاح‌گرا نه تلقی می‌کنند و فکر می‌کنند با این نوع رفتارها کودک متوجه اشکالاتش می‌شود و رفتارش را اصلاح می‌کند.

اگرچه این روش‌ها معمولاً زمانی به کار می‌روند که والدین قصد دارند رفتار نادرستی را در کودک اصلاح کنند. گاهی آن‌ها برای پیش‌گیری از رفتارهای

یافتن پاسخ این سؤال ساده است. تصور کنید شما را کتک بزنند. چه احساسی در شما ایجاد می‌شود؟ آیا از کتک خوردن احساس خوبی خواهید داشت؟

واقعیت آن است که برخی از والدین گاهی فراموش می‌کنند کودکان هم انسان‌اند و فقط اندازه‌ی بدن آن‌ها کوچک‌تر است.

آن‌ها کودکان را مستحق کتک و تنبیه بدنی می‌دانند، زیرا آن‌ها را جدی نمی‌گیرند و تصور می‌کنند که آن‌ها نمی‌توانند و حق ندارند با والدین مقابله کنند.

این تصور که اگر کودک از سوی والدین تنبیه بدنی شود به اشکالات رفتاری‌اش پی خواهد برد، باید اصلاح شود. زیرا تجربه نشان داده است کودکانی که کتک می‌خورند تربیت نمی‌شوند، بلکه تبدیل به آتش‌زیر خاکستر می‌شوند.

چرا تنبیه بدنی باعث تربیت کودک نمی‌شود؟

دلایل آن عبارت‌اند از:

۱- معمولاً والدین بر اساس برنامه‌ی مشخص و حساب شده‌ای کودک را تنبیه نمی‌کنند بلکه هر گاه از دست کودک عصبانی شوند، او را کتک می‌زنند. در این صورت تنبیه نه ابزار آگاهی دادن به کودک، بلکه ابزار خالی کردن خشم والدین خواهد بود.

۲- تنبیه بدنی، که معمولاً با توهین کلامی نیز همراه است، باعث درد و رنج کودک می‌شود. کودک کتک خورده به علت تنبیه فکر نمی‌کند، بلکه فقط

فحاشی قرار می‌گیرند، حتی در بزرگسالی نسبت به خود نگاه منفی و حقیرانه‌ای دارند و در واقع از اعتماد به نفس و احساس ارزشمندی فاصله می‌گیرند.

تنبیه بدنی

تنبیه به معنای هوشیار و بیدار کردن است. بنابراین تنبیه روشی است تربیتی تا کودک نسبت به رفتار غلط خود هوشیار شود و آن را دیگر تکرار نکند. اما تنبیه بدنی اصطلاحی است که برای کتک زدن کودک به کار می‌رود.

والدین و مربیانی که از تنبیه بدنی استفاده می‌کنند، تصورشان این است که چنانچه کودک در مقابل رفتار غلط خود به گونه‌ای تنبیه شود که دردی را در بدن خود تحمل کند، دیگر رفتار غلط را تکرار نخواهد کرد. زیرا هر بار که بخواهد چنین کند کتک و دردی را که تحمل کرده است برای او تداومی می‌شود. به نظر شما اشکال این روش چیست؟



به کتکی که خورده، دردی که احساس کرده و کسی که او را کتک زده یا تنبیه کرده است توجه می‌کند.

۳- کودکانی که از والدین‌شان کتک می‌خورند ممکن است دچار دو نوع احساس نسبت به آن‌ها شوند:

الف) اگر به والدین حق بدهند و خود را مستحق تنبیه و کتک بدانند، همواره با احساس گناه زندگی خواهند کرد؛

ب) اگر والدین را مقصر بدانند و خود را مستحق تنبیه ندانند، احساس‌شان نسبت به آن‌ها منفی می‌شود و قلباً از آن‌ها دور خواهند شد.

چنین کودکی احساس می‌کند به او ستم شده است. از این رو، دچار خشم و خشونت پنهان خواهد شد. نتیجه‌ی هر دوی این احساسات آسیب رسیدن به شخصیت کودک است.

۴- تنبیه بدنی مانعی در مقابل رفتار معینی در کودک است، مانند مانعی که در مقابل ورود و خروج خودروها در خیابان می‌گذارند.

همان‌طور که هر وقت مانع حرکت خودروها برداشته شود، آن‌ها به حرکت در می‌آیند به همین ترتیب هر وقت تنبیه بدنی انجام نگیرد یعنی مانع رفتاری برداشته شود، کودک به رفتار قبلی خود بر می‌گردد.

از این رو، تنبیه بدنی روش بلند مدت برای اصلاح رفتار نیست و فقط به طور موقت مانع بروز رفتار

می‌شود.

ضمن این که ممکن است کودک را به پنهان کاری بکشاند، یعنی کودک به جای ترک عمل، آن را دور از چشم تنبیه کنندگان که معمولاً پدر و مادرند انجام دهد.

● پرخاش

منظور از پرخاش، فریاد خشونت آمیز و بسیار بلند است. معمولاً پرخاش شامل خشم، صدای بلند، لحن نامناسب و بر زبان آوردن کلمات ناخوشایند است. اگر گفته می‌شود به کودک پرخاش نکنید، منظور آن نیست به کودک اعتراض نکنید، بلکه منظور آن است که کودک را با خشم، صدای بلند، لحن و کلمات ناخوشایند خطاب نکنید.

پرخاش علاوه بر آن که تأثیر تربیتی مثبت ندارد و باعث اصلاح و تغییر رفتار نمی‌شود، آثار سوء زیادی نیز دارد. خشم و صدای بلند باعث هراس و اضطراب کودک و لحن نامناسب و کلمات ناخوشایند باعث تحقیر او می‌شوند. چنین کودکی، علاوه بر احساس خشم و هراس و یا تحقیر، می‌آموزد که با صدای بلند، لحن نامناسب و کلمات ناخوشایند صحبت کند.

بنابراین هرگاه کودکی را دیدید که عصبانی است، به دیگران پرخاش می‌کند و کلمات زشتی به زبان می‌آورد او را مقصر ندانید بلکه رد پای رفتار او را در رفتار والدین و اعضای خانواده‌ی او جست و جو کنید.

است که والدین ضوابط و چارچوبی را برای کودک مشخص و او را بر رعایت این چارچوب و ضابطه وادار کنند و پی‌گیر آن باشند. برای مثال اگر والدین از کودک بخواهند قبل از غذا، خوراکی‌های متفرقه و کم ارزش را نخورد، این باید قانونی باشد که والدین هیچ‌گاه نقض آن را از کودک نپذیرند و با اصرار و خواهش تسلیم او نشوند.

اگر قانون آن است که کودک ساعت ده شب مسواک بزند، به رختخواب برود، باید چنین کند و با عذر میهمانی رفتن و میهمان داشتن و «یک شب که هزار شب نمی‌شود» این قانون شکسته نشود.



به این ترتیب جدیت دو جنبه را در بر می‌گیرد:
الف) قانون و مقررات در خانه معین می‌شود.
ب) اعضای خانواده بر رعایت قوانین تأکید



آن چه باعث می‌شود والدین از این روش‌ها استفاده کنند، معمولاً اشتباه شناختی است. والدین برای جلوگیری از بی‌بند و باری، بی‌نظمی، تبلی یا بی‌ادبی کودک سعی می‌کنند در مقابل او به طور جدی بایستند تا فرزندشان از آن‌ها به خصوص پدر، حساب ببرد.

از این رو تنبیه بدنی و پرخاش را برای نشان دادن جدیت و ایستادگی در مقابل کودک انتخاب می‌کنند. به علاوه برای این که به کودک بفهمانند او بچه است و نمی‌فهمد، از ابزار تحقیر یعنی از کوچک کردن او استفاده می‌کنند.

تردیدی نیست نگرانی والدین به جاست و آن‌ها باید گاهی با جدیت در مقابل خواسته‌های کودک بایستند و رفتارهای او را نقد کنند و معترض باشند، اما تنبیه بدنی ابزاری مناسب برای این کار نیست.

۲-۳-۴ جدیت در کلام و عمل

کلمه‌ی «جد» به معنای تلاش و کوشش است. «آدم جدی» نیز به کسی گفته می‌شود که در انجام کاری پشتکار دارد و تلاش خود را تا رسیدن به نتیجه ادامه می‌دهد.

بنابراین «جدیت» یعنی تلاش و پیگیری تا رسیدن به نتیجه.

منظور از «جدیت در کلام و عمل» روشی تربیتی

می‌کنند.

بنابراین، اگر والدین ضوابط خاصی را برای کودکان تعیین نکنند، جدیت چه معنایی خواهد داشت؟ و اگر پدر و مادر خود اهل رعایت و اطاعت از قوانین و ضوابط نباشند، چه طور انتظار دارند که کودکان شان به قانون وفادار باشند؟

آنچه باعث می‌شود والدین نتوانند کودک‌شان را طبق الگویی که مایل‌اند تربیت کنند عبارت‌اند از:

۱- والدین خود قانون‌مدار نیستند و زندگی‌شان چندان دقیق و حساب شده نیست.

بنابراین، قانونی روشن نیز برای کودکان نمی‌شناسند. هر وقت از رفتار یا کلام کودک ناراحت شوند و اشکالی را احساس کنند، جدیت و شدت عمل به خرج می‌دهند که حاصل آن همان است که در بالا درباره‌ی رفتارهای منفی مانند تنبیه بدنی و پرخاش آمد.

والدین باید توجه داشته باشند که جدیت باید به طور دایم برای مقررات و ضوابط تعیین شده به کار رود. اگر موردی و گه گاهی باشد، مطمئناً بی‌اثر خواهد بود و فقط کودک را سردرگم می‌کند که چرا گاهی پدر و مادر رفتار او را می‌پذیرند ولی گاهی به همان رفتار اعتراض می‌کنند؟

گاهی اجازه می‌دهند دیر بخوابد یا مسواک نزند و گاهی اجازه نمی‌دهند.

در نتیجه کودک اشکال را در رفتار خود نمی‌بیند، بلکه تصور می‌کند پدر و مادر بنابر حال خودشان رفتار

می‌کنند، گاهی خوش‌اند و گاهی ناخوش و بر همین اساس هم او را نوازش یا تنبیه می‌کنند. چنین رفتاری کودک را دمدمی بار می‌آورد.

۲- والدین قانونی وضع می‌کنند اما چون دل‌نازک‌اند و به کودکان‌شان خیلی محبت دارند، درمقابل کودک دچار احساسات می‌شوند و خود قانون را زیر پا می‌گذارند.

کودک با مشاهده‌ی این رفتار نتیجه می‌گیرد این قانون‌ها جدی نیستند و می‌توان آن‌ها را نقض کرد. از آن جا که دنیای کودک دنیای راحتی طلبی است و رعایت مقررات زحمت دارد، او بی‌قانونی را ترجیح می‌دهد. همین انعطاف‌ها، باعث می‌شود رعایت قانون در کودک به صورت عادت ایجاد نشود.

باید دانست اصلاح این روش همیشه دشوارتر از ایجاد آن است.

توجه

پدر و مادری در تربیت کودک خود موفق‌اند که برای کودک قانون‌هایی را وضع کنند و او را وادار کنند که این قانون‌ها را رعایت کند و خودش نیز با رعایت آن‌ها، الگوی کودک باشند.

۳- والدین قانون‌ها را وضع می‌کنند و بر رعایت آن هم تأکید دارند، اما آن چنان برای اجرای آن سخت‌گیری می‌کنند که کودک از اجرای مقررات

۸-۲-۳-۴ انتظار معقول، تنبیه معقول و پاداش

معقول

فعالیت عملی ۸

بحث کنید:

- اگر لیوانی به طور اتفاقی از دست کودکی بیفتد و بشکند با او چه برخوردی می‌شود؟ اگر سلی ای به صورتش بخورد یا بر سر او فریاد بزنند «چرا مراقب نبودی» منصفانه است؟
 - اگر پدر و مادری از فرزندشان، فقط انتظار دکتر شدن داشته باشند، آیا انتظارشان منطقی است؟
 - اگر دانش آموزی در درسی نمره‌ی بسیار خوبی کسب کند، انتظار دارید چه پاداشی بگیرد؟ آیا اسباب بازی گران قیمت پاداش مناسبی است؟
- بسیار مهم است والدین در مواجهه با توانایی‌ها و رفتارهای درست و غلط کودکان، عقلانی برخورد کنند و از کودک بیش از توانایی‌های جسمی، فکری و سنی اش انتظار نداشته باشند، زیرا انتظار غیر معقول و بیش از حد توان کودک باعث می‌شود هم والدین و هم کودک هر دو احساس نومیدی کنند.

فعالیت عملی ۹

در کلاس گفت و گو کنید:

- به نظر شما برای خطاهای زیر چه تنبیهاتی به جاست؟ چرا؟

دلزده و حتی متنفر می‌شود و در مقابل اصرار پدر و مادر مقاومت می‌کند و برخلاف میل آن‌ها موضع می‌گیرد. بنابراین با وجود اضطراب و حتی نظم والدین، کودک بی‌نظم می‌شود و از انجام تکالیف سر باز می‌زند.

فعالیت عملی ۷

- آیا شما فردی منظم هستید؟
- والدین شما چه روش‌هایی برای ایجاد نظم در شما به کار بسته‌اند؟
- این روش‌ها چه تأثیری بر شما داشته‌اند؟

۴- والدین قانونی را وضع می‌کنند اما به جای این که کودک را به انجام کارها و رعایت نظم موظف کنند خودشان کارهای او را انجام می‌دهند. بنابراین چرا کودک مسئولیتی را بپذیرد؟

توجه

والدین باید بر رعایت قوانین خانه توسط کودک تأکید کنند اما نه آن قدر سخت بگیرند که کودک مقاومت کند و با هر نوع برنامه و قانونی به مخالفت برخیزد و نه آن قدر آسان بگیرند که کودک قانون را جدی نگیرد. به علاوه، باید هوشیار باشند که قانون‌ها را برای کودک وضع کنند نه آن که خودشان به جای کودک عمل کنند و مسئولیت را بر عهده بگیرند.

کاری زدن را از او می‌گیرد و او را به کودک‌کی ترسو تبدیل می‌کند.

به همین ترتیب پاداش دادن به کودک نیز باید سنجیده و عاقلانه باشد. توجه به چند نکته‌ی زیر در این باره ضروری است:

۱- تا آنجا که ممکن است از وعده‌ی پاداش قبل از عمل خودداری شود. بهتر است کودک را پس از این که کار خوبی انجام داد، تشویق کنید.

۲- محتوای تشویق کلامی (تحسین و آفرین گفتن) و عملی (نوازش، لبخند و بوسیدن کودک) باشد و بابت هر کاری به کودک پاداش مادی (پول، شکلات، اسباب بازی و...) ندهید.

۳- اگر از کار کودک لذت بردید و خوشحال شدید، در پاداش دادن به او افراط نکنید و قول جایزه‌ای بزرگ به او ندهید. گرفتن پاداش بزرگ در کودک توقع پاداش‌های بزرگ‌تری را ایجاد می‌کند و در نتیجه او هرگز راضی نخواهد شد. به علاوه کودک به جای عادت به رفتار خوب، به امید جایزه رفتار دلخواه والدین را بروز می‌دهد و اگر جایزه نباشد، رفتار خوب نیز نخواهد بود.

توصیه‌هایی در باره‌ی نحوه‌ی رفتار با کودکان

عقب‌مانده‌ی ذهنی و معلول جسمی

بی‌شک داشتن فرزند عقب‌مانده برای تمام پدرها و مادرها ناگوار است. در واقع آنچه خستگی

فضولی کردن، کلمه‌ی زشت به زبان آوردن، خیس کردن رختخواب، بی‌اجازه به وسایل دیگران دست زدن، کثیف کردن لباس‌ها، دعوا و کتک کاری با خواهر و برادر یا سایر بچه‌ها.

اگر کودک اشتباه خود را تکرار کرد، والدین باید مجازات را متناسب با خطا تعیین کنند. والدین ممکن است در تعیین مجازات کودک سه نوع اشتباه زیر را مرتکب شوند:

● گاهی تهدیدات بزرگی می‌کنند که اصلاً عملی نیست، مانند گفتن این جمله: تو را می‌کشم.

● گاهی برای خطاهای بسیار کوچک، مجازات‌های سنگین تعیین می‌کنند، مانند حبس کردن کودک در اتاق یا حمام به دلیل دعوا با خواهر یا برادر کوچک‌تر، کتک زدن کودک همراه با پرخاش برای یک خرابکاری در آشپزخانه و... .

● گاهی برای خطای بزرگ، مجازات کوچک تعیین می‌کنند، مانند کم کردن پول تو جیبی برای کوتاهی در انجام دادن تکالیف و درس خواندن.



بی‌توجهی به تناسب عمل و مجازات به گونه‌ای که برای خطای کوچک مجازات بزرگ تعیین شود، معمولاً باعث اضطراب شدید کودک می‌شود و او را از هر نوع احتمال خطایی می‌ترساند، جرأت دست به

۱- زمانی که والدین علایمی از عقب ماندگی در کودک مشاهده می‌کنند باید با پی‌گیری موضوع به آن اطمینان پیدا کنند.

۲- چنان چه کودک دچار عقب ماندگی و معلولیت ذهنی یا جسمی باشد، والدین باید این موضوع را بپذیرند. گاه والدین نمی‌توانند این موضوع را بپذیرند و آن را در درون خویش انکار می‌کنند. در نتیجه واکنش‌های نادرستی نسبت به کودک خود نشان می‌دهند. معمولاً پدرها و مادرها از کودک عقب مانده‌ی خود با جدیت مراقبت می‌کنند و به ندرت اتفاق می‌افتد که پدر یا مادری فرزند عقب مانده را رها کند. اما ممکن است والدین ندانند چگونه باید از کودک مراقبت کنند یا قلباً نتوانند او را بپذیرند و با او رابطه‌ی عاطفی برقرار کنند. از این رو نادانسته احساس منفی خود را به کودک نیز انتقال می‌دهند.

۳- انتظارات والدین از کودک عقب مانده باید براساس میزان توانمندی او باشد و به کودک این فرصت را بدهند تا جایی که می‌تواند مانند سایر کودکان خوشحالی کند و با اطرافیان‌ش رابطه‌ای دوستانه و محبت آمیز داشته باشد. داشتن انتظار منطقی از کودک باعث می‌شود که او در حد توانش تلاش کند و مهارت‌هایی را بیاموزد و رشد نماید.

۴- مراقبت بیش از حد از کودک عقب مانده فرصت رشد را از او می‌گیرد.

۵- بسیاری از والدین تصور می‌کنند که سعی در

زحمات پدرها و مادرها را برای کودکان‌شان جبران و دشواری‌ها را برای آن‌ها آسان می‌کند، آن است که شاهد رشد و شکوفایی کودکان خود باشند.

آیا شما شوق پدر و مادرهایی را که فرزندان‌شان کلمات تازه‌ای به زبان می‌آورند یا کار جدیدی انجام می‌دهند، دیده‌اید؟ اما این شکوفایی درباره‌ی کودک‌ی عقب مانده (ذهنی یا جسمی) باسرعتی کم‌تر و فقط در بعضی جنبه‌ها اتفاق می‌افتد.

جسم آن‌ها رشد می‌کند، اما شاید نه به طور کامل، یا این که رشد ذهنی آن‌ها از رشد جسمی‌شان بسیار کندتر می‌باشد.

به همین دلیل تغییر رفتار و نشان دادن شیرین کاری‌های بچگانه‌ی آن‌ها خیلی کم‌تر از کودک معمولی است.

به علاوه پدر و مادر با مشاهده‌ی این شرایط همواره نگران آینده‌ی آن‌ها هستند.

اما در دنیای واقعیت‌ها به دلایل گوناگون کودکان‌ی متولد می‌شوند که از مشکلاتی از این نوع رنج می‌برند و همانطور که قبلاً نیز گفته شد، خانواده مهم‌ترین نهادی است که به کودک‌ی که نیازهای ویژه دارد، کمک می‌کند.

توصیه‌های زیر به پدر و مادرانی که دارای فرزند‌ی عقب مانده از نظر جسمی یا ذهنی هستند، کمک می‌کند تا برخوردی درست با این موضوع داشته باشند و موجب آسیب به خود یا فرزندشان نشوند:

آموزش کودک عقب مانده‌ی ذهنی بی‌فایده است. این تصور کاملاً اشتباه است و نباید او را از فرصت آموزش در خانه یا مدرسه محروم کرد.

توصیه‌هایی در باره‌ی نحوه‌ی رفتار با کودک

تیزهوش

افراد باهوش و تیزهوش سرمایه‌های اصلی هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند. به همین دلیل برخلاف فرزندان عقب مانده، زمانی که والدین مطلع می‌شوند فرزندی تیزهوش دارند، خوشحالی همراه نگرانی در آن‌ها ایجاد می‌شود. از یک سو از این که فرزندی توانمند دارند که می‌تواند آینده‌ای درخشان داشته باشد، خوشحال‌اند. اما از سوی دیگر از این که تیزهوشی ممکن است مشکلاتی برای کودک ایجاد کند، نتواند با دیگران سازگاری کند، یا این که دیگران او را درک نکنند یا امکان رشد توانایی‌هایی او فراهم نشود، آن‌ها را نگران می‌کند.

البته این نگرانی‌ها به جاست اما رفتار و هوشیاری والدین بخش مهمی از آن‌ها را رفع می‌کند. توصیه‌های زیر در این باره مؤثر است:

- ۱- والدین می‌توانند با سهم شدن در افکار، شادی، غم، کنجکاوی، تعجب، تنفر، دوستی و... آنان، توانایی‌های بچه‌های تیزهوش را پیش‌تر ببرند.
- ۲- بچه‌های تیزهوش به دلیل این که بیش از بچه‌های عادی مسائل محیط اطرافشان را درک و احساس می‌کنند، حساس‌تر از کودکان عادی‌اند. به

همین دلیل فشار بیش‌تری از نظر روانی به آن‌ها وارد می‌شود. پدر و مادر با حضور نزدیک و زیاد در کنار آن‌ها تحمل این وضع را برای آن‌ها آسان‌تر می‌کنند و به آن‌ها آرامش می‌دهند.

۳- والدین باید توضیح روشن و مناسبی از تیزهوشی کودک به او بدهند تا او بداند که در بعضی زمینه‌ها و نه از هر جهت، توانمندتر از همسالان خودش است. اما باید به او تأکید کنند این که با دیگران تفاوت دارد، به او برتری نمی‌دهد.

۴- در یک خانواده فرزند تیزهوش نباید محور توجه و رسیدگی قرار گیرد. بلکه این توجه باید میان تمام فرزندان خانواده تقسیم شود. درغیراین صورت فرزندان دیگر به خواهر یا برادر تیزهوش خود بدبین خواهند شد.

از سوی دیگر چه بسا این توجه بیش از حد، کودک تیزهوش را خودخواه و مغرور سازد و به تدریج او خود را برتر از اعضای خانواده و حتی پدر و مادر خود بداند. دراین صورت میان کودک و خانواده‌اش فاصله‌ای ایجاد می‌شود که هر روز بیش‌تر خواهد شد و این عامل منفی تربیتی برای افراد تیزهوش است.

۵- والدین، کودک تیزهوش را دایم وادار به کار و فعالیت درسی نکنند و یادشان باشد که او نیز کودک است و نیازهایی کودکانه دارد، نباید با او مثل بزرگ‌ترها رفتار کنند.

۴-۴ روش‌های اصلاح رفتار کودکان

همه پدرها و مادرها علاقه‌منداند فرزندشان رفتاری نیکو داشته باشد، اما گاهی به علت ناآگاهی از روش‌های تربیتی یا بی‌توجهی به آن، کودک عادات و رفتارهای نامناسبی پیدا می‌کند.

در چنین مواقعی به والدین توصیه می‌شود رفتارهای کودک خود را اصلاح کنند. منظور از اصلاح رفتار کودکان، تغییر رفتارهای نامناسب و نادرستی است که از کودک سر می‌زند.

والدین به روش‌های گوناگون می‌توانند این رفتارها را در کودک از بین ببرند.

توصیه می‌کنند. به طور کلی اصول زیر مهم‌ترین اصول در اصلاح رفتارهای کودکان است و باید به آن‌ها توجه شود:

۱- روش‌های تشویقی بر روش‌های تنبیهی اولویت دارد. یعنی برای اصلاح رفتار به کارگیری روش‌های تشویقی، بسیار مؤثرتر از روش‌های تنبیهی است.

۲- رفتارهایی را که باید در کودک اصلاح شود، مشخص کنید.

۳- توقع خود را از کودک دقیقاً روشن و مشخص کنید که کودک کدام رفتار درست را جایگزین رفتار قبلی کند.

۴- چنانچه رفتاری نادرست از کودک سرزد، چه مجازاتی برای او مناسب است؟ لازم نیست که از آغاز این موضوع را با کودک در میان بگذارید زیرا نوعی تهدید به تنبیه است و تأثیر تشویق را کم می‌کند.

۵- بهترین روش اصلاح رفتار غلط آن است که به رفتارهای نادرستی که کودک قبلاً انجام داده است بی‌اعتنایی کنید. اگر والدین حوصله کنند و صبور باشند و بی‌اعتنایی و نادیدن رفتار غلط را برای مدتی ادامه دهند، معمولاً به نتیجه می‌رسند.

۶- هرگاه کودک رفتار درست را بروز داد با نشان دادن رضایت خود به صورت کلامی (تحسین و آفرین گفتن) و یا غیر کلامی (نوازش سر کودک) او را تقویت کنید.

۷- نموداری شبیه گل، خودرو یا هر شکلی که

فعالیت عملی ۱۰



● به وضع خانواده‌هایی که می‌شناسید، دقت کنید و خانواده‌ای را انتخاب کنید.

● بررسی کنید چه روش‌هایی برای اصلاح و تغییر رفتارهای کودکان خود به کار می‌برند؟ این روش‌ها را فهرست کنید.

● با آن‌ها در باره روش‌ها و میزان موفقیت‌شان مصاحبه کنید، زیرا تنها با مشاهده نمی‌توان اطلاعات کافی را گردآوری کرد.

● گزارشی از یافته‌های خود را ارائه دهید.

متخصصان تربیت کودک برای اصلاح رفتار کودکان، به کارگیری روش‌های تشویق و تنبیه را

۱۰- فراموش نکنید این توصیه‌ها مربوط به اصلاح رفتارهای نادرست است و می‌توان با تقویت رفتار مناسب و سکوت و انکار رفتار نادرست آن را تغییر داد. اما همان‌طور که قبلاً گفته شد، برای تقویت رفتارهای درست کودک دادن پاداش دایم خطاست و رفتارهای درست کودک را کاهش خواهد داد.

توجه

پاسخ کودکان به اقدامات اصلاح رفتار متفاوت است و به یک اندازه تغییر نمی‌کنند. این موضوع به تفاوت‌های فردی آن‌ها مربوط می‌شود. والدین ممکن است در اصلاح رفتارهای کودکان صد در صد موفق نشوند، اما مطمئناً این روش‌ها بهترین و مؤثرترین راه‌های اصلاح رفتارند.

به علاوه والدین، خود به تجربه می‌توانند در اجرای این روش‌ها، با توجه به خصوصیت‌های کودک‌شان، ابتکار به خرج دهند و به نتایج بهتری نایل شوند.

فعالیت عملی ۱۱

آیا تا کنون رفتارهای زیر را در کودکان اقوام و آشنایان مشاهده کرده‌اید؟

- عادت کودک به آن که پدر و مادر را با گریه کردن در برابر خواسته‌هایش وادار به تسلیم کند.
- کودک با کلمات زشت آشنا باشد و آن‌ها را دایم یا زمان عصبانی شدن دربارهی هر کسی به کار

کودک به آن علاقه دارد، رسم و آن را به بخش‌های مختلف تقسیم کنید (مثلاً گلبرگ‌های گل، قسمت‌های مختلف خودرو، قطعات بدن یک عروسک و...).
به کودک بگویید با هر رفتار خوب او یکی از بخش‌ها رنگ می‌شود و با رنگی شدن کل شکل، کودک پاداشی دریافت خواهد کرد.

فراموش نکنید تعداد اجزای شکل زیاد نباشد زیرا کودکان عجول هستند و می‌خواهند زودتر به نتیجه برسند. اگر تکمیل رنگ شکل زیاد طول بکشد او حوصله‌اش سر می‌رود و همکاری در اصلاح رفتار را رها می‌کند.

فقط با ابراز رفتار درست، یکی از بخش‌ها را رنگ کنید. به کودک امتیازی اضافه ندهید، اما اگر رفتار نادرست را نیز نشان داد آن چه را رنگ کرده‌اید پاک نکنید، فقط نادیده بگیرید؛ گویا اصلاً ندیده‌اید.

با رنگ کردن شکل، جایزه‌ای کوچک متناسب با علاقه‌ی کودک (مانند رفتن به پارک، خوراکی دلخواه او و...) به او هدیه کنید.

۸- چنان‌چه رفتار نادرست ادامه یافت مجازات تعیین شده را اعمال کنید.

۹- تقویت رفتار مناسب را رها نکنید و آن قدر ادامه دهید تا به تدریج در کودک تبدیل به عادت شود. اگر والدین پی گیر نباشند و گاهی رفتار را تقویت و گاهی بدان بی‌توجهی کنند روند اصلاح رفتار کامل نمی‌شود و به نتیجه نمی‌رسد.



فعالیت عملی ۱۲

در باره‌ی موضوعات زیر تحقیق کنید، سپس در کلاس بحث کنید:

- انواع تبعیض‌هایی را که در خانه و مدرسه مشاهده می‌کنید نام ببرید.
- به نظر شما علل این گونه تبعیض‌ها چیست؟ آن‌ها را فهرست کنید.
- چه راه‌هایی را برای رفع این تبعیض‌ها پیشنهاد می‌کنید؟

تبعیض به معنای «بعضی را بر بعضی دیگر مقدم داشتن» است، شما با این مفهوم آشنا هستید. در کلاس درس نیز برخی از معلم‌ها متهم‌اند میان دانش‌آموزان تبعیض روا می‌دارند. این مسئله در خانواده‌ها نیز ممکن است دیده شود. تبعیض در خانواده دو شکل کلی دارد:

تبعیض میان فرزندان - چه دختر و چه پسر - نظیر این که آخرین فرزند خانواده ممکن است قدری ناز پرورده‌تر باشد.

اولویت دادن به پسران خانواده در مقابل دختران خانواده.

تبعیض نوع اول (تبعیض میان فرزندان)، اگر هم در خانواده‌ها باشد معمولاً عمدی نیست و به علل مختلفی می‌تواند به چنین احساسی در فرزندان منجر شود. از

ببرد.

- کودک تا دیروقت بیدار بماند و بازی کند.

۱- شما با توجه به توضیحات داده شده، مراحل اصلاح رفتار آن‌ها را بنویسید.

۲- اگر در اطرافتان کودکی را با چنین رفتارهایی می‌شناسید این برنامه‌ی اصلاح رفتار را به پدر و مادر او پیشنهاد کنید و خود نیز تاجایی که ممکن است با آن‌ها همکاری کنید.

۳- گزارشی از روند اجرای برنامه، مشکلات و نتیجه‌ی اجرا به کلاس ارائه دهید.

۴-۵ عدالت جنسیتی

کودکان به شدت به پدر و مادر و خانواده‌ی خود وابسته هستند و از آن‌ها توجه و رسیدگی می‌خواهند. هر کودکی دوست دارد بیش‌ترین توجه به او شود و این احساس او را دلگرم می‌کند.

وقتی از والدین پرسید کدام فرزندشان را بیش‌تر دوست دارند، معمولاً آن‌ها را به انگشتان دست تشبیه می‌کنند و می‌گویند هر یک از انگشتان اگر آسیبی ببیند رنج‌آور است.

یعنی همه‌ی آن‌ها را دوست دارند. اما اگر از فرزندان آن‌ها همین سؤال را پرسید، معمولاً اعتقاد دارند خانواده به خواهر یا برادرشان بیش‌تر از آن-ها توجه می‌کنند. آن‌ها گاهی احساس تبعیض می‌کنند و از این موضوع گله‌مندند.

جمله:

تبعیض نوع دوم (اولویت دادن فرزندان پسر به

فرزندان دختر)، که اصطلاحاً تبعیض جنسیتی نامیده می‌شود. چنین تبعیضی در طول تاریخ و در سطح گسترده در جوامع و کشورهای مختلف وجود داشته است. اما آیا خانواده‌ها نیز این نوع تبعیض را باور دارند؟ شما چه فکر می‌کنید؟

بیش‌تر بدانید



تردیدی نیست که دو جنس زن و مرد در خصوصیات جسمی و انواع توانایی‌های خود با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند.

آن‌جا که تقسیم کار و وظایف می‌شود، باید به این تفاوت‌ها توجه کرد. همان‌طور که از ابتدای تاریخ به طور طبیعی رعایت شده است، به گونه‌ای که انجام کارهایی که نیازمند نیروی بیش‌تری است، وظیفه‌ی اصلی مردان و انجام کارهایی که نیازمند نیروی کم‌تری است، وظیفه‌ی اصلی زنان بوده است. البته هر دو جنس توانایی انجام کارهای بسیاری را دارند و زمانی که بحث حقوق در جامعه‌ی انسانی مطرح می‌شود، هر دو صلاحیت آن را دارند که به طور کامل از این حقوق بهره‌مند شوند.

مبارزه‌ی اسلام با تبعیض جنسیتی، در دوره‌ای که دختران را زن به گور می‌کردند و برای آن‌ها حتی حق حیات نیز قایل نبودند، آشکار بوده است.

۱- چه بسا یکی از فرزندان خانواده بیماری خاصی داشته، یا معلول یا کم‌بینه باشد. بدیهی است چنین کودکی بیش‌تر از کودکان دیگر به توجه و رسیدگی نیاز دارد و والدین برای بهبود یا توان‌افزایی او مجبورند تلاش، امکانات و وقت بیش‌تری را صرف او کنند.

البته، این‌گونه تبعیض‌ها اجتناب‌ناپذیر است و باید، علاوه بر پدر و مادر، تمام اعضای خانواده به یاری‌اش برخیزند و ناتوانی عضو عزیز خانواده را جبران کنند. زیرا اگر پدر و مادر به تنهایی چنین باری را به دوش بکشند. ممکن است به آن‌ها آسیب بزند و این برای سایر فرزندان نیز آسیب‌زاست.

گاهی اعمال تبعیض ناشی از بی‌دقتی و ناهوشیاری والدین است.

برای مثال یکی از بچه‌ها به پدر بزرگ یا مادر بزرگ که از دنیا رفته‌اند شباهت دارد و چون یاد عزیزانی را در آن‌ها زنده می‌کند بیش‌تر از بقیه‌ی فرزندان به او توجه می‌شود و ممکن است ناخودآگاه تحسین نیز بشود.

گاهی نیز برعکس، ظاهر کودکی به کسی شبیه است که مثلاً پدر یا مادر نسبت به او احساس مثبت نداشته است. در این صورت چه بسا کودک متهم می‌شود که مانند همان فرد مودبی... است.

این نوع تبعیض قطعاً ناخوشایند است، اما معمولاً والدین از آن و عوارض آن بی‌اطلاع‌اند.

بیش‌تر بدانید



تاریخ از بسیاری از زنان دانشمند، شاعر، پزشک و خیرخواهی که خانواده‌های نیازمند را سرپرستی می‌کردند و در امور خیریه فعال بودند، ساختمان‌هایی برای خدمات عمومی می‌ساختند و در کنار مردان در جبهه‌ها حضور داشتند، به زخمی‌ها رسیدگی می‌کردند و گاهی نیز شجاعانه می‌جنگیدند و... یاد می‌کند. هیچ دوره‌ای در تاریخ، از گذشته تا به امروز، از حضور زنان توانا، رشد یافته و شجاع، خالی نبوده است.

امروزه نیز بسیاری از خانواده‌ها به تمام فرزندان‌شان علاقه‌مندند و حتی دختران را بیش‌تر از پسران تکیه‌گاه عاطفی پدر و مادر می‌دانند. این بیان که دختران مظهر رحمت و پسران مظهر نعمت‌اند^۱، اشاره به همین تأثیر لطیف وجود دختران در خانواده دارد. با این وجود، نمی‌توان تأثیر فرهنگ تبعیض آلود جوامع را بر خانواده‌ها در طول تاریخ انکار کرد.

تبعیض‌های آشکاری که کم و بیش در خانواده‌ها درباره‌ی فرزندان، به خصوص دختران اعمال می‌شود، عبارت‌اند از: ممنوعیت تحصیل یا ادامه‌ی تحصیل، ممنوعیت ورود به تصمیم‌گیری‌ها- حتی در امر ازدواج، محدودیت اشتغال در خارج از خانه به

در قرآن مجید بارها زنده به گور کردن دختران

نکوهش شده است، از جمله:

«و آنگاه که از دختران زنده به گور شده

می‌پرسیدند، به کدامین گناه کشته شدید».

سوره‌ی تکویر (آیه‌های ۸ و ۹)

و چون یکی از آن‌ها را به فرزند دختری مژده

می‌دهند از شدت غم و حسرت رخسارش سیاه و

سخت دلتنگ می‌شود، و از این عار روی از قوم خود

پنهان می‌دارد و به فکر می‌افتد که آیا آن دختر را با

ذلت و خواری نگه دارد یا زنده به گور کند. آگاه

باشید که آن‌ها بسیار بد می‌کنند.

سوره نحل آیه‌های ۵۸-۵۹

در قرآن کریم، زنان بزرگی مانند حضرت

مریم (ع)، ساره «همسر حضرت ابراهیم (ع)»، آسیه

«همسر فرعون» جایگاه ارزشمندی دارند.

پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز الگوی راستین مبارزه

با تبعیض جنسیتی بود. ایشان با دختران و همسران خود

با احترام و عشق رفتار می‌کردند و برای آن‌ها فرصت

فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و... فراهم می‌کردند.

به علاوه بسیاری از خانواده‌ها تحت تأثیر

آموزش‌های انبیاء و بزرگان دین، بر خلاف فضای

حاکم، جایگاهی با ارزش برای دختران قایل بودند و

آن‌ها را در زمینه‌های مختلف دارای حق و صلاحیت

می‌دانستند.

۱- امام صادق (ع): پسران نعمت و دختران حسنه‌اند. خداوند از نعمت سؤال می‌کند و به حسنه ثواب می‌بخشد (مکارم الاخلاق، ج ۱، ۴۱۸).

گونه‌ای که اشتغال فرزند پسر را ضروری می‌دانند، اما درباره‌ی دختر چنین ضرورتی را نمی‌پذیرند، چنان‌چه بپذیرند نیز گاه با سخت‌گیری‌های بی‌جا همراه است، محدودیت در استفاده از اوقات فراغت و...

برای تحقق عدالت جنسیتی لازم است والدین به

نکته‌های زیر توجه کنند:

۱- هوشیاری درباره‌ی تفکرات و باورهای قدیمی که هنوز آثار آن در جوامع وجود دارد، مانند اولویت دادن به فرزندان پسر و اختصاص دادن امتیازهای اجتماعی به او. اگر در گذشته باور به چنین تفاوتی میان دختر و پسر جایز بوده است، امروزه چنین نیست. مهم است بدانید هر آن‌چه از قدیم به جای مانده است، لزوماً درست نیست.

۲- والدین قبل از آن‌که فرزندان خود را دختر یا پسر ببینند، آن‌ها را انسان‌هایی بدانند که باید تربیت شوند. زن و مرد بودن فرع بر انسان بودن است و نه اصل. یعنی هر کسی اول انسان است، سپس زن یا مرد. جنسیت هیچ ارزش ویژه‌ای را برای هیچ یک از دو جنس ایجاد نمی‌کند.

۳- والدین، هدف تربیت فرزندان را بلند مدت و بزرگ ببینند. این تصور که دختر پس از ازدواج مسئولیت خانه‌داری را بر عهده می‌گیرد، در نتیجه به آموزش کمتری نسبت به پسر نیاز دارد، بسیار خطاست. زن مربی مرد است. بنابراین، برای آن‌که مادری خوب و مؤثر باشد باید تا آنجا که ممکن است پا به پای

پسران از فرصت‌های آموزشی بهره‌مند شود. والدین می‌توانند چنین فرصتی را برای او فراهم کنند نه این‌که در صورت محدودیت امکانات به پسران اولویت دهند. باید هر امکانی، حتی اندک را، عادلانه تقسیم کرد.

۴- در تقسیم وظایف میان فرزندان، دختران را بیش‌تر از پسران مکلف نکنند. این تصور که دختر باید پا به پای مادر در خانه کار کند و پسر حق دارد آزادانه با دوستان خود به گذراندن اوقات فراغت بپردازد، نه منصفانه است و نه سازنده.

مسئول بار آوردن فرزند هدف تربیت است، چه دختر باشد و چه پسر. متأسفانه این تصور که دختر باید برای ازدواج آماده شود پس باید همه چیز را درباره‌ی امور خانه‌داری و خانواده بداند اما پسر نیازی به این نوع اطلاعات و مهارت‌ها ندارد، باعث شده است تا خانواده زمانی که به کمک و همکاری پسران (چه در زمان مجرد و در خانه‌ی پدری و چه پس از ازدواج، در خانواده‌ای که خود تشکیل داده است) نیاز دارد، از این کمک‌ها محروم بماند. بی‌تردید مشارکت دادن فرزندان خانواده - هم دختر و هم پسر - در امور خانه‌یک وظیفه است. این کار به جز انجام وظیفه نوعی یادگیری مهارت و اطلاعاتی است که دختران و پسران در آینده برای اداره کردن زندگی خود بدان نیاز دارند.

چکیده

● آشنایی با ویژگی‌ها و نیازهای کودک برای تعلیم و تربیت صحیح او الزامی است.

● کودکان و بزرگسالان به دلایل مختلف، اخلاقی رفتار می‌کنند..

● کودکان به رفع نیازهای جسمی، داشتن سرپناه، محبت، احترام و فرصت‌هایی برای بروز استعدادهایشان نیازمندند.

● والدین برای موفقیت در کار تربیت فرزندان خود بیش از همه به هوشیاری، صبر و حوصله نیاز دارند.

● والدین باید بدانند که کودکان بسیار دقیق و زیرک هستند، آن‌ها همه چیز را به خوبی نگاه می‌کنند و یاد می‌گیرند و خیلی زود عادت می‌کنند. به علاوه آن‌ها از نظر روانی و عاطفی بسیار آسیب پذیرند و از این که احساس ناامنی کنند یا دایم ناکام شوند، آسیب می‌بینند.

● البته دختر و پسر با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند، اما این تفاوت‌ها را باید رعایت کرد نه این که آن‌ها را مبنای تبعیض قرار داد.

توجه

دختران و پسران هر دو در امور شخصی باید نظم را رعایت کنند، کارهای شخصی خود را انجام دهند و در انجام کارهای خانه با والدین مشارکت کنند. هم‌چنین باید بدانند در مقابل خانواده مسئول‌اند و فقط مصرف‌کننده‌ی امکانات خانواده نیستند. به علاوه نظارت کنترل شده و غیرمستقیم خانواده برای هر دو بسیار ضروری است و هر دو مکلف‌اند ضوابط و مقررات خانواده را رعایت کنند..

فراموش نکنید بی‌توجهی خانواده‌ها به تربیت پسران و بی‌نیاز دانستن آن‌ها از برخی از تذکرات و محدودیت‌ها باعث می‌شود تا آن‌ها در آینده احساس مسئولیت کافی نسبت به خانواده نداشته باشند.

مردانی که وقت‌گذرانی با دوستان‌شان را به حضور در کنار خانواده و همسر و فرزند ترجیح می‌دهند و به نظرات آن‌ها بیش‌تر از نظر اعضای خانواده اهمیت می‌دهند، مردانی که در تأمین هزینه‌های خانواده احساس مسئولیت نمی‌کنند و فقط به خودشان اولویت می‌دهند و برای خودشان خرج می‌کنند، کسانی که پی‌اعمال خلاف قانون می‌روند و مصالح خانواده را قربانی هوس‌های خود می‌کنند، عموماً پسران عزیز و آزاد خانواده‌ها بوده‌اند. در حالی که چنین رفتارهایی تیشه به ریشه‌ی خانواده‌ها می‌زند و منجر به رشد فرزندان آسیب‌دیده و پر از مشکل‌های روحی‌روانی و اجتماعی خواهد شد.

ج) دختر و پسر از نظر حقوق تعیین شده با یکدیگر تفاوت ندارند.

د) دختر و پسر در نوع کارهایی که می‌توانند انجام دهند، با یکدیگر تفاوت ندارند.

آزمون پایانی عملی واحد کار چهارم



درباره‌ی موضوع زیر گزارشی مقایسه‌ای تهیه کنید و به هنرآموز ارائه دهید:

خانواده‌ای از اطرافیان خود را از نظر وجود فضای تفاهم‌آمیز میان اعضای خانواده، اوضاع فرزندان، تبعیض در خانواده، روش‌های برخورد و رفتار اعضای خانواده با یکدیگر و جایگاه پدر و مادر در خانواده، بررسی کنید و نتایج را بنویسید. برای این کار با بعضی از اعضای خانواده مصاحبه کنید.

آزمون پایانی نظری واحد کار چهارم



۱- رفتار اخلاقی یعنی:

الف) انجام دادنِ خواسته‌ی دیگران

ب) انجام دادنِ بایدها و رعایت نبایدها

ج) پرهیز کردن از کار نادرست

د) انجام دادنِ کار درست

۲- پدرها و مادرها برای موفقیت در تعلیم و تربیت

کودکان لازم است ابتدا آن‌ها را ...

الف) بشناسند. ب) راضی کنند.

ج) مراقبت کنند. د) کنترل کنند.

۳- تفاوت میان روش‌های عمومی تربیت و اصلاح

رفتارهای کودکان در چیست؟

الف) تفاوتی با یکدیگر ندارند.

ب) روش‌های عمومی به سازندگی کودک نظر

دارند، اما روش‌های اصلاحی به سلامت کودک.

ج) روش‌های عمومی به ایجاد رفتار در کودک نظر

دارند، اما روش‌های اصلاحی به تغییر رفتار کودک.

د) روش‌های عمومی بخشی از روش‌های اصلاح

هستند.

۴- کدام گزینه صحیح است؟

الف) دختر و پسر از نظر انسانی با یکدیگر تفاوت

ندارند.

ب) زنان و مردان در وضعیت جسمی با یکدیگر

تفاوت ندارند.

واحد کار پنجم

بازی کودکان



هدف‌های رفتاری



انتظار می‌رود هنرجو پس از گذراندن این واحد کار بتواند به هدف‌های زیر دست یابد:

- ۱- بازی را تعریف و تفاوت آن را با ورزش بیان کند.
- ۲- اهمیت بازی را برای کودکان توضیح دهد.
- ۳- انواع بازی‌ها را شرح دهد.
- ۴- ویژگی‌های اسباب بازی مناسب را بیان کند.
- ۵- وظایف والدین را برای تأثیر مثبت بازی بر کودکان توضیح دهد.

پیش آزمون واحد کار پنجم



- ۱- درستی و نادرستی هر جمله را با (ص) و (غ) نشان دهید:
 - () الف) بازی باید کودک را سرگرم کند.
 - () ب) بازی همان ورزش کردن است.
 - () ج) بازی‌های رایانه‌ای به سبب مشغول کردن فکر بچه‌ها، بسیار مفیدند.
 - () د) اسباب بازی‌های جدید مفیدتر از اسباب بازی‌های قدیمی‌اند.
- ۲- بازی فقط ...
 - الف) مخصوص دوران کودکی است.
 - ب) ابزار آموزش است.
 - ج) ابزار درمان بیماری است.
 - د) ابزار آموزش و درمان بیماری است.

مقدمه

و حیوانات نیز به ویژه بچه‌های آن‌ها به بازی علاقه

دارند.

این گستردگی در اشتیاق به بازی نشانه‌ی آن است که بازی فقط تمایلی کودکانه و ابزار سرگرمی و تفریح نیست و از اهمیت بیش‌تری برخوردار است.

بازی به فعالیت‌های اختیاری و آزادانه‌ای گفته

می‌شود که لذت و سرگرمی انسان را فراهم می‌آورد. بازی خاص کودکان نیست، بزرگسالان نیز به آن می‌پردازند.

حتی می‌توان گفت بازی خاص انسان هم نیست

بازی مفهوم ندارد. به همین دلیل بازی اجباری بازی نیست.

بیش تر بدانید



تفاوت بازی و ورزش آن است که بازی برای تفریح و لذت بردن و به منظور سرور و شادمانی است. اما ورزش، انجام اعمال اختیاری است که تابع قوانین و مقررات خاصی است و به منظور رسیدن به هدفی خاص دنبال می‌شود.

بازی در واقع کارِ کودک است. بازی همان قدر در زندگی کودک جدی است که کار و فعالیت در زندگی بزرگسال. کودک در بازی هر طور باشد، وقتی بزرگ شد، در کار هم همان گونه خواهد شد. زیرا در هر بازی خوب، قبل از هر چیز کار و تلاش فکری هست. بازی خوب شبیه کار خوب است.

۲- ۵ اهمیت بازی برای کودک

بازی برای کودک همه چیز است، حتی زندگی است. بازی به دلایلی متعدد دارای اهمیت است، از جمله:

- بازی یکی از بهترین راه‌های شناخت شخصیت کودک است، زیرا کودک در بازی کردن آزاد است و خود را آن گونه که هست نشان می‌دهد.



فعالیت عملی ۱



بحث کنید:

- چه نوع بازی‌هایی را برای کودکان و بزرگسالان می‌شناسید؟
- آیا بازی جانوران را دیده‌اید؟
- شما به چه نوع بازی‌هایی علاقه دارید و به چه بازی‌هایی می‌پردازید؟
- آیا خانواده، شما را در کودکی به بازی تشویق می‌کرد؟

۱- ۵ کودک و بازی

کودک بدون بازی، مانند ماهی بی‌آب است. بازی کودک نوعی فعالیت است که پر تحرک و پر جنب و جوش است و با رغبت و شوق و رضایت کامل انجام می‌گیرد. بازی مهم‌ترین کار و سرگرمی کودک در دوران کودکی است.

بازی هدفمند نیست و آزادانه انجام می‌گیرد. بازی برای کودک تلاش برای یافتن لذت است و بی‌آن

می‌کنند. این اعضا ابزارهای شناخت و یادگیری کودک‌اند. به علاوه بازی، حس کنجکاوی کودک را برمی‌انگیزد و قدرت ابتکار او را به کار می‌اندازد تا در جریان بازی با حل مسئله به موفقیت برسد.

● بازی نقش مهمی در رشد و پرورش جسمی کودکان دارد.



بیش تر بدانید



حرکات و فعالیت‌های بدنی باعث می‌شود که خون بیشتری به اعضای مختلف بدن برسد، اکسیژن و مواد غذایی بیشتری جذب سلول‌ها شود و دستگاه‌ها و اعضای بدن به طور هماهنگ رشد کنند. بازی و ورزش موجب افزایش اشتها می‌شود، بر مقاومت بدن در مقابل بیماری‌های گوناگون می‌افزاید. در جریان بازی انرژی کودک به بهترین شکل مصرف می‌شود.



بیش تر بدانید



شناخت شخصیت کودک شامل جنبه‌هایی مختلف مانند رفتارها، توانایی‌ها، ارتباط باهم‌سالان، نیازها، آرزوها و خواسته‌ها، احساسات کودک و تلاش او برای ابراز و نمایش خود است.

● بازی ابزار مهم یادگیری کودک است و بر رشد ذهنی و روانی کودک مؤثر است.

بیش تر بدانید



کودک پیش از آن که بتواند از راه فکر چیزی بیاموزد- به ویژه در دوران سه تا شش سالگی- از راه لمس و مشاهده یاد می‌گیرد. در جریان بازی، کودک با نگاه و لمس مهارت کسب می‌کند، تمرکز حواس پیدا می‌کند و اعضای بدنش (دست، چشم، گوش و اعضای دیگر) فعالیت

کمک می‌کند. این کودکان با فعالیت‌های بدنی، ضمن لذت بردن از آنها، مهارت‌های اساسی کنترل بدن را می‌آموزند. کودکانی که عقب ماندگی ذهنی دارند نیز به بازی علاقه مندند، اما چون نمی‌توانند با دیگران ارتباط برقرار کنند، بیش‌تر به بازی‌های فردی می‌پردازند و در خیال خود بازی می‌کنند.



به دلیل این آثار بسیار سازنده است که متخصصان، بازی را بسیار مهم می‌دانند و بر آن تأکید می‌کنند. آن‌ها حتی سعی می‌کنند به کمک بازی، بیماری‌ها و مشکلات روانی کودکان را، درمان کنند. و به این روش "بازی درمانی" می‌گویند.

۳- ۵ انواع بازی

بازی‌ها را به روش‌هایی مختلف می‌توان دسته‌بندی کرد:

● انواع بازی‌ها بر اساس آن که کدام یک

● بازی به رشد عاطفی و احساسی کودک کمک می‌کند. زیرا در جریان بازی، کودک فرصت مناسبی به دست می‌آورد تا مهر و خشونت خود را نشان دهد و به این ترتیب احساسات او متعادل شود. به علاوه، کودک هنگام بازی مهربانی، همکاری و حق‌جویی را نیز می‌آموزد.



● بازی‌های گروهی فرصت بسیار مناسبی برای یادگیری روابط اجتماعی (احساس مسئولیت، پیروی از قانون، دوستی و همکاری) و اصول اخلاقی (راست‌گویی، از خود گذشتگی، احترام گذاشتن به دیگران و پشتیبانی از ضعیفان) است.

بیش‌تر بدانید:



کودکان معلول نیز همانند کودکان سالم به بازی علاقه‌مندند به ویژه فعالیت و تحرک بدنی به آن‌ها بسیار

از جنبه‌های وجود کودک درگیر آن است، مانند بازی‌های بدنی و بازی‌های فکری.



● انواع بازی‌ها بر اساس تعداد نفرات، مانند بازی‌های فردی و گروهی.

● انواع بازی بر اساس مراحل رشد کودک که بازی‌ها را در سنین و دوره‌های مختلف رشد معرفی می‌کند.

● انواع بازی بر اساس استفاده از وسیله‌ی بازی، مانند بازی با اسباب بازی و بدون آن.

در این جا با توجه به اهمیت موضوع انواع بازی، بر اساس مراحل رشد کودک و استفاده از وسیله‌ی بازی، اسباب بازی، بررسی می‌شود.

۱- ۳-۵ انواع بازی در مراحل رشد کودک

● نوزاد با دست و پا زدن بازی می‌کند و کمی که بزرگ‌تر شد، از بازی «دالی» لذت می‌برد. به طور کلی تا سه سالگی فعالیت جمعی در بازی به چشم نمی‌خورد.

● در سه تا شش سالگی، قدرت خیال ورزی کودک افزایش می‌یابد و با علاقه‌ی زیاد به بازی با گل و خاک می‌پردازد.

● در شش هفت سالگی، کودک به فعالیت بدنی زیاد و بازی‌های پُر جست و خیز علاقه‌مند می‌شود.

● در هشت سالگی مهارت‌های بازی کودک به حداکثر می‌رسد و او به فکر طرح و برنامه برای بازی می‌افتد. کودکان در این سن مایل به ساختن وسایل، انجام دادن کارهای دستی، نگهداری حیوانات، جمع‌آوری اشیای مختلف (کلکسیون) و حل کردن بازی‌های معمایی و حدس‌زدنی هستند.

● از هشت تا دوازده سالگی کودکان مایل‌اند مشارکت گروهی داشته باشند و برای بازی‌های خود گروه تشکیل می‌دهند. زمان بازی‌ها نیز افزایش می‌یابد و رفتارهای تهاجمی و آسیب‌زننده از سوی کودکان دیده می‌شود.

● به تدریج از ده تا سیزده چهارده سالگی، کودکان و نوجوانان به فعالیت‌های شدید و ماجراهای پرهیجان علاقه‌مند می‌شوند و در کنار آن از بازی‌های آرام، مطالعه و تماشای برنامه‌ی دل‌خواه تلویزیونی نیز لذت می‌برند.

۲- ۳-۵ انواع بازی بر اساس استفاده از

وسيله‌ی بازی

کودکان به اسباب بازی‌ها نیز علاقه‌مندند و توجه آن‌ها به این وسایل به سبب کنجکاوی و میل به کشف



فعالیت عملی ۲

هنرجویان، هر یک مستقلاً موارد زیر را بررسی کنند:

● از مادر و پدرتان پرسید اسباب بازی های آن-هاچه بوده است؟ آن‌ها وسایل چگونه و توسط چه کسی تهیه می‌شد؟ میزان علاقه‌ی آنان به اسباب بازی‌های‌شان چه قدر بود؟

● حال اسباب بازی‌های کودکان را در چند خانواده از فامیل و آشنایان بررسی کنید. بیشتر چه نوع اسباب بازی‌هایی هستند؟

● به میزان علاقه‌ی کودکان به اسباب بازی‌هایشان توجه کنید (کدام اسباب بازی‌ها نزد کودکان محبوب‌ترند؟)

● به نظر شما اسباب بازی های کودکان در گذشته و امروز چه تغییرهایی کرده است؟

عروسک‌های قدیم را که دختر کوچولوها دایم آن‌ها را حمام می‌کردند، با عروسک‌های امروزی که گاهی گریه می‌کنند و گاهی قه‌قهه می‌خندند و حرکت می‌کنند، ماشین‌های پلاستیکی قدیم را هم چنین با ماشین‌های کنترل از راه دور جدید، مقایسه کنید.

۳-۳-۵ ویژگی‌های اسباب بازی مناسب

اسباب بازی ها گاهی مانند جورچین ها انگیزه و

جهان پیرامون است.

کودکان، به تدریج به ویژه از سال‌های مدرسه، به بازی با وسایل مختلف و اسباب بازی علاقه مندتر می‌شوند و خود را مالک آن‌ها احساس می‌کنند و از بازی با آن‌ها لذت می‌برند.

اسباب بازی‌ها وسایلی هستند که در بازی همراه کودک اند و به او الهام می‌بخشند. این وسایل می‌توانند اسباب بازی‌هایی آماده باشند که اصولاً برای بازی ساخته شده‌اند، یا کودکان وسایلی را برای بازی انتخاب می‌کنند (مانند قوطی، قطعه‌ای چوب، ظرف و تکه‌ای پارچه)، که نقش هر یک را خود کودک تعریف می‌کند.

بیش‌تر بدانید



در گذشته، صنایع ساخت اسباب بازی گسترده‌گی امروز را نداشت و انواع وسایل بازی به فراوانی و با قیمت‌های نسبتاً ارزان به فروش نمی‌رسید.

به علاوه، بیش‌تر خانواده‌ها امکانات مالی زیادی نداشتند و خرید و تهیه‌ی اسباب بازی و وسایل بازی کودکان برای آن‌ها چندان امکان‌پذیر نبود.

به همین دلیل وسایل بازی معمولاً با ابتکار پدر و مادر در خانه و با به کارگیری وسایل اضافی و اسقاطی تهیه می‌شد.

● اسباب بازی، اگر بارعایت فضای فرهنگی و اعتقادی جامعه انتخاب شود از آموزش‌های غیر ضروری و حتی منفی و ضد فرهنگی ممانعت می‌کند. اگر عروسک بومی انتخاب شود کمک می‌کند با برجسته‌سازی و ترویج لباس‌های محلی و بومی، ابعادی از فرهنگ ملی و ایرانی تقویت گردد. برخی از والدین، صرفاً ظاهر اسباب بازی و اصرار کودکان را برای خرید آن کافی می‌دانند که نتیجه‌ی آن گاهی خرید وسایلی است که حتی آموزش‌های کاملاً غیر اخلاقی و مغایر با فرهنگ رعایت حیا و حریم را در جامعه‌ی ما در پی دارد. بنابراین، باید متوجه آثار تربیتی اسباب بازی باشید و بدانید هر وسیله‌ی بازی هر قدر کوچک، دارای فرهنگ خاص خود است که آن را نیز به کودک انتقال می‌دهد.

بیش تر بدانید



مقایسه اسباب بازی‌های قدیم و جدید

اسباب بازی‌های قدیم بسیار ساده‌اند و به همین دلیل دوام زیادی دارند. کودک به راحتی می‌تواند هر گونه دلش خواست با آن رفتار کند، لگدش بزند، پرتش کند و دوباره آن را سالم به بازی بگیرد. اسباب بازی‌های قدیم به معنای دقیق کلمه وسیله‌ی بازی‌اند، به خودی خود کارکردی ندارند و بچه‌ها می‌توانند مدت‌ها با آن‌ها بازی کنند.

عامل بازی و گاهی مانند عروسک‌ها تکمیل کننده‌ی بازی‌اند. در هر حال اسباب بازی باید با دقت و بر اساس شناخت کافی انتخاب شود.

● قبل از هر چیز در انتخاب اسباب بازی باید به جنس و مواد تشکیل دهنده‌ی آن دقت کرد. گاهی سودجویان اسباب بازی را از مواد نامرغوب می‌سازند. گاهی موهای عروسک‌ها خیلی زود می‌پوسند یا پلاستیک به کار رفته در آن‌ها کدر و نامطمئن است. هنگام خرید باید دقت کرد مواد دست دوم و حساسیت‌زا در ساخت اسباب بازی به کار نرفته باشند، هم‌چنین بودار نباشند و رنگ پس ندهند. علاوه بر آن اسباب بازی باید ایمن باشد و کودک را هنگام بازی با آن زخمی نکند.

● نکته‌ی مهم دیگر آموزشی بودن اسباب بازی‌هاست. امروزه تعداد اسباب بازی‌هایی که جنبه‌ی آموزشی ندارند و فقط سرگرم کننده‌اند و ظاهری جذاب دارند، بسیار بیشتر از اسباب بازی‌هایی است که، ضمن بازی، به کودک آموزش می‌دهند و به رشد تفکر و خلاقیت او کمک می‌کنند.

● به تناسب سن و توانایی‌های کودک، با اسباب بازی نیز توجه شود.

● چنان‌چه اسباب بازی با واقعیت‌های زندگی کودک و وسایل اطرافش شباهت و پیوند داشته باشد، به ایفای نقش‌های واقعی او در جریان بازی کمک می‌کند.

را روی مقوا چسباند و قسمت‌های مختلف آن را به شکل‌های منظم یا نامنظم برید.

جورچین قطعات بریده‌ی یک تصویر است که با شکل‌های منظم یا نامنظم برید. در تصویرهای زیر دو نمونه جورچین را می‌توانید مشاهده کنید. همانطور که ملاحظه می‌شود، این جورچین‌ها تصاویری هستند که به شکل منظم بریده شده است و با قرار گرفتن قطعات آنها در کنار هم تصویر اولیه مجدداً تشکیل می‌شود.

اما اسباب بازی‌های جدید با ظاهری بسیار جذاب و زیبا، معمولاً الکترونیکی‌اند.

آنها به باتری نیاز دارند و به دلیل پیچیدگی و ظرافت حرکات کودک را محدود می‌کنند. به همین دلیل بیش‌تر اسباب بازی‌های جدید، میل ذاتی کودک به بازی و تخلیه‌ی انرژی، کنجکاوی و درگیری با وسیله‌ی بازی را ارضا نمی‌کنند. در واقع احساس لذت کودک از این اسباب بازی‌ها بیش‌تر به دلیل مالکیت آنهاست نه لذت بازی با آنها.

۴-۳-۵ اسباب بازی‌هایی که می‌توان در

خانه تهیه کرد

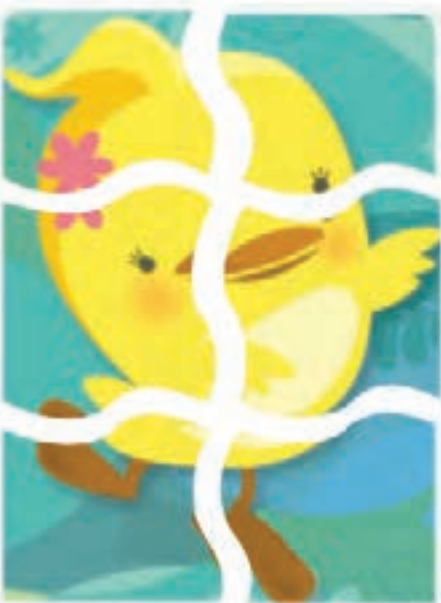
ساخت اسباب بازی‌هایی از پارچه، نخ، مقوا، ظروف پلاستیکی، دکمه، خمیر، چوب، پلاستیک، حبوبات، شن و ماسه، گل و ...، در خانه امکان پذیر است.

حال به طرز ساخت دو نمونه اسباب بازی در

زیر توجه کنید:

ساخت جورچین (پازل)

جورچین، قطعات بریده‌ی یک تصویر است که با گذاشتن آنها در محل خود تصویر اصلی به دست می‌آید. انواع پازل‌ها را می‌توان به صورت‌های گوناگون از فروشگاه‌های اسباب بازی فروشی خریداری کرد. پازل‌هایی که از قطعات کم (چهار یا پنج) تشکیل شده‌اند برای کودکان دو سه ساله مناسب‌اند. برای ساختن جورچین می‌توان تصویری



ساخت عروسک پارچه‌ای

ساخت عروسک پارچه‌ای به‌طور کلی روال مشخصی دارد و مطابق مراحل معینی شامل: آماده کردن الگو، تعیین علامت‌های لازم بر روی الگوی مقوایی، برش زدن پارچه بر اساس الگوی تهیه شده با رعایت جهت خواب پارچه و سپس دوختن آن مطابق ضوابط می‌باشد. در اینجا الگوی دو نمونه عروسک پارچه‌ای ارائه شده است که ساخت آن‌ها بسیار ساده می‌باشد.

عروسک جوجه تیغی

همانطور که مشاهده می‌شود الگوی عروسک جوجه تیغی بسیار ساده است. الگوی ارائه شده بر اساس اندازه‌ی واقعی عروسک است و شما می‌توانید با استفاده از کاغذ پوستی بدن حیوان را از روی تصویر ارائه شده در اینجا بکشید و سپس الگوی رسم شده را بر روی مقوای نازک منتقل کنید و اطراف آن را با ماژیک خط بکشید علامت چشم جوجه تیغی را نیز روی الگوی مقوای در محل آن بکشید سپس دور آن را قیچی کنید تا برای گذاشتن روی پارچه و برش راحت‌تر باشد. بریدن الگو برای چشم و مردمک عروسک را فراموش کنید و بر اساس شکل، تصویر آن را روی یک کاغذ بزرگ یا مقوای نازک رسم کنید و سپس دور آن را قیچی کنید.

آماده کردن الگو: در آغاز با استفاده از کاغذ پوستی یا نازک الگوهای دل‌خواه (بدن حیوان) را از روی شکل اصلی بکشید، سپس الگوی رسم شده را بر روی مقوای

نازک منتقل کنید و اطراف آن را با ماژیک خط بکشید. تمام علامت‌ها و توضیحات را روی الگوی مقوایی بنویسید. سپس، دور آن‌ها را قیچی کنید تا برای گذاشتن روی پارچه و برش راحت‌تر باشد.

طریقه‌ی برش زدن: برای تشخیص «راه پارچه» یک تکه از پارچه‌ی انتخاب شده را بردارید، دستان را در سراسر آن در یک جهت بکشید، پرزها در یک جهت از سطح پارچه بلند خواهند شد و در جهت دیگر صاف می‌شوند. جهتی که پرزهای پارچه صاف می‌شوند «راه پارچه» است.

پارچه را برگردانید طوری که پرزها بر روی میز قرار گیرند و با فلش جهتی را که پرزها صاف می‌شوند علامت بنزید. دقت کنید تمام فلش‌های الگو باید در یک جهت و متناسب با فلش علامت زده‌ی پشت پارچه باشد. ابتدا تکه‌های بزرگ و سپس تکه‌های کوچک‌تر را جای گذاری کنید.

سپس برای خط کشی در الگوها، برای پارچه‌ی تیره از صابون خیاطی و برای پارچه‌ی روشن، از مداد B۲ استفاده کنید و سپس ۵ تا ۷ میلی متر جای درز بگذارید، بعد با دقت برش بنزید.

روش دوخت: برای این که درزها از رو کمتر پیدا باشند بهتر است طبق روش زیر عمل کنید:

دو قسمتی را که باید به هم دوخته شوند طوری روی هم قرار دهید که پرزهای دو قسمت روی هم قرار گیرند. سپس آن‌ها را با سوزن ته گرد ثابت کنید و بعد با قرار

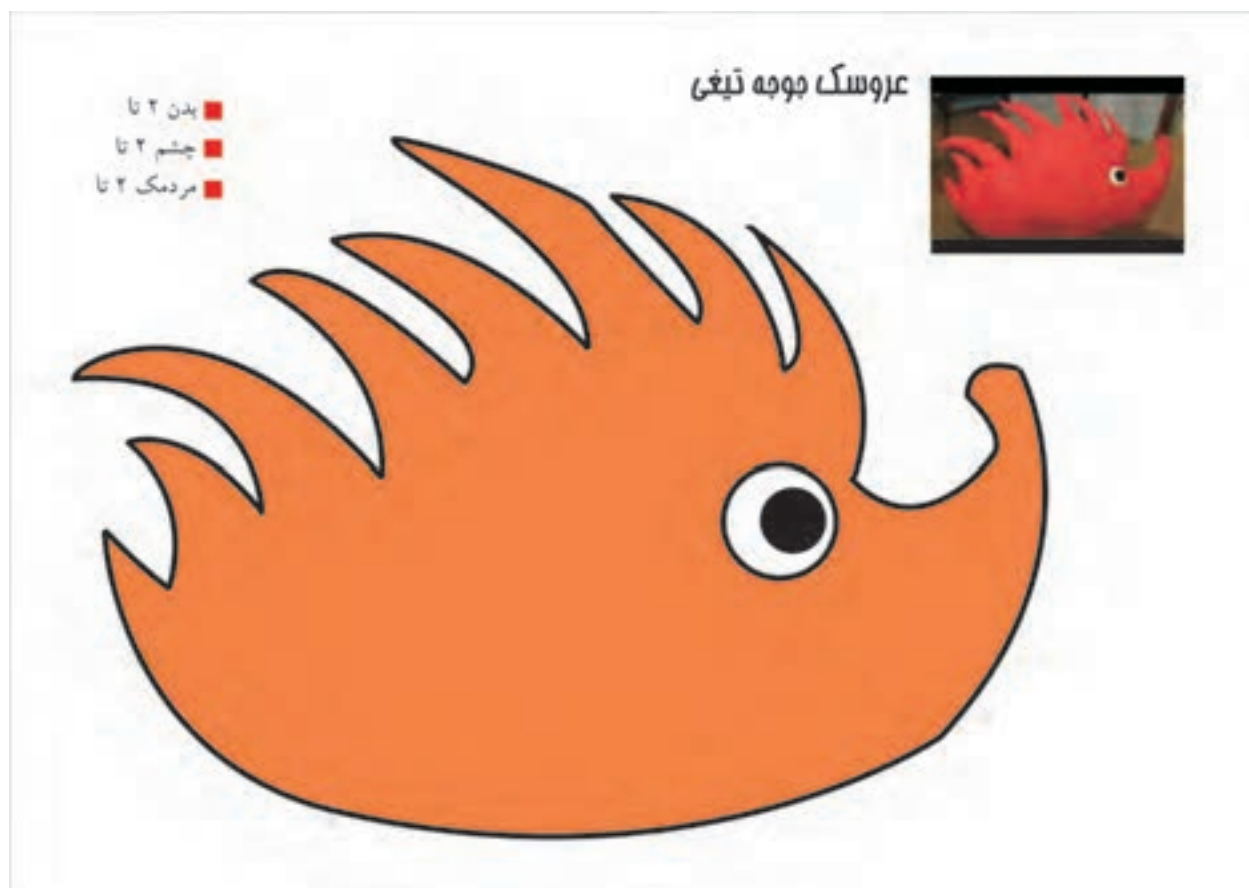
چشم‌ها و مردمک‌های چشمان کرم، به همان روش که قبلاً توضیح داده شده است، تهیه و به صورت عروسک اضافه شود.

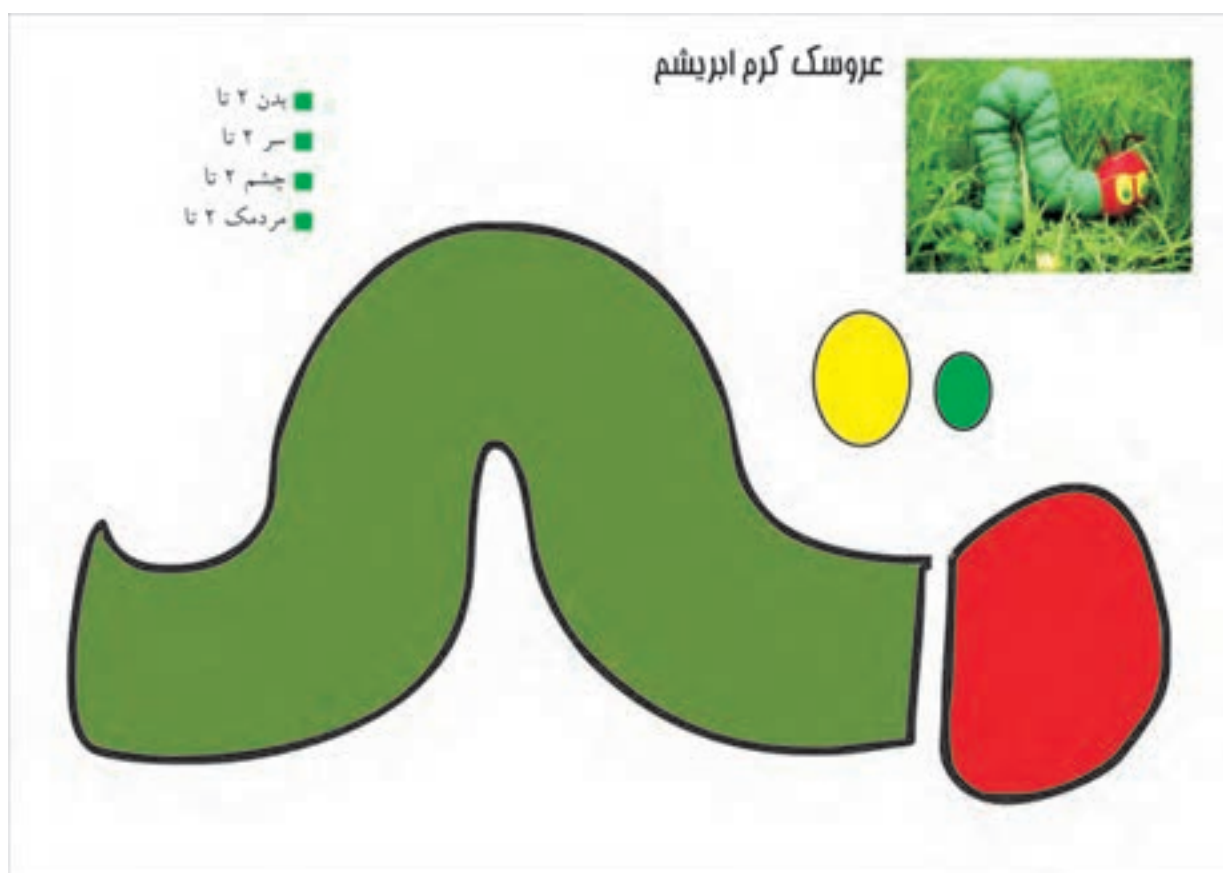
دادن اضافه‌ی درز، آن دو را با روش بخیه محکم به هم بدوزید و در پایان از قسمت پشت، اضافه درز را باز کنید و پرزهای آن را با قیچی بچینید تا درز از رو برجسته نشود. سپس پارچه را به قسمت رو برگردانید، با نوک سوزن پرزهای داخل درز را بیرون بیاورید تا روی درز را بپوشاند.

روش پُر کردن عروسک: برای این که راحت‌تر بتوانید بدن حیوان را پر کنید و حالت دهید، در بیش‌تر حیوانات می‌توانید سر و تنه را جداگانه آماده سازید و داخل آن را با الیاف پلی استر یا خرده اسفنج پر کنید. سپس با نخ دولای محکم و سوزنی با ضخامت زیاد، سر را به بدن وصل کنید و بعد با نوک سوزن پرزهای داخل درز را بیرون بیاورید تا روی درز را بپوشاند.

ساخت عروسک کرم ابریشم

ساخت عروسک کرم ابریشم نیز، که تصویر آن را مشاهده می‌کنید، مراحل مشابهی نظیر عروسک جوجه تیغی دارد. شما می‌توانید به رعایت تناسب اجزای آن، اندازه‌ی آن را بزرگتر کنید. این عروسک از دو قسمت اصلی تشکیل شده است و باید دارای دو پارچه‌ی غیر هم‌رنگ باشد. تنها نکته‌ی مهم در ساخت این عروسک آن است که باید سرو بدن این کرم از یکدیگر جدا دوخته و پر شوند و پس از دوختن و پر کردن این دو با نخ دولای محکم و سوزن ضخیم، سرو بدن کرم، محکم به هم دوخته شود و سپس





خوبی توجه کنید، زیرا احساسات و مشکلات زندگی واقعی آنها در بازی نمایان می‌شود.

- برای انتخاب هم‌بازی‌های خوب، فرزند خود را غیر مستقیم راهنمایی کنید زیرا رفتارهای هم‌بازی‌های خوب تأثیر بسیار مثبتی در آینده‌ی او خواهد داشت.
- اگر در حضور فرزندتان با وسایل موجود در خانه، برای او اسباب بازی (اتومبیل، عروسک و...) بسازید، ارتباط عاطفی میان شما و کودک تان تقویت خواهد شد.
- هنگام خرید اسباب بازی توجه داشته باشید اسباب بازی باید بتواند قدرت خلاقیت و سازندگی فرزندتان را رشد دهد. وسایل بازی جور کردنی مانند جورچین (پازل‌ها)، خمیر بازی، گل رس و... اسباب بازی‌های مناسبی به شمار می‌روند.

- از هم‌بازی شدن کودکان با افراد بزرگ‌تر از خود، به ویژه نوجوانان و جوانان، اکیداً جلوگیری کنید. زیرا اگرچه بزرگ‌ترها بیش‌تر از گروه همسالان، کودک را در بازی مراعات می‌کنند و او بیش‌تر لذت می‌برد، اما برای او چندان آموزنده نیست. کودک فقط در بازی با همسالان است که رفتارهای اجتماعی درست را تمرین می‌کند و می‌آموزد. به علاوه نوجوانان و جوانان به اقتضای شرایط سنی خود گاهی رفتارهایی دارند که الگوی رفتاری مناسب و قابل قبولی برای کودک نیست، اما کودک معمولاً آنها را نیز تقلید می‌کند.
- کودکان باید به مجموعه‌ای از بازی‌های جسمی، اجتماعی، عاطفی و ذهنی بپردازند. هنگامی که فقط



فعالیت عملی ۳

- به گروه‌های پنج نفری تقسیم شوید.
- هر گروه با راهنمایی هنرآموز یک اسباب بازی بسازد، سپس نحوه‌ی ساخت آن را در کلاس شرح دهد.

"این اسباب بازی می‌تواند عروسک‌های پیشنهاد شده و یا هر اسباب بازی انتخابی توسط اعضای گروه باشد"

- پس از گزارش گروه، درباره‌ی ویژگی‌های مثبت و منفی اسباب بازی‌های ساخته شده، در کلاس بحث شود.

۴-۵ توصیه‌های تربیتی برای والدین

- به بازی کودکان اهمیت دهید، زیرا در بازی است که زندگی آنها شکل واقعی به خود می‌گیرد.
- تلاش کنید تا بازی‌های کودکان متناسب با فرهنگ و ارزش‌های خانواده باشد.
- در بازی کودکان دخالت نکنید اما راهنما و کمک‌کننده‌ی خوبی برای آنها باشید.
- با هم‌بازی شدن با کودکان راه دوستی‌ها را باز کنید و راه پنهان کاری‌های دوره‌ی نوجوانی را ببندید.
- برای توقف بازی بچه‌ها امر و نهی نکنید.
- نوع و مدت بازی فرزندتان خود را طوری کنترل کنید که از فشارهای هیجانی و روحی بیش از اندازه دور باشد (به ویژه بازی‌های رایانه‌ای).
- به مطالب و نحوه‌ی بیان کودکان هنگام بازی به

آزمون پایانی نظری واحد کار پنجم

سه نکته از نکته‌هایی را که والدین درباره‌ی بازی کودکان باید رعایت کنند، بنویسید.

آزمون پایانی عملی واحد کار پنجم

- ۱- به اسباب بازی فروشی مراجعه کنید. فهرستی از اسباب بازی‌های مناسب و نامناسب را تهیه کنید و معیار انتخاب اسباب بازی را نیز در زیر هر یک از آن دو بنویسید.
- ۲- یک اسباب بازی بسازید.

یکی از بازی‌ها مانند بازی‌های رایانه‌ای را انجام دهند، رشد اجتماعی، جسمی و عاطفی محروم می‌شوند و احتمال بروز عصبانیت و پرخاشگری در آن‌ها افزایش می‌یابد.

چکیده

بازی تمام زندگی کودک و بهترین وسیله‌ی آموزش و یادگیری کودک است. بازی برای ارضای حس کنجکاوی، رشد عاطفی و رشد روابط اجتماعی کودک مؤثر است. والدین باید زمینه‌ی بازی کودک را فراهم آورند و در انتخاب اسباب بازی برای کودکان دقت کنند و با ساخت اسباب بازی‌های ساده در خانه ضمن آموزش کار سازنده و مفید به فرزندان، روابط خود را با آن‌ها تقویت کنند.

واحد کار ششم

قصه، ابزاری تربیتی



هدف‌های رفتاری



انتظار می‌رود هنرجو پس از گذراندن این واحد کار بتواند به هدف‌های زیر دست یابد:

- ۱- دلایل نیاز کودک به قصه و تأثیر آن را بر او بیان کند.
- ۲- آثار تربیتی قصه و داستان را توضیح دهد.
- ۳- ویژگی‌های کتاب داستان مناسب را شرح دهد.
- ۴- ویژگی‌های قصه خوانی خوب را بیان کند.

پیش آزمون واحد کار ششم



۱) چرا کودکان قصه را دوست دارند؟ زیرا ...

الف) خوش باورند.

ب) دنیای کوچکی دارند.

ج) از آن بسیار لذت می‌برند.

د) خلاق اند.

۲) کتاب مناسب کتابی است که

الف) پر از شعر باشد.

ب) پر از تصویر باشد.

ج) متناسب با جنس کودک (دختر یا پسر) باشد.

د) متناسب با سن کودک باشد.

۳- کتاب خوب، کتابی است که

الف) کودک را زود وارد دنیای بزرگ‌ترها می‌کند.

ب) کودک را در دنیای کودکی حفظ می‌کند.

ج) خلاقیت کودک را فعال می‌کند.

د) احساسات کودک را فعال می‌کند.

۴- بچه‌ها دوست دارند

الف) خودشان کتاب را بخوانند.

ب) فقط قصه‌ی کتاب را برایشان تعریف کنند.

ج) کتاب را به زبان کودکانه بخوانند.

د) فقط کتاب را ورق بزنند.

مقدمه

بر می‌انگیخت؟

قصه جزء جدایی ناپذیر زندگی هر انسانی است.

خواندن رمان و داستان و تماشای فیلم‌های داستانی و

کودکی‌تان را به یاد آورید. چرا قصه را دوست

داشتید؟ شنیدن یا خواندن قصه چه احساسی را در شما

● از صحنه‌های پر از احساسات و هیجان برخوردار است و در خود غم و شادی، خشونت و مهربانی و هیجان و آرامش دارد.

● قصه تا آغاز نشده است، توجه مخاطب را جلب نمی‌کند اما وقتی آغاز شد، حس کنجکاوی او را وامی‌دارد تا برای پی بردن به نتیجه تا پایان آن را دنبال کند.

● انسان، به دلیل اجزای مختلفی که در قصه هست، با فکر و احساسات و با همه‌ی وجودش با آن درگیر می‌شود.

● قصه، انسان را از واقعیت فعلی‌اش خارج می‌کند و او را با دنیای جدیدی، که گاهی بسیار خوشایند و مطبوع و گاهی ناخوشایند است، آشنا می‌کند.

● انسان با قصه از روزمره‌گی خارج می‌شود و اوضاع یک نواخت زندگی‌اش را دست کم برای مدت کوتاهی کنار می‌گذارد و شرایطی نو را احساس می‌کند و می‌آزماید.

● چه نکته‌های دیگری را می‌توانید به موارد بالا بیفزایید؟



سینمایی، نشانه‌ی علاقه‌ی انسان به قصه و داستان در تمام دوره‌های زندگی‌اش است. این علاقه در میان کودکان و بزرگسالان مشترک است اما اشتیاق به قصه در دوران کودکی بسیار بیش‌تر از دوره‌های دیگر است. این علاقه از خصوصیات مهم دوران کودکی است و نیازهای کودکان ناشی می‌شود.

بیش‌تر بدانید



قصه و داستان اگر چه در کنار هم و به جای یکدیگر به کار می‌روند، اما با هم متفاوت‌اند.

قصه سخن یا نوشته‌ای است از روزگاران قدیم، که در آن شخصیت‌های گوناگون خیالی یا واقعی ماجراهایی می‌آفرینند. قصه‌ها از روزگاران قدیم برای آموزش، انتقال تجربه‌ها و تاریخ هر قوم از نسلی به نسل دیگر پدید آمده‌اند.

داستان، نوشته‌ای است که نویسنده فکر اصلی خود را در آن به خواننده انتقال می‌دهد. داستان لزوماً به گذشته تعلق ندارد.

به هر حال از نظر تأثیر تربیتی این دو چندان تفاوتی با هم ندارند.

شاید نکته‌های زیر بتواند تا حدی علت نیاز و علاقه‌ی انسان را به قصه روشن کند.

● خیال‌پردازی در قصه‌ها بسیار است و تمام غیرممکن‌ها در آن‌ها ممکن شوند.

۱-۶ دلایل نیاز کودکان به قصه

اصرار کودکان را به گفتن یا خواندن قصه توسط مادر، پدر، خواهران و برادران بزرگتر، یا توسط معلم به یاد آوردن. اغلب کودکان بخش‌های داستانی کتاب‌های درسی را زودتر از بخش‌های دیگر می‌خوانند و در مجله‌ها نیز داستان‌ها جزء اولین بخش‌هایی هستند که خوانده می‌شوند.

قصه و داستان به بازی شباهت دارند. زیرا هم کودکان و هم بزرگسالان به آن علاقه‌مندند. فقط موضوع و انواع آن‌ها برای سنین مختلف، فرق می‌کند. این دو از نیازهای جدی دوره‌ی کودکی‌اند و هر کودکی برای برخورداری از رشد طبیعی به شنیدن یا خواندن آن‌ها نیاز دارد و به جز شیرینی و سرگرم‌کنندگی، هر دو از ابزارهای مهم و مؤثر تعلیم و تربیت‌اند. در اینجا نیز به قصه، که از ابزارهای تربیتی به ویژه در دوره‌ی کودکی است، توجه می‌شود.

۲-۶ آثار تربیتی قصه و داستان

قصه‌هایی را که در کودکی خوانده‌اید، به یاد آورید. کدام یک را بیش‌تر دوست داشتید؟ نام ببرید و دلیل آن را بازگو کنید.

آیا کتابی را نیز به یاد می‌آورید که خواندن آن شما را ناراحت کرده باشد، چرا؟

روشن است که کودکان در پی تربیت خود نیستند. آن‌ها قصه را دوست دارند چون برای آن‌ها جذاب است و از شنیدن آن‌ها لذت می‌برند. اما قصه برای

متخصصان علوم تربیتی دارای اهمیت است زیرا ابزاری بسیار مناسب برای تعلیم و تربیت است.

آثار تربیتی قصه بر کودکان عبارت‌اند از:

- ۱- قصه قدرتِ تخیلِ کودک را فعال می‌کند.
- ۲- قصه روح نوجویی، کنجکاوی و استقلال طلبی کودک را ارضا می‌کند.
- ۳- قصه احساس شعف، آرامش و نشاط را که لازمه‌ی رشد است، ایجاد می‌کند.
- ۴- قصه ابزار آموزش مهارت‌های خواندن، نوشتن، گوش کردن، حساب کردن، حتی درست فکر کردن و گسترش دامنه‌ی مفاهیم علمی، اجتماعی و فنی مورد نیاز کودکان است.
- ۵- قصه بهترین ابزار برای آموزش مسائل مختلف به انسان و راه و رسم مواجهه با مسائل و دشواری‌های زندگی است.
- ۶- زبانِ قصه، زبان غیر مستقیم است که برای تربیت مناسب‌تر است.
- ۷- قصه وسیله‌ای مناسب برای تأثیرگذاری است. زمانی که والدین چیزی را از کودکان می‌خواهند، قصه می‌تواند بهترین گزینه برای تأثیرگذاری بر کودک باشد و به جای تحمیل کردن و فشار آوردن بر او، قصه‌خوانی و قصه‌گویی توصیه می‌شود.
- ۸- قصه، کودکان را با گذشته، تاریخ و فرهنگ آشنا می‌کند.

۳-۶ معیارهای انتخاب کتاب مناسب



فعالیت عملی ۱

- ویژگی‌های کتاب‌های مطلوب دوران کودکی شما چه بودند؟ آن‌ها را دسته‌بندی کنید.
- آیا ظاهر و شکل کتاب نیز در علاقه مندی شما به کتاب مؤثر بوده است؟
- چه تصاویری در کتاب برای شما جالب‌تر بود؟
- پاسخ‌هایی را که در کلاس ارائه می‌دهید، جمع‌بندی کنید.

کم، حروف درشت و واضح باشد.

● قطع و اندازه ی کتاب:

قطع و حجم کتاب از نظر قابل حمل بودن و آسانی نگه داری آن در دست و ورق زدن صفحات آن مهم است.

● مرغوبیت کاغذ و جلد کتاب و کیفیت

صحافی:

مرغوب بودن جنس کاغذ و جلد کتاب طول عمر آن را افزایش می‌دهد و مانع کدر شدن آن پس از گذشت زمان می‌شود.

محتوای کتاب

درباره‌ی محتوای کتاب باید به نکته‌های زیر دقت

کرد:

● نویسنده در پی ارائه ی چه پیامی به مخاطب کتاب یعنی کودکان و نوجوانان است؟ هر قدر این پیام قابل فهم‌تر و به طریق غیر مستقیم ارائه شود، مطلوب‌تر است.

● آیا به سطح درک مخاطبان توجه شده است؟

● آیا موضوع کتاب جذاب و بیدار کننده‌ی قوه‌ی

تخیل و کنجکاوی کودک است؟

● آیا شخصیت‌ها و حوادث، طبیعی و برای کودک

قابل فهم است؟

● آیا کلمات استفاده شده برای کودکان آشنا و

قابل فهم است؟

کارشناسان ادبیات کودک دو معیار اساسی را

برای انتخاب کتاب مطرح می‌کنند:

۱- مشخصات کتاب (ظاهر و محتوا)؛

۲- تناسب کتاب با مراحل رشد و خصوصیات

کودکان و نوجوانان.

۱-۳-۶ مشخصات کتاب

ظاهر کتاب

● تصاویر:

تصاویر باید با موضوع کتاب هماهنگ، متناسب و گویا باشد و با سبکی طبیعی نقاشی شود و از فضا و محیط زندگی کودکان الهام گرفته باشد.

● نوع حروف و صفحه آرایی:

حروف ریز و صفحات پر از نوشته، کودکان را

زود خسته می‌کند. کتاب کودک باید دارای صفحاتی

● چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی میان کتاب‌های این دو دوره وجود دارد؟ کدام یک از این تفاوت‌ها به ظاهر کتاب و کدام یک به محتوای کتاب مربوط می‌شود؟ آن‌ها را فهرست کنید.

۲-۳-۶ تناسب کتاب با مراحل رشد کودکان

و نوجوانان

معیار مهم دیگر در انتخاب کتاب، متناسب بودن آن با مراحل رشد کودک است. توضیح اینکه هر کتاب خوبی برای هر سنی مناسب نیست. حتماً شما نیز روی جلد کتاب و در صفحه‌ی اول برخی از کتاب‌ها دیده‌اید که نوشته شده است: برای گروه سنی الف یاب و...

کارشناسان کودکان را با توجه به مراحل رشد به

پنج گروه سنی تقسیم کرده اند:

- گروه سنی الف: سال‌های قبل از دبستان؛ تا ۶ سالگی
- گروه سنی ب: سال‌های اول دبستان؛ ۶ و ۷ سالگی
- گروه سنی ج: سال‌های میانی دبستان؛ ۸ و ۹ سالگی
- گروه سنی د: سال‌های آخر دبستان؛ ۱۰ و ۱۱ سالگی
- گروه سنی ه: سال‌های نوجوانی؛ ۱۲، ۱۳، ۱۴ و ۱۵ سالگی

۱-۲-۳-۶ کتاب‌های مناسب برای گروه

سنی (الف)

برای این گروه سنی کتاب‌هایی که کلام آهنگین دارند، قصه‌هایی که قطعات تکراری دارند، کتاب‌هایی

● ناشر، نویسنده و تصویرگر کتاب چه کسانی هستند؟ نویسندگان و ناشران معتبر، معمولاً برای کودکان آثار قابل قبولی ارائه می‌دهند.

توجه

● برای کودکان کتاب‌هایی انتخاب نکنید که باعث ناکامی و ترس آن‌ها شود یا حاوی مطالبی باشد که تأثیر سوء عاطفی بر آن‌ها بگذارد. این امر به ویژه در خصوص کودکان خردسال ضروری است.

● کتاب‌ها مضمونی سازنده و مثبت داشته باشند: قصه‌های دارای پیام اخلاقی برای آموزش اصول اخلاقی و ارتباط انسانی بسیار مؤثرند.

● خودتان می‌توانید برای کودکان قصه بسازید یا بنویسید، به ویژه درباره‌ی مشکلاتی که دارند و مایلید آن‌ها را حل کنند. قصه‌های سازنده‌ای که مرتبط با موضوع است، درباره‌ی خودشان یا کودکان دیگر تعریف کنید و غیر مستقیم راه حل‌ها را نیز مطرح کنید. این کار روشی مفید برای اصلاح رفتار است.

فعالیت عملی ۲

به گروه‌های پنج نفری تقسیم شوید.

● هر گروه کتاب‌های کودکانِ امروز را با کتاب‌های دوران کودکی خود مقایسه کند و یکی از آن کتاب‌ها را به کلاس بیاورد.

بیش‌تر است و کودک میل دارد درباره‌ی محتوای کتاب گفت و گو کند.

۴-۲-۳-۶ کتاب‌های مناسب برای گروه سنی (د)

در این دوره دختران در رشد از پسران جلوتر می‌افتند. به همین دلیل، بیش‌تر از پسران علاقه‌مندند وارد دنیای بزرگسالان شوند. کودکان در این دوره استقلال بیشتری را می‌خواهند و گروه همسالان برای آن‌ها بسیار اهمیت دارد.

کتاب‌های مناسب برای این گروه سنی، ماجراهای واقعی از گذشته و حال، شرح حال‌ها، داستان‌های واقعی طولانی، کتاب‌های ماجراجویی و قهرمانی و نیز داستان‌های عاطفی - احساسی را در برمی‌گیرد. در این سنین میل به افسانه کم می‌شود و به شخصیت داستان‌ها بیش‌تر توجه می‌شود. مباحث علمی و تاریخی توجه این گروه سنی به ویژه پسران را به خود جلب می‌کند.

۴-۲-۳-۵ کتاب‌های مناسب برای گروه سنی (ه)

دوران بلوغ و نوجوانی با مشخصاتی نظیر غلبان عواطف، جست و جوی هدف و جهان بینی برای زندگی، میل به اعتراض به بزرگ-ترها و پیوستن هر چه بیشتر به گروه همسالان، توجه به جنس مخالف، با حالتی از سرگردانی و بلا تکلیفی، اعتراض و جست و جوی همراه است. کتاب مناسب می‌تواند به نوجوانان بسیار کمک کند، زیرا از تمرکز آن‌ها در مسائل محدود و بی‌اهمیت

که در آن از اشیای محیط کودک، گیاهان و جانداران صحبت می‌شود یا دارای عوامل تخیلی هستند، مناسب است.

۴-۲-۳-۶ کتاب‌های مناسب برای گروه سنی (ب)

با توجه به مشخصات این دوره، خواندن داستان‌های کوتاه و مجموعه‌ی داستان‌ها مناسب است. در این دوره کودک توانایی خواندن ولی حوصله‌ی داستان‌های طولانی را ندارد. داستانی که گرمای روابط خانوادگی را توصیف کند، درباره‌ی همکاری‌های گروهی کودکان باشد و غیرمستقیم به کودک دل و جرأت مقابله با مشکلات را بدهد، برای این گروه سنی مفید است. در این دوره کودک به لطیفه و طنز علاقه‌مند می‌شود زیرا می‌تواند مفهوم آن را دریابد.

از آنجا که کودک در این مرحله قدرت خواندن دارد و هر چیز خواندنی برای او جالب است، والدین باید هوشیار باشند و مطالب نامناسبی را که ممکن است به امنیت روانی او آسیب برساند، از دسترس او دور کنند.

۴-۲-۳-۳ کتاب‌های مناسب برای گروه سنی (ج)

در این سنین کودکان می‌توانند داستان‌های بلند بخوانند، اما کتاب‌های تک داستان، نه مجموعه داستان. کتاب‌هایی که به ماجراهای کودکان می‌پردازد و درباره‌ی سرزمین‌های دیگر است، حتی کتاب‌های علمی و تاریخی نیز مناسب‌اند. در این مرحله‌ی سنی گرایش به حماسه و قهرمانی از گرایش به افسانه

جلوگیری می‌کند و مسیر درست دیدن، درست اندیشیدن و درست احساس کردن را به آن‌ها نشان می‌دهد و به بلوغ فکری آن‌ها کمک می‌کند.

شرح حال‌ها، ماجراهای واقعی از زندگی مردم، شخصیت‌های بزرگ تاریخ، شرح اکتشافات و اختراعات و مبارزات اجتماعی به آن‌ها کمک می‌کند که صفات واقعی انسان‌ها را بشناسند. داستان‌های واقعی و اصیل عشقی به آن‌ها می‌آموزند که خود را فدای هوسی زودگذر نکنند.



فعالیت عملی ۳

کتاب‌هایی را که در خانه دارید (متعلق به خود یا کودکان خانواده) با توجه به موضوع و محتوا دسته‌بندی کنید. به کدام گروه‌های سنی تعلق دارند؟



فعالیت عملی ۴

از کودکان و نوجوانان پرسید بهترین کتابی که خوانده‌اند، کدام است. آن را یادداشت و فهرستی از کتاب‌های مناسب را نیز تهیه کنند.

۶-۴ قصه‌گویی و قصه‌خوانی برای کودکان

● در کودکی چه کسانی برای شما قصه می‌گفتند یا قصه می‌خواندند؟ قصه‌گویی و قصه‌خوانی چه

کسانی برای شما خوشایند و لذت بخش تر بود؟ چرا؟

ویژگی‌های قصه‌گویی خوب عبارت‌اند از:

- آشنایی با محتوای قصه پیش از قصه‌گویی؛
- تناسب قصه با شرایط سنی و رشد کودک؛
- آزاد گذاشتن کودک در نحوه‌ی نشستن و گوش کردن؛
- وادار نکردن کودک به گوش کردن قصه؛
- (هنگامی که کودک بی‌حوصله است، برایش قصه نگویید)؛

- بیان نکردن پیام‌های غیر مستقیم قصه به طور مستقیم (به کمک داستان‌گویی کودک را نصیحت نکنید)؛

- سازگار کردن حالات چهره و بدن با حال و هوای قصه؛

- تغییر دادن صدا متناسب با حالات قصه و شخصیت‌های آن (قصه را مانند یک متن معمولی نخوانید)؛

- دادن فرصت مشاهده‌ی صفحات کتاب به کودک تا چنانچه مایل است ضمن شنیدن قصه از قصه‌گو، تصاویر کتاب را نیز ببیند و بررسی کند و در تصاویر در جست و جوی حوادث و ماجراهایی که می‌شود باشد.

- تبدیل کردن قصه به نمایش (چنانچه می‌توانید قصه را به نمایش تبدیل کنید و از کودک نیز با نقش سپاری در آن، کمک بگیرید)؛

چکیده

قصه همانند بازی از نیازهای مهم دوران کودکی و ابزار بسیار مؤثری برای آموزش و پرورش کودک نیز است.

آن چه والدین باید به آن توجه کنند، آن است که:

● اهمیت کتاب کودک را درک کنند، آنگاه برای تهیه آن اقدام نمایند و با صرف وقت و حوصله برای او قصه و داستان بخوانند.

● درانتخاب کتاب دقت کنند و بدانند هر کتابی که به نام کتاب شعر و داستان کودک در دکه ها یا فروشگاه‌ها عرضه می‌شود، برای کودک مناسب نیست بلکه باید شرایط سنی و کیفیت محتوا را نیز در نظر بگیرند.

● قطع نکردن قصه گویی (در بین قصه، به دنبال کارهای مختلف نروید و قصه را قطع و وصل نکنید)؛
● خواندن عنوان و مشخصات کامل کتاب (نام نویسنده، نام ناشر، تصویرگر و ...) برای کودک هنگام قصه گویی؛
● علاقه‌مند بودن کودک به قصه گو (چنان چه کودک به شما علاقه‌مند باشد و قصه گویی شما جذاب باشد، او جذب داستان می‌شود).

فعالیت عملی ۵



● به گروه‌های پنج نفری تقسیم شوید. هر گروه یک کتاب قصه به کلاس بیاورد.
● دو نفر از اعضای هر گروه در نقش قصه گو کتابی را برای سایر هنجویان بخواند (خواندن قصه توسط بیش از یک نفر امکان مقایسه ی روش‌ها را فراهم می‌کند).
● شنوندگان محاسن و معایب کار قصه گوها را بیان کنند.

آزاد بگذارد.

(د) فقط برای کودکی که دوست دارد قصه بخواند.

آزمون پایانی عملی واحد کار ششم



انتخاب کنید و انجام دهید.

۱- فهرستی از ناشران، نویسندگان و شاعران معتبر

کودک و نوجوان تهیه کنید.

۲- یک کتاب قصه بسازید. داستان و نقاشی‌ها را به

تنهایی یا با کمک کودک تهیه کنید.

۳- قصه‌های قدیمی را از پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها

یا والدین خود پرسید و آن‌ها را بنویسید و گردآوری کنید.

آزمون پایانی نظری واحد کار ششم



استفاده از قصه و داستان برای کودکان اهمیت دارد زیرا

(الف) باعث سرگرمی کودکان می‌شود.

(ب) مانع شیطنیت آن‌ها می‌شود و آن‌ها را آرام می‌کند.

(ج) کودکان کنجکاوند.

(د) ابزارهای مناسبی برای تربیت کودک‌اند.

۲- کدام یک از گزینه‌های زیر از جمله معیارهای

انتخاب کتاب مناسب برای کودک به شمار می‌روند؟

(الف) نقاشی‌های تخیلی داشته باشد و کودک را

به دنیای رؤیاها ببرد.

(ب) موضوع داستان واقعی باشد و کودک را با

مشکلات زندگی آشنا کند.

(ج) صفحات آن پر و با حروف ریز باشد تا کودک

را با صرفه‌جویی آشنا کند.

(د) با مراحل رشد و خصوصیات کودک تناسب

داشته باشد.

۳- یک قصه گوی خوب،

(الف) باید هنگام قصه خواندن برای کودک او را

نصیحت کند.

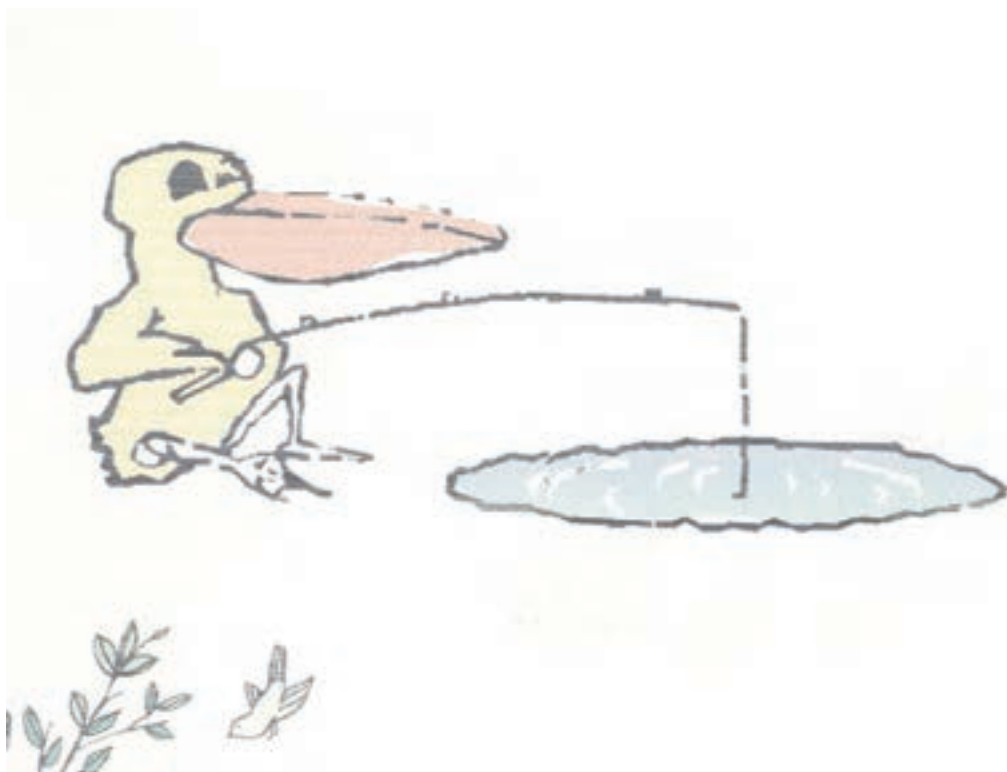
(ب) گاهی خواندن قصه را قطع کند تا کودک

استراحت کند.

(ج) کودک را در نحوه‌ی نشستن و گوش دادن

واحد کار هفتم

گذرانِ اوقات فراغت کودکان در خانواده



هدف‌های رفتاری



انتظار می‌سرود هنرجو پس از گذراندن این واحد کار بتواند به هدف‌های زیر دست یابد:

اوقات فراغت را تعریف و اهمیت آن را برای کودکان بیان کند.

تأثیر اوقات فراغت را برای کودکان شرح دهد.

اصول تنظیم برنامه‌ی اوقات فراغت را به کار بندد.

برنامه‌های مفید برای اوقات فراغت را فهرست کند.

پیش‌آزمون واحد کار هفتم



درستی و نادرستی جملات زیر را با (ص) و (غ) نشان دهید:

- () الف) اوقات فراغت یعنی وقت‌های بیکاری افراد.
- () ب) کودکان چون کاری ندارند، اوقات فراغت نیز ندارند.
- () ج) بهترین برنامه‌ی اوقات فراغت استراحت در خانه و خواب است.
- () د) نداشتن اوقات فراغت افسردگی و بی‌حوصلگی می‌آورد.
- () هـ) بدون امکانات مالی اوقات فراغت بی‌معناست.
- () و) برنامه‌ی اوقات فراغت را باید با توجه به نیاز کودکان طراحی کرد.

بهره‌گیری مطلوب از اوقات فراغت به برنامه‌ریزی نیاز

دارد.

مقدمه

نیاز به فراغت، استراحت و تجدید قوا ویژگی فطری انسان، حیوان و حتی گیاهان است. حیوانات اهلی لحظاتی را در روز به استراحت یا بازی و فعالیت‌های لذت بخش می‌پردازند. گوسفندان پس از چرای و نشخوار مدتی به نوای نی چوپان گوش می‌سپارند. پرندگان لحظاتی آرام می‌گیرند و درختان در فصلی از سال استراحت می‌کنند. اما انسان برای

بیش‌تر بدانید



در اسلام نیز بهره‌گیری از اوقات فراغت اهمیت دارد؛ امام علی (ع) می‌فرمایند: «مؤمن وقت و ساعات خود را به سه قسمت تقسیم می‌کند: ساعتی که در آن با پروردگارش رازونیز می‌کند، ساعتی که در آن

کودک آن را احساس و اعلام کند، بر کودک تأثیر منفی می‌گذارد به شکل رفتارهایی مانند ناسازگاری، خرابکاری، بهانه‌گیری و لجبازی نمایان می‌شود، اما خانواده، که معمولاً آن‌ها را ریشه‌یابی نکرده است، چه بسا با برخورد‌های غلط مشکل کودک را نیز بیش‌تر کند.

آثار مثبت و مهم اوقات فراغت بر کودک

عبارت‌اند از:

رفع خستگی و تجدید قوا، به گونه‌ای که کودک برای انجام فعالیت‌های جدی و وظایف درسی‌اش آماده می‌شود؛

تخلیه‌ی نیروها و انرژی اضافی کودک در جریان فعالیت‌ها در اوقات فراغت؛

تخلیه‌ی فشارهای روانی کودک که می‌تواند به سلامت روانی او کمک کند؛

شکوفایی خلاقیت کودکان در جریان فعالیت و تلاش برای مواجهه با مشکلات و یافتن راه حل‌های ابتکاری برای آن‌ها؛

ایجاد فرصت آموزش موضوعات مختلف به طور غیر مستقیم.

توجه

اوقات فراغت، اوقات بیکاری نیست.

معاش خود را اصلاح می‌کند و ساعتی که بین خود و بین لذت و خوشی آن چه حلال و نیکو و زیباست می‌گذرد». امام کاظم (ع) نیز فرموده‌اند: اوقات شبانه روز به چهار بخش تقسیم می‌شود: مناجات با خدا و خود سازی، امرار معاش، معاشرت با دوستان و اقوام و استفاده از لذت‌های حلال.

۱-۷ اوقات فراغت و تأثیر آن بر کودکان

آیا شما اوقات فراغت و آزاد دارید؟ چه ساعتی در روز؟ آیا برنامه‌ای برای اوقات فراغت خود دارید؟ آنچه مسلم است اینکه فعالیت‌های مرتبط با اوقات فراغت بسیار متنوع و لذت بخش‌اند.

توجه

در اوقات فراغت انسان با کمال میل و بدون هیچ گونه اجبار، به فعالیت‌های داوطلبانه و متنوع می‌پردازد. بنابراین، از انجام آن لذت می‌برد و در نهایت به رضایت خاطر می‌رسد.

بهترین برنامه یا برنامه‌های گذران اوقات فراغت خود را به یاد آورید. چه تأثیری بر شما گذاشته است؟ چنانچه به اوقات فراغت توجه گردد بهبود و شکوفایی جسم و روان کودک و خانواده حاصل می‌شود. بی‌توجهی به چگونگی گذران اوقات فراغت، با این که چیزی مانند گرسنگی نیست که

۲-۷ والدین و اوقات فراغت کودکان

توجه والدین به اهمیت و چگونگی گذران اوقات فراغت بسیار مهم و تعیین کننده است زیرا برنامه‌ی زندگی کودک (تحصیل و فراغت و...) را عمدتاً والدین مشخص می‌کنند.

به همین دلیل چنان چه والدین متوجه اهمیت یا اصول و روش‌های درست گذران اوقات فراغت نباشند، به جای آن که کودکان از مزایای آن بهره‌مند شوند، دچار ناخرسندی و مشکلات متعدد خواهند شد.

دلایلی که ممکن است والدین به این موضوع بی‌توجه باشند یا با روش درست به آن نپردازند، عبارت‌اند از:

● بی‌اطلاعی و ناآگاهی از ضرورت توجه به اوقات فراغت؛

● اهمیت ندادن و جدی نگرفتن موضوع؛

● بی‌برنامه بودن خود والدین در زندگی روزمره که موجب ناتوانی آن‌ها در برنامه‌ریزی برای فرزندان آن‌ها می‌شود. در واقع مشکل این افراد ناتوانی در تصمیم‌گیری است.

● بی‌خبری والدین از نیازها و استعدادهای فرزند خود که مانع برنامه‌ریزی واقع بینانه می‌شود. این، یکی از مهم‌ترین مشکلات خانواده‌هاست. خانواده‌ها گاهی بچه‌ها را به رفتن در کلاس‌های مختلف و متعدد ملزم می‌کنند و آن‌ها را بدون شناخت وضع و نیازهای

واقعی‌شان در فعالیت‌های گوناگون درگیر می‌نمایند.

از این رو به والدین توصیه کنید:

● تلاش کنند و به کودکان نیز بیاموزند که همیشه اوقات کار، استراحت و فراغت را از هم جدا کنند. یکی از مشکلات خانواده‌ها این است که نمی‌توانند به ویژه اوقات کار را از اوقات استراحت جدا کنند و ساعاتی را فقط به استراحت یا پرداختن به سرگرمی دلبخواه خود بگذرانند.

● کودکان را در خانه تنها نگذارند زیرا علاوه بر خطر ساز بودن، دیگر نمی‌توانند آن‌ها را کنترل کنند.

فعالیت عملی ۱



کودکانی را که در خانواده و اطراف تان هستند در نظر بگیرید. گذران اوقات فراغت آن‌ها را بررسی کنید. چگونه اوقات فراغت شان سپری می‌شود؟ آیا والدین در این کار دخالتی دارند؟ نتیجه‌ی بررسی را در کلاس بحث کنید.

۳-۷ اصول برنامه‌ریزی اوقات فراغت

ساعات فراغت شما چگونه می‌گذرد؟

رعایت اصول زیر برای داشتن برنامه‌ای مفید و مؤثر توصیه می‌شود:

۱- علاقه‌ها، اقتضای سنی و نیازهای کودکان را در نظر بگیرید.

۲- برنامه را با هم‌فکری و مشارکت کودکان تنظیم

کنید.

۳- تنظیم برنامه فقط برای پر کردن وقت خالی نباشد بلکه در برنامه‌ریزی هدف مشخصی را تعیین کنید.

۴- برنامه‌ی گذران فراغت را به کودکان تحمیل نکنید.

۵- برنامه‌ای تنظیم کنید که نیازمند زمان طولانی نباشد زیرا کودکان تحمل برنامه‌ی سنگین و طولانی را ندارند و زود خسته می‌شوند.

۶- برنامه را به گونه‌ای تنظیم کنید که انعطاف داشته باشد و بتوان هنگام ضرورت آن را تغییر داد، و گرنه حالت تحمیلی به خود می‌گیرد و دیگر برنامه‌ای لذت بخش و خوشایند نخواهد بود.

۷- توجه داشته باشید که برنامه به طور غیر مستقیم به رشد مهارت‌های درسی کودک نیز کمک کند و به ویژه مشکل جدایی از مدرسه و عادت‌های درسی و مطالعه را در فصل تابستان حل کند.

۸- برنامه‌ای تنظیم کنید که هنگام اجرا و هم‌چنین در پایان برنامه، بتوان آن را ارزیابی کرد و تشخیص داد که برنامه‌ای مفید بوده است یا خیر.

۹- در تنظیم برنامه هزینه‌ها را در نظر بگیرید و برنامه را متناسب با امکانات خانواده طراحی کنید. با کسب اطلاعات از مراکز دولتی تا حد امکان از مراکز و امکانات عمومی استفاده کنید.

۱۰- به تفاوت‌های میان دختران و پسران در تنظیم

برنامه دقت کنید.

۱۱- بهتر است والدین ساعتی از ساعات فراغت خود را با فرزندان خود بگذرانند و برنامه‌ای مشترک داشته باشند.

۴-۷ محورهای پیشنهادی برای برنامه‌ی گذران اوقات فراغت کودکان در خانواده

اگر خانواده‌ها آگاهانه با گذران اوقات فراغت فرزندان خود برخورد کنند امکان تهیه و تنظیم برنامه‌ای مناسب برای آنان خواهند داشت.

از برنامه‌های زیر می‌توان برای پُر کردن اوقات فراغت کودکان استفاده کرد:

- حضور در مکان‌های مذهبی، شرکت در برنامه‌های مذهبی و عبادت.

- پرداختن به ورزش. ورزش فعالیت ضروری برای تأمین سلامت انسان و فعالیت بسیار مفید در اوقات فراغت است.

این برنامه از نرمشی ده دقیقه‌ای در روز تا شرکت در کلاس‌های ورزشی را در بر می‌گیرد. ورزش یکی از برنامه‌هایی است که پسران از امکانات بیش‌تری نسبت به دختران برخوردارند. پسران می‌توانند در فضای باز به راحتی و بدون هیچ محدودیتی ورزش کنند اما ورزش دختران به سالن و فضای بسته نیاز دارد.

به علاوه خانواده‌ها برای پسران آزادی بیش‌تری قایل‌اند و چون دختران را آسیب پذیرتر می‌دانند و بیش‌تر نگران امنیت آن‌ها هستند، بیش‌تر از پسران

- بازدید از مکان‌های دیدنی مانند موزه‌ها و آثار باستانی، نمایشگاه‌ها، باغ وحش و ...
- فعالیت‌های هنری مانند کاردستی، نقاشی، خطاطی و مطالعه‌ی مجموعه‌های شعرشاعران کودک.
- حضور در طبیعت، مانند کوه‌نوردی، رفتن به پارک، جنگل، گردش در طبیعت و ...
- بازی و مصاحبت با دوستان که باید با نظارت مستقیم والدین باشد.
- مسافرت با اعضای خانواده حتی مسافرت‌های یک روزه و کوتاه.

توجه

بهترین برنامه‌نشست صمیمانه‌ی تمام اعضای خانواده و گفت و گو و شوخی و خنده با یکدیگر است.

آیا شما می‌توانید برنامه‌های دیگری را به این فهرست اضافه کنید؟

.....

.....

.....

.....

.....

.....

- می‌پایند و آزادی کم‌تری نیز برای آن‌ها قایل‌اند.
- تردیدی نیست که خانواده‌ها مسئول مراقبت و حفاظت اعضای خود هستند، اما این تصور غلط است که تنها زمانی باید به دختران اجازه‌ی شرکت در فعالیت‌ها داد که امکانات آماده برای ورزش و فراغت آن‌ها وجود داشته باشد. خانواده‌ها باید خودشان سعی کنند تا فرصت‌هایی را برای دختران فراهم کنند.
- برنامه‌ی مطالعه، این برنامه شامل مطالعه‌ی کتاب، مجله و روزنامه‌های مناسب کودکان می‌شود که امروزه تعداد آن‌ها بسیار است. توجه داشته باشید مطالعه به تنهایی نمی‌تواند برنامه‌ی اوقات فراغت باشد، زیرا کودک پس از گذشت زمانی کوتاه خسته و سرخورده می‌شود.
- تماشای برنامه‌های مناسب کودکان در تلویزیون و دستگاه‌های نمایش فیلم (ویدیو، رایانه و...).
- والدین باید کاملاً مراقب باشند که کنترل برنامه در اختیارشان باشد و خودشان تعیین کنند چه مدت زمانی را به این برنامه اختصاص بدهند. این مدت به طور متوسط بیش از دو ساعت در روز نباشد زیرا هر چه وقت کودکان و دیگر اعضای خانواده صرف تماشای تلویزیون شود، ارتباط کلامی (گفت و گوی) اعضای خانواده با یکدیگر نیز کم‌تر می‌شود.
- رفتن به سینما و تئاتر همراه اعضای خانواده.
- ارتباط با اعضای فامیل، دیدو بازدید اقوام و بازی با کودکان فامیل.

وقت خودشان نبوده است و بخشی از وقت خود را با او صرف خواهند کرد.

آزمون پایانی نظری واحد کار هفتم



اوقات فراغت یعنی چه؟

الف) یعنی اوقاتی که فرد بیکار است.

ب) یعنی اوقات مطالعه و تحصیل

ج) یعنی فراغت از هرگونه کار جدی

د) یعنی اوقات تفریح و گردش

۲- کدام برنامه‌ی اوقات فراغت به تنهایی پس از

گذشت زمانی کوتاه باعث خستگی و سرخوردگی

کودک می‌شود؟

الف) ورزش

ب) نقاشی

ج) کاردستی

د) مطالعه

۳- مهم‌ترین اشتباه والدین آن است که

الف) اوقات کار، استراحت و فراغت را از هم جدا

می‌کنند.

ب) خودشان هم اهل گذران اوقات فراغت نیستند.

ج) اوقات فراغت بچه‌ها را پر از کلاس آموزشی

می‌کنند.

د) موضوع اوقات فراغت را خیلی جدی نمی‌گیرند.

۴- کدام گزینه در رابطه با برنامه‌ی اوقات فراغت

صحیح نیست؟



فعالیت عملی ۲

● هر هنرجو برنامه‌ای را برای گذران اوقات فراغت

خود و خانواده‌اش طراحی کند. در این برنامه توجه به

اصول پیشنهادی بالا ضرورت دارد.

● برنامه‌های تنظیم شده را در کلاس ارائه دهید.

● مفیدترین و عملی‌ترین پیشنهادها را با راهنمایی

هنرآموز روی تخته‌ی کلاس بنویسید و همه از روی

آن یادداشت بردارید، حتماً در آینده به دردتان خواهد

خورد.

چکیده

داشتن اوقات فراغت برای انسان‌ها به ویژه کودکان

لازم است. اگرچه آثار مثبت اوقات فراغت را به راحتی

نمی‌توان تشخیص داد، بی‌توجهی به آن باعث آزار

کودک و خانواده خواهد شد. مهم‌ترین تأثیر داشتن

اوقات فراغت تجدید قوا، لذت سالم و احساس نشاط

است.

لازم است والدین به اهمیت آن هوشیار باشند و با

توجه به امکانات خانواده و وضعیت و نیازهای کودک

برنامه‌ای مناسب برای فراغت کودکان و خانواده فراهم

کنند. بی‌تردید بهترین برنامه‌ها نیز زمانی برای کودک

لذت بخش خواهد بود که بداند والدین از او دور

نیستند و هدفشان از سرگرم کردن وی، آزاد کردن

الف) با هم فکری بچه‌ها تنظیم شود.

ب) زمان آن طولانی نباشد.

ج) باید در برنامه ریزی هدف مشخص را تعیین

نمود.

د) تفاوتی بین دختران و پسران در تنظیم برنامه

وجود ندارد.

آزمون پایانی عملی واحد کار هفتم

برای یکی از کودکان خانواده یا اطرافیان

چگونگی گذران اوقات فراغت را برنامه ریزی کنید

و اجرای آن را برای یک هفته بر عهده بگیرید. لازم

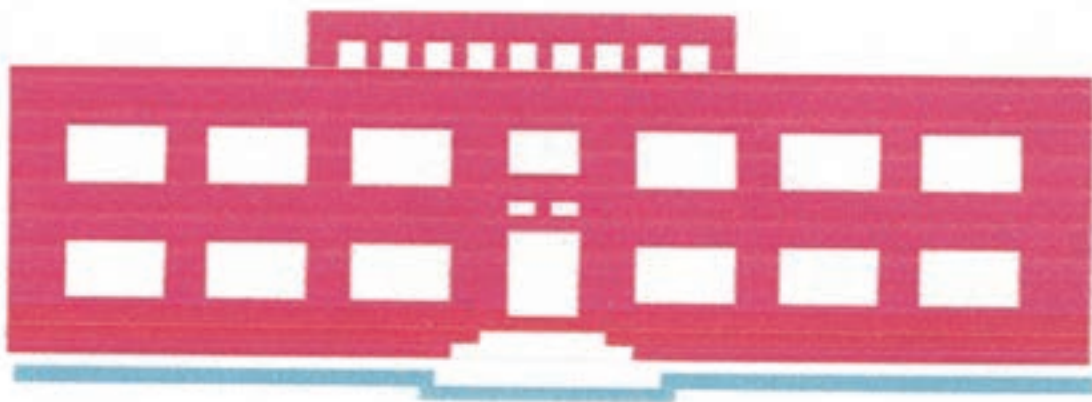
نیست برنامه مفصل باشد. اشکال ها و موانع کار را در

فرایند اجرا بررسی کنید و برنامه و نحوه اجرای آن

را به هنرآموز گزارش کنید.

واحد کار هشتم

توانایی همکاری خانواده با مدرسه و سایر
مراکز آموزشی



هدف‌های رفتاری



انتظار می‌رود هنرجو پس از گذراندن این واحد کار بتواند به هدف‌های زیر دست یابد:

- ۱- موارد تفاوت و تشابه خانه و مدرسه را از نظر ساختار، برنامه و نوع آموزش توضیح دهد.
 - ۲- اهمیت و ضرورت هماهنگی این دو نهاد را در آموزش و پرورش فرزندان بیان کند.
- روش‌های معمول ایجاد ارتباط میان خانه و مدرسه را بررسی و نقد کند.
- روش‌هایی را برای حضور مؤثر و مفید والدین در آموزش و برنامه‌های آموزشی مدرسه برای فرزندان‌شان پیشنهاد کند.

پیش‌آزمون واحد کار هشتم



درستی و نادرستی جملات زیر را با (ص) و (غ) مشخص کنید:

- () الف) مدرسه قدیمی‌ترین نهاد آموزش انسان است.
- () ب) خانه قدیمی‌ترین نهاد آموزش انسان است.
- () ج) خانه و مدرسه باید با یکدیگر همکاری کنند.
- () د) خانه و مدرسه همیشه با یکدیگر همکاری می‌کنند.
- () هـ- در اختلافات میان والدین و مدرسه همیشه مدرسه مقصر است.
- () و- برای ایجاد ارتباطی مفید میان خانه و مدرسه هر دو باید تلاش کنند.

مقدمه

از گذشته‌های بسیار دور در کشور ما وجود داشته‌اند بلکه آموزش و پرورش رسمی در کشور ما مانند تمام جوامع فراز و نشیب‌هایی را پشت سر گذاشته، تا به امروز رسیده است.

۱-۸ نیاز انسان به آموزش و پرورش

آموزش و پرورش یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان است. حیوانات از این نظر با انسان تفاوت دارند. آن‌ها

پیرترین و تحصیل کرده‌ترین فردی که می‌شناسید چند سال پیش به مدرسه می‌رفته است؟ آن چه شما امروز مهد کودک، پیش‌دبستانی، دبستان، راهنمایی، دبیرستان، دانشگاه و نیز مدارکی مانند دیپلم، کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری می‌شناسید، پدیده‌هایی نیستند که از آغاز و

است. این نوعی مدرسه‌ی طبیعی است که ساعتِ درسِ معینی هم ندارد.

آیا دوست دارید که هنوز هم در همین نوع مدرسه تحصیل می‌کردید؟

اما چه چیز باعث شد که مدرسه‌ای طبیعی جای خود را به مدرسه‌ای با ساختمان، معلم، کلاس، کتاب درسی، امتحان و نمره بدهد؟



۲-۸ تاریخ آموزش و پرورش

به نظر شما چه چیز باعث می‌شود که انسان از زمین فراتر برود و برای کشف دنیا تلاش کند، روی کره‌ی ماه قدم بزند، به سیارات دیگر سفینه بفرستد و آسمان ناشناخته را بشکافد و پیش برود؟

از زمانی که بشر پا بر کره‌ی زمین گذاشت، فعالیت را آغاز کرد که هرگز متوقف نشده است؛ این فعالیت شناخت خود و جهانِ اطراف بوده و هر آن چه را که درک کرده، در طول قرن‌ها به دیگران نیز منتقل کرده است.

انسان با شناختِ جهان به تدریج سعی کرده است تا

مهارت‌های اصلی زندگی‌شان را که خیلی هم پیچیده نیست، به طور غریزی از زمان تولد با خود دارند و از آن‌ها استفاده می‌کنند. اما انسان از بدو تولد نیازمند آموزش است و تنها بخش کوچکی از مهارت‌ها مانند مکیدن شیر به طور غریزی در او وجود دارد.

آموزش و پرورش از آغاز ظهور انسان بر روی کره‌ی خاکی به دلیل توانایی و نیاز ذاتی او به یادگیری وجود داشته است، اما نه در مدرسه و پشت نیمکت‌های کلاس درس، بلکه در خانواده و در کنار پدر و مادر و در اجتماع کوچکی که خانواده عضو آن بوده است، یعنی میان طایفه و قبیله.

بچه‌ها با تماشای رفتار بزرگترها می‌آموختند که چه‌طور باید زندگی کنند و آن چه موضوع درس آن‌ها بود مهارت‌هایی بود که برای حفظ زندگی خودشان به آن نیاز داشتند.

آیا می‌توانید بعضی از این مهارت‌های مورد نیاز

را مثال بزنید؟

.....
.....
.....
.....

منابع درسی نیز کتاب‌هایی مانند آن چه دانش آموزان امروز از آن‌ها استفاده می‌کنند، نبوده است، بلکه کتاب درسی آن‌ها، طبیعتِ اطراف و جامعه آن‌ها یعنی گفتار و رفتار اطرافیان و بزرگ‌ترها و مردم بوده

آن را به خدمت خود بگیرد و از آن استفاده کند.



پیش‌تر بدانید

به خدمت گرفتن علم یعنی ساختن وسایل لازم با استفاده از یافته‌های علم. به این پدیده تکنولوژی و به زبان فارسی فناوری می‌گویند. از جمله اولین ابزار ساخت انسان کارد، تیر، کمان، چرخ و سپس گاو آهن برای شخم زدن بوده است. دیروز ماشین و هواپیما و امروز رایانه، روبات، ماهواره و فردا ... در واقع چنین وسایل پیشرفته‌ای ادامه‌ی همان راهی است که انسان‌های اولیه آغاز کردند.



اولین دانش، علوم دینی و اولین آموزش‌های رسمی کودکان، آموزش‌های دینی بوده است. کودکان

سرودها و تکالیف دینی را از روحانیون می‌آموختند. بعدها خواندن و نوشتن و حساب کردن نیز به درس‌های کودکان اضافه شد. در آن زمان نیز مانند امروز کودکان باید تکالیفی را انجام می‌دادند اما برخلاف امروز تکالیف شان را روی لوحه‌های کوچک گلی می‌نوشتند.

با گسترش دانش انسان، مطالب و موضوعات بیش‌تری برای آموزش فراهم شد. این وضعیت نیازمند مکان و زمان آموزش بود. به همین دلیل به تدریج معبد، محل آموزش شد. پس از اسلام نیز بچه‌ها در آغاز در مسجد آموزش می‌دیدند. پس از آن مدارس در کنار مساجد به وجود آمدند. به این ترتیب آموزش از قالب مدرسه‌ای طبیعی و روشی شفاهی به آموزش در مکانی مشخص به نام مدرسه و در زمان‌هایی معین و در حضور معلم یعنی کسی که کارش آموزش خواندن و نوشتن و حساب کردن بود، تبدیل شد.



پیشرفت آموزش در این جا نیز متوقف نشد و هر روز جدی‌تر گردید و در این خصوص کتاب‌های

فعالیت عملی ۱



دانشمندان و فیلسوفان بزرگ ایرانی و اسلامی ای را که می‌شناسید نام ببرید. مهم‌ترین آثار آن‌ها کدام‌اند؟

.....

.....

.....

.....

۴-۸ انواع آموزش و پرورش

تا امروز در کدام یک از مراکز آموزشی تحصیل کرده‌اید؟ در آینده در چه مراکز دیگری می‌توانید تحصیل کنید؟

آموزش و پرورش یا تعلیم و تربیت به طور کلی به دو شکل صورت می‌گیرد:

- ۱- آموزش غیررسمی: اجرای این برنامه‌های آموزشی مصوّب و اجباری نیستند.
 - ۲- آموزش رسمی: برنامه‌های آموزش رسمی را وزارت آموزش و پرورش تصویب می‌کند و در مراکز آموزشی مانند مدرسه‌ی ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان یا هنرستان اجرا می‌شود.
- دانشگاه‌ها نیز بخشی از نظام آموزش و پرورش رسمی‌اند اما برنامه‌های آن‌ها را وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تصویب و تعیین می‌کند.

زیادی منتشر شد. عده‌ای از کسانی که در مدارس تحصیل می‌کردند، مشتاق و علاقه‌مند به کسب دانشی بیش‌تر شدند و دامنه‌ی علم را بیشتر گسترش دادند و به تعلیم و تربیت کودکانِ نسل بعد پرداختند. به این ترتیب آموزش و پرورش رسمی به نهادی اجتماعی و ریشه‌دار تبدیل شد.

توجه



آموزش و پرورش نیازی است که تمام جوامع آن را باور دارند و برای آن سرمایه‌گذاری می‌کنند، زیرا می‌دانند که رشد انسان و توسعه‌ی جامعه فقط از طریق یادگیری و آموزش امکان‌پذیر است.

آیا شما گروه یا منطقه‌ای را می‌شناسید که خودشان مدرسه نخواهند و درس نخوانند؟

۳-۸ نهادهای آموزشی در ایران

در ایران، بی‌تردید از سه هزار سال پیش آموزش وجود داشته است. ایرانیان پیش از اسلام، به جز آموزش کودکان در خانواده، در آتشکده‌ها، مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها که معروف‌ترین آن‌ها دانشگاه جندی شاپور است، تحصیل می‌کردند. پس از اسلام، مسجد و مکتب خانه برای کودکان و سپس مدرسه و دانشگاه‌های بزرگ به وجود آمد. حدود هزار سال پیش ایران و جهان اسلام بزرگ‌ترین دانشگاه‌ها، دانشمندان و فیلسوفان را داشته است.

مهد کودک مرکز نگه داری و آموزش کودکان خردسال است.

کودکان در این مراکز، با همسالان خود در ارتباط‌اند و روابط اجتماعی را می‌آموزند.

به علاوه مهارت‌هایی مانند کار با قیچی و کاغذ، کاردستی و نقاشی، اشعار کودکانه و نیز مطالبی درباره‌ی اجتماع و طبیعت (تحت عنوان «واحد کار» مانند انواع خوراکی‌ها، ایام ملی و مذهبی مانند نوروز و عید فطر، معرفی نهادها و سازمان‌ها مانند پُست و...) می‌آموزند.

گاهی نیز در برنامه‌های تفریحی (تئاتر عروسکی، نمایشگاه‌ها، بازدید از موزه و...) شرکت می‌کنند و به طور غیر مستقیم آموزش می‌بینند. مهدهای کودک با وجود داشتن فعالیت‌های متنوع، نهادهای غیر رسمی آموزشی‌اند زیرا حضور در آنها برای تمام کودکان الزامی نیست و ضرورت ندارد که برنامه‌ی همه‌ی مهدها نیز یکسان باشد زیرا برنامه‌ی آنها اجباری و مصوب نیست.

امروزه، علاوه بر خانواده و مهد کودک، آموزشگاه‌ها و مراکز آموزشی آزاد و متنوع زیادی در جامعه به وجود آمده است که تمام آنها در مجموعه‌ی نهادهای غیر رسمی آموزش و پرورش جای می‌گیرند، مانند کلاس‌های هنری، زبان خارجی، آموزش قرآن، رشد اعتماد به نفس، موفقیت، کلاس‌های تقویتی درسی، آمادگی کنکور و ...



۱-۴-۸ نهادهای آموزش غیر رسمی

آیا مدارس و دانشگاه‌ها تنها مراکز آموزشی در جامعه‌ی ما هستند؟

شما چه مراکز دیگری را می‌شناسید؟
آیا تا به حال در کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی خارج از مدرسه شرکت کرده‌اید؟ چه کلاس‌هایی؟
کودکان فقط بخشی (۱۲ درصد) از وقت خارج از خانه را در مدرسه می‌گذرانند.

واقعیت آن است که آموزش کودکان، نوجوانان و جوانان از خانواده آغاز می‌شود، اما برنامه‌ی آموزش در خانه را هیچ وزارت خانه‌ای تصویب نمی‌کند. هر خانواده بنابر اعتقاد و تجربه‌های خود کودکان را آموزش می‌دهد و تربیت می‌کند.

آموزش و تأثیر گذاری بر کودک در خانواده از بدو تولد و حتی به یک معنا از دوره‌ی جنینی آغاز می‌شود. به علاوه کودک گاهی به علّت اشتغال مادر و گاهی فقط به درخواست خانواده از همان دوره‌ی خردسالی به مهد کودک می‌رود.

۲-۴-۸ نهادهای آموزشی رسمی

خانواده کانون اصلی تربیت و مادر اولین و مؤثرترین مربی کودک است و همواره نیز سهم اصلی را در تربیت فرزند خود دارد، اما مرحله‌ای فرا می‌رسد که آموزش و پرورش کودک در خانه کافی نیست و دو نهاد خانه و مدرسه باید با هم همکاری کنند. مدرسه اولین نهاد آموزش رسمی است که کودک وارد آن می‌شود. «دانش آموز مدرسه» یا «فرزند خانواده» در واقع یک نفر است که از دو منبع مهم تربیتی و فرهنگی تغذیه می‌شود. به همین دلیل هر یک از این دو نهاد، باید به دو نکته توجه کنند:

هر یک چه کاری انجام می‌دهند و در تعلیم و تربیت کودک چه نقشی دارند؟

برای موفقیت در کار خود باید با یکدیگر همکاری کنند.

۵-۸ ضرورت وجود مدرسه و نظام آموزش

رسمی

خانواده فضای آموزشی و پرورشی بسیار مناسب و مؤثری برای فرزندان و همه‌ی اعضای جامعه است، اما نیازها و انتظارات جامعه‌ی امروز، صرفاً با آموزش و پرورش فرزندان در خانواده تأمین نمی‌شود. امروزه در همه‌ی جوامع از جوانان انتظار می‌رود که در خواندن، نوشتن و حساب کردن کاملاً توانا باشند، درست و عمیق فکر کنند، مسائل خود و اطرافشان را بررسی و حل کنند، شهروندی و وظیفه‌شناس باشند و تاریخ،

حکومت و سنت‌های جامعه‌ی خود و حتی جوامع دیگر را بشناسند. افرادی سعادتمند شناخته می‌شوند که نسبت به جهانی که هر لحظه در حال تغییر است، دیدی آگاهانه داشته باشند.

این دید آگاهانه، با تحصیل، سواد و آموزش در مدرسه پیوند خورده است. به همین دلیل حضور در مدرسه و تحصیل کردن ضروری است.

مدرسه اجتماعی جدی و رسمی است که رسماً مطابق برنامه و ضوابطی مشخص به آموزش و پرورش فرزندان می‌پردازد و در مقابل خدماتی که به کودکان ارائه می‌دهد، از آن‌ها انتظارات جدی دارد. معلم مطابق برنامه‌ای از پیش تدوین شده، آموزش‌های لازم را متناسب با سن و مراحل رشد کودکان و نوجوانان به آن‌ها می‌دهد و از آن‌ها انتظار یادگیری دارد. آموزش و پرورش در مدرسه آشکار و علنی است و با روش‌های مستقیم اجرا می‌شود.

آموزش و پرورش در خانه در طول زمان، بدون طرح و برنامه‌ای از پیش تعیین شده و به روش‌های غیرمستقیم صورت می‌گیرد. با توجه به این که پدر و مادر دوره‌ی آموزشی خاصی را در این زمینه نگذرانده‌اند، ممکن است متوجه نقش الگویی و مربی‌گری خود نباشند و این در حالی است که کودک در محیط خانه هر لحظه و هر روز بیشتر و متنوع‌تر می‌آموزد. در برخی از موارد ممکن است آموزش نادرست باشد ولی کودک و والدین از این موضوع مطلع نباشند.

برای تربیت فرزندان سالم، متعادل و توانا باید خانه و مدرسه به هم پیوندند و برنامه‌های خود را طوری تنظیم کنند که با وجود متفاوت بودن با یکدیگر هماهنگ و همسو باشند. رعایت نکردن این مهم باعث می‌شود هیچ یک موفقیت‌چندانی در خصوص تربیت کودک به دست نیاورند و تلاش‌های یکدیگر را خنثی کنند. از آنجا که خانواده در مقایسه با مدرسه، کانونی است که آثار بسیار عمیق‌تری بر فرزندان دارد، مدرسه به همراهی خانواده نیازمندتر است و زمانی در آموزش و پرورش دانش‌آموزان، موفق خواهند بود که خانواده‌ها با آن همراهی کنند. والدین و خانواده نیز مایل به گسترش معلومات و مهارت‌های فرزندان خود در مدرسه‌اند، پس باید با مدرسه همکاری و همراهی کنند.



البته خطاست که تصور کنیم تمام آموزش‌ها در خانه به طور غیرمستقیم و در مدرسه به طور مستقیم و رسمی انجام می‌شود. امروزه خانواده‌ها آموزش‌های مستقیم را آگاهانه و با دقت به کودکان می‌دهند مانند شعر و قصه خوانی، آموزش آیات قرآن، آموزش اعداد و مفاهیم و نوشتن برخی از کلمات یا نام‌ها.

به علاوه، مدرسه نیز خواسته یا ناخواسته، آموزش‌هایی را به صورت غیرمستقیم به کودکان می‌دهد. رفتار اولیای مدرسه و معلم در کلاس و رفتار هم‌کلاسی‌ها با یکدیگر از جمله آموزش‌های غیرمستقیم و غیررسمی در مدرسه است، اما در مجموع، بنیان آموزش و پرورش در خانه غیررسمی و در مدرسه رسمی است. این دو نوع آموزش همواره مکمل یکدیگرند، زیرا انسان هر لحظه در حال مشاهده، یادگیری و تأثیرپذیری است و این موضوع در دوران کودکی و نوجوانی بسیار بیش‌تر است. به همین دلیل این دو نوع آموزش در کنار یکدیگر اتفاق می‌افتند.

در این میان سؤال مهم آن است که اگر این دو نوع آموزش هماهنگ نباشند و خانه و مدرسه هر یک به طور مستقل و بدون توجه به دیگری به آموزش بپردازند، چه خواهد شد؟

۶-۸ ضرورت همکاری خانه و مدرسه

انسان موجودی یک‌پارچه است و نمی‌توان او را در آن واحد به دو گونه تربیت کرد. این کار او را دچار سرگردانی و اختلال در رشد و شخصیت خواهد کرد.

اولین برخوردهای اولیای مدرسه و والدین که در این مرحله اتفاق می‌افتد، تا حد زیادی تعیین کننده‌ی کیفیت رابطه‌ی والدین دانش آموزان و اولیای مدرسه است.

فعالیت عملی ۲

با سه نفر از پدرها و مادرهایی که فرزندانشان به مدرسه می‌روند، گفت و گو کنید و درباره‌ی اولین حضورشان در مدرسه و نحوه‌ی برخورد مسئولان مدرسه با آن‌ها سؤال کنید. این برخورد چه تأثیری بر آن‌ها داشته است؟

چنان چه پدرها و مادرهایی که برای ثبت نام فرزندان خود به مدرسه مراجعه می‌کنند استقبال و رفتار محترمانه‌ای از مسئولان مدرسه مشاهده کنند، به برقراری ارتباط و همکاری بیش‌تر با آن‌ها ترغیب می‌شوند. چنان چه برخوردی مناسب با آن‌ها نشود، با احساسی ناخوشایند و قضاوتی منفی مدرسه را ترک می‌گویند و چندان رغبتی به ادامه‌ی ارتباط نخواهند داشت. این گروه معمولاً فقط در موارد ضروری آن‌هم از سر اجبار به مدرسه مراجعه می‌کنند. نکته‌ی مهم‌تر آن که احساس و قضاوت منفی خود را نیز دانسته یا ندانسته به فرزند خود منتقل می‌کنند، در نتیجه احساس یگانگی دانش آموز با مدرسه نیز آسیب می‌بیند و این، باعث کاهش تأثیرپذیری کودک از اولیای مدرسه می‌شود. ارتباط امری دو طرفه است؛ همان‌طور که



به دلیل اهمیت مشارکت خانه و مدرسه، نهادهی مهم در وزارت آموزش و پرورش برای ایجاد پیوند میان این دو کانون ایجاد شده است که «انجمن اولیا و مربیان» نام دارد. اساس کار این انجمن یافتن راه‌های گسترش و بهبود این ارتباط است. یکی از مهم‌ترین اقدام‌های انجمن در این باره پژوهش و تهیه‌ی مطالب علمی، ارزشمند و خواندنی برای اولیا و مربیان است. ماهنامه‌ی «پیوند» ارگان این انجمن است.

همان‌طور که گفته شد برای موفقیت در آموزش و پرورش کودکان، هماهنگی و همکاری دو نهاد خانه و مدرسه ضروری است. اما موضوع به همین جا ختم نمی‌شود، بلکه عملکرد و فضای این دو نهاد کاملاً بر یکدیگر مؤثر است و البته تأثیر فضای خانه بر وضعیت کودک در مدرسه به مراتب بیش‌تر است.

والدین برای موفقیت آموزشی کودک خود باید با مدرسه همکاری کنند، مدرسه نیز برای رسیدن به هدف‌های آموزشی و پرورشی باید وضعیت خانواده و والدین را در نظر بگیرد، غفلت از این موضوع، مدرسه را با وجود صرف هزینه‌ی هنگفت و نیروی انسانی زیاد دچار ناکامی خواهد کرد.

۷-۸ مراحل روابط خانه و مدرسه

ارتباط خانه و مدرسه در سه مرحله شکل می‌گیرد:

● مرحله‌ی اول

مراجعه‌ی والدین به مدرسه و ثبت نام فرزندشان.

● مرحله‌ی دوم

مرحله‌ی دوم، آغاز برنامه‌ی آموزشی دانش آموزان و ارتباط با معلم است. در این مرحله والدین نسبت به چند موضوع نگران‌اند: روش تدریس معلم، میزان توجه معلم به کودک و این که آیا او به یادگیری و رفع اشکال‌های درسی دانش آموز می‌پردازد؟ گاه والدین نگران‌اند که مبدا معلم میان دانش آموزان کلاس تبعیض قایل شود، یا از انتقادات احتمالی پدر و مادرها درباره‌ی روش کارش ناخشنود و ناراضی شود و این موضوع باعث برخورد منفی او با فرزند آنها شود؟ و ...

در این مرحله مدارس برای آشنایی والدین با معلم فرزندشان، پاسخ به سؤالات و رفع نگرانی آنها، جلساتی آموزشی با حضور معلم مربوط و والدین دانش آموزان کلاس برگزار می‌کنند. این جلسات بسیار مفیدند و از اتلاف وقت معلم و توضیحات تکراری به والدین مختلف جلوگیری می‌کند. اما والدین نباید فراموش کنند که این جلسات عمومی است و نباید با پرسش درباره‌ی وضعیت فرزند خود آن را به جلسه‌ای خصوصی تبدیل کنند و وقت دیگران را تلف کنند.

رفتار اولیای مدرسه بر پدرها و مادرها تأثیر می‌گذارد، رفتار والدین نیز بر آنها مؤثر است. در نتیجه رعایت احترام اولیای مدرسه نیز بر والدین واجب است. متأسفانه گاهی برخی از والدین نادانسته با برخوردهای نسنجیده باعث ایجاد نگرش منفی در اولیای مدرسه می‌شوند. این ارتباط نادرست به آموزش و پرورش دانش آموز لطمه می‌زند.

بیشتر بدانید

امروزه والدین بسیار بیش‌تر از گذشته به اهمیت تحصیل فرزندانشان پی‌برده‌اند و مایل‌اند که فرزندانشان آن‌ها در مدارس با کیفیت بهتر تحصیل کنند. به همین دلیل، بعضی از مدارس با تقاضای بسیار اولیا برای ثبت نام فرزندانشان مواجه‌اند. این امر اولیای مدارس و مسئولان آموزش و پرورش را دچار مشکل می‌کند. از این رو آن‌ها مجبور می‌شوند برای کنترل میزان ثبت نام دانش آموزان در مدارس مقرراتی تعیین کنند تا بعضی از مدارس با مشکل تعداد زیاد دانش آموز و شلوغی بیش از حد کلاس‌ها، که به کیفیت آموزش آسیب می‌رساند، مواجه نشوند و دانش آموزان هر منطقه بتوانند در منطقه و محله‌ی خودشان ثبت نام کنند. از سوی دیگر مدارس مختلف از نظر جمعیت دانش آموزی دارای تعادل باشند. اما معمولاً والدین از این که تقاضای ثبت نام آن‌ها پذیرفته نشود، احساس نارضایتی می‌کنند و مسئولان را مقصر می‌شناسند.

نهادی رسمی و نماینده‌ی سازمان اولیا و مربیان ایران در مدرسه است که دارای اختیارات و وظایف قانونی است و به ویژه امور مالی مدرسه باید با همکاری و نظارت انجمن و مدیریت مدرسه انجام شود.



۸- نقش والدین در کنترل برنامه‌ی تحصیلی

فرزندان

مهم‌ترین زمینه‌ی ارتباط والدین با اولیای مدرسه و به طور مشخص معلم فرزندشان، مشارکت آن‌ها در امر آموزش کودکان در خانه و انجام تکالیف درسی است.

در این باره مهم‌ترین کمک و همکاری والدین و خانواده با مدرسه، ایجاد عادات مثبت و مفید در کودکان است. از سوی دیگر خانواده‌ای در این کار موفق است که دارای الگویی معین و ثابت در زندگی خانوادگی باشد.

این الگوی معین موارد زیر را در بر می‌گیرد:

- در برنامه‌ی روزمره‌ی خانواده مدتی برای گفت‌وگو با کودک (یا کودکان) اختصاص یابد. این گفت‌وگو باید دو طرفه باشد؛ یعنی والدین گوینده‌ی

توجه

برای آن که جلسه‌های آموزشی مدرسه پر بار و اثر بخش باشد، بهتر است، والدین قبلاً از موضوع جلسه مطلع شوند تا با آمادگی حضور یابند.

جلسه خشک، سرد، تشریفاتی و برای رفع تکلیف مدرسه نباشد.

جلسه، جلسه‌ی عقده گشایی نباشد و متشنج نشود. جلسه، صرفاً آموزشی نباشد، بلکه به مسائل عاطفی و اجتماعی بچه‌ها نیز پرداخته شود.

والدین از وضع تحصیلی - اجتماعی فرزندان خود مطلع شوند.

در بعضی از جلسات خود بچه‌ها هم حضور داشته باشند و در جریان گفت‌وگوی دو طرفه قرار گیرند. از نشان دادن والدین روی نیمکت‌های باریک و کوچک دانش آموزان خودداری شود.

● مرحله‌ی سوم

سومین مرحله‌ی ارتباط خانه و مدرسه، مشارکت اولیا در تشکیل انجمن اولیا و مربیان مدرسه است. در این مرحله والدین در جریان فعالیت‌ها، نحوه‌ی اداره‌ی مدرسه، مسائل و مشکلات آن قرار می‌گیرند و در انتخاب اعضای این انجمن مشارکت می‌کنند و هر چند گاه یک بار در این جلسات شرکت می‌کنند و از فعالیت‌ها و تلاش‌های انجمن آگاه می‌شوند. انجمن اولیا و مربیان

نظرات خود و نیز شنونده‌ی نظرات فرزندان باشند و به آن‌ها مهارت‌های گوش کردن و اظهار نظر را بیاموزند.

● در برنامه‌ی خانواده، درباره‌ی کتاب، مجله، روزنامه و تلویزیون صحبت شود و اعضای خانواده با یکدیگر به بازدید باغ وحش، کتابخانه، موزه، اماکن تاریخی و رویدادهای فرهنگی (فیلم، تئاتر، نمایشگاه و ...) بروند.

● کودکانی در مدرسه موفق‌ترند که والدینشان برای زندگی آن‌ها محدوده‌ای را مشخص کرده‌اند و آن‌ها را به استفاده از وقت تشویق می‌کنند و یادگرفتن و لذت بردن از آن را در برنامه‌ی معمولی زندگی فرزندان خود گنجانده‌اند. در چنین خانواده‌ای که والدین هر روز زمان معینی را برای مطالعه‌ی فرزندان اختصاص می‌دهند و تنها به آنچه معلم از آن‌ها خواسته است اکتفا نمی‌کنند، کودکان درمی‌یابند مطالعه از نظر خانواده‌ی آن‌ها دارای ارزش و اهمیت است.

● زمانی کودکان به بهترین نحو پیشرفت می‌کنند که در چهارچوب نظم خانواده فعالیت کنند. تعیین زمان صرف غذا، رفتن به بستر، مطالعه و درس خواندن و ... زندگی کودکان را متعادل و منظم می‌سازد.

● کودکانی موفق‌ترند که والدینشان از آنان انتظارات واقع بینانه (متناسب با توانایی) داشته باشند. خانواده باید کسب نتایج مثبت و موفقیت را بیشتر نتیجه‌ی تلاش کودک بداند تا نتیجه‌ی استعداد ذاتی او

این اعتقاد را نیز به کودک انتقال دهد. این امر مهم‌ترین عامل موفقیت در یادگیری، تحصیل و آموزش است. والدین به جای آن که تنها به نمرات کودک توجه کنند بهتر است به ایجاد عادات مفید یادگیری و درس خواندن در کودک توجه داشته باشند.

● والدینی که به رفت و آمدهای فرزندان خود توجه دارند، دوستان آن‌ها را می‌شناسند، بر تماشای برنامه‌های تلویزیونی آن‌ها نظارت می‌کنند و با آموزگارشان تماس دارند، به آموزش و پرورش کودکان خود کمکی فراوان می‌کنند. تهیه‌ی برنامه‌ی هفتگی از فعالیت‌های کودک در ساعات بیرون از مدرسه مشخص خواهد کرد که خانواده کدام فعالیت‌ها را واقعاً برای فرزندش مهم‌تر می‌شمرد.

این برنامه عمدتاً شامل موارد زیر می‌شود:

- کودک معمولاً چه وقت درس می‌خواند؟
- چه وقت مطالعه می‌کند؟
- چه وقت با دوستان بازی می‌کند (وقت و مدت زمانی که این فعالیت‌ها را انجام می‌دهد)؟
- به کدام فعالیت‌ها وقت بیش‌تری اختصاص می‌یابد؟ و ...

با تهیه‌ی این الگو، والدین از برنامه‌ی واقعی فرزندشان آگاه می‌شوند و در صورت لزوم به تغییر این برنامه و اصلاح آن کمک خواهند کرد.

- والدین باید همیشه بدانند فرزندانشان کجا هستند، چه می‌کنند و با که هستند. دیدن دوستان

احساس برتری دارد و آن‌ها را همانند کودکان ناآگاه و بی‌صلاحیت می‌شناسد.

۴- گاهی معلم در مقابل والدین حالت دفاعی به خود می‌گیرد، زیرا تصور می‌کند والدین قصد دارند او را به ناتوانی متهم کنند.

۵- چنان‌چه در مدرسه میان مسئولان و معلمان درگیری باشد این فضای خصمانه می‌تواند به رابطه‌ی معلم و والدین نیز انتقال یابد و مانع ارتباط مؤثر آن‌ها شود.

۶- مدرسه فعالیت والدین را در حدِ گروه‌های رسمی مدرسه می‌طلبد و به رابطه‌ی والدین با کودک اهمیت نمی‌دهد.

۷- برخی از کارکنان مدرسه تصور می‌کنند چنان‌چه والدین کم درآمد باشند یا یکی از آن‌ها فوت کرده باشد، به دلیل مشکلاتی که دارند قادر به راهنمایی و هدایت فرزند خود نخواهند بود. از این رو آن‌ها را ناتوان تصور می‌کنند و مشارکت‌شان را جدی نمی‌گیرند.

۸- مدرسه معلمان را برای پذیرش دخالت والدین در امر تحصیل و آموزش فرزندان آماده نمی‌کند.

۹- وضع شغلی والدین حضور آن‌ها را در مدرسه دشوار می‌کند.

۱۰- تجربه‌های ناموفق والدین باعث می‌شود در تماس با مدرسه و کارکنان آن، احساس منفی داشته باشند.

فرزند و دانستن نام و نشانی والدین آن‌ها نیز ضروری است. ارتباط منظم با آموزگاران فرزندشان نیز به همان اندازه اهمیت دارد.

● چنان‌چه تکالیف منزل از نظر مقدار و چگونگی دارای مقرراتی معین باشد کار والدین و معلمان را آسان می‌کند. تعیین این مقررات بر عهده‌ی مدرسه است. برای مثال، مدارس برای شاگردان کلاس اول هر شب ده دقیقه برای انجام تکالیف خانه تعیین می‌کنند و به ازای هر کلاس بالاتر مدت ده دقیقه به میزان انتظار اضافه می‌شود. با این روش عادت به اجرای تکالیف منزل به صورت تدریجی در کودکان پرورش می‌یابد.

۹-۸ موانع ارتباط معلم با والدین و مشارکت آن‌ها در مدرسه

طبق بررسی‌های انجام شده موانع ارتباط و مشارکت والدین در مدرسه ممکن است یک یا برخی از موارد زیر باشد:

۱- گاهی معلم تازه کار یا ناوارد اعتماد به نفس کافی ندارد و به همین دلیل ممکن است سؤال یا انتقاد والدین را توهین به خود تلقی کند و پذیرای نظرات والدین نباشد و رفتاری نامناسب از خود نشان دهد.

۲- گاه غرور و تکبر بعضی از والدین و ادعای زیاد و توقعات بی‌جای آن‌ها مانع ارتباط سازنده بین آن‌ها و معلم فرزندشان می‌شود.

۳- گاهی معلم نسبت به والدین دانش‌آموزان

مشارکت به معنای واقعی آن با ساختار نظام آموزشی ما هماهنگی ندارد.

به طور کلی والدین با وجود همه‌ی موانع بالا، به تحصیل و پیشرفت فرزندان خود علاقه‌مندند و به همکاری با مدرسه تمایل دارند. از آنجا که ارتباط دوسویه بین معلمان و والدین قطعاً به نفع کودکان است، مدرسه می‌تواند با ارائه‌ی برنامه‌های مناسب موانع ارتباط و همکاری مدرسه، معلم و والدین را از میان بردارد.

۱۰-۸- آموزش والدین

آموزش والدین یکی از روش‌های بسیار مؤثر در ایجاد مشارکت آن‌ها با مسئولان مدرسه است. این برنامه‌ها نگرش والدین را نسبت به مدرسه بهبود می‌بخشد. چنانچه برنامه‌های آموزشی هر دو (والدین و فرزندان) را در برگیرد، مؤثرتر از برنامه‌هایی است که تنها والدین را در نظر دارد. مثلاً تلاش‌هایی که برای تشویق فعالیت‌های کتابخوانی در کل خانواده انجام گیرد، به بهبود مهارت‌های روخوانی می‌انجامد و سبب ایجاد علاقه به کتاب و کتابخوانی می‌شود.

مدرسه با رعایت نکته‌های زیر به موفقیت برنامه‌ی آموزش والدین بسیار کمک می‌کند:

- فهرستی از آن چه مدرسه بر اساس گروه سنی کودک از والدین انتظار دارد تهیه و سپس آموزش والدین را در چارچوب این فهرست تنظیم کند.

- روش‌های مناسب را برای اجرای تکالیف منزل و

نظارت والدین منتشر کند و در اختیار والدین بگذارد.

- برای سازماندهی، جذب و هدایت والدین از خود آن‌ها استفاده کند.

- والدین را با رشد و نیازهای کودکان آشنا سازد.

- به والدین در رفع مشکلات کودکان کمک کند.

جلسات گروهی کوچک تشکیل دهد و برای اداره‌ی آن‌ها از والدین دوره دیده یا مطلع استفاده کند. برگزاری چنین جلساتی هزینه‌ای ندارد، اما دل‌بستگی والدین را به مدرسه تقویت می‌کند و به آن‌ها امکان تبادل تجربیات و کمک به هم‌دیگر را فراهم می‌آورد.

بیش‌تر بدانید



مدت‌هاست که مدارس از نیرو و امکانات والدین برای کمک به اجرای برنامه‌های مدرسه استفاده می‌کنند. این والدین در مقام نمایندگان اولیا در هر یک از کلاس‌ها ایفای نقش می‌کنند و در انجام کلیه فعالیت‌های آموزشی، تهیه‌ی امکانات کمک آموزشی، تماس با والدین در موارد ضروری و انجام فعالیت‌های پرورشی مدرسه با معلم کلاس و مسئولان مدرسه همکاری می‌کنند.

چکیده

آموزش و پرورش یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان است که از زمان پیدایش بشر آغاز شده و از مراحل بسیار ابتدایی به وضعیت کنونی رسیده است.

امروزه آموزش و پرورش به دو نوع رسمی (مدرسه‌ای) و غیر رسمی (آزاد و یا در خانه) تقسیم می‌شود و کودکان از هر دو نوع آموزش در خانه و مدرسه استفاده می‌کنند. به همین دلیل این دو نهاد به همراهی و هماهنگی با یکدیگر نیاز دارند. تشکیل انجمن اولیا و مربیان، تشکیل جلسات آموزشی مربوط به مسائل درسی دانش آموزان با حضور معلم و والدین و سرانجام کلاس‌های آموزش والدین کارهایی است که به این منظور در مدارس انجام می‌گیرد. اما این اقدامات زمانی مفید خواهد بود که فقط برای رفع تکلیف مدرسه نباشد و برای بهبود هر چه بیش‌تر آن‌ها تلاش شود.

ب) کودک در هر دو نهاد تربیت می‌شود.
ج) والدین به مدرسه اعتماد ندارند.
د) مدرسه به والدین اعتماد ندارد.
۳- موانع همکاری خانه و مدرسه به نظر شما کدام است؟

الف) بی‌توجهی والدین به آموزش فرزندان
ب) بی‌توجهی معلم به آموزش دانش آموزان
ج) بی‌توجهی مدرسه به مشارکت والدین
د) بی‌توجهی اداره‌ی آموزش و پرورش
۴- تشکیل کلاس‌های آموزش والدین در مدارس لازم است زیرا والدین را با آشنا می‌کند.

الف) درس‌های مدرسه
ب) مشکلات مدرسه
ج) برنامه‌ریزی در خانه
د) مسائل، نیازها و روش‌های برخورد با فرزندان

آزمون پایانی عملی واحد کار هشتم



برنامه‌ای برای همکاری خانه و مدرسه طراحی کنید:

- گروه‌های پنج نفری تشکیل دهید.
- هر عضو گروه - به سراغ والدین حداقل دو دانش‌آموز از اطرافیان و آشنایان رفته و پاسخ پرسش‌های زیر را از آن‌ها بخواهید:

۱- میزان ارتباط و همکاری آن‌ها با معلم و مدرسه چه قدر است؟

۲- چه همکاری‌های دیگری می‌توانند داشته

آزمون پایانی نظری واحد کار هشتم



۱- از میان موارد زیر، سه نهادی که بیش‌ترین سهم را در آموزش و پرورش کودکان دبستانی دارند، انتخاب کنید.

خانه ☐ مدرسه ☐ کلاس ورزشی ☐ تلویزیون ☐
اردو ☐ آشنایان ☐ دوستان ☐

۲- چرا همکاری خانه و مدرسه لازم است؟ زیرا...
الف) کودک در هر دو مکان تحصیل می‌کند.

کنید.

می توانید این کار را با رسم یک جدول به شکل زیر در آورید:

194

جریان کار برای شما پیش آمده است و میزان وقت و امکاناتی که صرف این کار کرده‌اید، بنویسید. فراموش نکنید در صفحه‌ی اول گزارش (صفحه‌ی عنوان)، دقیقاً بنویسید "گزارشی از ارتباط و همکاری خانه و مدرسه... و برنامه‌ریزی پیشنهادی برای افزایش همکاری".

در پایین صفحه به ترتیب ابتدا نام، معلم، کلاس، خودتان در سطر بعدی نام تهیه‌کنندگان گزارش (خودتان)، در سطر بعدی تاریخ تهیه‌ی گزارش (ماه و سال) و در سطر پایانی نام مدرسه‌ی خودتان را بنویسید.

در صفحه‌ی دوم نیز ضمن معرفی مدرسه‌ای که به آن مراجعه کرده‌اید، از مسئولان مدرسه و به ویژه مدیر، معلم و کسانی که با شما همکاری کرده‌اند، تشکر کنید و فراموش نکنید که یک نسخه از گزارش خود را به همان مدرسه ارائه کنید.

فراموش نکنید نوع شغل و تحصیلات پدرها و مادرها را نیز، در دو جدول مجزا، فهرست کنید. ۷- پس از تنظیم جدول‌ها نتایج بررسی خود را بنویسید و جمع‌بندی کنید. با توجه به سؤالات و اطلاعات گردآوری شده، گزارش شما دو بخش می‌شود:

- **بخش اول**، میزان و انواع همکاری‌های خانه و مدرسه را در کلاس بررسی شده نشان خواهد داد که به آن توصیف وضعیت موجود می‌گویند.

- **بخش دوم** شکل‌های جدید همکاری را با توجه به دیدگاه‌ها، پیشنهادها و امکانات (وضعیت شغلی و تحصیلی والدین) عرضه می‌کند. ممکن است علاوه بر پیشنهادها والدین، خود شما هم در فرایند کار ایده‌هایی بیابید؛ همین جا باید آن‌ها را نیز مطرح کنید. در پایان نیز می‌توانید احساس و نظر خودتان را درباره‌ی پژوهشی که انجام داده‌اید، مشکلاتی که در

گزارشی از ارتباط و همکاری خانه و مدرسه

در کلاس ... از مدرسه ی ...

و برنامه ریزی پیشنهادی برای افزایش همکاری

- تاریخ تنظیم گزارش: سال ... ، ماه ... ، روز ...

- نام مدرسه ی خود: ...

- نام و نام خانوادگی معلم کلاس خود: ...

- نام و نام خانوادگی تهیه کنندگان: ...

هدف کلی:

توانایی بهره‌گیری از حقوق قانونی خود و آگاه
نمودن سایر اعضای خانواده نسبت به حقوق خود

جدول زمان بندی

آموزش نظری	آموزش عملی	جمع
۱۲ ساعت	۳ ساعت	۱۵ ساعت

بخش سوم

آشنایی با حقوق خانواده

با ظهور انسان، شکل‌گیری جامعه هر چیز به صورت ابتدایی آغاز شد و به تدریج گسترش یافت. چرا که انسان به آب، هوا، غذا، سرپناه، محبت، عشق، و سرانجام خانواده نیاز دارد و ناگزیر است. برای برآوردن هر یک از این نیازها با دیگران رابطه برقرار کند. راه درست برقراری ارتباط با دیگران (در زمینه‌های مختلف) یکی از مهم‌ترین هنرهای زندگی انسان‌هاست.

قوانین و مقررات حقوقی بیانگر چگونگی روابط بین انسان‌هاست تا در سایه‌ی آن روابط اجتماعی براساس نظم و عدالت شکل گیرد و امنیت، آسایش و آرامش بر جامعه حکم فرما شود.

نخستین جامعه‌ای که انسان در آن قدم می‌گذارد خانواده است. در آن جاست که مفهوم از خودگذشتگی و تعاون را فرا می‌گیرد و برای شرکت در گروه‌های اجتماعی بزرگ‌تر آماده می‌شود. شخصیت هر فرد و ویژگی‌های زیستی او در ابعاد جسمی و روحی در خانواده شکل می‌گیرد. خانواده مرکز حفظ سنن ملی و اخلاقی و کانون رشد عواطف است. از سوی دیگر خانواده در حفظ اقتدار ملی و پیشرفت اقتصاد نیز سهمی مؤثر دارد. تاریخ نشان می‌دهد که همیشه ملت‌هایی قوی‌تر بوده‌اند که خانواده در آن‌ها اساسی محکم‌تر داشته است. انحطاط هر قوم از زمانی شروع می‌شود که در مبانی خانواده سستی رسوخ کرده باشد.

اصل دهم قانون اساسی نقش بنیادی خانواده را در حقوق نیز اعلام می‌کند. در این اصل می‌خوانیم: "از آن جا که خانواده واحد بنیادی جامعه‌ی اسلامی است، همه‌ی قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه‌ی حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

صبغه‌ی انسانی و عاطفی ویژه‌ی حقوق بشر به گونه‌ای است که آن را از سایر رشته‌های حقوق متمایز می‌سازد. گرچه روابط خانوادگی بر عشق، محبت، تفاهم و گذشت حاکم است، اما نقش حقوق را در آن نمی‌توان نادیده گرفت، زیرا هستند کسانی که تا نظارت و تأکید قانون نباشد، حاضر نمی‌شوند که، به وظایف خویش عمل کنند. از این رو ضروری است افراد با قوانین و مقررات حاکم بر اجتماع خویش آشنا و از حقوق و وظایف خود آگاه شوند، تا براساس این شناخت عمل کنند.

در ارتباطات اجتماعی گرچه خواست و نظر افراد اهمیت دارد اما افراد نمی‌توانند در امری که خلاف قانون باشد با هم توافق کنند. با توجه به این مهم، هدف این پودمان آشنا ساختن هنر جویان با حقوق قانونی آن‌ها، به ویژه مسائل مربوط به خانواده، است تا توان بهره‌گیری از قوانین و آگاه کردن سایرین افزایش یابد.

واحد کار اول

مفهوم حقوق و آشنایی با حقوق مدنی

هدف‌های رفتاری



انتظار می‌رود هنرجو پس از گذراندن این واحد کار بتواند:

- ۱- حق را تعریف کند.
- ۲- ارکان حق را نام ببرد.
- ۳- موارد حق را توضیح دهد.
- ۴- آثار حق را بیان کند.
- ۵- رابطه‌ی حق و تکلیف را شرح دهد.
- ۶- قواعد حقوقی را توضیح دهد.
- ۷- هدف حقوق را بیان کند.
- ۸- رابطه‌ی حقوق با اخلاق، مذهب و آداب و رسوم اجتماعی را شرح دهد.
- ۹- حقوق ملّی و بین‌المللی را توضیح دهد.
- ۱۰- حقوق عمومی و خصوصی را شرح دهد.
- ۱۱- حقوق مدنی را توضیح دهد.
- ۱۲- مباحث مربوط به اشخاص را در قانون مدنی نام ببرد.
- ۱۳- مفهوم اثبات دعوا و دلایل اثبات دعوا را شرح دهد.

پیش‌آزمون واحد کار اول



- ۱- حق چیست؟
 - الف) انتظاراتی که فرد از دیگران دارد.
 - ب) قدرت و توانایی‌ای که مردم برای کسی قایل‌اند.
 - ج) قدرت و توانایی‌ای که قانون برای کسی قایل است.
 - د) قدرت و توانایی‌ای که خانواده برای فرد قایل است.
- ۲- قواعد حقوقی به گونه‌ای است که ...
 - الف) باید به آن‌ها عمل شود.

ب) باید همه‌ی افراد اجتماع به آن عمل کنند.

ج) عمل نکردن به آن‌ها پی‌گرد قانونی دارد.

د) هر سه گزینه

۳- کدام یک از گزینه‌های زیر جزء حقوق مدنی نیست؟

الف) قوانین مربوط به اموال

ب) قوانین مربوط به اشخاص

ج) قوانین مربوط به کیفر مجرمین

د) قوانین مربوط به اثبات دعوی

۴- حق بهره‌مندی یا حق اجرای حقوق مدنی ...

الف) اختیاری است و افراد می‌توانند آن را از خود سلب کنند.

ب) هیچ‌کس نمی‌تواند آن را از خود سلب کند.

ج) بعضی از افراد می‌توانند آن را از خود سلب کنند.

د) با توافق افراد بین خود قابل سلب است.

مقدمه

علاوه بر آن‌که زندگانی در جمع نیاز به قانون

دارد، همه‌ی افراد جامعه نیز باید از آن قوانین آگاه

باشند و به آن عمل کنند. بنابراین، چنان‌چه فردی از آن

تخلف کرد و حقوق دیگران را زیر پا گذاشت باید

مورد تعقیب قانونی قرار گیرد تا سایر افراد از حقوق

خود بهره‌مند شوند.

۱- مفاهیم اساسی در حقوق

۱-۱ تعریف حق

حق نوعی قدرت و توانایی است که قانون برای

فرد محترم شمرده است، مانند حق مالکیت. با استفاده

انسان موجودی اجتماعی است و زندگانی در

اجتماع به نظم نیاز دارد تا همه بتوانند در کنار یکدیگر

با آرامش به سر برند. جامعه را چون خیابانی در نظر

بگیرید که هر کس به سویی در حال عبور است، یکی

به شمال می‌رود. دیگری به جنوب، یکی سوار اتومبیل

است، دیگری سوار موتور. در این میان افرادی هم

پیاده در حال رفت و آمدند. تصور کنید اگر قوانین

و مقرراتی برای عبور و مرور نباشد چه هرج و مرجی

خواهد شد؟

دیگری دارد. او می‌تواند حق خود را مطالبه کند یا آن را به بدهکار ببخشد. در بعضی از موارد حق به "فرد" تعلق می‌گیرد، مانند حق پدر نسبت به فرزند.

۴-۱ آثار حق

هر حقی دست کم باید یکی از سه اثر زیر را داشته باشد:

الف) فردی که صاحب حق است می‌تواند از حق خود بگذرد، مانند طلبکاری که حق خود را به بدهکار می‌بخشد.

ب) فردی که صاحب حق است، می‌تواند حق خود را به دیگری منتقل کند، مانند صاحب خانه‌ای که حق سکونت در ملک خود را به مستأجر منتقل می‌کند.

ج) حق این قابلیت را دارد که بدون اراده‌ی صاحب حق به دیگری منتقل شود، مانند حق ارث، به گونه‌ای که هرگاه مالک خانه‌ای از دنیا برود، حق مالکیت او به کسانی که از او ارث می‌برند، منتقل می‌شود.

توجه

بهربرداری از حق، به صاحب حق اختصاص دارد و دیگران بی رضایت او نمی‌توانند از آن حق بهره‌برداری کنند.

۵-۱ رابطه‌ی حق و تکلیف

هر فرد، در طول زندگی اجتماعی خویش، نقش‌های گوناگونی ایفا می‌کند. زمانی کودک است،

از این قدرت، افراد می‌توانند، عملی را انجام دهند یا آن را ترک کنند. واژه‌ی حق به طور معمول به معنی حق فردی یا شخصی به کار می‌رود.

توجه

آگاهی هر فرد از حقوق خود و دیگران اهمیت ویژه‌ای دارد. زیرا ناآگاهی نسبت به حقوق اجتماعی می‌تواند موجب تضییع حقوق خود و دیگران گردد.

۲-۱ ارکان حق

هر حقی سه رکن دارد:

۱. شخص یا اشخاصی که حق برای آن‌ها و به نفع آن‌هاست، مانند حق مالکیت برای مالک.
۲. شخص یا اشخاصی که در مقابل آن حق وظیفه دارند، مانند وظیفه‌ی کارمند در مقابل مزدی که دریافت می‌کند.
۳. مورد حق، یعنی آنچه حق به آن تعلق گرفته است.

۳-۱ موارد حق

مورد حق ممکن است "شیء" باشد، مانند حق مالک یک ماشین نسبت به آن ماشین.

گاهی مورد حق "منفعت" است، مانند حق کسی که خانه‌ای را اجاره کرده، نسبت به "منافع" آن خانه که سکونت در آن خانه است. حق می‌تواند به "دین" تعلق گیرد. مانند حق طلبکار نسبت به طلبی که از

داریم در هر ساعت که بخواهیم در حیاط آن بازی کنیم.

● **فریبا:** من عضو این کتابخانه‌ام. حق دارم از کتاب‌های آن استفاده کنم.

● **علی:** من این ماشین را کرایه کرده‌ام. حق دارم دوستم را هم سوار کنم.

● **فریده (به هما):** خواهرم نمی‌تواند پولی را که از تو قرض گرفته‌است، پس بدهد. من می‌گویم اشکالی ندارد، لازم نیست پولش را پس بدهی.

● **خیاط، لباسی را که مادر هستی سفارش داده، دوخته است و می‌گوید دست‌مزد دوخت لباس را بدهید.**

● **حسین:** من یک ایرانی‌ام و هجده سال دارم، پس حق رای دادن دارم.

زمانی دانش‌آموز، دانشجو، همسر، مادر، کارمند... و در هر یک از این موقعیت‌ها در مقابل افراد دیگر وظایفی به عهده دارد.

منظور از تکلیف در مباحث حقوقی، دستور و فرمانی است که در حکم وظیفه برای فرد صادر می‌شود. وظایف فرد در اجتماع مجموعه‌ی رفتارها و اعمالی است که براساس نقشی که در جامعه می‌پذیرد باید به آن عمل کند.

در قوانین و مقررات حقوقی چنانچه فرد به وظایف خویش عمل کند، صاحب حق می‌شود. کارمندی که به وظایف خویش عمل می‌کند، مستحق دریافت مزد می‌شود، اما اگر به وظایف خود عمل نکند، حق دریافت مزد ندارد. حق و وظیفه، با هم ارتباط تنگاتنگی دارند.

۱-۲ تعریف حقوق

حقوق مجموع مقرراتی است که در زمانی معین بر جامعه‌ای حکومت می‌کند و به وسیله‌ی دولت تضمین و حمایت می‌شود.

قواعد حقوقی به روابط بین افراد یک اجتماع - از آن نظر که عضوی از اعضای اجتماع‌اند - حکومت می‌کند. بنابراین، اگر انسانی تنها و دور از اجتماع فرض شود، از نظر حقوقی برای او نه حقی قابل تصور است، نه تکلیفی.

فعالیت عملی ۱

چه کسی درست می‌گوید؟

● **مژده:** من این کتاب را خریده‌ام. حق دارم آن را به پرستو هدیه دهم.

● **بیژن:** این اتومبیل برادر من است. حق دارم سوار آن شوم.

● **سحر:** پدرم برای ثبت نام من در این مدرسه، شهریه پرداخته است. من حق دارم از آزمایشگاه آن وسیله‌ای را که می‌خواهم بردارم.

● **جمشید:** ما این آپارتمان را خریده‌ایم، پس حق

۱-۲-۱ اوصاف قواعد حقوقی

هر قاعده‌ی حقوقی دارای اوصاف زیر است:

- قواعد حقوقی الزام‌آورند. یعنی افراد اجتماع باید به آن قواعد پای‌بند باشند و به آن‌ها عمل کنند.
- قواعد حقوقی کلی و دایم‌اند. به این معنی که تک تک افراد اجتماع، در هر مقامی که باشند، باید از قانون پیروی نمایند و تا زمانی که قانون حاکم است، همگان باید به آن عمل کنند.
- رعایت قواعد حقوقی از طرف دولت تضمین شده است. بنابراین اگر کسی به این قواعد بی‌اعتنا باشد و حق دیگری را پای‌مال کند، صاحب حق می‌تواند به مراجع قانونی شکایت کند. در این صورت قانون از صاحب حق حمایت و با طرف مقابل طبق قانون برخورد می‌کند.

۱-۲-۲ هدف حقوق

حقوق‌دانان برای حقوق سه هدف مهم بر می‌شمارند:

۱. ایجاد و حفظ نظم در جامعه، که از مهم‌ترین مصالح اجتماع است و بی آن افراد اجتماع هرگز به هدف‌های دیگر خود نخواهند رسید.
۲. تأمین عدالت میان افراد اجتماع؛
۳. پیشرفت تمدن و فرهنگ ملت‌ها. قواعد حقوقی با پیشرفت فرهنگ و باورهای جامعه متحول می‌شوند. پس قواعد حقوقی باید همواره با اوضاع اجتماع منطبق باشد.

فعالیت عملی ۲



- به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.
- علی فردی ایرانی است، باید از کدام قوانین پیروی کند؟
 - ساعات اول صبح است و خیابان خلوت است. آیا حتماً باید پشت چراغ قرمز توقف کرد؟
 - آقای حسینی رئیس کارخانه‌ای بزرگ است. آیا او می‌تواند اجناسی را بی‌مجوز قانونی به کشور وارد کند؟
 - شخصی با امین تصادف کرده و بنابر تشخیص مأموران راهنمایی و رانندگی مقصر شناخته شده است. آیا امین می‌تواند خسارت بگیرد؟ قانون چگونه از او حمایت می‌کند؟

۱-۳ رابطه‌ی حقوق با سایر قواعد اجتماعی

آیا تنها قواعد حقوقی است که بر اجتماع حکومت می‌کند یا این که مردم به قواعد و مقررات دیگری غیر از قوانین و مقررات حقوقی نیز پای‌بندند؟ انسان‌ها از هر قوم و نژادی که باشند، علاوه بر قواعد حقوقی، نسبت به قواعد دیگری نیز متعهد هستند. قواعدی که گاهی خود منشأ قواعد حقوقی قرار می‌گیرند.

۱-۳-۱ رابطه‌ی حقوق با اخلاق

اخلاق نیز مانند حقوق، از قانون زندگانی سخن

دولت در ایجاد این قوانین هیچ سهمی ندارد و دادگاه نیز کسی را به اجرای آن مجبور نمی‌کند ولی نیروی افکار عمومی ضامن اجرای آن‌هاست، به گونه‌ای که گاهی از قوانین نیز قوی‌ترند. اگر آداب و رسوم از چنان قدرتی برخوردار شوند که از نظر مردم اجباری و الزام‌آور جلوه کنند، "عرف" نامیده می‌شود. در واقع عرف چهره‌ای ممتاز از عادات اجتماعی است. عرف در نظام حقوق نقش کم و بیش مهمی دارد.

می‌گویید. اخلاق مجموع قواعدی است که رعایت آن‌ها برای نیکوکاری و رسیدن به کمال لازم است. قواعد اخلاقی معیار تشخیص نیکی از بدی است و انسان، بدون آن که نیازی به دخالت دولت داشته‌باشد، با وجدان خویش آن‌ها را محترم می‌شمارد و رعایت آن‌ها را اجباری می‌داند.

همان‌طور که ضوابط قانونی باعث نظم و پایداری جامعه می‌شود، ارزش‌های اخلاقی نیز به پویایی و بالندگی اجتماع کمک می‌کند.

تفاوت اخلاق و حقوق در این است که قواعد اخلاقی از طرف دولت تضمین نشده‌اند، بلکه وجدان انسان بر پای بندی به آن‌ها حکم می‌کند.

۲-۳-۱ رابطه‌ی حقوق با مذهب

مذهب مهم‌ترین منبع اخلاق است. بیش‌تر قواعدی که امروز جنبه‌ی اخلاقی دارند، ریشه در دستورهای مذهبی و اندیشه‌های بلند پیامبران دارند. رفتار عادلانه، برقراری مساوات، حمایت از ناتوانان، حفظ خانواده، پرهیز از دروغ و فریب، همه از تعالیم ابتدایی ادیان به ویژه دین اسلام است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز آمده است کلیه‌ی قوانین و مقررات باید براساس موازین اسلام باشد.

۳-۳-۱ رابطه‌ی حقوق با آداب و رسوم اجتماعی

بر هر قوم آداب و سُننی حکومت می‌کند که در تأمین نظم و صلح اجتماعی بسیار تأثیرگذار است.

فعالیت عملی ۳

کدام یک از موارد زیر اخلاقی، مذهبی یا عرفی است؟

- به جا آوردن نماز
- سیزده به در به صحرا و پارک رفتن
- به احترام ورود کسی ایستادن
- شب احیا به مسجد رفتن
- میان سخن دیگری، سخن نگفتن
- خانه تکانی
- غذا نخوردن در خیابان
- به دیدن اقوام رفتن (صله‌ی رحم)
- وفای به عهد
- هدیه دادن
- تسلیت گفتن به عزاداران
- دیگران را به کارهای نیک امر کردن
- امانت‌داری - به کمک نیازمندان شتافتن

۴-۱ رشته‌های گوناگون حقوق

اجتماع دارای واحدهای کوچک و بزرگ است. خانواده کوچک‌ترین و جامعه‌ی جهانی بزرگ‌ترین واحدهای اجتماعی انسان‌اند. از سوی دیگر اجتماعات گوناگونی مانند مدرسه، کارخانه، شرکت، وزارتخانه و ... وجود دارند، که هر یک دارای قواعد و مقررات ویژه‌ای هستند.

بنابراین حقوق نیز به رشته‌های متعدد تقسیم می‌شود.

۴-۱-۱ حقوق ملی و بین‌المللی

حقوق به دو شاخه‌ی ملی (داخلی) و بین‌المللی تقسیم می‌شود.

حقوق ملی (داخلی) عبارت است از مجموعه‌ی مقرراتی که روابط بین افراد یک کشور را با یکدیگر و با دولت خود تنظیم می‌کند.

حقوق بین‌المللی، مجموعه‌ی قوانین و مقرراتی است که بر روابط بین کشورهای مختلف حاکم است. هر یک از این حقوق به شاخه‌های متعدد تقسیم می‌شوند، که مهم‌ترین آن‌ها در جدول زیر به اختصار توضیح داده می‌شوند.

حقوق مدنی: قوانینی است که به روابط افراد در جامعه نظم می بخشد.

حقوق تجارت: مجموعه‌ی مقرراتی است که بر روابط تاجران و اعمال تجارتنی حکومت می کند.

حقوق دریایی و هوایی شاخه هایی از این حقوق اند.

حقوق کار: درباره‌ی قواعد و مقررات حاکم بر روابط کارگرو کارفرما بحث می کند.

و...

حقوق خصوصی:

قواعدی است که بر روابط خصوصی افراد یک کشور حکومت می کند و هدف آن تأمین منافع اشخاص است.

حقوق داخلی یا ملی

حقوق اساسی: درباره‌ی ساختار حکومت‌ها و دولت‌ها بحث می کند.

حقوق اداری: درباره‌ی تشکیلات و وظایف وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی بحث می کند و با حقوق اساسی رابطه‌ی بسیار نزدیک دارد.

حقوق جزا: درباره‌ی چگونگی مجازات افراد از طرف دولت، جرم و مجرم بحث می کند.

حقوق عمومی:

قواعدی است که بر روابط دولت و مأموران آن با افراد جامعه حکومت می کند و موجب نظم در سازمان‌های دولتی می شود.

حقوق

خصوصی: درباره‌ی روابط افراد در زندگی بین المللی بحث می کند.

حقوق بین المللی

عمومی: درباره‌ی روابط بین دولت‌ها و سازمان‌های بین المللی بحث می کند.

حقوق داخلی یا ملی

۵-۱ تعریف حقوق مدنی

حقوق مدنی روابط اشخاص را تنها از این لحاظ که عضو جامعه و مدینه (شهر) اند، تنظیم می‌کند. حقوق مدنی بخشی از قوانین و مقررات حاکم بر یک کشور است که همه‌ی افراد آن کشور باید به آن پای‌بند باشند.



بیش‌تر بدانید

هدف قواعد حقوق خصوصی، که قواعد مدنی شاخه‌ای از آن است، تأمین منافع اشخاص است.

۵-۱-۱ روابط افراد یک اجتماع

برای سامان بخشیدن و تنظیم روابط افراد در یک اجتماع باید این روابط شناسایی شوند. نخست باید به این پرسش پاسخ داد که چه کسی عضوی از اعضای کشور یا شهروند به حساب می‌آید و با افراد دیگر اجتماع چه روابطی دارد؟

در محیط خانه بین اعضای خانواده؛ زن، شوهر، پدر، مادر و فرزند ارتباط‌هایی وجود دارد. هم‌چنین فرد در خارج از کانون خانواده با افراد دیگر نیز ارتباط دارد؛ وسیله‌ای می‌خرد، مالی قرض می‌کند، خانه‌ای اجاره می‌دهد و ...

روابط بین افراد خانواده می‌تواند جنبه‌ی حقوقی نیز داشته باشد مانند زمانی که خواهری از برادرش

وسیله‌ای بخرد.

در این موارد ارتباط این دو فرد از نظر خریدار و فروشنده وجه قانونی می‌یابد نه از جنبه‌ی یک خواهر و برادر.



فعالیت عملی ۴

فهرستی از نوع ارتباط افرادی که در اطراف خود می‌بینید، تهیه کنید.

۵-۲-۱ مباحث حقوق مدنی

با توجه به آن‌چه درباره‌ی ارتباط افراد جامعه بیان شد، قوانین و مقررات مدنی به سه بخش کلی تقسیم می‌شود:

۱- اموال

۲- اشخاص

۳- دلایل اثبات دعوا

۵-۲-۱-۱ مبحث اموال

نخست مال را تعریف می‌کنیم، سپس درباره‌ی راه‌های مالکیت و بهره‌برداری درست از اموال گفت‌وگو می‌کنیم.

تعریف مال

در اصطلاح حقوقی مال به چیزی گفته می‌شود که قابل خرید و فروش باشد و از نظر اقتصادی ارزش مبادله داشته باشد. به عبارت دیگر، آن‌چه افراد در مقابل آن

حق بهره‌مندی یا حق اجرای حقوق مدنی را از دیگری یا از خود سلب کند. این حقوق با تولد انسان آغاز و با مرگ او تمام می‌شود.

نخست، بحث در باره‌ی این است که چه کسانی شهروند یا تبعه‌ی ایرانی به حساب می‌آیند؟ تابعیت نوعی ارتباط سیاسی و معنوی است که فردی را به کشوری مربوط می‌کند.

بیش‌تر بدانید



طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران افراد تبعه‌ی

ایران:

الف) همه‌ی کسانی‌اند که در ایران سکونت دارند مگر این که مسلّم باشد تابع کشور دیگری هستند.

ب) کسانی‌اند که پدرشان ایرانی است؛ چه در ایران متولد شده باشند و چه در خارج از ایران.

ج) کسانی‌اند که در ایران متولد شده‌اند اما هویت پدر و مادرشان معلوم نیست.

د) کسانی‌اند که در ایران متولد شده‌اند، در حالی که پدر و مادرشان تبعه‌ی خارج‌اند، با این توضیح که یکی از آن دو (پدر یا مادر) در ایران متولد شده است.

ه) کسانی که پدرشان تبعه‌ی خارجی است اما در ایران متولد شده‌اند و بلافاصله پس از رسیدن به هجده سال تمام، دست کم یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند.

و) هر تبعه‌ی خارجی که تابعیت ایران را به‌دست آورده باشد.

پول یا چیز دیگری بپردازند، مال نامیده می‌شود.

حق بهره‌برداری افراد از اموال

انسان برای زندگی به اموال گوناگون نیاز دارد. لباسی که بپوشد، غذایی که بخورد، خانه‌ای که در آن سکونت کند و ...

آیا هر کس می‌تواند برای تأمین چنین نیازهایی به دل‌خواه عمل کند؟ هر لباسی را که خواست بردارد، هر غذایی را که مایل بود بخورد و در هر خانه‌ای که پسندید زندگی کند؟

بهره‌برداری افراد از اموال باید با مجوز قانونی باشد. از نظر قانون، فردی می‌تواند از مالی بهره‌برداری کند که یا مالک آن باشد یا از راه‌های دیگر مثل اجاره، رهن و ... اجازه‌ی استفاده از آن را داشته باشد. یعنی مالک آن مال به او اجازه‌ی استفاده را داده باشد. یکی از راه‌های بهره‌برداری از اموال خرید آن‌هاست، راه دیگر مالکیت ارث است. به این معنی که اموال فرد پس از فوت او به وارثان او می‌رسد و آن‌ها مالک به حساب می‌آیند.

راه‌های دیگری هم برای مالکیت وجود دارد، مانند کسی که حیوانی غیر اهلی را شکار می‌کند، یا از دریا ماهی می‌گیرد از آن کسی دیگر نیست.

۲-۵-۱-۲ بحث اشخاص

بخش دوم قانون مدنی در خصوص اشخاص است. طبق قانون هر فرد ایرانی از حقوق مدنی جمهوری اسلامی ایران بهره‌مند می‌شود و هیچ کس نمی‌تواند

قوانین سجل احوال

این بخش از حقوق مدنی درباره‌ی ثبت اطلاعات مربوط به اشخاص است. طبق قوانین و مقررات مدنی هر فرد باید وقایعی چون ولادت هر طفل، ازدواج، طلاق و وفات را در دفاتر اسناد رسمی کشور به ثبت برساند. چنانچه این وقایع به طور رسمی ثبت نشوند، علاوه بر آن که فرد از نظر قانون مجرم شناخته می‌شود، خود نیز با مشکلاتی روبه‌رو خواهد شد. کسی که شناسنامه نداشته باشد در موارد بسیار دچار مشکل خواهد شد.

۳-۲-۵-۱ ادله‌ی اثبات دعوی

این مبحث درباره‌ی چگونگی اثبات ادعا گفت‌وگو می‌کند. هر کس می‌تواند ادعایی داشته باشد. سلمان: این خانه را برای مدت یک سال اجاره کرده‌ام.

جلال: یک میلیون تومان به پرویز قرض داده‌ام.

سهیل: این ماشین من است.

این افراد چگونه می‌توانند حرف خود را ثابت کنند؟

- یکی از راه‌های اثبات دعوی اسناد رسمی است. اگر سلمان اجاره‌نامه داشته باشد و جلال رسید کتبی یا چک از پرویز داشته باشد یا سهیل سند ماشین داشته باشد، می‌توانند ادعای خود را به اثبات برسانند.
- از راه‌های دیگر اثبات یک ادعا، اقرار است.

اقرار به معنای خبر دادن از حقی است برای دیگری و به ضرر خود فرد. مثل این که بدهکار خودش بگوید که من به فردی بدهی دارم. یا کسی که چیزی را در اختیار دارد بگوید این شیء مال من نیست و مال دیگری

توجه

هر فرد باید اسناد رسمی مربوط به خود را کاملاً حفظ و نگه‌داری کند. اسنادی چون شناسنامه، سند رسمی ازدواج، اسناد مالکیت را هرگز نباید در اختیار دیگری گذاشت، زیرا علاوه بر امکان مفقود شدن و از بین رفتن آن‌ها، امکان سوءاستفاده از آن‌ها هم وجود دارد.

قوانین مربوط به خانواده

خانواده سلول اصلی جامعه و نخستین محیط تربیتی جامعه‌سازان آینده است.

تحکیم بنیان خانواده، ایجاد صفا و صمیمیت و

چکیده

- حق نوعی توانایی است که قانون برای افراد محترم شمرده است، مانند حق مالکیت مالک نسبت به اموالش.
- حقوق مجموعه‌ای مقرراتی است که در زمانی معین بر جامعه‌ای حکومت می‌کند و به وسیله‌ی دولت تضمین و حمایت شده است.
- هدف قواعد حقوقی ایجاد نظم و عدالت در جامعه است که نتیجه‌ی آن پیشرفت فرهنگ و تمدن ملت‌هاست.
- حقوق مدنی بخشی از قوانین و مقررات حاکم بر یک کشور است. تمام روابط مالی و خانوادگی مردم تابع حقوق مدنی است. حقوق مدنی روابط اشخاص را تنها از این جهت که عضو جامعه یا شهر هستند، تنظیم می‌کند و توجهی به ویژگی‌های دیگر از قبیل شغل آن‌ها ندارد.

مسائل حقوق مدنی به طور خلاصه عبارت‌اند از:

- ۱- قوانین مربوط به اموال درباره‌ی حقوقی است که انسان به‌طور مستقیم نسبت به اشیاء دارد از قبیل مالکیت و همچنین حقوق و تعهداتی که اشخاص در برابر هم دارند از قبیل معاملات.
- ۲- قوانین مربوط به اشخاص از قبیل تابعیت، سبیل احوال، خانواده.
- ۳- قوانین مربوط به چگونگی اثبات دعوی.

است. به این وسیله حق برای دیگری اثبات می‌شود.

- از راه‌های دیگر اثبات دعوی شهادت است. شهادت به معنای خبر دادن فرد از وقوع امری است. از نظر قانونی فرد شهادت‌دهنده و واقعه‌ای که از آن خبر می‌دهد، دارای شرایط ویژه‌ای است. به شاهد گواه هم گفته می‌شود.

توجه

لازم است هر فرد کارهای خود را به گونه‌ای انجام دهد تا در موقع لزوم بتواند ادعای خود را اثبات یا ادعای دیگری را نسبت به اموال خود رد کند.

اگر پولی به کسی قرض می‌دهد از او رسید بگیرد، حتی اگر آن فرد به او نزدیک باشد. اگر خانه یا اتومبیلی می‌خرد سند آن را قبلاً ملاحظه کند. هم چنین به سند مالکیت خود پس از خرید توجه کند. اگر شیء گران‌بهای مثل فرش، طلا یا لوازم دیگر خریداری می‌کند کاغذ خرید یا فاکتور بگیرد.

فعالیت عملی ۵

سه نوع از سندهایی را که هر فرد باید داشته باشد و آن را حفظ کند نام ببرید.

در هر مورد اگر فردی آن سند را نداشته باشد با چه مشکلاتی ممکن است روبه‌رو شود؟

آزمون پایانی عملی واحد کار اول



- ۱- با پنج نفر از دوستان و آشنایان خود مصاحبه و نقش مختلف آن‌ها را در جامعه مشخص کنید. سپس از آن‌ها بپرسید که به عنوان دختر خانواده یا یک دانش‌آموز یا ... چه چیزهایی را حق خود می‌دانند و در مقابل چه وظایفی دارند. در پایان، مصاحبه‌ها را بررسی کنید و نظر خود را بنویسید.
- ۲- جدولی به صورت زیر ترسیم کنید و با مراجعه به کتاب قانون مدنی، هریک از مباحث ذکر شده را در جای خود قرار دهید: شرکت، تابعیت، اسناد، قرض، غایب مفقودالاثر، قَسَم، وکالت، صلح، شرایط صحت نکاح، الزام به انفاق، وصایا، ارث، شرایط شهادت، مهر، نگهداری و تربیت اطفال و شرایط اقرار.

اموال	اشخاص	ادله اثبات دعوا

آزمون پایانی نظری واحد کار اول



- ۱- حق به چه چیزهایی تعلق می‌گیرد؟
- ۲- تعریف حقوق را بنویسید.
- ۳- اوصاف قواعد حقوقی چیست؟
- ۴- حقوق مدنی را تعریف کنید.
- ۵- مباحث حقوق مدنی را در سه بخش کلی دسته‌بندی کنید.
- ۶- جایگاه حقوق خانواده در حقوق مدنی را تشریح کنید.

واحد کار دوم

حقوق خانواده

هدف‌های رفتاری



انتظار می‌رود هنرجو پس از گذراندن این واحد کار بتواند به هدف‌های رفتاری زیر دست یابد:

- ۱- شروط مثبت در عقد ازدواج را توضیح دهد.
- ۲- شروط منفی در عقد ازدواج را بیان کند.
- ۳- اقسام ازدواج را نام ببرد.
- ۴- حقوق غیر مالی زوجین را توضیح دهد.
- ۵- حقوق مالی در ازدواج را نام ببرد.
- ۶- مهر را تعریف کند.
- ۷- مفهوم نفقه را بیان کند.
- ۸- حقوق اختیاری را در عقد ازدواج توضیح دهد.
- ۹- حق فسخ نکاح را شرح دهد.
- ۱۰- اقسام طلاق را نام ببرد و هر یک را تعریف کند.

پیش آزمون واحد کار دوم



- ۱- از شرایطِ درستی عقد ازدواج دایم است.

الف) تعیین مهر	ب) خویشاوندی نسبی
ج) احرام	د) قصد و رضایت طرفین
- ۲- پرداخت نفقه در صورتی بر شوهر واجب است که ...

الف) عقد ازدواج دایم باشد	ب) زن بیمار باشد.
ج) زن فقیر باشد.	د) از نظر مالی توانگر باشد.
- ۳- اگر یکی از زوجین مجنون باشد و طرف مقابل قبل از عقد در این باره اطلاع نداشته باشد، حق دارد.

الف) طلاق	ب) شکایت به دادگاه	ج) فسخ نکاح	د) اعتراض
-----------	--------------------	-------------	-----------
- ۴- در طلاق رجعی مرد حق رجوع به زن را

الف) دارد بدون نیاز به موافقت او.

ب) ندارد مگر به حکم دادگاه.

ج) دارد با رضایت زن.

د) ندارد مگر در طلاق شرط کرده باشد.

۵- ازدواج و طلاق نیاز به دارد.

الف) ثبت در دفاتر رسمی

ج) قرار دادن شروط ضمنی

ب) شهودی که این وقایع را گواهی دهند.

د) اجازه‌ی والدین

مقدمه

زندگی مشترک، علاوه بر میل و رضایت دختر و پسر، رضایت خانواده‌های ایشان هم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۲-۱-۲ نامزدی

گاهی دو نفر که تصمیم به ازدواج باهم گرفته‌اند و شرایط یکدیگر را پذیرفته‌اند، به دلایلی پیمان نهایی را نمی‌بندند، اما برای این که زمینه‌ی ازدواج را آماده سازند و در آینده نیز به وقوع آن اطمینان داشته باشند، در برابر هم متعهد می‌شوند که فعلاً نامزد شوند تا در آینده با هم ازدواج کنند. البته این قرار با مشورت و صلاح دید دو خانواده صورت می‌گیرد. باید توجه داشت که در دوران نامزدی و قبل از ازدواج، زن و مرد، همسر یکدیگر محسوب نمی‌شوند و اگر با مسائلی روبه‌رو شدند و ازدواج را به مصلحت خود ندیدند، حق دارند قرار را به هم بزنند. در این صورت اگر زن یا مرد یا خانواده‌های ایشان هدایایی به طرف مقابل داده باشند، می‌توانند آن را مطالبه کنند.

از دیدگاه اسلام ازدواج و تشکیل خانواده امر مقدسی است که روح و جسم دو انسان را به یکدیگر پیوند می‌زند. قوام و دوام جامعه نیز بستگی به دوام و قوام خانواده دارد. در همین کانون گرم خانوادگی است که تکامل، رشد و سعادت زن و مرد و نسل آینده فراهم می‌شود.

۲-۱-۱ مقدمات ازدواج

۲-۱-۱-۱ خواستگاری

از مقدمات ازدواج، که در ایران مرسوم است، مراسم خواستگاری است. این سنت ریشه‌ی مذهبی دارد و از نظر قانونی نیز بدان توجه می‌شود. خواستگاری تقاضای ازدواج از زن است که سبب آشنایی دو خانواده و دو فرد می‌شود و می‌تواند فرصت خوبی برای شناخت دختر و پسر باشد.

در جامعه‌ی ایران به دلیل وابستگی شدید افراد خانواده به یکدیگر، برای ایجاد تداوم و استحکام



قبل از عقد ازدواج هر یک از طرفین حق دارند از طرف مقابل گواهی سلامت بیماری‌های ارثی، ژنتیکی، جنسی و روانی را بخواهند و با افراد صلاحیت دار در این خصوص مشورت کنند.

۲-۲ شروط ازدواج

عقد نکاح که پیمانی مقدس است، ناگزیر شروطی دارد. بعضی از آن‌ها برای درستی نکاح لازم‌اند که به آن‌ها شروط مثبت گفته می‌شود و بعضی از شروط نباید وجود داشته باشند تا عقد ازدواج درست باشد که به آن‌ها شروط منفی یا موانع نکاح می‌گویند.

۲-۲-۱ شروط مثبت

نخستین شرط، قصد و رضایت طرفین ازدواج به پیوند زناشویی است. به این معنی که زن و مرد باید قصد ایجاد زندگی مشترک داشته باشند و با رضایت باطنی با یکدیگر پیمان ازدواج ببندند.

از شروط دیگر، سلامت عقل و رعایت سن ازدواج است. از نظر قانون، ازدواج قبل از سن بلوغ ممنوع است، مگر در موارد ویژه‌ای که قانون معین کرده باشد.

برای ازدواج با دختر باکره، رضایت پدر دختر لازم است، گرچه دختر به سن بلوغ رسیده باشد. برای تحقق پیمان زناشویی حتی با وجود این شرایط و نبودن

مواعی که ذکر خواهد شد، باید صیغه‌ی عقد جاری و در دفتر اسناد رسمی ثبت شود. ثبت نکردن ازدواج جرم محسوب می‌شود.

۲-۲-۲ شروط منفی

ازدواج با بعضی از افراد ممنوع است. مهم‌ترین موارد آن عبارت‌اند از:

الف) خویشاوندان نسبی یعنی کسانی که با شخص نسبت خونی دارند مانند خواهر و برادر، خاله، دایی و...

ب) خویشاوندان سببی یعنی کسانی که به سبب ازدواج دو نفر با یکدیگر، با آن‌ها نسبت پیدا کرده‌اند. با بعضی از ایشان هیچ‌گاه نمی‌توان ازدواج کرد مانند زن پدر و مادر زن.

با بعضی دیگر به طور موقت ازدواج ممنوع است، مانند خواهر زن. بدین معنی که مرد نمی‌تواند تا زمانی که زنی همسر اوست با خواهر آن زن هم ازدواج کند. بنابراین ازدواج با دو خواهر به طور هم‌زمان ممنوع است.

ج) ازدواج با کسانی که از طریق رضاع یا شیرخوارگی به انسان محرم شده‌اند، ممنوع است مانند خواهر رضاعی و مادر رضاعی. البته این در صورتی است که تمام شرایط شیرخوارگی که در قانون ذکر شده است، وجود داشته باشد.

د) ازدواج با زن شوهردار، زنی که در ایام عده به سر می‌برد، هم چنین ازدواج در حال احرام ممنوع

می‌شوند برای همیشه در کنار یکدیگر زندگی کنند و هدف از آن تشکیل خانواده است.

۲-۳-۲ ازدواج منقطع

گاهی به دلایلی زن و مرد می‌خواهند تنها برای مدت معینی عقد نکاح بین آن‌ها واقع شود. در این صورت مدت نکاح و مهر را باید کاملاً مشخص کنند. به این ازدواج، ازدواج منقطع یا موقت گفته می‌شود و در آن تشکیل خانواده در نظر نیست. ازدواج موقت به همان شرایط ازدواج دائم نیاز دارد، از قبیل قصد و رضایت طرفین، رضایت پدر دختر باکره و خواندن صیغه عقد.

۲-۴ حقوق و تکالیف متقابل زن و شوهر

پس از وقوع نکاح، زن و شوهر حقوق و تکالیف متقابلی پیدا خواهند کرد. در حقیقت حق یک طرف، تکلیف دیگری است. این حقوق را می‌توان به دو بخش مالی و غیرمالی تقسیم کرد:

۲-۴-۱ حقوق غیر مالی

در قوانین جمهوری اسلامی ایران، به تحکیم و استواری بنیان خانواده توجه شده است.

در حقوق اسلامی زن و شوهر وظایف زیر را بر عهده دارند:

- رفتاری نیکو نسبت به یکدیگر داشته باشند.
- در گرما بخشیدن به کانون خانواده و تربیت فرزندان یکدیگر را یاری کنند.
- بر اساس مصالح خانواده عمل کنند، به طوری که

است.

هـ- ازدواج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان جایز نیست. به علاوه ازدواج زن ایرانی با مرد تبعه‌ی خارجی گرچه مسلمان باشد، به اجازه‌ی مخصوص از طرف دولت نیاز دارد.

فعالیت عملی ۱



- پروانه به فردی علاقه‌مند شده و مایل است با او ازدواج کند، در حالی که خانواده‌ی او از این موضوع اطلاعی ندارند. چه سفارش‌هایی برای او دارید؟
- بین شهرام و مژگان صیغه‌ی شرعی جاری شده است، آیا به ثبت در دفتر اسناد رسمی نیز نیاز است؟ چرا؟
- مادر پرستو، پسرخاله‌ی او را با تمام شرایط لازم برای محرمیت شیر داده است، آیا این دو نفر می‌توانند با هم ازدواج کنند؟
- عسل با مردی که تبعه‌ی گرجستان است قصد ازدواج دارد، به چه مواردی باید توجه کند؟

۲-۳ اقسام ازدواج

ازدواج به دو قسم دائم و منقطع تقسیم می‌شود که در بعضی آثار و احکام با یکدیگر تفاوت دارند.

۲-۳-۱ ازدواج دائم

بیش‌ترین ازدواجی که صورت می‌گیرد، عقد ازدواج دائم است. در این نوع نکاح زن و مرد متعهد

سند ازدواج ثبت می‌شود، در اصطلاح "مهرالمسمی" می‌گویند.

اگر قبل یا پس از عقد مقدار مهریه مشخص نشده‌باشد و از آن نامی برده نشود، عقد ازدواج دایم صحیح است، اما ازدواج منقطع بدون ذکر مهر باطل است.

با انجام عقد نکاح زن مالک مهر می‌شود و هر تصرفی در مهر برای او جایز است. اگر مهر وجه رایج (پول) باشد بر طبق قانون، در زمان پرداخت، با ارزش همان زمان محاسبه و پرداخت می‌شود، مگر این که زن و شوهر در حین اجرای عقد به نحو دیگری توافق و آن را ثبت کنند.

حتی حرفه، صنعت و شغل آن‌ها با مصالح خانوادگی طرفین منافات نداشته باشد.

● زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند، سکونت کند مگر آن که اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد زیرا در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهر است.

● به نظر یکدیگر توجه کنند.

● به وظایف زناشویی خود عمل کنند. در قانون به انجام وظایف زن در برابر شوهر ((تمکین خاص)) گفته می‌شود. تمکین از وظایف زن و حقوق شوهر شمرده می‌شود.

۲-۴-۲ حقوق مالی

در عقد ازدواج حقوق مالی تنها به زن اختصاص دارد، مگر آن که مرد حق یا حقوق مالی به نفع خود در عقد ازدواج شرط کرده باشد. حقوق مالی زن شامل دو بخش می‌شود؛ مهر و نفقه.

۱-۲-۴-۲ مهر

مهر یا صدق، مالی است که مرد هنگام عقد آن را به زن پیشکش می‌کند یا متعهد می‌شود در آینده به او بپردازد. هر چیزی که مال به حساب آید و بتوان آن را مالک شد، می‌تواند مهر قرار گیرد. مقدار مهر به رضایت طرفین بستگی دارد و مرسوم است که قبل از عقد درباره‌ی میزان و نوع مهر توافق شود. گاهی نیز پس از عقد، طرفین مقدار آن را معین می‌کنند و به هر حال در سند ازدواج ثبت می‌شود. به این مهر که در

توجه

درست است که زن به مجرد خوانده شدن عقد مالک مهر می‌شود، اما اگر قبل از زناشویی طلاق رخ دهد، نصف مهر حق او خواهد بود و اگر همه‌ی مهر را دریافت کرده باشد، باید نیمی از آن را به مرد برگرداند.

۲-۴-۲-۲ نفقه

نفقه عبارت است از مسکن، خوراک، پوشاک و لوازم منزل که به طور متعارف مناسب موقعیت زن باشد. هزینه‌های درمانی و بهداشتی نیز از نفقه محسوب می‌شوند. اگر زن عادت به خدمتکار داشته باشد، یا به

با بستن پیمان زناشویی بر زن و مرد تعلق می‌گیرد، اما زن و شوهر می‌توانند نسبت به امور دیگری نیز با هم توافق کنند و آن‌ها را ضمن عقد ازدواج شرط کنند. مثل این که زن شرط کند در محل خاصی اقامت داشته باشد یا این که مرد شرط کند که زن بعضی از لوازم منزل را تهیه کند. به این شروط «شروط ضمن عقد» گفته می‌شود.

چنانچه در موردی زن و مرد توافق کنند، برای آن که این توافق از نظر قانونی هم ضمانت اجرایی داشته باشد باید در متن عقدنامه نیز ذکر شود.

البته بعضی از شرط‌ها باطل‌اند، مانند شرطی که مخالف شرع مقدس اسلام باشد یا شرطی که انجام دادن آن برای طرف مقابل مقدور نباشد.

در قباله‌های نکاح، که پس از پیروزی انقلاب اسلامی تنظیم شده است، مواردی به عنوان شروط ضمن عقد چاپ شده است. طرفین می‌توانند با تأیید هر یک از این شروط، بعضی از آن‌ها و یا همه‌ی آن‌ها را بپذیرند و امضا کنند، چنانچه طرفین با امضای خود موافقت و رضایت‌شان را نسبت به آن شرط اعلام کنند باید به آن‌ها عمل کنند.

فعالیت عملی ۳



شروط ضمن عقد ثبت شده را در یک قباله‌ی نکاح (ازدواج) ببینید.

● به نظر شما کدام یک از شروط لازم است؟

دلیل بیماری نیاز به خدمتکار داشته باشد، خدمتکار نیز از نفقه به حساب می‌آید. در زمان کنونی لوازمی چون جاروی برقی و ماشین لباسشویی را جانشین خدمتکار می‌دانند. در عقد ازدواج دایم بر عهده‌ی مرد است که نفقه‌ی زن را بپردازد و اگر به این وظیفه‌ی خود عمل نکند زن می‌تواند به دادگاه مراجعه کند و از طریق قانون حق خود را مطالبه کند. البته چنان که زن بدون دلیل و مجوز شرعی از انجام وظایف زناشویی خودداری کند، مستحق نفقه نیست.

در ازدواج موقت زن حق نفقه ندارد، مگر آن که از آغاز شرط کرده و شوهر این شرط را پذیرفته باشد.

فعالیت عملی ۲



● فهرستی تهیه کنید و در آن انتظارات خود را از همسر آینده‌تان بنویسید. سپس خودتان داوری کنید کدام یک حق شما و کدام یک انتظار شماست؟
● به نظر شما مهر باید بر چه اساسی تعیین شود؟ می‌توانید با چند نفر در این باره مشورت و سپس نتیجه را ارزیابی کنید.

● فرشته می‌گوید: همسر من باید هر چه می‌خواهم برایم فراهم کند، زیرا او باید نفقه‌ی مرا بپردازد. چه سخنی با او دارید؟

۳-۴-۲ حقوق اختیاری

حقوقی که بیان شد لازمه‌ی عقد ازدواج است و

۲-۵-۲- طلاق

تقدس ازدواج و لزوم استحکام هر چه بیش تر کانون خانواده جای بحث ندارد. در مواردی که مشکلات قابل حل باشند، باید با تمام توان و به کارگیری همه‌ی عوامل به حل آن‌ها پرداخت. مشورت با افراد متخصص و دل‌سوز می‌تواند در موارد بسیاری راه‌گشا باشد. اما گاهی طلاق اجتناب‌ناپذیر است. در این موارد، شروط و مقررات ویژه‌ای برای این آخرین راه ذکر شده است که با وجود آن‌ها، طلاق به طور صحیح واقع می‌شود و بدون آن‌ها طلاق باطل است.

فعالیت عملی ۴



کدام یک از نکته‌های زیر در ایجاد فاصله بین همسران اثر بیش‌تری دارد؟ آیا می‌توانید نکته‌های دیگری اضافه کنید؟

- آشنابودن با خصوصیات طرف مقابل
- توجه به سخنان منفی دیگران
- مقایسه‌ی امکانات خود با دیگران
- اجازه‌ی مداخله‌ی بی‌جا به دیگران دادن
- نداشتن حس مسئولیت در زندگی شخصی
- تغییر معیارهای انتخاب همسر پس از ازدواج
- مواجه شدن با مشکلات

• آیا شرطی هست که در نظر شما باشد، اما در بین آن‌ها نیامده باشد.

۲-۵-۱ جدایی

جدایی زن و شوهر از یکدیگر به سه صورت اتفاق می‌افتد: فوت یکی از زوجین، فسخ عقد نکاح به وسیله‌ی زن یا شوهر و طلاق.

۲-۵-۱-۱ حق فسخ نکاح

فسخ نکاح عبارت است از برهم زدن عقد نکاح بر اساس مجوز قانونی که یکی از دو طرف عقد در دست دارد.

برای جلوگیری از ضرر طرفین، با وجود بعضی عیوب جسمی یا روانی مانند جنون، طرفین حق فسخ نکاح را دارند. این امراض در قانون نام برده شده‌اند و تشخیص ابتلای به آن به عهده‌ی پزشک است. البته فرد در صورتی حق فسخ دارد که قبل از ازدواج از بیماری همسرش اطلاع نداشته باشد یا آن که پس از ازدواج و اطلاع از بیماری به آن رضایت نداده باشد.

توجه



حق فسخ نکاح فوری است. بنابراین، اگر کسی از بیماری طرف مقابل آگاه شود و اقدام به فسخ نکند، این تأخیر به منزله‌ی رضایت او به عیب است و موجب از بین رفتن حق فسخ نکاح خواهد بود.

۲-۵-۲-۱ حق طلاق

طبق قانون، طلاق به اراده‌ی شوهر واقع می‌شود، اما منظور این نیست که زن هرگز نتواند درخواست طلاق کند یا رأی دادگاه هیچ اثری بر وقوع طلاق نداشته باشد. زن حق دارد که با شروط معین، اجبار مرد به طلاق را از دادگاه بخواهد، یا این که ضمن عقد ازدواج شرط کند در وضعیتی معین از طرف مرد وکالت داشته باشد که طلاق را واقع سازد.

از سوی دیگر این سخن که مرد حق طلاق دارد، به این معنی نیست که هر وقت و بدون دلیل بتواند این کار را انجام دهد. بلکه در این خصوص قانون دخالت می‌کند و طبق قانون هم مرد و هم زن مکلف‌اند برای درخواست طلاق به دادگاه مراجعه کنند. تنها پس از رسیدگی دادگاه و احراز گواهی عدم امکان سازش، می‌توانند به دفترخانه و ثبت طلاق مراجعه کنند.

۲-۵-۲-۲ اقسام طلاق

طلاق بر دو قسم رجعی و باین تقسیم می‌شود. قبل از بیان هر یک باید بدانیم عده چیست؟ عده عبارت است از مدتی که تا سپری شدن آن، زنی که از شوهرش جدا شده است، نمی‌تواند شوهر دیگری اختیار نماید. مدت عده در پی فوت شوهر، باردار بودن زن و موارد دیگر متفاوت است.

طلاق رجعی

در این طلاق، مرد حق دارد در مدت عده‌ی زن با او آشتی کند. در این صورت پیوند زناشویی مجدداً

برقرار می‌شود، بدون آن که نیاز به وقوع صیغه‌ی عقد ازدواج باشد. البته پس از آشتی و پیوند دوباره باید به دفاتر ثبت مراجعه کنند و این رجوع ثبت شود تا از نظر قانونی هم زن و شوهر محسوب شوند.

هنگام طلاق، اگر زن مالی به مرد ندهد و نوع طلاق را مشخص نکند، طلاق رجعی خواهد بود، زیرا رجعی بودن طلاق حالت عادی جدایی است.

در طلاق رجعی، در ایام عده‌ی زن، مرد ملزم به پرداخت نفقه‌ی اوست و در صورت فوت هر یک از زوجین در این ایام، دیگری از او ارث می‌برد.

طلاق باین

در این طلاق مرد حق رجوع و ادامه‌ی زندگی زناشویی را ندارد. مگر آن که عده سپری شود و با رضایت زن، بار دیگر او را به عقد خود در آورد.

در بعضی موارد طلاق باین، زن به میل خود مالی به مرد می‌بخشد که بر حسب نوع طلاق باین، ممکن است به مقدار مهر یا بیش تر یا کم تر از آن باشد. زن در ایام عده در طلاق باین حق دریافت نفقه ندارد مگر آن که باردار باشد.

فعالیت عملی ۵



● شوهر سمیرا پس از طلاق به او رجوع کرده است و آن‌ها به خوبی با هم زندگی می‌کنند، اما رجوع، ثبت نشده است، ثبت نشدن رجوع چه عواقبی برای آن‌ها دارد؟

قانونی نمی‌گنجد و باید در دانش‌های ویژه‌ی خود جست و جو شوند.

هدف قانون‌گذار در تنظیم روابط پدر و مادر و فرزندان حمایت از کودک است و در این راه هم تلاش کرده است. از دیدگاه قانونی نخستین حق هر کودک به رسمیت شناختن او در اجتماع است، سپس نگهداری و تربیت او.

فعالیت عملی ۶

به نظر شما یک زن و شوهر قبل از بچه‌دار شدن باید به چه نکاتی توجه کنند و چه آمادگی‌هایی در خود به وجود آورند؟ فهرستی از آن تهیه کنید.

۱-۶-۱-۲ گرفتن شناسنامه

شناسنامه در واقع رونوشت سند ولادت است که از طرف مأمور ثبت احوال به اشخاص داده می‌شود. وظیفه‌ی پدر و پس از او مادر است که ولادت طفل را به مراجع خاص اعلام کند و برای کودک شناسنامه بگیرد. شناسنامه سندی رسمی است که همه‌ی مراجع رسمی آن را می‌پذیرند.

۲-۶-۱-۲ حضانت

حضانت، قدرتی است که قانون به منظور نگهداری و تربیت اطفال به پدر و مادر آنان اعطا کرده است. حضانت هم تکلیف پدر و مادر است و هم حق ایشان. منظور از تکلیف این است که هیچ یک از پدر و مادر

• آیا ثبت نشدن رجوع برای فرزند احتمالی ایشان در آینده هم ضرری دارد؟

۲-۶ حقوق کودک

یکی از انگیزه‌های مهم تشکیل خانواده داشتن فرزند است. اتحاد زن و شوهر و وابستگی خونی و اخلاقی فرزندان خانواده به آنان، موجب می‌شود که یکی از طبیعی‌ترین واحدهای اجتماعی به وجود آید. عشق و محبت به فرزند از طرف خداوند در نهاد پدر و مادر به ودیعه گذاشته شده است. اما قانون نیز وظیفه دارد از حقوق کودک پاسداری کند. حقوق کودک را می‌توان به دو بخش مالی و غیرمالی تقسیم کرد.

۱-۶-۲ حقوق غیر مالی کودک

چنان که انجام هر کاری نیاز به فراهم آوردن مقدمات آن دارد، رشد و پرورش نسل آینده، که اهمیت ویژه‌ای برای امروز و فردای جامعه دارد نیز، به تهیه‌ی مقدمات خاص خود نیاز دارد. در قوانین اسلامی برای کودک حتی قبل از تولد حقوقی ذکر شده است؛ هم چون حق حیات. به همین دلیل سقط جنین جرم شناخته می‌شود، در حالی که در بسیاری از کشورها جرم محسوب نمی‌شود. در آموزه‌های دینی به آمادگی جسمی، روحی و روانی پدران و مادران آینده توجهی ویژه شده است. امروزه علوم پزشکی، روان‌شناسی، تربیتی و ... به این آمادگی تأکید دارند. اما بسیاری از این آموزه‌ها در قالب‌های حقوقی و

بر معاشرت‌های کودک علاوه بر نگهداری، جنبه‌ی تربیتی هم دارد.

فعالیت عملی ۲



با توجه به مفهوم حضانت، فهرست مشروحی از حقوق کودک را در این باره تهیه کنید.

۳-۱-۶-۲ مسئول امر حضانت

حضانت حق و وظیفه‌ی پدر و مادر کودک است. تا زمانی که پدر و مادر زنده‌اند و شایستگی نگهداری فرزند خود را دارند، حضانت با آنان است. در صورت فوت یکی از آن دو، حضانت کودک با فردی است که زنده است.

در مواردی که زن و شوهر از یکدیگر جدا شوند دیگر همکاری آنان برای حضانت طفل، به گونه‌ای که در زمان زوجیت وجود داشت، امکان ندارد. پس ناچار باید کودک را به یکی از آن دو سپرد.

طبق قانون، مادر تا هفت سال بر پدر مقدم است و پس از آن اولویت با پدر خواهد بود. در هر صورت طفل از نظر قانونی حق ملاقات دیگری (پدر یا مادر) را دارد و نمی‌توان کودک را از چنین حقی محروم ساخت. در تمام مواردی که ذکر شد کسی که حضانت طفل را بر عهده دارد باید شایستگی و صلاحیت لازم را داشته باشد. چنانچه بر اثر مواظبت نکردن یا داشتن انحطاط اخلاقی پدر یا مادر، سلامت جسمی یا تربیت اخلاقی کودک در معرض خطر باشد، مراجع قانونی

حق ندارند در مدتی که حضانت به عهده‌ی آن هاست از نگهداری طفل امتناع کنند.

نگه‌داری شامل همه‌ی کارهایی است که برای سرپرستی و مواظبت از کودک لازم است.

گرچه نمی‌توان همه‌ی آن چه را که کودک به آن نیاز دارد، نام برد اما مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- نیازهای جسمی: این نیازها از طریق فراهم کردن محیط زندگی سالم رفع می‌شوند. تأمین مسکن مناسب، خوراک و پوشاک مناسب، رعایت مسائل بهداشتی (مراجعه‌ی به موقع به پزشک و تزریق واکسن) و... مواردی از این نیازهاست.

- نیازهای روحی و روانی: ایجاد امنیت روانی، فراهم آوردن وسایل تفریح و شادی کودک، برقراری آرامش و عشق و صمیمیت در محیط خانواده و رفتارهای مناسب تربیتی از جمله موارد بسیار مهم این نیازهاست.

گرچه طبق قانون پدر و مادر حق تنبیه طفل خود را دارند ولی باید راه و روش درست تنبیه را بشناسند. تنبیه باید با نوعی ملایمت و انعطاف، که لازمه‌ی امور تربیتی است، همراه باشد. تربیت، خود دانشی است که پدر و مادر باید آن را فرا گیرند.

به هر حال مراقبت و نظارت پی‌گیر سلامت روح و جسم کودک از وظایف پدر و مادر و حقوق کودک است. از این رو کودک نیز بدون اجازه‌ی سرپرست خود نباید از محل سکونت خود خارج شود. نظارت

۳-۶-۲ ولایت

ولایت در روابط خانوادگی، عبارت از اقتداری است که قانون‌گذار به منظور اداره‌ی امور مالی کودک و افراد ناتوان دیگری که در قانون تعیین شده‌اند، به پدر و جدّ پدری اعطا کرده است.

افرادی که به سن بلوغ نرسیده‌اند و از نظر حقوقی به آن‌ها «صغیر» گفته می‌شود، نمی‌توانند در اموال خود تصرفی کنند. مثلاً اگر مالی دارند آن را بفروشند. به منظور حفظ مصالح مادی افراد صغیر و لّی ایشان با توجه به مصلحت صغیر در اموال او تصرف می‌کند. ولایت کودک به عهده‌ی پدر و جدّ پدری است. با این حال اگر آن‌ها رعایت مصلحت صغیر را نکنند و مرتکب اقداماتی شوند که موجب ضرر صغیر شود ولایت ایشان طبق قانون ساقط می‌شود.

چکیده

در قانون مدنی، درباره‌ی مقدمات ازدواج، شروط آن، به ویژه حقوق متقابل همسران به طور مشروح بحث شده است، زیرا در حقوق اسلام، حفظ، بقا و استحکام قانون خانواده اهمیتی بسیار دارد. بخشی از حقوق همسران مالی و بخشی دیگر غیر مالی است. حقوق مالی شامل مهر و نفقه است که به زن تعلق دارد و از تعهدات شوهر محسوب می‌شود. بخشی از حقوق غیر مالی ویژه شوهر است، بخش

طبق مقررات، مداخله و به مصلحت کودک عمل می‌کنند. از مصادیق عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی، اعتیاد زیان‌آور به الکل، مواد مخدر، قمار، اشتها به فساد اخلاق، سوءاستفاده از طفل یا اجبار او به ورود به مشاغل ضد اخلاقی، تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف و ابتلا به بیماری‌های روانی (با تشخیص پزشکی قانونی) نام برده شده است.

۲-۶-۲ حقوق مالی کودک

نگه‌داری کودک و تربیت او مخارجی دارد که بر اساس قانون، پدر وظیفه دارد این هزینه‌ها را بپردازد. این هزینه‌ها شامل ضروریات زندگی می‌شود و به آن نفقه می‌گویند. امروزه باسواد شدن و تحصیل کردن نیز از ضروریاتی است که مخارج آن باید پرداخت شود. چنانچه پدر از این وظیفه سرباززند، از طرف مراجع قانونی ملزم به انجام تکلیف خواهد شد. در هیچ صورت کسی نیز حق ندارد کودک را به کار گیرد. این کار پیگرد قانونی دارد.

البته در جوامعی هم چون جامعه‌ی ما، بیش‌تر پدران تمایل دارند به خواست‌های به حق فرزندانشان پاسخ مثبت دهند. اما باید توجه داشت که الزام قانونی پدر به پرداخت نفقه‌ی فرزند به آن معنا نیست که او وظیفه دارد هرگونه خواست فرزند را برآورده سازد. بلکه پدر باید در حد توان مالی خود و به منظور رشد و تکامل فرزند، نیازهای ضروری او را مرتفع سازد.

۸- حضانت را به طور خلاصه تعریف کنید.

۹- حضانت به عهده‌ی چه کسانی است؟

۱۰- ولایت در روابط خواندگی چیست؟

آزمون پایانی عملی واحد کار دوم



گروه‌هایی چهار نفری تشکیل دهید و با یکدیگر نمایش‌نامه‌ای درباره‌ی یک زندگی مشترک موفق بنویسید و نقش زن و شوهر و فرزند یا فرزندان را در ایجاد موفقیت خانوادگی مشخص و سپس آن را برای دوستان خود اجرا کنید.

دیگری از این حقوق که شامل رفتارهای شایسته در همه‌ی زمینه‌هاست به هر دو تعلق دارد. در زندگی مشترک شاید حقوق غیر مالی اهمیت بیش‌تری داشته باشد، به طوری که حقوق مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بخش دیگری از حقوق خانواده درباره‌ی مسائل مربوط به جدایی، طلاق و حقوق مربوط به آن است. حقوق کودک از مباحث مهم حقوق خانواده است و می‌توان آن را زیر عناوین حضانت، ولایت قهری و الزام به انفاق و ... بررسی کرد. بخشی از این قوانین به روابط عاطفی والدین و فرزند می‌پردازد و برای حمایت جسمی و شخصیت کودک وضع شده‌اند و مباحث دیگر به اداره‌ی دارایی کودکان مربوط می‌شود.

آزمون پایانی نظری واحد کار دوم



- ۱- شروط مثبت در عقد ازدواج را نام ببرید.
- ۲- درباره‌ی شروط منفی عقد ازدواج به طور خلاصه توضیح دهید.
- ۳- منظور از حقوق غیر مالی چیست؟ مصادیقی را بیان کنید.
- ۴- حقوق مالی زن را نام ببرید.
- ۵- نفقه چیست؟
- ۶- فسخ نکاح به چه معناست؟
- ۷- اقسام طلاق را به طور خلاصه توضیح دهید.

واحد کار سوم

قوانین ارث

هدف‌های رفتاری

انتظار می‌رود هنرجو پس از گذراندن این واحد کار بتواند به هدف‌های زیر دست یابد:

- ۱- حالات احتمالی وصیت را شرح دهد.
- ۲- موجبات ارث را توضیح دهد.
- ۳- درباره‌ی طبقات ارث توضیح دهد.
- ۴- درباره‌ی سهم ارث افراد طبقه‌ی اول توضیح دهد.
- ۵- سهم ارث همسران را به طور مشروح توضیح دهد.

پیش‌آزمون واحد کار سوم

- ۱- چنانچه اموال مُتوفایی کم‌تر از دیون او باشد ...
(الف) تا مقداری که مال هست، بدهی بدهکاران پرداخت می‌شود.
(ب) اموال به نسبت دیون میان بدهکاران تقسیم می‌شود.
(ج) خویشاوندان طبقه‌ی اول متوفا باید بدهی‌های او راپردازند.
(د) مدیون از دنیا رفته و دیگران متعهد نیستند دیون بدهکاران را پردازند.
- ۲- در کدام یک از موارد زیر باید به وصیت عمل شود؟
(الف) وصیت کم‌تر از ثلث اموال باشد.
(ب) وصیت به میزان ثلث اموال باشد.
(ج) وصیت بیش از ثلث اموال باشد.
(د) دو گزینه‌ی الف و ب.
- ۳- خویشاوندان نسبی متوفا بر حسب از او ارث می‌برند.
(الف) نزدیکی به متوفا (ب) طبقات ارث (ج) دو گزینه‌ی الف و ب (د) وصیت متوفا
- ۴- ارث زن یا شوهر از همسر متوفای خود برداشته می‌شود.
(الف) پس از برداشت سهم خویشان نسبی (ب) در ابتدا و اصل مال
(ج) همزمان با سهم خویشان نسبی محاسبه (د) در صورت عقد دایم از اصل ترکه
- ۵- زن از قیمت از اموال شوهر متوفای خود ارث می‌برد.
(الف) ساختمان و درختان (ب) زمین (ج) اموال منقول (د) ساختمان

مقدمه

آن‌ها رسیده باشد، خواه نرسیده باشد، از اموال برداشته می‌شود.

چنان‌چه متوفاً مهر همسرش را نپرداخته باشد، مهر نخستین بدهی او محسوب می‌شود و از اصل مال برداشته می‌شود، سپس بدهی‌های دیگر پرداخت می‌گردد. در این صورت سه حالت متصور است:

۱- مال به میزان دیون باشد و با پرداخت دیون به اتمام رسد. در این صورت دیگر مالی برای به ارث رسیدن نیست.

۲- مال کم‌تر از دیون باشد، در این صورت به نسبت دیون میان بدهکاران تقسیم می‌شود.

۳- مال بیش از دیون باشد، در این صورت، پس از پرداخت دیون مال باقی‌مانده به ارث می‌رسد.

ج) حقوق اجتماعی نسبت به مال میت که مالیات بر ارث است و به دولت پرداخت می‌شود.

توجه

چنان‌چه به هر عنوانی مالی به دیگری می‌دهید، از او مدرکی قانونی مانند چک بگیرید. شاید در آینده ناچار به اثبات طلب خود باشید.

۱-۱-۳ وصیت

هر فرد حق دارد در زمان حیات خویش درخواست‌هایی برای پس از مرگ خود داشته باشد. به این درخواست‌ها «وصیت» گفته می‌شود. وصیت

انسان در دوران زندگی، برای تأمین نیازهای گوناگون خود دست به فعالیت می‌زند و لوازمی از قبیل مسکن، محلی برای کار، لوازم منزل، زمین، باغ و ... برای خود تهیه می‌کند. این اموال، پس از مرگ فرد، به چه کسی یا چه کسانی می‌رسد؟ در بعضی کشورها این اموال از اموال عمومی محسوب می‌شود و دولت در آن تصرف می‌کند.

در نظام قانونی جمهوری اسلامی ایران که برگرفته از احکام اسلام است، این اموال با شروط و ویژه‌ای به خویشاوندان در گذشته تعلق می‌گیرد.

این قوانین به طور مشروح زیر عنوان «وصایا» و «ارث» در قانون مدنی آمده است.

۱-۳ مال مورد ارث

با مرگ یک فرد اموال او به وارث یا وارثان می‌رسد. برای محاسبه‌ی این اموال، ابتدا چنان‌چه متوفاً (در گذشته) از فرد یا افرادی طلبکار بوده است، باید طلب‌ها وصول گردد و به اموال دیگر اضافه شود. از طرف دیگر بخش‌هایی از مال جدا می‌شود و باقی‌مانده‌ی مال که «ترکه» نام دارد، به بازماندگان می‌رسد. مواردی که از مال خارج می‌شود به شرح زیر است:

الف) مخارج مربوط به کفن و دفن.

ب) حقوق خصوصی افراد نسبت به مال میت؛ یعنی بدهی‌های میت در زمان حیات، خواه موعد پرداخت

فعالیت عملی ۱



درباره‌ی پرسش‌های زیر در کلاس بحث کنید:

- پدر علی از دوستش یک میلیون تومان طلب دارد و چکی به همین مبلغ برای شش ماه آینده در دست اوست. دوست او به تازگی فوت کرده است. آیا پدر علی باید به وارثان مراجعه کند یا باید شش ماه صبر کند تا تاریخ سررسید چک برسد؟

- مادر بزرگ پریسا به تازگی فوت کرده است. آیا مادر پریسا می‌تواند بدون انجام مراحل قانونی و رضایت وارثان گردن‌بند مادرش را یادگاری بردارد؟

- پدر بزرگ پژمان که مرد خیری بوده وصیت کرده است همه‌ی اموالش را پس از مرگش به مستمندان بدهند. آیا می‌توان به این وصیت عمل کرد؟

- مادر بزرگ هستی تازه از دنیا رفته است و وصیت‌نامه‌ای ندارد. آیا مادر هستی می‌تواند از اموال مادرش به بینوایان کمک کند؟

۲-۳ موجبات ارث

دو امر موجب می‌شود که فردی از دیگری ارث ببرد: نَسَب و سَبَب.

منظور از نَسَب، خویشاوندان‌اند که به ترتیب از آن‌ها نام برده می‌شود و منظور از سَبَب، فرد یا افرادی هستند که به سبب ازدواج، به عنوان همسر، از متوفّا ارث می‌برند.

ممکن است درباره‌ی امور مادی یا معنوی باشد. فرد می‌تواند وصیت کند که از اموالش پس از مرگ، مقدار مشخصی به بینوایان بدهند، یا مال خاصی به شخصی معین داده شود. وصیت نسبت به ترک‌ه باید اجرا شود و بازماندگان حق تخطی ندارند. البته وصیت زمانی دارای اعتبار قانونی است که به طور رسمی نوشته شده باشد و در دفترخانه ثبت شود.

بنابراین، سه حالت ممکن است:

الف) وصیت به میزان ثلث مال باشد. در این صورت باید به آن عمل شود.

ب) وصیت بیش از ثلث مال باشد. در این صورت، چنانچه وارث یا وارثان رضایت داشته باشند، به آن عمل می‌کنند. اما اگر بعضی از وارثان راضی و بعضی ناراضی باشند، آن‌ها که رضایت دارند، شخصاً هزینه‌های وصایای مازاد بر ثلث را بر عهده می‌گیرند.

ج) وصیت کم‌تر از ثلث مال باشد. در این صورت، بقیه‌ی اموال پس از اجرای وصیت به بازماندگان به ارث می‌رسد.

توجه



قبل از پرداخت دیون متوفّا نمی‌توان در اموال بازمانده تصرف کرد. اما می‌توان در شرایطی میزان ثلث مال را محاسبه و آن را به مرور، برای آن چه وصیت شده است، صرف کرد.

۳-۲-۱ خویشاوندان نسبی

در قانون ارث خویشاوندان نسبی متوفاً به سه دسته تقسیم می‌شوند. به هر دسته «طبقه» گفته می‌شود، که به ترتیب از متوفاً ارث می‌برند. در این صورت تا زمانی که در طبقه‌ی اول کسی موجود باشد، فردی از طبقه‌ی دوم ارث نمی‌برد. هم‌چنین زمانی افراد طبقه‌ی سوم ارث می‌برند که هیچ فردی از طبقه‌ی دوم موجود نباشد.

طبقات ارث به شرح زیر است:

طبقه‌ی اول: پدر و مادر متوفاً و فرزندان او. اگر فرزند یا فرزندان او زنده نباشند، فرزند یا فرزندان فرزندان با پدر و مادر متوفاً در ارث سهیم می‌شوند. درباره‌ی فرزندان فرزندان، آن کس که به میت نزدیک‌تر است، مقدم می‌شود بنابراین با وجود نوه، نتیجه ارث نمی‌برد.

طبقه‌ی دوم: اجداد متوفاً و خواهر و برادر او. در صورتی که متوفاً خواهر و برادری زنده نداشته باشد، فرزندان ایشان به ترتیب نزدیکی به میت با اجداد متوفاً در ارث شریک می‌شوند.

یعنی در صورت فقدان خواهر و برادر، اگر خواهر زاده‌ای وجود داشته باشد، نوه‌ی خواهر یا نوه‌ی برادر متوفی ارث نمی‌برد.

طبقه‌ی سوم: عموها، عمه‌ها و خاله‌ها و دایی‌ها که در صورت فقدان آن‌ها، فرزندان‌شان به ترتیب نزدیکی به متوفاً ارث می‌برند.

۳-۲-۲ خویشاوندان سببی

اشخاصی که به موجب سبب ارث می‌برند، هر یک از زوجین هستند که هنگام فوت دیگری زنده باشد. همسر از همسر متوفای خود ارث می‌برد و با هر طبقه از طبقات سه‌گانه، که نام برده شد و وارث به حساب می‌آیند، شریک است و سهم خود را می‌برد.



توجه

طبق قانون، نخستین سهمی که از ارث برداشته می‌شود، سهم همسر است. سپس، سهم دیگر بازماندگان حساب می‌شود.

فعالیت عملی ۲



درباره‌ی پرسش‌های زیر در کلاس بحث کنید:

- پدر سپهر در گذشته است. او دارای سه فرزند و یک خواهر و برادر بوده است. کدام یک وارث او به حساب می‌آیند؟
- مادر سپیده از دنیا رفته است. او دارای همسر و دو فرزند و مادر بوده است. کدام یک از او ارث می‌برند؟
- دوست حسین بر اثر حادثه‌ای فوت کرده است. او دارای پدر و مادر و یک خواهر بوده است. چه کسانی وارث او محسوب می‌شوند؟
- پدر زهرا در گذشته است، او دارای همسر و یک فرزند و دو خواهر و برادر بوده است. وارثان او چه

این حالت اگر وارث تنها پدر یا تنها مادر باشد، تمام ارث به او تعلق می‌گیرد.

اگر پدر و مادر متوفاً هر دو زنده باشند و متوفاً خواهر و برادر نیز نداشته باشد به مادر $\frac{1}{3}$ مال و پدر $\frac{2}{3}$ ارث می‌رسد

ب) متوفاً پدر و مادر نداشته باشد و وارث او چند فرزند باشند، ترکه به طریق زیر تقسیم می‌شود:

- اگر فرزند منحصر به یکی باشد خواه پسر، خواه دختر، تمام ترکه به او می‌رسد.

- اگر فرزندان متعدد باشند ولی تمام پسر یا تمام دختر باشند، ترکه بین آنها به طور مساوی تقسیم می‌شوند.

- اگر فرزندان متعدد باشند ولی بعضی دختر و بعضی پسر باشند، پسر دو برابر دختر ارث می‌برد.

ج) اگر متوفاً هم پدر یا مادر و هم فرزند داشته باشد. در این صورت اگر فرزند تنها یک دختر باشد، پدر $\frac{1}{4}$ و مادر $\frac{1}{4}$ و دختر $\frac{1}{2}$ از ترکه، ارث می‌برد.

چنانچه با وجود پدر یا مادر یا هر دوی ایشان، متوفاً چند دختر هم داشته باشد، سهم دخترها $\frac{2}{3}$ ترکه است، که به نسبت مساوی بین آنها تقسیم می‌شود و سهم هر یک از پدر و مادری $\frac{1}{6}$ مائترک است.

در صورتی که با وجود پدر یا مادر متوفاً یا هر دو، فرزندان دختر و پسر هم وجود داشته باشند، سهم هر یک از پدر و مادر $\frac{1}{6}$ است و باقی مانده بین فرزندان

کسانی اند؟

- پدر و مادر سهیل در تصادف کشته شده‌اند.

سهیل تنها یک عمه و یک عمو دارد که با آنها زندگی می‌کند، وارث پدر سهیل کیست؟

- یک خانواده در دریا غرق شده‌اند، مادر این خانواده تنها یک مادر بزرگ و یک برادر داشته است.

کدام یک وارث او به حساب می‌آیند؟

- در حادثه‌ای آقای صالحی و بعضی نزدیکان او از دنیا رفته‌اند. تنها عمه، دختر عمه، پسر عمه و دایی آقای صالحی زنده مانده‌اند کدام یک ارث می‌برند؟

۳-۳ سهم ارث

سهم ارث بعضی از وارثان در قانون مشخص شده است، مانند مادر، زوج و زوجه به این سهم مشخص شده «فرض» گفته می‌شود. سهم بعضی از وارثان نیز در قانون مشخص نشده است. سهم ارث این افراد پس از پرداخت سهم صاحبان فرض، از باقی مانده‌ی مال به ترتیبی که می‌آید، پرداخت می‌شود. در این جا سهم ارث طبقه‌ی اول و همسران به دلیل اهمیتی که دارد توضیح داده می‌شود.

۱-۳-۳ سهم ارث طبقه‌ی اول

چنان که ذکر شد، در طبقه‌ی اول پدر و مادر و فرزندان قرار دارند. در این صورت سه حالت متصور است.

الف) متوفاً فرزند یا فرزند فرزند نداشته باشد. در

سهم زن از شوهر متوفا در صورت فقدان فرزند یا نوه از متوفا، $\frac{1}{4}$ ترکه است و در صورت وجود فرزند یا نوه، سهم زن به $\frac{1}{8}$ تقلیل می‌یابد.

شوهر از تمام اموال زن متوفای خود ارث می‌برد. زن، از اموال منقول از هر قبیل که باشد، ارث می‌برد، به علاوه‌ی قیمت ساختمان و درختان. بنابراین، زن از زمین سهمی ندارد.

چکیده

با مرگ هر فرد مالکیت او نسبت به اموال پایان می‌پذیرد. طبق قوانین ارث پس از وفات، در مرحله‌ی نخست، حقوقی که متوفا بر عهده‌ی دیگران دارد، وصول می‌شود.

سپس هزینه‌ی کفن و دفن و دیون متوفا پرداخت می‌شود. پس از آن مالیات بر ارث پرداخت می‌شود. چنانچه متوفا در زمان حیات وصایایی کرده باشد، در صورتی که وصایا به میزان اموال یا کم‌تر از آن باشد، به آن عمل می‌شود.

باقی مانده‌ی اموال به ارث به وارث یا وارثان تعلق می‌گیرد.

همسر متوفا اولین کسی است، که سهم او محاسبه می‌شود. سپس خویشاوندان نسبی متوفا بر حسب سه طبقه‌ی ارث، که در قانون کاملاً مشخص شده است، ارث می‌برند و مالک سهم خویش می‌شوند.

تقسیم می‌شود، به طوری که به پسران دو برابر سهم دختران ارث می‌رسد.

فعالیت عملی ۳



- سعید از دنیا رفته است، وارثان او پدر و مادرش هستند، سهم هر یک چه قدر است؟
- سیمین در تصادفی کشته شده و تنها بازمانده‌ی او یک دختر است، سهم او چه قدر است؟
- پدر و مادر نسترن از دنیا رفته‌اند. در حالی که پدر بزرگ و مادر بزرگ نسترن زنده‌اند، سهم هر یک از پدر بزرگ، مادر بزرگ و نسترن چه مقدار است؟
- وارثان بهروز، پدر و مادر و سه دختر او هستند، سهم هر یک چه مقدار است؟
- تنها وارث سیامک، یک پسر است، سهم او چه قدر است؟

۲-۳-۳- سهم ارث همسران

با وجود دو شرط، همسر از همسر متوفای خود ارث می‌برد. یکی این که ازدواج آن دو با عقد دائم باشد. دیگر آن که به دلیل قانونی از ارث ممنوع نشده باشد. همسر، با هر طبقه از طبقات خویشاوندان نسبی که ارث می‌برند، در ارث شریک است.

سهم شوهر از زن متوفا، در صورتی که از او فرزند یا نوه‌ای به جا نمانده باشد، $\frac{1}{4}$ ترکه است. در غیر این صورت $\frac{1}{2}$ ترکه به شوهر ارث می‌رسد.

آزمون پایانی عملی واحد کار سوم



فرض کنید سه نفر به نام‌های بیژن، شقایق و جمشید از دنیا رفته‌اند. برای هر یک وارشان فرضی در نظر بگیرید و سهم آن‌ها را محاسبه کنید.

آزمون پایانی نظری واحد کار سوم



- ۱- چه مواردی از مالِ متوفا در مرحله‌ی نخست خارج می‌شود؟
- ۲- برای وصیت در خصوص اموال چند حالت متصور است؟ به طور خلاصه توضیح دهید.
- ۳- موجبات ارث را نام ببرید.
- ۴- منظور از «طبقه» در قانون ارث چیست؟
- ۵- ارث همسران را به طور خلاصه توضیح دهید.





پاسخ‌نامه‌های پیش‌آزمون‌ها (بخش اول)

واحد کار اول

ردیف	گزینه
۱	ج
۲	ب
۳	د
۴	الف
۵	د

واحد کار دوم

ردیف	گزینه
۱	الف
۲	د
۳	ب
۴	الف
۵	الف

واحد کار سوم

ردیف	گزینه
۱	الف
۲	الف
۳	ج
۴	الف



واحد کار چهارم

ردیف	گزینه
۱	د
۲	د
۳	الف
۴	ب
۵	ب
۶	الف

واحد کار پنجم

ردیف	گزینه
۱	ج
۲	ب
۳	ج
۴	ب
۵	ج

پاسخ‌نامه‌های آزمون‌های پایانی نظری (بخش اول)



واحد کار اول

۱. ارتباط اجتماعی سالم باعث افزایش سلامت روانی و جسمی انسان می‌شود. هم‌چنین، این ارتباط‌ها می‌تواند توانایی حل مشکلات و هم‌چنین مقابله با سختی‌ها را افزایش دهد. علاوه بر این، ارتباطات سالم باعث کاهش احساسات منفی و افزایش احساس ایمنی می‌شود و در نهایت، زمینه‌ای لازم برای موفقیت ایجاد می‌کنند.
۲. حمایت اجتماعی عبارت است از میزان آرامش، احترام، امنیت، آسایش و کمکی که انسان می‌تواند از مردم یا گروه‌های دیگر دریافت کند.



۳. پیام دهنده، پیام و پیام گیرنده.

۴. برای آن که بهتر بتوان به صحبت‌های طرف مقابل گوش داد، مهم است که در حین حرف زدن وی کار خاصی انجام نشود و شنونده به او نگاه کند. در عین حال، با استفاده از عوامل غیر کلامی و کلامی نشان دهد که به صحبت‌های وی گوش می‌کند.

۵. ارتباط انسانی دوطرفه است. در ارتباط انسانی روبه رو شدن با اختلاف عادی است و مهم است که طرفین به دنبال روش‌هایی برای کاهش اختلاف میان خود باشند.

واحد کار دوم

۱. دل‌بستگی، نوعی ارتباط عمیق عاطفی بین فرد و خانواده است که موجب احساس امنیت می‌شود.

۲. منظور از حریم شخصی، احساس مالکیت انسان بر قسمت‌های مختلف وجود خود است. مهم است که در روابط نزدیک به چنین حریم‌های شخصی احترام گذاشته شود.

۳. هر انسانی دارای ارزش‌ها، اهداف، اعتقادات و تفسیر خاصی از جهان است. تفاوت زوجین در چنین دیدگاهی موجب بروز اختلافات مهمی در بین آنان می‌شود. شایع‌ترین اختلاف‌های مربوط به تفسیر در میان زوجین عبارت است از آن که فرد رفتارهای خود را اتفاقی و موردی ارزیابی کند ولی رفتارهای دیگران را خصوصیت او تلقی کند که باعث سوء تفاهم می‌شود.

۴. طعنه، کنایه، متلک، حسادت، غیبت، رنجش و آزرده‌گی، سرزنش خود یا دیگری، قهر کردن، جابه‌جا کردن خشم، تحقیر، تمسخر، حمله به دیگران و تخریب اموال.

۵. احترام، مسئولیت، اعتماد، درک و فهم.

۶. نوبت گذاشتن، قرعه کشی کردن، مصالحه کردن، گذشت کردن و گرفتن امتیاز از طرف مقابل، انجام هر دو راه حل و کمک گرفتن از یک داور یا حکم.

۷. محبت و صمیمیت، احترام گذاشتن به یک دیگر، گذشت و خطا پوشی و همکاری و تقسیم کار.

واحد کار سوم

۱. ازدواج:

- وسیله و ابزاری برای رسیدن به هدفی است.

- زن و شوهر باید کاملاً شبیه هم باشند.

- ازدواج یعنی رفاه و خوش بختی.



۲. سن، وضعیت اجتماعی، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی مشابه، استقلال زوجین از خانواده، وضعیت مالی مناسب و برخورداری از مهارت تصمیم‌گیری برای زندگی مشترک.
۳. در مهارت تصمیم‌گیری عقلانی و منطقی، اساس و زیربنای تصمیم‌گیری تعقل و تفکر است. این مهارت دارای چند مرحله زیر است:
روبه رو شدن با موقعیت تصمیم‌گیری - آگاهی از این که در موقعیتی قرار گرفته است که باید در آن باره تصمیم بگیرد.
تعیین گزینه‌های ممکن و جمع‌آوری اطلاعات در باره ی آن‌ها - فرد، گزینه‌هایی را که دارد مشخص و فهرستی از آن‌ها تهیه می‌کند.
ارزیابی پیامدهای پیش‌بینی شده گزینه‌ها - پیامدهای مثبت و منفی هر گزینه مشخص می‌شود.
متعهد کردن خود به یک تصمیم - فرد یکی از گزینه‌ها را بر می‌گزیند و خود را به انجام آن متعهد می‌کند.
برنامه‌ریزی برای اجرای تصمیم - گام‌های اجرایی برای انجام تصمیم مشخص می‌شود.
اجرای تصمیم - در این مرحله، فرد گام‌های اجرایی را برمی‌دارد.
ارزیابی پیامدهای واقعی تصمیم - در این مرحله، فرد مشخص می‌کند تصمیم گرفته شده تا چه اندازه مؤثر و مفید بوده است.

■ واحد کار چهارم

۱. زنان و مردان در برقراری ارتباط با یک‌دیگر متفاوت‌اند.
- زنان و مردان از نظر ابراز هیجانات با هم متفاوت‌اند.
- مردان کلی‌تر به مسائل نگاه می‌کنند.
۲. بیان محبت، علاقه و توجه، بیان سالم احساسات منفی، بیان روشن انتظار و توقع از دیگری، انجام برنامه‌های مشترک، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری مشترک.
۳. کلامی، نوشتاری و غیرکلامی.
۴. منظور آن است که هریک از زوجین، به جنبه‌های خصوصی زندگی یک‌دیگر احترام بگذارند و به آن وارد نشوند و هم‌چنین اوقاتی را به برنامه‌های شخصی و زمانی را به برنامه‌های مشترک اختصاص دهند.
۵. منظور آن است که ایفای یکی از نقش‌ها قربانی نقش‌های دیگر نشود و بتواند وقت مناسبی را برای نقش‌های مختلف و متعدد خود اختصاص دهند.



۶. مهم است که والدین قسمتی از اوقات خود را با فرزندان خود بگذرانند و با آنان به انجام کارهای مشترک بپردازند. علاوه بر این، ضرورت دارد ارتباط با فرزندان متناسب با سن و خصوصیات رشدی آنان باشد. ابراز محبت به فرزندان و پذیرش بی‌قید و شرط آنان تأثیر مهمی بر رشد عزت نفس آنان دارد. ضرورت دارد والدین علاوه بر محبت، به راهنمایی، کنترل رفتارهای نامناسب و آموزش رفتارهای سالم و مناسب نیز بپردازند.

واحد کار پنجم

۱. منظور از مشکلات ارتباطی در خانواده، الگوی ارتباطی است که باعث ایجاد مشکل و اختلال میان یک یا چند نفر از اعضای خانواده می‌شود یا خانواده را دچار اختلال می‌کند.
۲. مشکلات ارتباطی ناشی از بیماری‌های روانی و جسمانی، مشکلات ارتباطی والدین، مشکلات ارتباطی بین والدین و فرزندان و مشکلات ارتباطی بین خواهران و برادران.
۳. منظور از کودک آزاری، صدمه‌ی عمدی رساندن به افراد زیر هجده سال است و انواع مختلفی دارد: آزار جسمی، آزار روانی و غفلت.
۴. آزار کلامی، آزار جسمانی و کنترل همسر.
۵. منظور از مشکلات ارتباطی بین خواهران و برادران، رقابت آنان در دستیابی به محبت و توجه والدین و هم‌چنین، همکاری آنان با یک‌دیگر در مخالفت و مقاومت در برابر والدین است. گاهی از اوقات یکی از فرزندان به علت بیماری مورد توجه بیش از حد سایر اعضای خانواده قرار می‌گیرد، یا طرد می‌شود.

پاسخ‌نامه‌های پیش‌آزمون‌ها (بخش دوم)

واحد کار اول

- ۱- ب ۲- الف ۳- الف (غ ب (غ ج (ص د (غ

واحد کار دوم

۱- حواس پنج گانه عبارت‌اند از: بینایی، شنوایی، بویایی، لامسه و چشایی.

۲- حواس بینایی و شنوایی

- ۳- د ۴- ج ۵- د



واحد کار سوم

ج-۱ د-۲ الف-۳ ج-۴

واحد کار چهارم

الف) ص ب) غ ج) غ د) ص ه) غ و) ص

واحد کار پنجم

۱- الف) ص ب) غ ج) غ د) غ د-۲

واحد کار ششم

ج-۱ د-۲ ج-۳ ج-۴

واحد کار هفتم

الف) غ ب) غ ج) غ د) ص ه) غ و) ص

واحد کار هشتم

الف) غ ب) ص ج) ص د) غ ه) غ و) ص

پاسخ‌نامه‌های آزمون‌های پایانی نظری (بخش دوم)



واحد کار اول

۱- تعلیم و تربیت یعنی زمینه‌سازی برای رشد و شکوفایی استعدادهای کودکان.

۲- تعلیم مقدمه‌ی تربیت است.

۳- به ترتیب خانواده، مدرسه و نهایتاً اطرافیان و دوستان نقش دارند.

واحد کار دوم

۱- تقویت حواس پنج‌گانه، آگاه کردن کودک از اهمیت آن‌ها و روش مراقبت هر یک از حواس و اعضای مربوط به آن.

۲- خیر. باید در کنار آن، مفاهیم مختلف را به کودک آموزش و اطلاعات لازم را به او داد.

۳- به کمک زبان، افکار و احساسات خود را بیان می‌کنیم و با دیگران ارتباط برقرار می‌کنیم. انسان بدون دانستن



زبان نمی‌تواند فکر کند.

۴- مادر

۵- ۱۸ ماهگی - ۲۴ ماهگی

واحد کار سوم

۱- ب ۲- ب ۳- ب

واحد کار چهارم

۱- ب ۲- الف

۳- ج ۴- الف

الف) ص ب) غ ج) غ د) ص ه) غ و) ص

۴- ج ۵- الف

واحد کار پنجم

۱- به بازی کودک‌ان اهمیت بدهند.

۲- با کودک بازی کنند به خصوص با استفاده از امکانات موجود با کمک او اسباب بازی بسازند.

۳- در بازی کودک‌ان دخالت نکنند بلکه راهنمای او باشند.

واحد کار ششم

۱- د ۲- د ۳- ج

واحد کار هفتم

۱- ج ۲- د ۳- ج ۴- د

واحد کار هشتم

۱- خانه، مدرسه و تلویزیون.

۲- ب ۳- ج ۴- د



پاسخ‌نامه‌های پیش‌آزمون‌ها (بخش سوم)



واحد کار اول

ردیف	گزینه
۱	ج
۲	د
۳	ج
۴	ب

واحد کار دوم

ردیف	گزینه
۱	د
۲	الف
۳	ج
۴	الف
۵	الف

واحد کار سوم

ردیف	گزینه
۱	ب
۲	د
۳	ج
۴	د
۵	الف



پاسخ‌نامه‌های آزمون‌های پایانی نظری (بخش سوم)



واحد کار اول

- ۱- حق ممکن است به «شیء» تعلق بگیرد، مانند خانه، اتومبیل، یا به «منفعت شیء» تعلق بگیرد، مثل سکونت یک خانه، یا به «دین» تعلق بگیرد، مانند حق طلبکار نسبت به طلبی که از دیگری دارد.
- ۲- حقوق مجموع مقرراتی است که در زمان معین بر جامعه‌ای حکومت می‌کند و به وسیله‌ی دولت تضمین و حمایت می‌شود.
- ۳- قواعد حقوقی الزام‌آور، کلی و دایم‌اند و رعایت آن‌ها از طرف دولت تضمین شده است.
- ۴- حقوق مدنی بخشی از قوانین و مقررات حاکم بر یک کشور است که همه‌ی افراد آن کشور باید به آن پای‌بند باشند. حقوق مدنی روابط بین اشخاص را تنظیم می‌کند.
- ۵- مباحث حقوق مدنی به طور کلی عبارت‌اند از: مبحث اموال، اشخاص و ادله‌ی اثبات دعوی.
- ۶- حقوق خانواده بخشی از حقوق مدنی است که زیر عناوین نکاح، طلاق و فرزندان طرح شده است.

واحد کار دوم

- ۱- شروط مثبت در عقد ازدواج عبارت‌اند از: قصد و رضایت طرفین ازدواج به پیوند زناشویی، سن بلوغ، رضایت پدر در خصوص ازدواج دختر باکره و سلامت عقل.
- ۲- شروط منفی عبارت‌اند از: خویشاوندی نسبی، خویشاوندی سببی، رضاع یا شیرخوارگی، شوهردار بودن زن، اختلاف در دین زوجین.
- ۳- حقوق غیر مالی به مال مربوط نمی‌شوند و بیش‌تر اخلاقی‌اند، مانند داشتن رفتار نیکو، رعایت مصالح خانواده، عمل به وظایف زناشویی.
- ۴- مهر و نفقه
- ۵- مسکن، خوراک، پوشاک و لوازم منزل، که به طور متعارف مناسب موقعیت زن باشد هزینه‌های درمانی و بهداشتی، هم‌چنین خدمتکار، اگر زن عادت به آن داشته باشد یا مریض باشد، نفقه محسوب می‌شوند.
- ۶- بر هم زدن عقد نکاح بر اساس مجوز قانونی که یکی از دو طرف عقد در دست دارد.
- ۷- طلاق بر دو قسم رجعی و باین تقسیم می‌شود. در طلاق رجعی، مرد پس از طلاق در ایام عده‌ی زن، حق رجوع



به او را دارد. اما در طلاق باین مرد پس از طلاق حق رجوع به زن را ندارد.

- ۸- حضانت قدرتی است که قانون به منظور نگهداری و تربیت اطفال به پدر و مادر آنان اعطا کرده است.
- ۹- حضانت وظیفه‌ی پدر و مادر طفل است تا زمانی که ایشان زنده و دارای صلاحیت‌اند. در صورت فوت یکی از آن‌دو حضانت طفل بر عهده‌ی طرف دیگر است. در صورت جدایی زن و شوهر از یکدیگر، مادر تا هفت سال نسبت به حضانت کودک اولویت دارد.
- ۱۰- ولایت، اقتداری است که قانون‌گذار به منظور اداره‌ی امور مالی کودک و افراد ناتوان دیگری که در قانون تعیین شده‌اند به پدر و جد پدری اعطا کرده است.

واحد کار سوم

- ۱- مخارج مربوط به کفن و دفن میت، بدهی‌های میت در زمان حیات او و مالیات بر ارث.
- ۲- اگر وصیت به میزان ثلث ترک باشد به آن عمل می‌شود. اگر وصیت بیش از ثلث مال باشد، با رضایت وارثان به آن عمل می‌شود. اگر وصیت کم‌تر از ثلث مال باشد در این صورت بقیه‌ی اموال، پس از اجرای وصیت، به بازماندگان به ارث می‌رسد.
- ۳- نَسَب و سَبَب
- ۴- در قانون ارث خویشاوندان نَسَبی متوفاً به سه دسته تقسیم می‌شوند. به هر دسته «طبقه» گفته می‌شود.
- ۵- چنانچه عقد ازدواج دایم باشد و مانعی از ارث نباشد، همسر با هر طبقه از طبقات خویشاوندان نَسَبی که ارث می‌برند در ارث شریک است. سهم شوهر از زن متوفا اگر فرزند یا نوه‌ای نداشته باشد یک دوم ترک و در غیر این صورت $\frac{1}{4}$ ترک است. سهم زن از شوهر متوفا اگر فرزند یا نوه‌ای نداشته باشد $\frac{1}{4}$ ترک و در غیر این صورت $\frac{1}{8}$ ترک خواهد بود.



منابع و مآخذ (بخش اول)

۱. اتکینسون، ر.ل.، اتکینسون، ر.س. و هیلگارد، ا.ر. زمینه‌ی روان‌شناسی ترجمه محمد نقی براهنی، جلد دوم (تهران)، انتشارات رشد، ۱۳۸۱
۲. بوالهری، ج.، نوری، ر. و رضایی، ع. آیات قرآنی در زمینه‌ی بهداشت روانی، برای کارکنان بهداشت روانی و مربیان مدارس (تهران): دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران: انستیتو روان پزشکی تهران و سازمان جهانی بهداشت: مرکز همکاری‌های مشترک در بهداشت روان، ۱۳۷۸
۳. خمسه، آموزش قبل از ازدواج: راهنمای عملی برای زوج‌های جوان تهران، انتشارات دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۲
۴. کرومبولتز، ج.د. و کرومبولتز، و. ه. ب. تغییر دادن رفتارهای کودکان و نوجوانان. ترجمه‌ی یوسف کریمی تهران، انتشارات فاطمی، ۱۳۷۰
۵. ماسن، پ. ه.، کیگان، ج.، هوستون، آ. ک. و کانجر، ج. ج. و رشد و شخصیت کودک. ترجمه‌ی مهشید یاسایی (تهران)، انتشارات ماد، چاپ چهارم، ۱۳۸۰
۶. مشکینی، ع ازدواج در اسلام. ترجمه‌ی احمد جنتی (قم) دفتر نشر الهادی، ۱۳۶۶
۷. مطهری، م اخلاق جنسی در اسلام و غرب (تهران) انتشارات صدرا، ۱۳۷۲
۸. نظام حقوق زن در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۹
۹. مظاهری، ح خانواده در اسلام، قم، انتشارات شفق، ۱۳۶۴
۱۰. نوری، ر آن چه باید در مورد ازدواج بدانیم، تهران، وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری و دانشگاه تهران، ۱۳۸۳
۱۱. Berger, K.S. (2001). The developing person through the life span. 4th edition. New York: Worth Publishers.
۱۲. Carter-Lourensz, J. H., Johnson-Powell, G. (1995). Physical abuse, sexual abuse and neglect of child. In: H.I. Kaplan & Sadock, B.J. (Eds.). Comprehensive textbook of psychiatry. Vol. 6, 2th ed. Baltimore: Lippincott, Williams & Wilkins.
۱۳. Dickstein, L. (2005). Relational problems. In: B. J. Sadock & V. A. Sadock. (Eds.). Kaplan & Sadock's comprehensive textbook of psychiatry. Vol.8, 2th ed. Baltimor: Lippincott Williams & Wilkins.



۱۴. Krug EG, Dahlberg LAMercy JA, Zwi AB &Lozano R, (2002). World Report on Violence and Health. Geneva: World Health Organization. 113-87.
۱۵. Lions –Quest (1992). Skills for adolescence: Review curriculum. A joint program of Lions Club International and Quest International. Granville: Quest international.
۱۶. Lions –Quest(1995). Skills for action: Service character, citizenship &responsibility: Review curriculum. Granville: Quest international.

برای مطالعه‌ی بیشتر (بخش اول)



- ۱- کرومبولتز، ج.د. و کرومبولتز، و.ه. ب (۱۳۷۰) تغییر دادن رفتارهای کودکان و نوجوانان، ترجمه‌ی یوسف کریمی (تهران) انتشارات فاطمی، ۱۳۷۰
- ۲- گینات، ح رابطه‌ی والدین و کودک، ترجمه‌ی سیاوش سرتیپ زاده تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۰
- ۳- فصل‌نامه‌ی خانواده‌پژوهی. دانشگاه شهید بهشتی: پژوهشکده خانواده.
- ۴- ماهنامه آموزشی، اطلاع‌رسانی کودک. انجمن روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان و انجمن ایرانی روان‌شناسی
- ۵- مطهری، م نظام حقوق زن در اسلام، تهران، انتشارات صدرا ۱۳۶۹
- ۶- میلر، ش.، میلر، ف.، الام، و.ن. و دانیل، ب.و (۱۳۸۳) آموزش مهارت‌های ارتباط زناشویی، حرف زدن و گوش دادن به همدیگر. ترجمه‌ی بهاری، فرشاد، تهران، انتشارات رشد ۱۳۸۳
- ۷- نوری، ر آن چه باید در مورد ازدواج بدانیم، تهران، وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری و دانشگاه تهران، ۱۳۸۳



منابع و مآخذ (بخش دوم)

- ۱- قرآن مجید
- ۲- احمدی، علی اصغر، اوقات فراغت، تأمین سلامتی روانی و جسمانی، نشریه‌ی رسالت، ۱۳۸۴/۵/۲۶
- ۳- آذر، رسول، بازی و اهمیت آن یادگیری، تبریز، انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۷۳
- ۴- اختلالات زبان و گفتار در کودکان، ترجمه‌ی حمید علیزاده، تهران: انتشارات رشد، ۱۳۷۳، ۱
- ۵- اصول و روش شناسی تمرین از کودکی تا قهرمانی، ترجمه‌ی خسرو ابراهیم، تهران، انتشارات دانشکده تربیت بدنی
- ۶- اوقات فراغت، بخشی از فرآیند تربیت، توصیه‌های کارشناسان تربیتی به والدین دانش آموزان، نشریه‌ی خراسان، ۱۳۷۸
- ۷- اوقات فراغت، اهمیت، برنامه‌ها و توصیه‌ها، تهران، نشریه‌ی پیوند، شماره‌ی ...
- ۸- آمابلی، ترزا، شکوفایی خلاقیت، ترجمه‌ی دکتر حسین قاسم زاده و پروین عظیمی، نشر دنیای نور، چ ۱، ۱۳۷۴
- ۹- ایروانی، شهین، مبانی آموزش خانواده (جزوه‌ی درسی تربیت مربی کودک)، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۳
- ۱۰- ایمن (آهی)، لیلی و دولت آبادی، مهدخت و توران میرهادی، گذری در ادبیات کودکان، تهران، انتشارات شورای کتاب کودک، چ ۵، ۱۳۵۷
- ۱۱- بازرگان، زهرا، مدرسه‌ای دیگر، انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، تهران، چ ۱، ۱۳۷۶
- ۱۲- باطنی، محمدرضا، پیرامون زبان و زبان شناسی، تهران، فرهنگ معاصر، چ ۱، ۱۳۷۱
- ۱۳- جان بزرگی، مسعود، اوقات فراغت، شخصیت و سلامتی، نشریه‌ی روان شناسی امروز، شماره‌ی ۹، مرداد ماه ۱۳۸۰
- ۱۴- جerald، پترسون، شیوه‌های نوین تربیت کودک، ترجمه‌ی طاهر اجلالی، تهران، نشر پادرا، چ ۱، ۱۳۸۲
- ۱۵- جوانان و تجربه زندگی در اوقات فراغت، دبیرخانه‌ی شورای عالی جوانان، تهران، اسپید، چ ۱، ۱۳۷۹
- ۱۶- حسینی، افضل‌السادات، ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی (شرکت به نشر)، چ ۱، ۱۳۷۸
- ۱۷- دانیلز گاربر، ماریان و دیگران، چگونه با کودک رفتار کنیم، ترجمه‌ی دکتر ولی سهامی، شاهین خزعلی، هومن حسینی نیک و احمد شریف تبریزی، تهران، مروارید، چ ۸، ۱۳۸۱



- ۱۸- دونادیو، ام. پ. و. ژ.ر. کورتوا، بازی‌های ورزشی در مهد کودک، تهران، انتشارات کارگاه کودک، چ ۱، ۱۳۷۹
- ۱۹- راهنمای تدریس معلمان تربیت بدنی در دبستان، ترجمه‌ی شمسی نیلگون، تهران، انتشارات مدرسه، چ ۱، ۱۳۷۱
- ۲۰- رحماندوست، مصطفی، ادبیات کودکان و نوجوانان (ویژه‌ی مراکز تربیت معلم)، تهران، شرکت چاپ و نشر ایران، چ ۱، ۱۳۶۹
- ۲۱- روان‌شناسی رشد (۱)، جمعی از مؤلفان انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی دانشگاه‌ها، تهران، ۱۳۷۰
- ۲۲- رینگ، سام، والدین و یادگیری (مجموعه‌ی رویه‌های آموزشی ۲)، تهران، فرهنگستان بین‌المللی آموزش، دفتر بین‌المللی تعلیم و تربیت، به کوشش دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی وزارت آموزش و پرورش، چ ۱، خرداد ۱۳۸۰
- ۲۳- سومخ، پریش و همتی، مسعود، راهنمای تعلیم و تربیت کودکان عقب‌مانده در خانه، تهران، مؤسسه‌ی مطبوعاتی عطایی، چ ۱، ۱۳۵۲
- ۲۴- سیف، سوسن و دیگران، روان‌شناسی رشد (۱)، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چ ۶، ۱۳۷۵
- ۲۵- شارپ، اولین، بازی تفکر کودک است (راهنمای یادگیری بازی‌های آموزشی برای کودکان قبل از مدرسه)، ترجمه‌ی قاسم قاضی، نعمت کدیور، تهران، سپهر
- ۲۶- شفیع آبادی، عبدالله، راهنمای و مشاوره شغلی و حرفه‌ای و نظریه‌های انتخاب شغل، تهران انتشارات رشد، چ ۹، ۱۳۷۶
- ۲۷- شفیع آبادی، عبدالله، راهنمای تحصیلی و شغلی، تهران، دانشگاه پیام نور، چ ۳، ۱۳۷۶
- ۲۸- شعاری نژاد، علی‌اکبر، اصول ادبیات کودکان، مؤسسه‌ی مطبوعاتی سروش، تهران، چ ۱۱، ۱۳۵۲
- ۲۹- طاهری قلیان، طاهره، ادبیات کودکان (رشته‌ی علوم تربیتی)، تهران، دانشگاه پیام نور، چ ۱، ۱۳۷۷
- ۳۰- عباس‌زاده، میر محمد، آشنایی با تعلیم و تربیت کودکان تیزهوش، ارومیه، انتشارات جهاد دانشگاهی، چ ۱، ۱۳۷۲
- ۳۱- عباسی، انسیه، جزوه‌ی درسی (رشد طبیعی گفتار و زبان - عملکردهای زبان در انسان)، تهران، دانشکده‌ی توان‌بخشی دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۱۳۷۷
- ۳۲- عظیمی، سیروس، روان‌شناسی کودک، تهران، انتشارات صفار، چ ۵، ۱۳۷۰



- ۳۳- علی پور، منوچهر، آشنایی با ادبیات کودکان، تهران، انتشارات تیرگان، چ ۱، ۱۳۷۹
- ۳۴- علیجانیان، رضا، بازی‌های دبستانی، اصفهان، حق شناس، پاییز ۱۳۸۰
- ۳۵- فروغی، نعمت‌الله، اوقات فراغت در سیره و سنت (۱) و (۲)، نشریه‌ی صدای عدالت، ۸۳/۵/۲۹
- ۳۶- کانتر، لی و هانسر، لی، مشق بدون اشک، چگونه می‌توان فرزندان را به انجام تکالیف درسی تشویق کرد؟، ترجمه‌ی مجید رئیس دانا، تهران، رشد، چ ۱، ۱۳۷۴
- ۳۷- کنوی، اریک، بازی‌ها و اسباب بازی‌های جادویی، ترجمه‌ی پری ناز مرعشی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۳، ۱۳۷۴
- ۳۸- کوین، وینتا، برنامه‌ی آموزش و پرورش در دوره‌ی پیش از دبستان، ترجمه‌ی دکتر فرخنده مفیدی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چ ۱، ۱۳۷۴
- ۳۹- کی منش، خسرو، شناخت اوقات فراغت و راه‌های پر کردن آن، قم، دارالتقلین، چ ۱، ۱۳۷۸
- ۴۰- کینگ، جری-دی و جان دی، کینگ، آموزش علوم تجربی قبل از دبستان، ترجمه‌ی دکتر صادقی و منوچهر مجاور، مشهد، مؤسسه‌ی انتشارات آستان قدس رضوی، چ ۳، ۱۳۶۹
- ۴۱- گوستاوسون، مایل آ. و دیگران، بازی‌های آموزشی و پرورشی، ترجمه‌ی خدیجه کیانی هکروی، حسین پورسلطانی زرنندی، انتشارات صنم، چ ۱، ۱۳۷۷
- ۴۲- لکو، پائولو، بازی‌های ملل، ترجمه‌ی محمد رضا شجاع رضوی، مشهد، شرکت تیز هوش، چ ۱، ۱۳۶۳
- ۴۳- مجد، پارسا، روان‌شناسی رشد کودک و نوجوان، تهران، مؤسسه انتشارات بعثت، چ ۱، ۱۳۶۷
- ۴۴- مفیدی، فرخنده، کتاب کار کودک و مربی، جمع‌آوری عزیزه عسگری نیکچه، تهران، انتشارات مدرسه، پاییز ۱۳۸۰
- ۴۵- مقدم، مصطفی و منوچهر ترکان، بازی‌های آموزشی، تهران، انتشارات مدرسه، چ ۶، ۱۳۷۶
- ۴۶- ملینسکی، سوخو، تعلیم و تربیت علمی برای همگان، ترجمه‌ی رضی هیرمندی خدادادی، نشر آروین، چ ۱، ۱۳۷۲
- ۴۷- مؤمنی، مصطفی، اوقات فراغت در دنیای مدرن، نشریه‌ی رسالت، ۸۳/ ۶/ ۷
- ۴۸- نجاتی، حسین، روان‌شناسی کودک، چ ۲، ۱۳۷۳
- ۴۹- نجفیان، شهلا و نوذرآوان، مریم، بازی‌های آموزشی برای کودکان قبل از دبستان، تهران، نشر نی، چ ۴، ۱۳۷۰
- ۵۰- ونینگ، کنت، چگونه کودکان را با خود همراه کنیم؟ ترجمه‌ی دکتر مهدی تهرانی دوست، تهران، انتشارات



سنا، ۱۳۸۲

- ۵۱- یلدایی، سرخه دون، کودک و بازی، انتشارات دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، چ ۱، ۱۳۵۸
- ۵۲- هی وود، کاتلین‌ام. رشد و تکامل حرکتی در طول عمر، ترجمه‌ی دکتر نمازی زاده، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چ ۱، ۱۳۷۷



برای مطالعه‌ی بیشتر (بخش دوم)

- ۱- جری، دی، کینگ و دیگران، آموزش علوم تجربی قبل از دبستان، ترجمه‌ی دکتر احمد صادقی و منوچهر مجاور، مشهد، مؤسسه‌ی انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹
- ۲- کانتر، لی و هانسر، لی، مشق بدون اشک، چگونه می‌توان فرزندان را به انجام تکالیف درسی تشویق کرد؟، ترجمه‌ی مجید رئیس دانا، تهران، رشد، چ ۱، ۱۳۷۴



منابع و مآخذ (بخش سوم)

- ۱- امامی، حسن، حقوق مدنی، تهران، کتاب‌فروشی اسلامیة، چ ۲، ۱۳۴۲
- ۲- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چ ۹، ۱۳۷۷
- ۳- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مقدمه‌ی عمومی علم حقوق، تهران، گنج دانش، چ ۱۰، ۱۳۷۶
- ۴- کاتوزیان، ناصر، مبانی حقوق عمومی، تهران، دادگستر، چ ۱، ۱۳۷۷
- ۵- کلیات حقوق نظریه‌ی عمومی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ ۱، ۱۳۷۹
- ۶- فلسفه‌ی حقوق، تهران، بهنشر، چ ۲، ۱۳۶۵
- ۷- حقوق مدنی خانواده، تهران، شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا، چ ۱، ۱۳۷۵
- ۸- منصور، جهانگیر، قانون مدنی، تهران، دیدار، چ ۸، ۱۳۸۰

